

حکمت

حکمت

تاریخ

حکما و فایده خیر صلا مصلحتین

تالیف

میرزا محمد صدوقی

حکمت

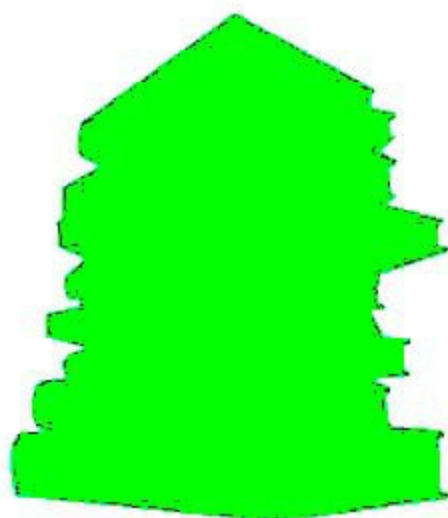
حکمت

انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران

تهران ۱۳۵۹

**Collection of Prof. Muhammad Iqbal Mujaddidi
Preserved in Punjab University Library.**

پروفیسر محمد اقبال مجددی کا مجموعہ
پنجاب یونیورسٹی لائبریری میں محفوظ شدہ



129889

وزارت فرهنگ و آموزش عالی

اشارات

انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران

شماره ۶۵

دی ماه ۱۳۵۹ هجری شمسی
ربیع الاول ۱۴۰۱ هجری قمری

قیمت ۳۵۰ ریال

فهرست المطالب

فصل اول

ادوار فلسفه در اسلام

	ذیل	پنج	فهرست المطالب
۱۸		سیزده	دیباچه
۱۸	ظهور شیخ شهید اشراقی	۳	تمهید در حقیقت شرع و عقل
۱۹	دوران ششم فترت	۵	اکمال
۱۹	اکمال	۶	استنتاج
۱۹	دوران هفتم ظهور صدر المتألهین	۶	تکمله
۲۰	شطری از حیات ظاهری	۷	فائده
۲۰	طریقه	۷	تتمیم
۲۱	ذیل	۸	تبیین
۲۲	مبدعات	۸	تمهید: مصطلحات حکمیه در شرع
۲۲	تبیین	۹	اشاره
۲۲	بعد از صدر المتألهین	۱۰	فائده
۲۲	اتباع	۱۰	دوران نخست آغاز ترجمه
۲۲	مخالفین	۱۲	دوران دوم نضج ترجمه
۲۳	ذیل [مدارك اسفار]	۱۳	دوران سوم ظهور فارابی
۲۶	دوران هشتم اسالید واسطه	۱۵	ذیل
۲۷	ذیل	۱۵	دوران چهارم ظهور ابن سینا
۲۸	اکمال	۱۶	دوران پنجم نهافتات
۳۰	تتمیم	۱۷	تبیین
۳۰	تسبیح		

۳۷	آخوند ملا عبدالجواد مدرس	۳۱	استنتاج
۳۷	آخوند ملا اسماعیل درب کوشکی	۳۱	ذیل [جماعتی از حکماء]
۳۷	ذیل	۳۱	مولی رجب علی تبریزی
۳۷	آقا سید ابوالقاسم دهکردی	۳۱	شیخ حسین تنکابنی
۳۸	آخوند ملا اسماعیل خاجوئی	۳۲	قاضی محمد قمی
۳۸	آخوند ملا محمد باقر قمشه‌ای	۳۲	قاضی سعید قمی
۳۸	میرزا سید محمد حسن بن محمد تقی	۳۲	مولی محمد صادق اردستانی
۳۸	مولی یوسف جزئی	۳۲	شیخ الاسلام کمره‌ای
۳۸	آقا میر سید حسین مدرس	۳۲	مولی صالح خلخالی
۳۸	طرب نائینی	۳۲	مولی عبدالکریم اشراق
۳۸	حاج محمد ابراهیم نقشه فروش	۳۲	میرزا محمد علی مظفر
۳۸	آخوند ملا محمد تقی خراسانی	۳۳	آخوند ملا محراب
۳۸	آخوند ملا باقر فشنه‌ای	۳۳	آخوند ملا مصطفی قمشه‌ای
۳۸	آقا سید قوام قزوینی	۳۳	مولی احمد اردکانی
۳۸	آخوند ملا رضاء تبریزی	۳۳	دوران نهم آخوند ملا علی نوری
۳۹	آخوند ملا صفر علی قزوینی	۳۴	ذیل
۳۹	آقا شیخ صدرای تنکابنی	۳۵	میرزا ابوالقاسم آقای راز
۳۹	آقا میرزا سلیمان تبریزی	۳۶	آخوند ملا اسماعیل واحدالعین
۳۹	آقا میرزا سلیمان تنکابنی	۳۶	میرزا حسن نوری
۳۹	آخوند ملا ابراهیم نجم آبادی	۳۶	آخوند ملا آقای قزوینی
۴۰	سید ابراهیم طباطبائی	۳۶	آخوند ملا عبدالله زنوزی
۴۰	شیخ محمد حسین شیرازی	۳۶	حاج ملا محمد جعفر لنگرودی
۴۰	حاجی کلباسی	۳۶	آقاسید رضی مازندرانی
۴۰	حاج سید شفیع چاپقلی	۳۶	میرزا سید محمد حسن فانی
۴۰	دوران دهم حکماء اربعه	۳۶	آخوند ملا محمد علی نوری
۴۱	دوران یازدهم شاگردان حکماء اربعه	۳۶	شیخ زاهد گیلانی
۴۱	اشاره	۳۷	آخوند ملا محمد تقی نوری
		۳۷	آقا میرزا حسن چینی

فصل دوم

تفصیل دوران‌های دهم و یازدهم

باب اول

آقا محمد رضاء قمشہای

۶۵	تلامید	۴۵	حاج ملا محمد جعفر لاهیجی
۶۵	آقا شیخ محمد تقی جعفری تبریزی	۴۵	میرزا حسن نوری
۶۶	آقا میرزا احمد آشتیانی	۴۶	آقا سید رضی مازندرانی
۶۷	آقا میرزا محمد علی شاه آبادی	۴۷	آخوند ملا محمد جعفر آبادہای
۶۷	آقا شیخ محمد تقی آملی	۴۷	میرزا محمد علی مظفر
۶۷	آقا شیخ محمد حسین فاضل تونی	۴۸	میر سید حسن طالقانی
۶۸	آقا میرزا حسن شرف الملک	۴۸	ملاحسن لبنانی
۶۸	آقا سید مرتضی لنگرودی	۴۹	مهاجرت به طهران
۶۸	آقا شیخ مهدی مازندرانی		ذیل [انتقال حوزه حکمیه اصفهان
۶۸	آقا احمد بہبہانی	۴۹	به طهران]
۶۸	آقا شیخ محمد علی لواسانی	۵۱	شطری از احوال باطنی
۶۸	شیخ رئیس ابوالحسن میرزا	۵۲	اقبال به شاعری
۶۸	آقا شیخ عبداللہ کجوری	۵۷	اشارہ
۶۹	آقا میرزا حبیب اللہ ذوالفنون	۵۷	شطری از احوال ظاہری
۶۹	آخوند ملا علی ہمدانی	۵۹	تلامید
۶۹	آقا میرزا لطفعلی صدر الافاضل	۵۹	آقا میرزا ہاشم اشکوری
۶۹	آقا سید ابوالحسن قزوینی	۵۹	تکملہ
۶۹	آقا میرزا ابوالقاسم خرمشاهی	۶۰	آقا میر شہاب نیریزی
۷۰	آقا سید حسین قمی	۶۰	آقا میرزا حسن کرمانشاهی
۷۰	آقا میرزا محمود مفید	۶۱	آقا میرزا محمود قمی
۷۰	آقا شیخ اسد اللہ ایزد گشسب	۶۲	ذیل
۷۰	آقا میرزا فضل اللہ آشتیانی	۶۲	آقا سید محمد کاظم عصار
۷۰	آقا بزرگ خراسانی	۶۴	آقا میرزا مهدی آشتیانی

تاریخ حکما و عرفا

هشت

۹۳	آقا مرتضی مدرس	۷۱	ذیل
۹۴	آقا سید حسن مشکان	۷۱	حاج شیخ محمد حسین خراسانی
۹۸	بقیة تلامیذ آقا محمد رضا	۷۱	اکمال
۹۸	آقا میرزا طاهر تنکابنی	۷۱	آقا شیخ سیف الله ایسی
۹۹	ذیل	۷۱	آقا سید حسین بادکوبه ای
۹۹	آقا میرزا عبدالکریم روشن	۷۲	ذیل
۹۹	آقا میرزا ابراهیم ریاضی	۷۲	آقا سید محمد حسین طباطبائی
۱۰۱	آقا حسین نجم آبادی	۷۲	ذیل آخر
۱۰۱	شیخ حیدر نهاوندی	۷۲	آقا سید جلال الدین آشتیانی
۱۰۱	آقا میرزا علی اکبر یزدی	۷۳	آقا میرزا ابوالحسن شعرانی
۱۰۱	آقا میرزا لطفعلی صدرالافاضل	۷۳	آقا شیخ عبدالحسن رشتی
۱۰۱	آقا میرزا ابوالفضل طهرانی	۷۳	آقا شیخ علی قمی
۱۰۱	جلال الدین عنقاء	۷۳	شیخ علی اصغر هزار جریبی
۱۰۱	شیخ رئیس ابوالحسن میرزا	۷۳	آقا سید محسن صدرالاشراف
۱۰۱	آقا میرزا جعفر آشتیانی	۷۴	آقا ضیاء الدین دری
۱۰۲	عبدالعلی میرزا	۷۴	آقا میر سید محمد فاطمی
۱۰۲	میرزا سید حسین صدرالحفاظ	۷۴	آقا شیخ علی محمد جولستانی
۱۰۲	آقا شیخ علی اکبر نهاوندی	۷۴	آقا شیخ محمد کاظم تربت حیدری
۱۰۲	آقا میرزا ابوالقاسم آشتیانی	۷۵	بقیة تلامیذ آقا محمد رضا
۱۰۲	شیخ علی نوری	۷۵	آخوند ملا محمد کاشانی
۱۰۲	آقا میرزا علی محمد اصفهانی	۷۵	تلامیذ
۱۰۲	آقا میرزا صفای اصفهانی	۷۶	حاج آقا رحیم ارباب
۱۰۲	آقا میرزا محمود بروجردی	۷۹	آقا میرزا مهدی اصفهانی
۱۰۲	آقا میرزا عبدالله ریاضی	۸۴	جهانگیر خان قشقائی
۱۰۲	آقا میرزا محمد مهدی قمشہ ای	۸۷	تلامیذ
۱۰۲	آقا میرزا محمد باقر اصطهباناتی	۹۰	آقا شیخ محمد حکیم
۱۰۳	ذیل	۹۰	ذیل
۱۰۳	آقا شیخ محمد حسین کمپانی	۹۰	آقا میرزا جلال الدین همائی
۱۰۳	حاج شیخ عبدالله حائری	۹۲	آقا شیخ مرتضای طالقانی
۱۰۳	ملك الشعراء عنقاء	۹۳	ذیل

نہ	فہرست المطالب
۱۲۳	ملا محمد صادق حکیم
۱۲۳	میرزا عبدالکریم خوبوشانی
۱۲۳	میرزا علی النقی صدرالعلماء
۱۲۳	حاج میرزا حسن حکیم
۱۲۳	ملا علی اکبر خراسانی
۱۲۳	آخوند ملا محمد حسین
۱۲۳	شیخ الاشراف عراقی
۱۲۳	میرزا نصرالله حکیم
۱۲۴	سید عبداللہ زنجانی
۱۲۴	میرزا شمس الدین حکیم الہی
۱۲۴	حاج ملاسلطان گون آبادی
۱۲۴	آخوند ملا محمد رضا اردکانی
۱۲۴	آقا محمد یزدی
۱۲۴	وثوق الحکماء سبزواری
۱۲۴	آقا سید عبدالغفور جهرمی
۱۲۵	آخوند ملا صالح فریدنی
۱۲۵	شیخ میرزا نصرالله مشہدی
۱۲۵	میرزا محمد علی تفرشی
۱۲۵	میرزا علی اکبر تفرشی
۱۲۵	حاج ملا اسماعیل سبزواری
۱۲۵	میرزا اسداللہ سبزواری
۱۲۵	حاج ملا محمد صادق صباغ
۱۲۵	شیخ محمود کاشانی
۱۲۵	شیخ احمد میامی
۱۲۵	میرزا نصرالله تربتی
۱۲۵	شیخ عبدالاعلی قاضی
۱۲۵	آخوند ملا محمد حسن اصفہانی
۱۲۵	شیخ علی اصغر سبزواری
۱۲۶	میرزا حسین تزوینی
۱۲۶	حاج میرزا محسن قاضی
۱۰۳	امین الحکماء
۱۰۳	آقا شیخ غلام علی شیرازی
۱۰۳	آقا میرزا محمد باقر شریعت
۱۰۳	آقا میرزا نصر اللہ حکیم
۱۰۴	آقا شیخ محمد ہادی فرزانه
۱۰۴	آقا میرزا مہدی الہی
۱۰۴	اکمال
۱۰۴	آقا شیخ اسد اللہ حکیم
۱۰۵	آثار قمشہای
۱۰۷	وفات [قمشہای]
باب دوم	
حاج ملا ہادی سبزواری	
۱۰۹	شطری از حیات ظاہری
۱۱۳	شطری از احوال باطنی
۱۱۵	آثار
۱۱۶	ذیل [شروح و حواشی شرح منظومہ]
۱۱۹	تتمیم
۱۲۰	تتمیم آخر
۱۲۰	تلامید
۱۲۰	آخوند ملا محمد
۱۲۱	حاجی میرزا حسین سبزواری
۱۲۱	آقا میرزا حسین سبزواری
۱۲۱	شازدہ جناب
۱۲۱	حاج ملا علی سمنانی
۱۲۱	ادیب پیشاوری
۱۲۲	شیخ محمد حسین برجیس
۱۲۲	آقا حسن بن الملا زین العابدین
۱۲۲	افتخار الحکماء طالقانی
۱۲۳	آقا شیخ ابراہیم طہرانی

۱۳۰	ذیل	۱۲۶	آخوند ملا تقی اصفهانی
۱۳۰	آقا میرزا محمد علی حکیم	۱۲۶	آقا سید جواد طباطبائی
۱۳۱	اکمال	۱۲۶	شیخ محمد حسین طریحی
۱۳۲	بقیة تلامیذ حاجی	۱۲۶	میرزا محمد مهدی قمشہای
۱۳۲	آخوند ملاحسینقلی ہمدانی	۱۲۶	ملا محمد کاظم سبزواری
۱۳۳	ذیل	۱۲۶	حاج ملا عبدالوہاب منجم
۱۳۳	آقا میرزا جواد آقای ملکی	۱۲۶	شرف الدین سیدالاطباء
۱۳۴	سید علی ہمدانی	۱۲۶	آقا میرزا ابراہیم شریعتمدار
۱۳۴	آقا سید احمد طهرانی	۱۲۶	محوی
۱۳۵	آقا شیخ علی قمی	۱۲۶	ہما
۱۳۵	ذیل	۱۲۶	میرزا محسن قزوینی
۱۳۵	آقا سید علی نخجوانی	۱۲۷	آقا میرزا حسین امام جمعہ
۱۳۵	آقا شیخ محمد باقر نہاوندی	۱۲۷	آقا شیخ علی فاضل
۱۳۵	شیخ غلام حسین رشتی	۱۲۷	آقا میرزا آقای حکیم
۱۳۵	سید حسین ہمدانی	۱۲۷	آقا میرزا محمد سروقدی
۱۳۵	شیخ محمد حسین قمشہای	۱۲۷	ذیل
۱۳۶	سید محمد تقی خراسانی	۱۲۷	حاجی فاضل خراسانی
۱۳۶	آقا شیخ محمد بہاری	۱۲۷	فاضل مغیشہای
۱۳۶	سید مهدی حکیم	۱۲۷	آقا میرزا محمود تونی
۱۳۶	سید محمد سعید حبوبی	۱۲۷	آقا میرزا محمد حسین کرمانی
۱۳۶	آقا سید عباس لاری	۱۲۸	آقا سید عبدالرحیم سبزواری
۱۳۶	حاج میرزا باقر آقای قاضی	۱۲۸	میرزا ابوالحسن رضوی
۱۳۶	آقا سید ابوالقاسم اصفہانی	۱۲۸	مولی محمد رضا سبزواری
۱۳۶	آقا سید آقا دولت آبادی	۱۲۸	حاجی آقا صادق
۱۳۶	آقا سید باقر قاموسی	۱۲۸	مولنا محمد
۱۳۶	آقا شیخ محمد باقر بہاری	۱۲۸	میرزا عباس حکیم
۱۳۶	آقا شیخ باقر نجم آبادی	۱۲۹	ذیل
۱۳۶	آقا سید محمد تقی اصفہانی	۱۲۹	آقا شیخ احمد شانہ ساز
۱۳۶	آقا سید محمود نجفی	۱۲۹	آقا سید صدرای اصفہانی
۱۳۶	آقا شیخ موسی شرارہ	۱۳۰	آقا سید علی کازرونی

یازده	فهرست المطالب
۱۵۷	شطری از احوال باطنیه
۱۵۷	تلامید
۱۵۷	مولی محمد زمان آلاشتی
۱۵۷	جلال الدین عنقاء
۱۵۷	شیخ الرئيس ابوالحسن میرزا
۱۵۷	آقاشیخ محمد باقر اصطهباناتی
۱۵۸	آقا میرزا عبدالمجید زنجانی
۱۵۸	آقا میرزا طاهر تنکابنی
۱۵۸	آقا شیخ علی نوری
۱۵۸	شیخ حیدر نهاوندی
۱۵۸	میرزا ابوالفضل رشتی
۱۵۸	آقا میرزا جعفر آشتیانی
۱۵۸	آخوند ملا محمد آملی
۱۵۸	آقا سید علی صدرالعرفاء
۱۵۸	آقا سید محمد زنجانی
۱۵۸	آقا سید مهدی زنجانی
۱۵۸	آقا شیخ غلام علی شیرازی
۱۵۸	آقا میرزا ابراهیم حکمی
۱۵۸	ارتحال [آقا علی]
	باب چهارم
	آقا میرزا ابوالحسن جلوه
۱۵۹	شطری از حیات ظاهری
۱۶۱	ذیل
۱۶۴	شطری از احوال باطنیه
۱۶۴	اقبال به شاعری
۱۶۵	آثار
۱۶۶	تلامید
۱۶۶	آقا سید محمد تنکابنی
۱۶۶	مولی محمد زمان آلاشتی
۱۳۶	آقا سید محمد تقی شاه عبدالعظیمی
۱۳۶	آقا سید علی بچستانی
۱۳۷	شیخ عباس کازرونی
۱۳۷	آقا شیخ رضا تبریزی
۱۳۷	کیوان قزوینی
۱۳۷	آقا سید عبدالحسین لاری
۱۳۷	معین الغرباء
۱۳۷	آقا سید مرتضی کشمیری
۱۴۰	ذیل
۱۴۰	اکمال
۱۴۰	آقا سید علی قاضی
۱۴۱	فائده
۱۴۱	آخوند ملافتحعلی عراقی
۱۴۸	فائده
۱۴۸	کرسی نامه آخوند ملاحسینقلی
۱۴۹	آقا سید علی شوشتری
۱۴۹	ملاقلی جولا
۱۵۰	اناره
۱۵۰	اکمال
۱۵۱	تأید
۱۵۲	فائده
۱۵۲	طریقه آخوند ملاحسینقلی
۱۵۴	تکمله
۱۵۴	ولادت و وفات [حاجی سبزواری]
	باب سوم
	آقا علی مدرس
۱۵۵	شطری از احوال ظاهریه
۱۵۶	ذیل
۱۵۶	کمال

۱۶۸	آقا میرزا علی لنکرانی	۱۶۶	میرزا محمد حسین خان سلطان الفلاسفہ
۱۶۸	آقا میرزا طاہر تنکابنی	۱۶۶	میرزا باقر خان حکیم صبوری
۱۶۸	آقا میرزا محمد حسین سمنانی	۱۶۶	آقا سید عباس شاهرودی
۱۶۸	فانی سمنانی	۱۶۶	ضیاء الحکماء نائینی
۱۶۸	آقا میر سید محمد طباطبائی	۱۶۷	آقا محمد حسن قشقائی
۱۶۸	آقا شیخ عبدالصمد سبزواری	۱۶۷	آقا شیخ علی اکبر نہاوندی
۱۶۸	حاج میرزا عبدالحکیم سبزواری	۱۶۷	آقا شیخ علی قمی
۱۶۸	آقا میرزا محمد علی شاہ آبادی	۱۶۷	آقا سید حسین قمی
۱۶۹	آقا سید اسد اللہ خرقانی	۱۶۷	آقا میرزا حسین قمی
۱۶۹	حاج میرزا یحیای دولت آبادی	۱۶۷	آقا میر شہاب حکیم
۱۶۹	آقا میرزا عبدالمجید زنجانی	۱۶۷	آقا سید حسین بادکوبہ ای
۱۶۹	ذیل	۱۶۷	آقا میرزا جعفر آشتیانی
۱۶۹	آقا شیخ فضل اللہ شیخ الاسلام	۱۶۷	آخوند ملا محمد آملی
۱۶۹	آقا سید حسین زنجانی	۱۶۷	آقا سید محمد زنجانی
۱۶۹	عبدالمجید میرزا	۱۶۷	حاج سید نصر اللہ تقوی
۱۶۹	آقا میرزا عبدالوہاب ہزار جریبی	۱۶۷	شمس العلماء
۱۷۰	آخوند ملا محمد ہیدجی	۱۶۷	آقا ضیاء الدین دری
۱۷۰	ذیل	۱۶۷	آقا میرزا مهدی آشتیانی
۱۷۲	وفات [جلوہ]	۱۶۷	آقا سید محمود مرعشی
	فصل سوم	۱۶۷	آقا شیخ محمد اسماعیل محلاتی
	تعلیقات	۱۶۷	آقا سید حسن صاحب الزمانی
۱۷۵	—	۱۶۷	آقا شیخ فیاض زنجانی
۲۱۷	فہرست اسماء الرجال	۱۶۸	آقا میرزا حسین خلخالی
۲۴۱	فہرست اسمی الکتب	۱۶۸	آقا میرزا ابوالفضل گلپایگانی
		۱۶۸	آقا میر سید محمد بہبہانی
		۱۶۸	آقا سید صالح خلخالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دیباچه

قصد آن می‌داشتیم که دیباچه‌ای مفصل بر این نامه بپردازیم و لکن حوادثی ناگوار که مقارن این ایام پدیدار آمد مانع انجام این مأمول گشت و چاره‌ای نیافتیم جز اکتفاء به ذکر مطلبی چند که ضرور است به اجمال و هی‌هذه :

۱- هر چند که اساس این نامه استوار است بر تراجم حکماء، از آن روی که بدین دو قرن اخیر جماعتی می‌بوده‌اند از اعظام اهل‌الله نام بردار به (اخلاق‌یون) که شاخص آنان جمال‌السالکین آخوند ملاحسینقلی‌الهمدانی است قدس‌الله اسرارهم اجمعین و اسم سامی تنی چند از آن بزرگان زینت افزای این بنیان رفیع است و نیز از سوئی دیگر عناصر عرفانی به حکمت متعالیه اندک نیست، آن را (تاریخ حکماء و عرفاء) نام کردیم.

۲- به اوائل این نامه، البته به قید عدم دعوی اصابت به حق قائل شده‌ایم به ثنویت مطلق عقل و شرع به معانی اصطلاحی این دو. و لکن آنچه که به حال تحریر در می‌یابیم البته باز به قید عدم دعوی اصابت به حق، رأی است معتدل مبتنی بر مقدمیت آراء حکمیه مرفه‌م مبانی اصول معارف شریعت مطهره را که داستان آن دراز است و

بدین مختصر در نمی‌گنجد و خود پیدا است که تجدد رأی حکیم که متصدی تحصیل علم به حقائق اعیان است از رهگذر عدم تناهی فیض ربانی و ظهور مستمر دولت کل یوم هوفی شأن نکوهیده که نیست، از سردوام سلوک عقلانی و وصول به غایات کمالیه، نیز محمود است.

بنگرید به شیخ سعید شهید اشراقی که در حکمة الاشراق به فصل معقود در قاعده امکان اشرف آمیخته با شرح علامه شیرازی قدس الله سرهما الشریف می‌فرماید که من به سوالف ایام میل عظیم همی داشتم به معتقد مشائین در حصر عقول در عقول عشره وانکار تکثر انوار طولیه و عرضیه (ارباب اصنام) و اشراقات و انعکاسات آن که سبب حصول کثرت است در عالم و دفاع شدید از آن همی کردمی و مصر بر آن می‌بودمی تا برهان رب خویش بدیدم. و پیدا است که مراد از رویت برهان رب عدول از آن معانی است اعنی تجدید رأی.

یا ببینید صدر اعظم حکماء را قدس الله سره القدوسی که به مشعر سادس از مشاعر ازپی نقل کلامی از تعلیقات می‌فرماید که اکثر متأخرین چون از فرادست آوری مراد از این عبارت و امثال آن ناتوان مانده‌اند، آن را حمل کرده‌اند بر اعتباریت وجود و عدم عینیت آن و کلام را از مواضع خویش تحریف کرده. و من نیز به روزگاران گذشته از تأصل ماهیات و اعتباریت وجود دفاع شدید همی کردمی تا پروردگار من مرا هدایت فرمود و برهان خویش با من بنمود و به غایت انکشاف بر من منکشف گردید که امر وجود و ماهیت به عکس آنی است که این جماعت در تصور و تقریر آورده‌اند.

و آنگاه ببیندیشید که چون چنین باشد حال اساطین حکمت

و ارکان معرفت چه خواهد بود و اساساً چه تواند بود حال امثال ما
 طفلان نوپای مکتب گریز و نوسفران درمانده راه دراز

راه سخت است مگر یار شود لطف اله

ورنه آدم نبرد صرفه ز شیطان رجیم

۳- به ترجمت حال خاتمة الحكماء المحققین محیی مراسم
 الحکمة والیقین آخوند ملاعلی النوری قدس سره ایراد کرده ایم که
 اورا مناقشاتی می بوده است با برخی از اهل الله و این معنائی است
 که البته در تواریخ منقول است و مروی، ولکن آنچه که از مصنفات
 آن بزرگ برمی آید همانا تعظیم عرفاء شامخین است و از این روی.
 آن جمله روایات به مقابل این درایت تأویل همی باید کردن و
 محمول بر صحت گردانیدن.

۴- به ظن قریب به یقین این نامه از زینت ذکر اسامی سامیه
 برخی از اعظام عاری است و حق برخی دیگر که ماهدو ادانکرده. آن
 بزرگان این معنی به کرم عمیم حمل بر قصور فرمایند نه تقصیر.
 آنچه که در قوه ما بود به فعل آوردیم و کل یعمل علی شاکاته والعدر
 عند کرام الناس مقبول.

۵- برخی نواقص نیز در مقام طبع پیدا گشته است که به
 قرائن و امارات جبران آن توان کرد من جمله آنکه به ترجمت حال
 حقائق اشتمال سرکار حاجی قدس سره [س ۱۰۹ س ۱۵] به میان
 دو کلمه [بود] و [رحمة] عبارت [و والدش باوالد داعی جمع المال]
 ساقط است.

۶۔ به ختم کلام برمن است که بر یاران دانای راد دکتر حسین ضیائی و بهاءالدین خرمشاهی که واسطهٔ عروض وجود بر- ماهیت این نامه اند و کامران فانی که تنبیه کرد که [ابن رشد] را به [ابن رشد] تصحیح کنیم و اعضاء محترم انجمن فلسفه بالاخص ویراستاران فاضل آن که به جمیع امور طبع و خاصه تصحیح اغلاط مطبعی و تنظیم فهرس از هیچ مددی دریغ نگفتند سپاس آورم و پیروزی و بهروزی جملهٔ آنان از آفریدگار جهان خواستار آیم ربنا انک انعمت فاطمه.

حرره الالاشیئی سها عفی عنه ربه و کان ذلك فی ۱۳۵۹/۸/۴

الشمسیه فی طهران صینت عن الحدثان

فصل اول

ادوار فلسفه در اسلام

تمهید: در حقیقت شرع و عقل

به علم کلی اجمالی شرع عبارت است از ماجاء به النبی از فیض وحی ربانی؛ و فلسفه عبارت است از ماجاء به الفیلسوف به مدد عقل انسانی و خود پیدا است که عقل را با وحی چه اضافتی تواند بود.

و چون این معنی بدانستی در باب خدشه کلامی را که ابن رشد می گوید:

«ان كان فعل الفلسفة ليس شيئاً اكثر من النظر في الموجودات واعتبارها»

«من جهة دلالتها على الصانع اعني من جهة عسى مصنوعات فان»

«الموجودات انما هي تدل على الصانع لمعرفة صانعها» (۱)

تعریف به تقریب کلاسیک فلسفه عبارت است از تحصیل دانائی بر اعیان موجودات به قدر طاقت بشری و این دانائی به نزد اصحاب آن موضوعی است نه ذاتی. بدین معنی که اعتبار عقل موجودات را محض شناخت ذات آن است و نه بهر دلالت بر موجد آن؛ و این خود یکی از وجوه اختلاف عقل است با شرع. در عقل تدبر موجودات بهر شناخت ذات آن است و در شرع بهر شناخت موجد آن که مثل آن داستان ابراهیم علیه السلام است به مصحف شریف و بدین گونه کلام ابن رشد مخدوش است.

«وكان الشرع قد ندب الى اعتبار الموجودات وحسب على ذلك فبين»

«ان ما يدل عليه هذا الاسم اما واجب بالشرع و اما مندوب اليه» (۲)

بدانگونه که گفته آمد اعتبار موجودات را در شرع شأنی است آلی

و ثانوی و در عقل مکانتی است موضوعی و اولی. پای ممکن است که نظر

فلسفی به سنت تحول مبدل گردد به نظر شرعی و این معنی را داستانی دیگر است.
 «فاما ان الشرع دعی الی اعتبار الموجودات بالعقل و تطلب معرفتها»
 «به فذلك بین فی غیر ما آیه من کتاب الله تبارک و تعالی مثل قوله»
 «فاعتبروا یا اولی الابصار و هذا نص علی وجوب استعمال القیاس»
 العقلی والشرعی معا» (۳)

سخنی نیست و نتواند بود در اینکه اعتبار موجودات در شرع حنیف
 مأمور به است هرچه که هست در این است که این اعتبار آلی است یا مقدمی
 و نه موضوعی اولاً، و قیاس عقلی قولی است مؤلف از قضایا که لذاته
 مستلزم قولی دیگر باشد و به بیانی دیگر تسری حکم کلی است به جزئی؛ و
 قیاس شرعی در اصطلاح فقهها تسری حکم جزئی است به جزئی یا همان
 تمثیل منطقی؛ و هیچ پیدا نیست که دلالت آیت متبارک که بر این، و بالاخص
 اولی بدانگونه که در فلسفه است از کجاست. بلی بدانگونه که گفته آمد در
 دلالت این قبیل آیات بینات بر اعتبار اعیان موجودات شکی نیست و سخنی
 نه؛ و هرچه که هست در این است که آلت این تدبر عقل شرعی است نه
 عقل فلسفی (ان صح هذا التعبير)؛ و حداقل عقل ملتزم به ما بعد الطبیعه است،
 و نه عقل ملتزم به طبیعت در نظامات فلسفی، ثانیاً.

«و مثل قوله تعالی اولم ینظروافی ملکوت السموات والارض و ما»
 «خلق الله من شیء و هذا نص فی الحث علی النظر فی جمیع الموجودات؛»
 «و اعلم ان ممن خصه الله بهذا العلم و شرفه ابراهیم علیه السلام فقال»
 «تعالی : فکذلك نری ابراهیم ملکوت السموات والارض؛ آلیه». (۴)

بدین آیت متبارک که نیز کلام همانی است که در آیت سابقه است. اما
 در باب ابراهیم علیه السلام لطیفه‌ای دیگر هست و آن ارائه ملکوت آسمانها
 و زمین است بدو و نه تعلیم آن به غمض عین از تعلم وی؛ و این معنی را
 نیز داستانی دیگر است.

«و اذا تقروان الشرع اوجب النظر بالعقل فی الموجودات و اعتبارها»
 «و کان الاعتبار لیس شیئاً اکثر من استنباط المجهول من المعلوم و»
 «استخراج منه و هذا هو القیاس او بالقیاس فواجب ان نجعل نظرنا»

«فی الموجودات بالقیاس العقلی و بین ان هذا النحو من النظر الذی»
 «دعی الیه الشرع وحث علیه هو اتم انواع النظر باتم انواع القیاس»
 «و هو المسمى برهاناً» (۵)

در این معنی سخنی نیست .

«فانا معشر المسلمین نعلم علی القطع انه لا یؤدی النظر البرهانی الی»
 «مخالفة ماورد به الشرع فان الحق لا یضاد الحق بل یوافقه و یشهد له» (۶)

این دعوی که مستند است به اجماع منقول . منقوض است از اصحاب
 شریعت و بل خلاف آن ثابت است به نزد آنان .

«و ان كان هذا كهذا فان ادى النظر البرهانی الی نحو ما من المعرفة»
 «بموجود ما... و كانت الشریعة قد نطقت به فلا یخلو ظاهر النطق ان»
 «یکون موافقا لما ادى الیه البرهان فیه او مخالفا فان كان موافقا فلا قول»
 «هناك وان كان مخالفا طلب هناك تأویل و معنی التأویل هو اخراج»
 «دلالة اللفظ من الدلالة الحقیقیة الی الدلالة المجازیة من غیر ان یخل»
 «فی ذلك بعادة لسان العرب فی التجوز من تسمية الشیء بشبهه اوسببه»
 «اولا حقه او مقارنه ... ونحن نقطع قطعا ان كل ما ادى الیه البرهان و»
 «خالفه ظاهر الشرع ان ذلك الشرع یقبل التأویل» (۷)

آنچه که از این بیان پیدا است اعتقاد ابن رشد است همانند جمعی غفیر
 از حکماء سلف به اعتبار مطلق احکام عقلیه اولاً؛ و شأن اولی آن در
 مقابل شرع ثانیاً؛ بدان پایه که این به مقتضای آن تأویل کنند و نه آن بر
 مقتضای این!

اکمال : نظری به بحث المعرفة . که مبانی آن به نحوی که اینست
 مطرح است علی الظاهر به روزگار رنسانس تکون یافت . و به دست کانت
 به کمال رسید . و با حکماء خلف وی تبیین شد . و شاید هم وسعت گرفت .
 و اکنون نیز به حق مدخل و بل که به نزد جماعتی تمامت فلسفه است . اعتبار
 احکام مجردة مشتهر به احکام عقلیه را . آن هم به صورتی که قدماء فلاسفه
 استنباط می کرده اند ، که از آن جمله است همین حکم به وحدت حقیقت

شرع و عقل، پدیدار می گرداند. و بدین باب چه دلکش است داستان حاجی سبزواری قدس سره با آقا رضای عکاس باشی و تحصیل وی صورتی را از آن بزرگوار، وحیرت او از آن صورت و انتقال اعراض! (۸)

استنتاج: بی دعوی اصابت به حق آنچه که فی الحال در می یابیم ثنویت مشروع است با معقول، با ادله ای از این قبیل:

۱- مشروع از مصدر فیض لایتناهی است؛ و معقول از عقل مستفیض متناهی؛ و این التراب من رب الارباب.

۲- مشروع البته، کما جاء به النبی، و بی التفات به مجادلات مستحدثه، نظامی است واحد و جامع و مانع؛ به خلاف معقول که نظامات آن به عدد انفاس خلائق است و وسع آن به وسع آسمانها و زمین! و پیدا نیست که متحد با آن، کدام از اینان است که گاه صورت تناقض می یابد همانند ایده ثالیزم و ماتریالیزم.

کلمه: به سالها بعد بیان آتی از ابوعلیمان منطقی سجستانی دیده شد. روایت ادیب الفلاسفه ابوحنیان توحیدی را به تحریر مفاوضات لیلته هفدهم با وزیر در الامتاع والمؤانسة که مؤید صحت استنتاج ماست و از این روی آن را بدین مقام ایراد می کنیم:

«ان الفسفه حق لکنها لیست من الشریعة فی شیء والشریعة حق لکنها لیست من الفلاسفه فی شیء و صاحب الشریعة مبعوث و صاحب الفلاسفه مبعوث الیه و احدهما مخصوص بالوحی والاخر مخصوص ببحثه والاول»
 «مکفی والثانی کادح و هذا یقول امرت وعلمت و قیل لسی و ما اقول»
 «شیئاً من تلقاء نفسی و هذا یقول رأیت ونظرت و استحسنت واستقبحت»
 «و هذا یقول نورالعقل اهتدی به و هذا یقول معی نور خالق الخلق»
 «امشی بظیائه و هذا یقول قال الله تعالی و قال الملك و هذا یقول قال»
 «افلاطون و سقراط و یسمع من هذا ظاهر تنزیل و سائغ تأویل و تحقیق»
 «منه و اتفاق امه و یسمع من الاخر الهیولی والصورة و الطبیعه والا»
 «سطقس والذاتی والعرضی والایسی واللیسی وماشاکل هذا ممالا یسمع»

«من مسلم ولا یهودی ولا نصرانی ولا مجوسی ولامانوی ... فان الفلسفه»
 «مأخوذة من العقل المقصور علی الغایه والدیانة مأخوذة من الوحی»
 «الوارد من العلم بالقدرة» (۹)

فائده در فلسفه اسلامی : در اینکه معارف چینی و هندی و ایرانی و رومی و یونانی و سریانی و عبرانی و غیرها، از پی انتقال به حوزه اسلامی، صورتی دیگر پذیرفته است، بدان پایه که، مثل را، ارسطوئی که ما در فلسفه اسلامی می شناسیم، و فی الحقیقه باید او را ارسطوی اسلامی خواند. حکیمی است متأله در حد پیامبری؛ و آن ارسطوئی که یونانی بوده است فیلسوفی بوده است از فلاسفه، و البته مؤسس، و بدین گونه، این دعوی جماعتی از مستشرقین و اتباع آنان که فلسفه در اسلام همان فلسفه یونانی است، نهایتاً به زبان اسلامی (عربی)؛ سخنی است از سرگزاف و بدور از تحقیق، خلافی نیست. هر چه که هست در اضافت و تسمیه فلسفه است به اسلام و اسلامی که البته نادرست می نماید. بدان گونه ای که بیاوردیم اتحاد حقیقت معقولات انسانی بالاخص، که خالی از شائبه متوهمات نیز نبوده باشد، با مشروع مبتنی بروحی ممتنع است؛ و از این روی «فلسفه اسلامی» بدین صورت اسمی است بی مسمی؛ بدین معنی که آنچه که مثل را، به شفا و اشارات است، نظامی است که، نه اسلامی است بالمعنی الاخص، یعنی چنان نیست که مبتنی بروحی بوده باشد؛ و نه یونانی است؛ بل نظامی است خاص خویش.

البته اگر مراد آن باشد که این نظام درحوزه اسلام به کینونت رسیده است، گوئیم آما و سلمنا؛ و لکن این معنی خلاف ظاهر است.

تعمیم : تکوین نظامی عقلانی مبتنی بر شرع را، بایسته است که از پی اتصال با عقل فعال با تخلیه نفس از صور ارتسامیه آن، اعتکاف به تدبر در آیات بینات و مآثر نبویه و ولویه کرد؛ و این معنی اگر ممتنع نباشد، علی

ای حال از محالات عادی است.

تبیین : بدان گونه که معروف است جماعتی «کلام» را بدین معنی می-انگارند، چنانکه تفتازانی می گوید:

«و کما دونت حکماء الفلاسفة الحکمة النظرية والعملية اعانة للعامه على
«تحصيل الكمالات المتعلقة بالقوتين دونت عظماء الملة و علماء الامة علم»
«الكلام و علم الشرايع و الاحکام فوق الكلام للملة بازاء الحکمة النظرية»
«للفلسفه» (۱۰)

ولکن این معنی مخدوش است، از رهگذر وحدت مبانی و مسائل و مصطلحات کلام با فلسفه. مثل را، بنگرید بدین قول جدنا الشیخ الصدوق رضی-الله عنه در نفس:

«اعتقادنا فی النفوس انها هی الارواح بها تقوم الحیات... و انها خلقت للبقاء»
«ولم تخلق للفناء لقول النبی (ص) ما خلقتم للفناء بل خلقتم للبقاء و»
«انما تنقلون من دار الی دار و انها فی الارض غریبة و فی الابدان
مسجونه» (۱۱)

و بسنجید آنرا با معتقد و مصطلح حراهمین، بدین باب، از گفته نجم-الدین کاتبی، از پی شرح مذهب آن جماعت به قدم عالم و تعلق نفس به هیولا، از پس افاضت حق بهر برهانه عقل مائی را بدو (نفس):

«فصار ذلك العقل والادراك سببا لتذكر عالمها اعنى عالم الروحانيات و»
«بانها غریبة فی العالم» (۱۲)

اینک که به فضل حق از مقدمه پرداختیم می پردازیم به تقسیم ازادوار فلسفه در اسلام، البته به نحوی که خود درمی یابیم، بی دعوی اصابت به حق.

تمهید : مصطلحات حکمیه در شرع

۱- از این قبیل کلمات که بعداً معانی اصطلاحی حکمی یافته است با مصادر و مشتقات آن در مصحف شریف دیده می شود:

«غیبت، شهادت، نور، ظلمات، جاعل، حکیم، اسماء، کلمات، هبوط،»
«روح، روح القدس، امر، خلق، جعل، حکمت، قوه، عقل و نفس، رحمت،»

«فکر، علم، حیات، قیوم، سر، علانیه، حق، باطل، فقر، غنی، اراده،»
 «مشیت، ظن، یقین، وجدان، واحد، حکم، لطف، علم، تجلی، عرض،»
 «ملکوت، عرش، لقاء، میت، حی، اول، آخر، ظاهر، باطن، خلد، شرک،»
 «بدء، عود، احاطه، عرف، رجوع، کبریا، فصل، قدرت، جدال، فعل،»
 «سبق، هلاک، رویاء، نزول، قاب...»

۲- از این قبیل کلمات نیز با مبانی و مشتقات آن در نهج البلاغه دیده

می شود :

«یدرک، صفت، حد، موجود، معرفت، تصدیق، توحید، نفی الصفات،»
 «کائن، حدث، عدم، فاعل، حرکات، خلق، حرکت، وهم، تصویر، اضداد،»
 «خاص، عام، دهر، خفیات، ظهور، تحدید، وجود، حادث، قبل، غایت،»
 «لم یزل، قائم، فکر، غیوب، صفات، علم، ذات، ابتدع، خلق، حکمت،»
 «حدوث، حجت، دلالت، نطق، سباع، تقدیر، صدور، امر، مشیت،»
 «حوادث...» (۱۳)

۳- حدیث نفس :

«و فی حدیث کمیل بن زیاد انه قال سئلت مولنا امیر المؤمنین قلت ارید»
 «ان تعرفنی نفسی قال یا کمیل ای نفس ترید قلت یا مولای هل هی الانفس»
 «واحدة فقال یا کمیل انما هی اربع: النامية النباتية والحسية الحيوانية و»
 «الناطقة القدسیة والکلیة الالهية ولكل واحدة من هذه خمس قوى وخاصتان»
 «فالنامية النباتية لها خمس قوى مائكة وجاذبة وشاظمة ودافعة ومربية»
 «ولها خاصتان الزيادة والنقصان وانبعاتها من الكبد وهي اشبه الاشياء»
 «بنفس الحيوان والحيوانية الحسية لها خمس قوى سمع وبصر وشم و»
 «ذوق ولمس ولها خاصتان الرضا والغضب وانبعاتها من القلب وهي اشبه»
 «الاشياء بنفس السباع والناطقة القدسیة لها خمس قوى فكر وذكر وعلم»
 «وحلم ونباهة و ليس لها انبعاث وهي اشبه الاشياء بنفس الملائكة و»
 «خاصتان النزاهة والحكمة والکلیة الالهية لها خمس قوى بناء في فناء و»
 «نعيم في شقاء وعزة في ذل وغنى في فقر وصبر في بلاء (لذا لها) ولها»
 «خاصتان الرضا والتسليم وهذه التي مبدئها من الله واليه تعود قال الله»
 «تعالى ونفخت فيه من روحي وقال تعالى يا ايها النفس المطمئنة ارجعي»
 «الى ربك راضية مرضية والعقل وسط الكل»

اشاره فيها انارة: قطعیت صدور این حدیث که علی الظاهر اول بار را به

کشکول شیخنا بهائی زیدبھائے (۱۴) دیدہ می شود مرفوعاً کما اشار الیہ صدر۔
 المتألہین افاض اللہ علیہ ما افاض فی شرح الحدیث الثانی من باب الروح بقولہ:
 «... ومما يدل على اختلاف جواهر النفوس بحسب الخبر ماروی مرفوعاً»
 «عن کمیل بن زیاد قال سئلت مولنا امیر المؤمنین... وهذا الحدیث مما اخرجہ»
 «شیخنا البھائی رحمہ اللہ فی کتابہ المسمی بالکشکول» (۱۵)

بہ غمض عین از رفع سند و تأخر روایت از رہگذر اشمال بر مصطلحات
 متأخرین محل تردد است کما قال بہ المجلسی طالب ثراہ:

«اقول و قد روی بعض الصوفیہ فی کتبہم عن کمیل بن زیاد... اقول ہذہ»
 «الاصطلاحات لم تکد توجد فی الاخبار المعتبرة المتداولہ و ہی شبیہ»
 «باضغات احلام الصوفیہ!» (۱۶)

ولکن این معنی مشعر بہ تنافی آن با معارف شرعیہ نیز نیست بدانگونہ کہ
 دھکردی می آورد، طاب ثراہ:

«... اگرچہ حدیث مذکور بہ اصطلاح اہل درایہ مرسل است و حدیث»
 «مرسل را علی الاطلاق حجت شرعیہ نمی دانیم ولی اگر شاہدی از عقل»
 «یا نقل بر صحت مضمون او اقامہ نہودیم معتبر خواهد شد و در این حدیث»
 «شریف چیزی کہ مخالف قواعد شرع و دلیل عقل باشد نیافتیم و بر صحت»
 «مضمون و موافقت او با قواعد و استبصارات عقلیہ بیاناتی خواهیم
 کرد» (۱۷)

فائدہ: شاید روایت این قبیل روایات از قطب الموحدین مولنا امیر۔
 المؤمنین علیہ من التحیات ما لایحصیہا الارب العالمین موجب تسمیہ جاحظ
 بودہ باشد، آن حضرت را، بہ «فیلسوف العرب»؟! کہ از اعجاب اعاجیب است
 فی الحقیقہ بدانگونہ کہ ماوردی می آورد:

«قال الجاحظ ولیت خزائنة كتب الرشید فتصفححت کتبہ فلم اجد کلمة الا»
 «وجدت لها نقيضه الا کلمات جائت عن فیلسوف العرب علی بن ابی طالب»
 «رضی اللہ تعالی عنہ...» (۱۸)

دوران نخست، آغاز ترجمہ

دوران نخست فلسفہ در اسلام دوران ترجمہ است کہ قدمت آن بہ دہہ۔

های او اوسط نیمه دوم قرن اول هجری می انجامد و بدان روزگار به عهد خالد که به حکیم آل مروان نام بردار بوده است کتب کیمیاوی، و به عهد مروان کتب طبیه تعریب می شود، بدانگونه که ابن الندیم می گوید :

«کان خالد بن یزید بن معاویه یسمى حکیم آل مروان فاضلاً فی نفسه و له «
 «همة و محبة للعلوم خطر بباله الصنعة فامر باحضار جماعة من فلاسفة»
 «اليونانيين من كان ينزل مدينة مصر وقد تفصح بالعربية و امرهم بنقل»
 «الكتب فی الصنعة من اللسان اليونانی والقبطی الی العربی وهذا اول نقل»
 «کان فی الاسلام من لسان الی لسان» (۱۹)

اما به روزگار مروان ماسرجیس یا ماسرجویة یهودی مستطیب بصره کناش اهرن بن اعین را از سریانی به تازی در آورد؛ و آن همانی است که بعداً عمر بن عبدالعزیز رضی الله عنه آنرا به خزانه الکتب بیافت؛ و از پی تفأل بامصحف شریف از خزانه بر آورد؛ و این روایت ابوبکر محمد بن عمر بن عبدالعزیز بن ابراهیم بن عیسی بن مزاحم مولی الخلیفه عمر بن عبدالعزیز است؛ مر ابوداود سلیمان بن حسان الاندلسی (ابن جاجل) را به مسجد قرمونی به سنه ۳۵۹ هجری. ابن جلجل گوید :

«ماسرجویه، کان یهودی المذهب سریانی و هو تولى فی الدولة المروانیة»
 «تفسیر کتاب اهرن بن اعین القس الی العربیة و وجده عمر بن عبدالعزیز فی»
 «خزائن الکتب فامر باخراجہ و وصفه فی مصلاه فاستخار الله فی استخراجہ»
 «الی المسلمین للانتفاع به فلما تم له فی ذلك اربعین صباحاً اخرج الی»
 «الناس وبثه فی ایدیهم حدثنی ابوبکر محمد بن عمر بن عبدالعزیز بهذه»
 «الحکایه فی مسجد القرمونی سنة تسع و خمسين و ثلاثه اء» (۲۰)

ابن ابی اصیبه و قنطی نیز به تعریب کناش تنصیص کرده اند (۲۱) و بدین گونه اینکه جماعتی اول نقل علوم اوائل را به روزگار منصور دانسته اند همچون شخص ابن ابی اصیبه که می گوید :

«جورجس وهو اول من ابتدا فی نقل الکتب الطبیة الی اللسان العربی عند»
 «ما استدعاه المنصور» (۲۲)

بی بنیاد است تا چه باشد حال گفته بیهقی:

«حنین بن اسحاق المترجم کان اول من فسر اللغة اليونانية ونقلها الى
«السريانية والعربية وكان حنين في عهد المأمون والمعتصم» (۲۳)

دوران دوم، نضج ترجمه

دوران دوم دوران اشتداد نهضت ترجمه و نضج آن است. این نهضت
عظیم که فی الحقیقه از اعظم وقایع تاریخ فلسفه و بل که تاریخ علم است، از پی
اشتداد به عهد منصور به روزگار هارون و مأمون به اوج رسید و تا قرن چهارم
دوام یافت؛ و این معنی از مناظره ابوسعید سیرافی و متی بن یونس قناعی فیلسوف،
در باب «منطق یونانی و نحو عربی»، به مجلس ابن الفرات وزیر، به سنه ۳۲۰
هجری، از روایت ادیب الفلاسفه ابو حیان التوحیدی، که در تضاعیف آن،
سیرافی با فیلسوف می گوید که: «علی انک تنقل عن السريانية» پدیدار است.
ابو حیان گوید:

«[قال السیرافی]... فانت اذا لست تدعوننا الى علم المنطق بل الى تعلم
«اللغة اليونانية وانت لاتعرف لغة يونان فكيف صرت تدعوننا الى لغة لاتقى»
«بها وقد عفت منذ زمان طويل وباد اهلها ویتفاهمون اغراضهم بتصرفها»
«علی انک تنقل عن السريانية فما تقول فی معان مستحولة بالنقل من لغة»
«یونان الى لغة اخرى سريانية ثم من هذه الى لغة اخرى عربية» (۲۴)

تبیین: بدین باب تبیین معنایی چند بایسته است و هی هذه:

- ۱- غالب قریب به اتفاق مترجمین، یهودی و نصرانی و مجوسی بوده اند
یا به ملت یا به تبار.
- ۲- غالباً از سریانی و قبطی تعریب می کرده اند؛ و گاه از یونانی و
پارسی.
- ۳- غالب معانی تصحیف می یافته است از رهگذر دست به دست گردی ها
یعنی ترجمه از یونانی به سریانی مثل را، و از آن به تازی اولاً، و عدم تسلط یا

دقت مترجمین ثانیاً، و اختلاف لغات و مبانی و معانی ملی و دینی و اقلیمی ثالثاً، و اعظم بر این سه عدم ثباتی که طبیعت ذاتیه دوران تحول است رابعاً.

۴- مترجمین از آزادی مطلق بل به استظهار تام خلفا کامیاب می بوده اند؛ و این خود از غرائب امور است که، چگونه به فاصله ای اقل از دو قرن از نزول وحی، آن هم به مقرر خلافت، «اصحاب غیر مسلم علوم اوائل»، از چنان مواهبی کامیاب باشند؛ و از پی قری چند مسلمین، و بل که مؤمنین منسوب با آن علوم با چنان خفقتاناتی گرفتار.

دوران سوم، ظهور فارابی

(حدود ۲۶۰-۳۳۹)

دوران سوم روزگار ظهور معلم ثانی، ابونصر محمد بن طرخان فارابی است. شاید نخستین متفلسفی که در حوزه اسلام معارف معربه را درهم آمیخت، و به تصنیف در آن مقولات پرداخت، ابویوسف یعقوب بن اسحق الکندی بوده باشد. ملقب به فیلسوف العرب، معاصر با مأمون و معتصم. متوفای به حدود ۲۵۰؛ و لکن اول فیلسوف مؤسس در اسلام که به حق باید او را نتیجه و بل که خلاصه آن نهضت عظیم دو بیست ساله دانست، فارابی است و کتب او؛ قول قاضی صاعد اندلسی را؛

«صحیحة العبارة و لطيفة الاشارة منبهة على ما اغفله الکندی وغيره» (۲۵)

و بدین مقام، لحاظ دوم معنی بایسته است به شرح آتی:

۱- نخست داستان تعلم او است مبانی حکمیة را، از بقیة السیف حکماء یونان البتہ مع الواسطه؛ و اینکه انس وی با این مقولات به محض نظر دره. معارف معربه نبوده است؛ و این معنی در روایت منقول از آن بزرگوار در (انتقال تعلیم) منصوص است؛ و هی هذہ:

«وحكى ابونصر الفارابي في ظهور الفلسفه ما هذانصه قال ان امرالفلسفه»
«اشتهر في ايام ملوك اليونانيين وبعده وفاة ارسطوطاليس بالاسكندريه الي»
«آخر ايام المرأه و انه لما توفي بقي التعليم بحاله فيها الي ان ملك ثلاثة»
«عشر ملكا و توالى في مدة ملكهم من معلمى الفلسفه اثني عشر معلما»
«احدهم المعروف باندرونيقيوس وكان آخر هولاء الملوك المرأه فغلبها او»
«غسطن الملك من اهل روميه وقتلها واستحوذ على الملك... الي ان جاء»
«الاسلام بعده (اي بعد النصرانيه سها) بمدة طويلة فانتقل التعليم من»
«الاسكندرية الي انطاكية وبقي بها زمنا طويلا الي ان بقي معلم واحد»
«فتعلم منه رجلان فخرجا ومعهما الكتب فكان احدهما من اهل حران»
«والآخر من اهل المرو فاما الذى من اهل المرو فتعلم منه رجلان احدهما»
«ابراهيم المروزي والآخر يوحنا بن حيلان وتعلم من الحراني اسرايل»
«الاسقف وقويرى و سارالي بغداد فتشاغل ابراهيم بالدين واخذ قويرى»
«في التعليم و اما يوحنا بن حيلان فانه تشاغل ايضا بدينه وانحدر ابراهيم»
«المروزي الي بغداد واقام بها وتعلم من المروزي متى بن يونان وكان الذى»
«يتعلم في ذلك الوقت الي آخر الاشكال الوجودية وقال ابونصر الفارابي»
«عن نفسه انه تعلم من يوحنا بن حيلان الي آخر كتاب البرهان» (۲۶)

۲- و دو ديگر داستان تعلم شيخ الرئيس است از آن بزرگوار ؛ البته نیز به واسطه ؛ و تصنیف او شفا را از تلخیص «التعليم الثانى» وى ، از روايت حاجى خليفه ، از حاشيت شرح مطالع لطفى ، كه البته اعتقاد به صحت آن بالفعل آسان نتواند بود و هر گونه كه بوده باشد اين است آن روايت :

«وفي حاشية المطالع لمولنا لطفى ان المأمون جمع مترجمى مملكته كحنين»
«بن اسحق وثابت بن قره وترجموها بتراجم متخالفه مخلوطه غير ملخصه»
«ومحرره لاتوافق ترجمة احدهم للاخر و بقى تلك التراجم هذا غير محرره»
«بل اشرف ان عفت رسوميها الي زمن الحكيم الفارابي ثم التمس منه ملك»
«زمانه منصور بن نوح الساماني ان يجمع تلك التراجم يجعل من بينها»
«ترجمة ملخصة محررة مهذبة مطابقا لما عليه الحكم فاجاب الفارابي و»
«فعل كما اراد وسمى كتابه بالتعليم الثانى فلذلك لقب بالمعلم الثانى ! وهذا»
«كان في خزانه المنصور الي زمان السلطان مسعود من احفاد منصور كما»
«هو مسودا بخط الفارابي غير مخرج الي البياض اذ الفارابي غير ملتفت»
«الي جمع تصانيفه وكان الغالب عليه السياحه في زى القلندريه وكانت تلك»
«الخزانه باصتبهان وتسمى صوان الحكمه ! وكان الشيخ ابو على بن سينا»

«وزیر المسعود وتقرب الیه بسبب الطب حتی استوزه و سلم الیه خزانه»
 «الکتب فاخذ الشیخ الحکمة من هذه الکتب! و وجد فیما بینها التعلیم»
 «الثانی ولخص منه کتاب الشفائهم ان الخزانه اصابها آفة فاحترقت تلك»
 «الکتب فاتهم ابو علی بانه اخذ من تلك الخزانه الحکمة ثم احرقها لثلاث»
 «ینتشر بین الناس و لا یطع علیه فانه بهتان و افک لان الشیخ مقر لاخذه»
 «الحکمة من تلك الخزانه! كما صرح به فی بعض رسائله و ایضاً فیهم فی»
 «کثیر من مواضع الشفا انه تلخیص التعلیم الثانی!» (۲۷)

علی ای حال اگر چند هم بدانگونه که بیاوردیم نتوان که صحت این
 معنی مسلم داشت، صحت فهم شیخ «مابعد الطبیعه» را از «اغراض مابعد الطبیعه»
 وی (فارابی) مضمون است. «۲۸»

ذیل: شکوفائی علمی دوره اسلامی به دو قرن سوم و چهارم و شاید
 قرن پنجم نیز به نهایت رسیده بود؛ و بدان روزگاران اشارت به تنی چند
 و گروهی چند بایسته است به شرح آتی:

۱- آزاد اندیشان: که از آن جماعت بوده است ابوالعباس ایران
 شهری با محمد بن زکریای رازی و گروهی خواننده به زنا دقه و حکیم ناصر بن
 خسرو به قرن پنجم، البته با راهی دیگر.

۲- اصحاب ابوسلیمان منطقی و جماعتی از معاصرین وی که برخی از
 مفاوضات آکادمیک آنان که فی الحقیقه بسی ممتع است در کتب ادیب الفلاسفه
 ابوحیان توحیدی به یادگار مانده است.

۳- اخوان الصفاء که داستان آنان دراز است و بدین مختصر در
 نمی گنجد.

۴- متکلمین فرق متعدده که آنان را از رهگذر تشتت طرق باید عدیل
 متفلسفه اروپائی دانست، به بعد از رنسانس.

دوران چهارم، ظهور ابن سینا

(۳۷۰ - ۴۲۷)

دوران چهارم روزگار ظهور شیخ رئیس ابوعلی حسین بن عبداللہ بن

سینای بخارائی است، وارث جمیع معارف دنیای قدیم و بل کہ شاخص آن کہ حکمت مشائیه بہ دست وی کلاسیک گردید .

دوران پنجم ، تہافتات

دوران پنجم روزگار تہافتات است کہ از غزالی آغاز شدہ بود و بہ رازی انجامید، بہ سہ قرن. حجة الاسلام امام محمد بن محمد الطوسی الغزالی کہ ظہور او فی الحقیقہ مرآت قوس نزول علوم اوائل است بہ اسلام، بدان روزگار بہ رسائل متعدد و بالخصوص بہ التہافت بہ ابطال قول فلاسفہ قدیم پرداخت؛ و ابزار تفاقضات آن درالہیات بر مبنای اختیار بونصر و بوعلی، کہ آن دو را اقوام بہ نقل و تحقیق می دانست، از متفلسفہ اسلامیہ؛ کما قال :

«فلما رأيت هذا العرق من حماقة نابضا على هولاء الاغبياء (اي اتباع)
«الفلاسفة سها) ابتدأت بتحرير هذا الكتاب ردا على الفلاسفة القدماء»
«مبينا تهافت عقيدتهم و تناقص كلمتهم فيما يتعلق بالالهيّات واقومهم»
«بالنقل والتحقيق من المتفلسفة الإسلامية الفارابي ابونصر و ابن سينا.»
«فلنقتصر على ابطال ما اختاراه و رأياه الصحيح من مذاهب رؤسائهم»
«في الضلال... فليعلم انا مقتصرون على رد مذاهبهم بحسب نقل هذين»
«الرجلين كيلا ينتشر الكلام بحسب انتشار المذاهب... وليعلم ان الخلاف»
«بينهم وبين غيرهم من الفرق على ثلاثة اقسام قسم يرجع النزاع فيه الى»
«لفظ مجرد... ولسنا نخوض في ابطال هذا القسم الثاني ما لا يصدم مذهبهم»
«فيه اصلا من اصول الدين وليس من ضرورة تصديق الانبياء والرسل»
«صلوات الله عليهم منازعتهم فيه كقولهم ان كسوف القمر عبارة عن...»
«وهذا الفن ايضا لسنا نخوض في ابطاله التسم الثالث ما يتعلق بالنزاع»
«فيه باصل من اصول الدين كالقول في حدوث العالم و صفات الصانع و»
«بيان حشر الاجساد والابدان و قد انكروا جميع ذلك!! فهذا الفن ونظائره»
«هو الذي ينبغي ان يظهر فساد مذهبهم فيه (٢٩) دون ما عداه و لنذكر»
«الآن بعد المقدمات فهرست مسائل التي اظهرنا تناقض مذهبهم في هذا»
«الكتاب وهي عشرون مسألة المسئلة الاولى في ابطال مذهبهم في ازلية»
«العالم والمسئلة الثانية في ابطال مذهبهم في ابدية العالم. الثالثة في»
«بيان [...] في قولهم ان الله صانع العالم و ان العالم صنعه والرابعه في»

«تعجیزهم عن اثبات الصانع! الخامسة في تعجیزهم عن اقامة الدليل على»
«استحالة [...] السادسة في ابطال مذهبهم في نفی الصفات. السابعة في»
«ابطال قولهم ان ذات الاول لا تنقسم بالجنس والفصل. الثامنة في ابطال»
«قولهم ان الاول موجود بسيط بلا ماضية. التاسعة في تعجیزهم عن»
«بيان الاول ليس بجسم! العاشرة في بيان ان القول بالدهر و نفی الصفات»
«لازم لهم. الحادية عشرة في تعجیزهم عن القول بان الاول يعلم غيره!»
«الثانية عشرة في ابطال قولهم ان الاول لا يعلم الجزئيات الرابعه عشره»
«في ابطال قولهم ان السماء حيوان متحرك بالارادة الخامسة عشر في بيان»
«ما ذكره من الغرض المحرك للسماء السادسة عشره في ابطال قولهم»
«باستحالة خرق العادات. الثامنة عشره في تعجیزهم عن اقامة البرهان»
«العقلی على ان نفس الانسان جوهر قائم بنفسه ليس بجسم ولا عرض!»
«العشرون في ابطال انكارهم البعث والنشور و حشر الاجساد مع التلذذ»
«والتألم في الجنة والنار باللذات والآلام الجسمانية» (۳۰)

و نیم قرنی بر نیامد که حکیم ابو ولید بن رشد (۵۲۰-۵۹۵) متکفل نقض اشکالات وی گردید مبتنی بر همان اقوال فلاسفه قدیم؛ و آن اشکالات را «قاصر از رتبه یقین و برهان» یافت. (۳۱)

تبیین: ۱- نظر غزالی به التهافت بدان گونه که خود تنصیص کرده است معطوف است به الهیات؛ و خود پیدا است که شرع و عقل و بالتبع اصحاب این دو را بدین باب گزیری از مناقضت در اقوال نتواند بود.

۲- ردود وی مبتنی است بر مبانی ای عقلی به تقریب بلا استناد به شرع و از این رهگذر خود فلسفه است و فلسفی!

۳- گویا این ردود مأخوذ بوده باشد از بعضی از قدمای فلاسفه. یحییای دیلمی نام وی، ملقب به بطریق. در رد بر افلاطون و ارسطو؛ و این گفته شمس الدین شهرزوری است به (نزهة الارواح) البته اگر که بتوانیم که به پارسی کرده آن اعتماد کنیم. (۳۲)

۴- شاید به روزگاری که هنوز ابن رشد از تقویت عاوم اوائل نیاسوده بود، دوم بار را، امام المشککین محمد بن عمر بن الحسین الخطیب الرازی

(... - ۶۰۶) به تصعیف آن پرداخت ؛ النهایه در لفافه شرح و قال اقول ؛ و این معنی مستفاد از کلام خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲) است قدس سره القدوسی متصدی جواب از او :

«وقد شرحه (ای الاشارات سها) فی من شرحه الفاضل العلامة ملك المناظرین»
 «محمد بن عمر بن الحسین الخطیب الرازی جزاه الله خیرا... الا انه قد بالغ»
 «فی الرد علی صاحبہ اثناء المقال و جاوز فی بعض القواعد حد الاعتدال فهو»
 «بتلك المساعی لم یزده الا قدحا و لذلك سمی بعضی الظرفا شرحه جرحا»
 (۳۳)

هر گونه که باشد شاید به نیم قرن از پی وی، عقل حادی عشر و استاد بشر خواجه طوسی قدس سره القدوسی مهمی را که ابن رشد در قبال غزالی در عهده همت کشیده بود به مقابل وی متعهد گردید؛ و این داستان شاید به حدود يك قرن بعد با محاکمه قطب الدین الرازی (۷۶۶-۱۰۰۰) به انجام خویش رسید؛ و للناس فیما یعشقون مسالکا.

ذیل : ۱- قبل از امام فخر، ابوالبرکات هبة الله بن ملکا حکیم یهودی به نقد حکمت مشائیه پرداخته بود؛ و اگر بتوانیم که به پاریسی کرده (نزّه الارواح) اعتماد کنیم اکثر شبهات رازی متخذ است از وی . (۳۴)،

۲- تحول سنت عالم است از سوئی؛ و از پی قوس صعود قوس نزول است از سوئی دیگر. معارف عقلیه که به دست مسلمین باگذشت قریب به چهارصد سال به ذروه کمال خویش راه یافته بود ناگزیر از تحمل این معانی می بود؛ اذا تم شیئی دنی نقصه.

۳- ظهور شیخ اشراقی: ظهور شیخ شهید سعید اشراقی شهاب الدین یحیی بن حبش بن امیرك سهروردی (حدود ۵۳۷ - ۵۸۷) قدس الله سره خود دورانی است بالذات در عرض این ادوار. النهایه تتبع تعاقب تاریخی را ناگزیریم که از او بدین مقام سخن گوئیم. هر گونه که باشد ظاهر مذهب شیخ

به اجمال همانی است که خود می فرماید بالاشارة.

«وما ذکرته من علم الانوار و جمیع مایبتنی علیه... هو ذوق امام الحکمة»
 «و رئیسها افلاطون صاحب الاید والنور و کذا من قبله من زمان والد»
 «الحکماء هر مس الی زمانه من عظماء الحکماء و اساطین الحکمة من انباز»
 «قلس و فیثاغورث و غیرهما... و علی هذا تبنتی قاعدة الشرق والنور»
 «والظلمه التي كانت طريقة حکماء الفرس مثل جاماسب و فرشا و شتر و»
 «بوذرجمهر و من قبلهم (۳۵)... و کتابنا هذا الطالبی التاله و البحث و لیس»
 «للباحث الذی لم یتاله اولم یطلب التاله فیه نصیب» (۳۶)

دوران ششم، فترت

دوران ششم روزگار فترت است. دوره تهافتات که به حدود دو و نیم قرن دوام یافته بود، منجر به حدوث دوره فترت گردید که دوام آن نیز به همین حدود بود. واگر بدان روزگاران جماعتی همچون قاضی عضدالدین ایجی صاحب مواقف، و سعدالدین تفتازانی صاحب مقاصد، و میرسید شریف جرجانی شارح مواقف، و جلالالدین دوانی صاحب اثبات الواجب. و ابن ابی الجمهور لحساوی صاحب مجلی، و صدر دشتکی صاحب اثبات الواجب، و پسر او غیاثالدین منصور صاحب ایضاً اثبات الواجب. و فاضل خفری صاحب حاشیه اثبات الواجب، و غیرهم پدیدار آمدند، اعتناء اولی آنان با کلام بود و نه حکمت و حداکثر با کلام آمیخته با حکمت بودند حکمت محض.

اکمال: اواخر دوره فترت آراسته است به ظهور میرفندرسکی صاحب قصیده حکمیه شهیره، و میرداماد صاحب قبسات؛ و این روزگار را توان با عهد ظهور صدر المتألهین یکی انگاشت یا از مقومات آن پنداشت.

دوران هفتم، ظهور صدر المتألهین

دوران هفتم، روزگار ظهور صدر المتألهین مولانا محمد بن ابراهیم

قوامی شیرازی (۱۰۵۰-۹۷۹) است قدس الله سره القدوسی و این است یکی از هزارواندکی از بسیار سخنی که در باب آن بزرگوار توانیم گفت:

۱- شطری از حیات ظاهری : از وقایع حیات ظاهری این بزرگ جر مجملی آن هم مغل به دست مانیت بدن پایه که حتی سال ولادت او نیز تا بدین اواخر مجهول مانده بود تارفاقت توفیق را سیدالحکماء المتألّهین آقای آقا سیدجلال الدین الموسوی الاشتیانی افاض الله علینا من بر کاته حاشیتی به اسفار و نیز مشاعر بیافت وهی هذه:

« كل صورة ادراكية سواء كانت معقولة او محسوسة فهي متحد الوجود مع »
 « مدرکها ببرهان فائض علینا من عند الله... تاریخ هذه الافاضة كان ضحوة »
 « يوم الجمعة سابع جمادى الاولى لعام سبع و ثلاثين بعد الالف من الهجرة »
 « النبوية وقدمضى من عمر المؤلف ثمان وخمسون سنة (منه) » « ۳۷ »

و آن را از این حاشیه سنه ۹۷۹ معلوم گردانید.

هر گونه که باشد آنچه که از آن وقایع می دانیم این است به اجمال، که آن بزرگوار بدانسال یا حوالی آن، به خاندانی نژاده در شیراز بزاد؛ و علی- الظاهر از پی حیات مقدمات و بل نیز شطری از مؤخرات، به اصفهان شد؛ و به درس منقول شیخنا البهائی زیدبهائه و معقول شیخنا الاقدم محقق داماد قدس سره همی نشست، (۳۸) تا به معارف نام بردار گردید و زمانی به مدرسه خان شیراز افاضت می فرمود؛ و اوانی آسودگی از آزار خلائق را، به دهی از دهات قم، کهک نام آن، متواری می بود؛ تا به حوالی سنه ۱۰۵۰ به سفر قبله به بصره این خاکدان با خاکیان پرداخت، و حجاب چهره جان بر افکند (۳۹) تا آفتاب تربیت خاک عالم کند خاک پاک او روضه ای از روضات مینوی برین باد.

۲- طریقه : مشرب او ممزجی است از مبانی مشائیه با معارف اشراقیه مؤید به «قوابسی مقتبس از مشکوة نبوت و ولایت مستخرج از ینابیع کتاب و

«سنت» بدان پایه که استعاده می کند از وجود قادی در مقولات خویش در «صحت متابعت شریعت سید المرسلین» و میپندارید که این سخن از سرگزاف می گوید و اینتان شواهدی از گفتار او:

«فالاولی ان یراجع الی طریقنا فی المعارف والعلوم الحاصله لنا بالممازجة»
 بین طریقه المتألهین من الحكماء والملمین من العرفاء» (۴۰)
 «هذه رسالة اذکرفیها طائفة من المسائل الربوبية والمعالم القدسية التي»
 «انارالله بهاقلبی بل من الرحمة والنور بل هذه قوایس مقتبسة من مشکوة»
 «النبوة والولاية مستخرجة من ینایع الكتاب والسنة من غیر ان تکتسب»
 «من کتب الباحثین او مزاولة صحبة المعلمین» (۴۱)
 «قاعدة مشرقية فی حدوث العالم... (ب) برهان لاح لنا من عندالله لاجل»
 «التدبر فی بعض آیات الكتاب العزیز مثل قوله بل هم فی لبس من خلق جدید»
 «و قوله...» (۴۲)
 «اعلم ان معرفة النفس من العلوم الغامضة التي ذهلت عنها الفلاسفة...»
 «اذلاستفاد هذا العلم الا بالاقتباس من مشکوة النبوة والتتبع لانوار الوحي»
 «والرسالة ومصایح الكتاب والسنة الواردة فی طرق ائمتنا اصحاب الهداية»
 «والعصمة عن جدهم خاتم الانبیاء» (۴۳)
 «وهی لیست من المجادلات الكلامية ولا من التقليدات العامیه ولا من الفلسفة»
 «البحثية المذمومة ولا من التخيلات الصوفية بل هی من نتائج التدبر فی آیات»
 «الله والتفکر فی ملکوت سماواته وارضه» (۴۴)
 «یقول هذا العبد الذلیل انی اعوذ بالله ربی الجلیل فی جمیع اقوالی (لا یقرأ»
 «ولعله مقولاتی) ومعتقداتی ومصنفاتی فی (کذا) کل ما یقدح فی صحة»
 «متابعة الشریعة التي اتانا بها سید المرسلین وخاتم النبیین علیه وآله افضل»
 «صلواة المصلین او یشعر بوهن بالعزيمة فی الدین او ضعف فی التمسک»
 «بالحبل المتین» (۴۵)

ذیل : به ذیل این مقال اشارتی بایسته است به دو معنی از احوال خاص

آن بزرگ : یکی در مجاهده و سلوک، و دو دیگر، در شیوه کتابت:

۱- اما در سلوک تصریح اوست به لزوم متابعت از انسان کامل مکمل

در سیرالی الله؛ و این معنی علی الظاهر مشعر تواند بود به وجود ارادتی از آن

بزرگوار به بزرگی تلویحا:

«لانی اعلم یقیناً انه لا یمکن لاحد ان یعبد الله کما هواهله و مستحقه الا»
 «بتوسط من له الاسم الاعظم وهو الانسان الكامل المکمل خلیفة الله بالخلافة»
 «الکبری فی عالم الملك والملکوت الاسفل و الاعلی و نشأتی الاخری»
 «والاولی» (۴۶)

۲- اما در کتابت عدم تصدیر اوست کتب و رسائل خویش را به نام کهن و مهین اهل دنیا که در دوره اسلامی از نوادر است فی الحقیقه اولاً، و بلاغت تام و فخامت تمام قلم فیض رقم اوست ثانیاً.

۳- مبدعات: آن بزرگوار را مبدعاتی است که بعضی از حکماء محقق معاصر ما و هو السید الاجل السید ابوالحسن القزوینی دامت برکاته (۴۷) به برخی از آن اشارت می آورد بدینگونه:

«تحقیقات مختصات مرحوم صدر المتألهین که ابتکار فرموده یا اینکه»
 «سابقین اگر گفته اند مبرهن نبوده است: ۱- اصالت وجود ۲- توحید»
 «خاصی ۳- حرکت جوهریه ۴- اتحاد عاقل و معقول ۵- اتحاد نفس»
 «ناطقه در مسیر صعودی به عقل فعال ۶- بسط الحقیقه کل الاشیاء ۷- النفس»
 «جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء ۸- النفس فی وحدتها کل القوا ۹- تجرد»
 «قوة خیالیة به تجرد برزخی ۱۰- ارباب انواع ۱۱- صور برزخیه و مثل»
 «معلقه بین عالم عقل و عالم طبیعت ۱۲- معاد جسمانی [است]» (۴۸)

تبیین: البته ابداع صدر المتألهین این مسائل را نه به معنای تأسیس است بل به تحقیقی است جدید، با براهینی دیگر، به فیض یابی از معارف ذوقیه عرفانیه؛ ولکن انصاف را به برخی از آن مقولات همچون مباحث وجود و حرکت جوهریه چنان محقق است که گوئی مؤسس آن است رأساً.

۴- بعد از صدر المتألهین:

الف- اتباع: جمعی غفیر از مدرسین بعد از او بل اکثر قریب به غالب آن جماعت به متابعت او روزگار گذاشتند و چنان ارادتی با او می نمودند که از سر اتصال سند خویش با وی برخوردار می بالیدند.

ب- مخالفین: شر ذمه ای قلیله نیز گویا از غلبه بحث بر ذوق نزد آنان

بر همان متابعت شیخ و تدریس شفاء و اشارات و غیر هما باقی ماندند که از اجلاء متأخرین آن جماعت است میرزای جلوه با میرزای کرمانشاهی و آقا شیخ محمد صالح مازندرانی متوفای ۲۱ دی ۱۳۵۰ خورشیدی قدس الله اسرار هم. و اینان نیز گویا از آنان می بوده اند: «آخوند ملا اسماعیل بروجردی متوفای ۱۳۱۷ با عمری متجاوز از صد سال و آخوند ملا عبدالهادی هزار جریبی و آقا سید احمد جهرمی و آقا سید محمد فیروز آبادی به عتبات عالیات و آخوند ملا عبدالرسول غزانچی طهرانی و آقا شیخ علی علامه به طهران» (۴۹) با محمد علی بن محمد مؤمن حسنی حسینی طباطبائی دارنده «نقض المشاعر فی دفع شبهات الفیلسوف الشیرازی» که به ۲۶/۲ع/۱۲۱۸ از آن فارغ آمده است. (۵۰)

ذیل: بدین مقام اشارتی بایسته است به دو جماعت دیگر:

۱- نخست منقدین وی از اهل اصطلاح در نقل او مطالبی را از کتب قوم بعباراتها عاری از اشارتی به صاحب آن که اهم آنان مرحوم مغفور آقا ضیاءالدین الدری الاصفهانی طاب ثراه است؛ و بدین باب او را حاشیتی است به ظهر نسخه اسفار خویش (۵۱) که هر چند که لحن آن موهن است علی ای حال واجد فوائدی است و از این روی می آوریمش:

«چون این کتاب اسفار اربعه تألیف مرحوم آخوند ملا صدرای شیرازی»
 «ملقب به صدر المتألهین متخذ از کتب عدیده است و سالها است مردم»
 «را در شبهه گذاشته حتی مرحوم سبزواری که صاحب حواشی بر این»
 «کتاب است ملتفت این نکته نشده است؛ و همچنین استاد او مرحوم»
 «ملا علی نوری و مرحوم ملا اسماعیل واحد العین اصفهانی هم نفهمیده»
 «و ندانسته اند، و من خودم کتاب اسفار خطی در اصفهان دیدم، محشی»
 «به حواشی آخوند نوری، غالب عبارات غلط را چون ندانسته که از»
 «کدام کتاب برداشته، مثل حاجی سبزواری توجیه مالایرضی صاحبه نموده؛»
 «در حالیکه اگر عین عبارت اصل را منضم کنیم ابدأ محتاج به توجیه»
 «نیست؛ از این قبیل عبارات در این کتاب زیاد است؛ پس از مرور محقق»
 «خواهد شد. باری من هم به همان حسن ظن سابقین خواندم و گفتم؛»

«تا دفعهٔ ثانی که خواستم اجتهاداً پیش رفته باشم، برحسب اتفاق کتاب»
«مباحث مشرقیهٔ امام فخر رازی را دیدم تا یک درجه‌ای سوءظنی به من»
«دست داد رفته رفته معلوم شد که لااقل دوثلث این کتاب مسلماً عبارات»
«قوم است!! و مؤلف محترم به خود نسبت داده!! و اسم صاحب کتاب»
«را نمی برد. لهذا محض آنکه تضحیح حق دیگران نشده باشد و روح»
«جمعی را از خود شاد کرده باشم در صدد جمع آوری مواد این کتاب»
«بر آمدم؛ و تاکنون بحمدالله تا یک اندازه موفقیت حاصل نموده و اما نه»
«تمام؛ زیرا کتبی را که مؤلف از آن‌ها برداشته شاید متجاوز از صد»
«کتاب باشد؛ و من هنوز نتوانسته (کذا) که تمام را به دست آورم؛»
«لعل الله یحدث بعد ذلك امرآ. کتبی را که مرحوم مؤلف مصدر این»
«کتاب قرار داده بعضی به طبع رسیده و بعضی به طبع نرسیده و لیکن»
«نسخهٔ خطی او موجود است؛ و اما بعضی از نسخ مفقودالاثراست»
«و نایاب، از قبیل مباحثات شیخ الرئیس یا البهجة والسعادة بهمنیار و یا»
«شجرة الالهیه (کذا) شهرزوری و بعضی امثال این‌ها و بعضی نسخ خطی»
«هست که یافت می شود اما در کتابخانهٔ من نیست شاید بعدها فراهم»
«شود. فعلا مقصود از نگارش این مقدمه آن است که آنچه را که مؤلف»
«اسم می برد تصریحاً و یا تلویحاً می نویسم. و اما فلان عبارت را از»
«فلان کتاب برداشته در خود صفحات نام برده‌ام که قسمت اول کتاب»
«غالب از افق المبین (کذا) میرداماد است؛ و قسمت دوم کتاب بیشتر»
«از مباحث و شرح مقاصد است؛ و غالب قسمت سوم از مصنفات»
«میرصدر شیرازی و محقق دوانی است؛ و قسمت چهارم در خصوص»
«معاد از مصنفات غیاث‌الدین منصور پسر میرصدر است؛ یعنی قسمت»
«عمده از این‌ها است والا در قسمت امور عامه فقط متجاوز از پنجاه»
«کتاب است، تقریباً نه تحقیقاً چون هنوز احصاء کامل نشده پس از احصاء»
«به طور کامل معلوم خواهد شد. امید است که این خدمت پر زحمت»
«مقبول نظر صاحبان ذوق سلیم گردد و ما توفیقی الا بالله العلی العظیم.»
«الاقبل الفانی ضیاءالدین الدرری الاصفهانی، فی الیوم الرابع عشر من»
«شهر جمیدی الثانیه سنه ۱۳۵۳ از مکررات صرف نظر نمود فقط یک»
«مرتبه اسم کتابی را که می گوید نوشته خواهد شد: تحصیل بهمنیار»
«حکمة الاشراف و شرح او - تلویحات سهروردی - الهیات و طبیعیات»
«شفاء و منطق شفاء - مطارحات سهروردی - هیاکل النور و شرح او -»
«دو رساله اثبات الواجب دوانی - شرح مقاصد ملاسعدا - مباحث امام»

- «فخر - مباحثات شیخ الرئيس (لا یقرأ) - تجرید محقق طوسی - شرح»
«اشارات محقق طوسی - الافق المبین میرداماد - البهجة والسعادة»
«بہمنیار - شجرة الالهيه (کذا) شهرزوری - بصائر نصیریہ - نجات»
«شیخ - فصوص فارابی - رسالہ عقل فارابی - محصل امام نقدالمحصل»
«خواجہ - رسائل میرصدر - رسائل غیاث الدین رسالۃ الزوراء دوانی»
«اثولوجیا ارسطو - ایقاضات سہروردی - مواقف و شرح او - شرح»
«ابن کمونہ برتلویجات - فتوحات مکی (کذا) - فصوص الحکم - شرح»
«فصوص - مفاتیح الغیب قونوی - تمہید القواعد شرح تجرید قوشچی»
«حکمة العین و شرح او - عیون الحکمة و شرح او - رسالہ عشق شیخ -»
«رسالہ حجج عشر شیخ - شرح علامہ بر تجرید - تہذیب الاخلاق»
«مسکویہ (کذا) - نفحات قونوی - زبدة الحقائق عین القضاة - معتبر»
«ابوالبرکات - حواشی دوانی بر شرح تجرید - حواشی صدر بر شرح»
«تجرید - محاکمات ملاقطب - احصاء العلوم فارابی - رسائل و حواشی»
«علاءالدولہ سمنانی - رسالہ حدود شیخ الرئيس - ہدایہ میبدی و شرح»
«او - مبدأ و معاد شیخ - حکمت مشرقیہ شیخ - مقاصد العلیہ (کذا) امام -»
«مطالب العالیہ (کذا) امام - احیاء العلوم غزالی - تہافت الفلاسفہ»
«غزالی - صراط المستقیم میرداماد - انموذج العلوم ملاجلال اقلیدوس»
«ملخص امام فخر - رسالہ جمع بین الرأيین - قانون شیخ - قاذن (کذا)»
«افلاطون - رسالہ علم خواجہ - رسالہ عقل خواجہ - بناء النفس بعد»
«بوارالبدن خواجہ - روضة الجنان - تفسیر امام فخر - تأویلات ملا»
«عبدالرزاق - اصطلاحات الصوفیہ ملا عبدالرزاق - نہج البلاغہ و شرح»
«ابن میثم - قوت القلوب ابوطالب مکی - عوارف المعارف سہروردی -»
«اصول کافی - مناظر و مرایای اقلیدوس - رسالہ قضا و قدر شیخ - رسالہ»
«حدوث عالم شیخ - رسائل اخوان الصفا - الدرۃ الفاخرۃ جامی - اساس»
«التقدیس امام - اصلاح المنطق ابن سکیت - منازل السائرین خواجہ»
«عبدالله انصاری - تاریخ الحکماء شهرزوری - طبقات العلوم - تفسیر»
«الشیخ للمعوذتین - کتاب العروۃ - الشارد والوارد علاء الدولہ سمنانی»
«تفسیر قونوی للفتاحہ - تدبیرات الالهیہ (کذا) محی الدین - فوائد»
«العقائد علاء الدولہ - اربعین امام فخر - قبسات میرداماد - طیماووس»
«افلاطون - الامد علی الابد شیخ ابوالحسن عامری - بیان الحق ابوالعباس»
«لوکری - فیصل التفرقة بین الاسلام والزندقة غزالی - رسالہ جبر و»
«اختیار خواجہ - فوز الاصغر (کذا) ابو علی مسکویہ (کذا) - شرح کلیات»

«قانون تألیف ملاقطب شیرازی. صد و سه کتاب.»

۲- و دو دیگر طاعنین بر آن بزرگ از اصحاب ظاهر شریعت همانند «بعض الاصحاب» از متقدمین که از پی شرح تعلم خویش به نزد میرزا ابراهیم، پور آن بزرگوار می گوید:

«و هوفى الحقيقة مصداق يخرج الحى من الميت» (۵۳)

و لنعم ما قال الحكيم الهيدجى قدس سره فى الباب:

«اقول والحق الى بل هو مصداق يخرج الميت من الحى بالنسبة الى ابيه»
 «المنزه من الوهم والغى. حاشا من الرضاء بتهمة هذا البعض المفترى فى»
 «والده الماجد المتفرد المتبحر تبا لهذا المجنون وتعسا وما لهؤلاء القوم»
 «لا يكادون يفقهون حديثاً اعادنا الله من كبر الحمية و فخر الجاهلية» (۵۴)
 «رحم الله معشر الماضين»

و یا آقا میرزا علی اکبر آقای مجتهد اردبیلی (۱۳۴۶-۱۲۶۹) از متأخرین که به موارد عدیده آن بزرگوار را «صدر الکفرة ملعون» می نامد تقابل صدر- المتألّهین را! (۵۵)

ولیس هذا اول قارورة كسرت فى الاسلام. ربنا ارحمنا واغفر لنا ولا تجعل فى قلوبنا غلا للذین آمنوا انک انت ارحم الراحمین.

دوران هشتم: دوران اساتید واسطه

دوران هشتم روزگار اساتید واسطه به میانه صدر المتألّهین و آخوند ملا علی نوری است قدس الله اسرارهم اجمعین که فى الحقيقة (حلقه مفقوده) این مقوله است و تحقیق در آن را به ذیل مقالی از سیدال حکماء المتألّهین آقای آقا سید جلال الدین الاشتیانی افاض الله علینا من برکاته به تنبیهی در کتب رجال و اجازات و غیرها می پردازیم و از همت پاکان و نیکان چشم راهیابی به واقع می داریم .
 اشتیانی گوید:

«نوری از تلامذه بیدآبادی، (آقا محمد) و بیدآبادی شاگرد ملا اسماعیل»
 «خاجوئی، و خاجوئی شاگرد ملا محمد صادق اردستانی، و اوشاگرد ملا»
 «رجبعلی تبریزی و محقق لاهیجی و شیخ حسین تنکابنی و یافیز می باشد...»
 «شاگردان نامی ملا صدرا عبارت اند از... لاهیجی، فیض، شیخ حسین»
 «تنکابنی، و ملا محمد ایروانی، و ابوولی شیرازی، و قوام الدین احمد پسر»
 «صدرا... و طبقه بعد از این بزرگان عبارت اند از: شیخ رجبعلی تبریزی،»
 «و قاضی سعید قمی، و محمد صادق اردستانی... و طبقه بعد از اینها»
 «عبارت اند از: ملا اسماعیل خاجوئی، و آقا محمد بیدآبادی، و آخوند»
 «ملاعلی نوری» (۵۶)

ذیل : ۱- از اساتید نوری که قول صاحب روضات را «کثیری از حکماء زمان» (۵۷) بوده اند آقا محمد بیدآبادی را می شناسیم (۵۸) با آقا میرزا ابوالقاسم مدرس (۵۹)

۲- اما از اساتید آقا محمد بن محمد رفیع الجیلانی البیدآبادی متوفای به ۱۱۹۷ این سه تن را می شناسیم :

۱- سید قطب الدین محمد نیریزی شیرازی (۱۱۷۳-۱۱۰۰) (۶۰) صاحب فصل الخطاب از حکماء حقه و ارکان سلسله علیه ذهبیه تلمیذ شاه محمد دارابی بدانگونه که خود می فرماید به ذکر فضلاء محب فقر محمدی :

«... و العالم الفاضل المتبحر استادی و من الیه فی روایة ائمتنا المعصومین»
 «استنادی جامع المعقول والمنقول حاوی الفروع والاصول العلامة الفهامة»
 «المولی شاه محمد دارابی و کان استاد کل افاضل دارالعلم شیراز فی»
 «عصره» (۶۱)

و او «دارابی» تلمیذ بعضی از تلامیذ صدر المتألهین، که فعلا به نزد ما مجهول است بدانگونه که قطب می آورد به ذکر وی «صدر المتألهین» :

«... و منهم العالم العامل والفاضل الكامل العارف المولی صدر الدین محمد»
 «الشیرازی ولقد کان استاد استاد استادی» (۶۲)

۲- میرزا تقی الماسی (۶۳) ابن محمد کاظم بن عزیزالله بن محمد تقی المجلسی (۶۴) متوفای به ۱۱۵۹ (۶۵) و اساتید او مجهول اند به نزد ما.

۳- آخوند ملا اسماعیل الخاجوئی (۶۶) ابن محمد حسین بن محمد رضاء بن علاء الدین محمد المازندرانی المتوفی فی حادی عشر شعبان سنة ثلث و سبعین بعد مائة و الف (۶۷) صاحب رساله در اثبات حدوث دهری و ابطال الزمان الموهوم منعوت به «معلم ثالث» (۶۸) و او روایت می کند از الشیخ حسین الماحوزی (۶۹)

تبیین: روایت بدین مقام منصرف به معنای مصطلح آن به نزد اهل حدیث نیست (هر چند که ظاهر همان است) بل به معنای انسلاک در سلك اصحاب حوزه استادی است خاص از سوئی و او «ماحوزی» حکیم بوده است؛ و دارای حوزه حکمت از سوئی دیگر با ادله ای از این قبیل:

۱- وصف بحرانی وی را به «جامع المعقول والمنقول»:

«ومن طرقتی الی المشایخ ما اخبرنی به قرائة و سماعا و اجازة شیخنا»
«الفاضل و استادنا الکامل جامع المعقول والمنقول الشیخ حسین بن الشیخ»
«محمد جعفر البحرانی...» (۷۰)

۲- بودن شاگردانی حکیم، مراورا همانند «المیرزا ابراهیم بن الامیرزا غیاث الدین محمد الاصفهانی» که نقل حاجی نوری قدس سره را از «تتمیم امل الامل»، «حاذق در حکمت و فصول آن» (۷۱) بوده است، با «حاجی شیخ محمد بن محمد لزمان کاشانی» (۷۲) «من الفضلاء الماهرین فی فنون الحکمة» (۷۳) استاد «آقا محمد باقر هزار جریبی» «فیلسوف زمان و نادره دوران در فن معقولات» (۷۴) و «آخوند ملامهدی بن ابی ذر النراقی» (۷۵) الحکیم المتأله.

اکمال: نیز کاشانی را دو طریق دیگر است: یکی به میرفندرسکی و دود دیگر به صدر دشتکی و هی هذه:

۱- کاشانی نقل می کند از امیر محمد حسین خاتون آبادی (۷۶) متوفای لیلۀ دوشنبه ۲۳ شوال ۱۱۵۱ (۷۷) (الذی کان ماهرا فی المعقول) (۷۸) و او از آقا جمال الخوانساری (۷۹) متوفای ۲۶ رمضان ۱۲۵ (۸۰) و او از پدر خویش

آقا حسین الخوانساری (۸۱) متوفای ۱۱۰۰ تخمیناً (۸۲) و او از میرفندرسکی (۸۳). نیز امیر محمد حسین نقل می کند از پدر خویش امیر محمد صالح بن عبدالواسع متوفای ۱۱۱۶ (۸۴) و او از آقا حسین الخوانساری (۸۵) و او از میرفندرسکی. ۲- و به طریق دوم نقل می کند از «السید الامجد الافخم صدرالدین احمد بن نظام الدین بن محمد معصوم بن احمد بن نظام الدین بن ابراهیم بن سلام الله بن مسعود بن محمد بن صدر الحقیقه بن غیاث منصور» و او از پدر خویش نظام- الدین، و او از پدر خویش محمد معصوم، و او از محمد امین الاسترآبادی و او از میرزا محمد الاسترآبادی و او از سید محمد محسن و او از پدر خویش غیاث الدین منصور و او از پدر خویش صدر دشتکی (۸۶)

اما شیخ حسین ماحوزی نقل می کند از سلیمان بن عبدالله البحرانی (۸۷) (ابن علی بن حسن بن احمد بن یوسف بن عمار) (۸۸) متولد لیلۃ ۱۵ رمضان ۱۰۷۵ (۸۹) و متوفای ۱۷ رجب ۱۱۲۱ (۹۰) که او نیز حکیم بوده است و دارای حوزه حکمت با ادله ای از این قبیل:

۱- وصف عبدالله بن صالح بعضی از تلامذ وی، او را به «واقر بفضله جمیع الحكماء» (۹۱) با بودن رسائلی در منطق و کلام مر او را (۹۲)

۲- حضور برخی از حکماء به حوزه وی همچون «الشیخ عبدالله بن الشیخ علی بن احمد البحرانی صاحب الرسائل المتعدده فی المعقول» (۹۳) منها «رسالة فی الجزء الذی لایتجزی» (۹۴) «والذی کان فاضلاً لاسیما فی الحکمة و المعقولات» (۹۵) المتوفی فی شیراز فی سنة ۱۱۴۸ (۹۶) با «عبدالله بن صالح صاحب الشفاء فی الحکمة النظرية» (۹۷) و پدر صاحب حدائق، بدان گونه که این می گوید، به ترجمه آن که او به نزد محمد بن یوسف بحرانی مطالع می خواند و چون او از این عالم در گذشت «تمم الباقي من المطالع بعد الشیخ المزبور علی استاذة الشیخ سلیمان بن عبدالله... ثم لازمه بقية عمره فی باقی العاوم من الحکمة» (۹۸) اما شیخ

سلیمان روایت می کند از «الشیخ صالح بن عبدالکریم الکرزکانی» (۹۹) صاحب رساله در تفسیر اسماء الله الحسنی (۱۰۰) و هذا الشیخ فاضل ورع شدید فی ذات الله و لایکاد یوجد کتاب فی جمیع الفنون فی شیراز، الا وعلیه تبلیغه بالمقابلة علیه» (۱۰۱) زنده در ۱۰۹۷. (۱۰۲)

تعمیم: بعضی از فضلاء جامع بارع معاصر مارا و هو الاستاد مرتضی المدرس که همی زیاد سندی است دیگر متصل با صدر المتألهین و همی هذه علی ما یقول:

«مرتضی گیلانی بازگو می کند از علی بن محمد حسن یزدی، وشمس»
«الدین علی نقی قفقازی، و صدرالدین نعمه الله بادکوبی، و نعمت الله»
«دامغانی در گذشته به سال ۱۳۶۰، و ایشان همه از فاضل خراسانی»
«در گذشته به سال ۱۳۴۲، و او از هادی سبزواری در گذشته به سال ۱۲۸۹»
«و او از علی نوری در گذشته به سال ۱۲۴۲ (کذا و هو ۱۲۴۶)»
«نیز نگارنده نقل می کند از مرتضی طالقانی و محمد جواد بن محمد تقی»
«طباطبائی که منتهی می شود به نوری چنین طالقانی از جهانگیر قشقائی»
«و او از محمد رضاء قمشدهای و او از حسن نوری و او از پدرش علی»
«نوری و طباطبائی از اسماعیل محلاتی، و او از ابی الحسن جلوه، و»
«او از حسن نوری، و او از علی نوری، و او از محمد بیدآبادی»
«در گذشته به سال ۱۱۷۳، و او از سید حیدر آملی در گذشته به سال ۱۱۵۰»
«و او از فیض کاشانی در گذشته به سال ۱۰۹۱، و او از صدرالدین»
شیرازی در گذشته به سال ۱۰۵۱. (۱۰۳)

تبیین: این سند از آخوند نوری تا صدر المتألهین فی الحقیقه «سلسله الذهب» است بدین باب؛ و ای دریغ و صد دریغ که «سید حیدر آملی» مجهول است از آن، فعلا در مدارکی که به دست ماست.

هرگونه که باشد آقای مدرس را که همی زیاد شنیدم به لیلۃ جمعه دوم شعبان ۱۳۹۲ از آقا شیخ صدرای بادکوبی، و آقا شیخ عبدالحسین رشتی از آقا میرشهاب حکیم که آملی به زمان افاغنه می بوده است؛ و بیفزود که هرچه که جستم نیافتم اورا.

حق محقق الحقائق خاك پاك جميع اين بزرگان باغی از باغ های مینوی
برین گرداناد بمنه و کرمه آمین.

استنتاج: محصل این تتبع آن است که:

۱- نوری نقل می کند از بیدآبادی، و او از نیریزی، و او از دارابی،
و او از بعضی از تلامید صدر المتألهین که مجهول است فعلا به نزد مابه طریقی.
۲- نیز بیدآبادی نقل می کند از خاجوئی، و او از ماحوزی، و او از
بحرانی، و او از کرزکانی، و او محتملا از صدر المتألهین یا اساتید و یا
معاصرین آن بزرگوار به طریقی دیگر.

۳- و نیز بیدآبادی نقل می کند از آملی که مجهول است فعلا به نزد ما،
و او از کاشانی، و او از صدر المتألهین به طریقی دیگر.

ذیل: جماعتی از حکماء آن روزگار،

۱- المولی رجب علی التبریزی: متوفای ۱۰۷۰ متخلص به واحد (۱۰۴)
«کان الشفاء والاشارات فی یدہ کالشمع فی ید احدنا» (۱۰۵) «وقد قرأ علیه
المولی محمد التنکابنی الجیلانی المعاصر والحکیم محمد حسین و اخوه الحکیم
(کذا ولعله الحکیمان) محمد سعید القمیان والسید امیر قوام الدین» (۱۰۶)
«وله الاصول الاصفیة صنفها باسم آصف میرزا ذکرها القزوینی فی تنمة امل-
الامل وقال انه ذکر فیها مسائل مهمة من الحکمة فی امهات المسائل، رسالة
تطبيق ماورد فی الشرع من امر المعاد علی صفات النفس و ملکاتها و علومها
ذکرها القزوینی، رسالة فارسیة فی تحقیق القول بالاشترک اللفظی فی وجود
(کذا) وصفاته تعالی ذکره صاحب الرياض؛ و رسالة فی اثبات الواجب، فارسیة
رأینا منها نسخة مخطوطة فی تهران تاریخ کتابتها ۱۱۸۶.». (۱۰۷)

۲- الشیخ حسین بن ابراهیم التنکابنی: از تلامید صدر المتألهین (۱۰۸) و
فیاض لاهیجی (۱۰۹) صاحب حاشیه بر حاشیه خفزی، رسالة مختصره در اثبات

حدوث عالم، رساله در تحقیق وحدت وجود، تعلیقات شفاء (۱۱۰) و شرح گلشن راز. (۱۱۱)

۳- قاضی محمد بن محمد قمی: «وکان معظم قرائته و تلمذه عندمولنا محسن الفیض.» (۱۱۲)

۴- قاضی سعید قمی: «وقد قرأ فی اوائل امره الحکمیات فی قم علی- المولی عبدالرزاق اللاهیجی؛ ثم فی اصفهان علی المولی رحب علی المذکور و کان یعرف بحکیم کوچک.» (۱۱۳)

۵- المولی محمد صادق الاردستانی: متوفای ۱۱۱۳ به اصفهان (۱۱۴) «وکان حکیما متکلما فیلسوفا عارفا کثیرالمیل الی التصوف.» (۱۱۵)

۶- شیخ الاسلام قوام الدین محمد جعفر الکرئی: از تلامذ آقا حسین الخوانساری محشی شرح تجرید و صاحب تحفه در الهی و طبیعی متوفای ۱۱۱۵. (۱۱۶)

۷- المولی الحاج صالح الخلیجالی: «کان عارفا حکیما متکلما متبحرا معاصر المشایخنا؛ له شرح علی القصیده الفارسیة للمیرزا ابی القاسم الفندرسکی.» (۱۱۷)

۸- المولی عبدالکریم الاشراف: «سالها در اصفهان بسر برده و بر صدرالحکماء.. آقا محمد بیدآبادی تلمذ کرده ذوقی عارفانه و مشربی حکیمانه دارد... وفاتش در ۱۲۲۹ در بیرجند اتفاق افتاده...» (۱۱۸)

۹- المولی المیرزا محمد علی مظفر اصفهانی: «تلمذ زاهد محقق آقا محمد بیدآبادی» (۱۱۹) استاد میرزا محمد جعفر مجذوب علی کبوتر آهنگی (۱۲۰) «کان عارفا حکیما متکلما کثیرالعبادة والریاضه وقد ذکرناه فی کتابنا الموسوم ببحر العلوم فقلنا عند ذکره...» و «از ارشد و اعلم و اورع تلامذہ جناب آقا محمد بیدآبادی بود و در فن الهی کمال مهارت داشت و در سنه

هزار و صد و نود و هشت (یک ساعت به غروب روز سه شنبه سیزدهم شوال (۱۳۲) در اصفهان به عالم باقی شتافتند.» (۱۲۲)

۱۰- آخوند ملا محراب گیلانی: متوفای عصر یکشنبه ۱۴ جمادی الاول ۱۲۱۷ (۱۲۳) به اصفهان تلمیذ المولی السید قطب الدین محمد النیریزی (۱۲۴) «ماهر در فنون حکمت و تصوف مدرس اسفار و مثنوی» (۱۲۵) که «در زهد و انزوا و اعراض از ماسوی و حید عصر خود بود؛ و در مرتبه فضیلت خصوص مرتبه علوم عرفاء، یگانه زمان و فرید دوران بود» (۱۲۶)، استاد مجذوب. (۱۲۷)

۱۱- آخوند ملا مصطفی قمشهای مصطفی العلماء: داماد مولی میرزا محمد علی مظفر متوفای رجب ۱۲۱۵. (۱۲۸)

۱۲- المولی احمد بن ابراهیم بن نعمه الله الاردکانی: محشی مشاعر، حاشیه آقا جمال بر حاشیه فخری والهیات تجرید متوفای بعد از ۱۲۲۵. (۱۲۹)

دوران نهم آخوند ملاعلی نوری

دوران نهم. روزگار ظهور «آخوند ملاعلی بن المولی جمشید النوری المازندرانی ثم الاصفهانی» است متوفای ۲۲ رجب ۱۲۴۶ (۱۳۰) و اقبال طلاب به تحصیل حکمت به تدبیر وی.

قال الخوانساری:

«مولنا علی بن المولی جمشید النوری المازندرانی کان... معروفاً بالحکمة الالهية الحقّة فی زمانه مقدما فی دراتب الحکمة علی جمیع امثاله واقرائه... قرأ طرفاً من العلوم الرسمية فی اوائل امره عن بعض افاضل مازندران و قزوین ثم انتقل الی اصفهان فتلمذ بیانی فنون الحکمة»
«والکلام عند مولنا الاقامحمد البیدآبادی وسیدنا المیرزا ابی القاسم»
«المدرس الاصفهانی: «۱۳۱» و لثیر من حکماء ذلك الزمان... ولله»
«تعلیقات شریفة فی الحکمة و الکلام و تحقیقات طریقة فی المعارف»
«الحقّة و اصول الاسلام؛ و رسائل شتی؛ و فوائد لاتحصی؛ منها تفسیر»
«المعروف لسورة التوحید فیما یزید علی ثلاثة آلاف بیت و کتاب له»

«فی الرد علی الفارذی النصرانی... وکان شیخا شخیصا ایضاً الرأس و»
«اللحیة توفی قدس سره فی رجب سنة ستة و اربعین و مأتین بعد الالف»
«بیلدة اصفهان» (۱۳۲)

ذیل: ۱- آخوند علی الظاهر؛ آسایش از آزار خلق الله را، و یا فی
الحقیقة از سر صحت اعتقاد تمشی به مشی متشرعه می کرده است، بدانجای که
بدین معنی نام بردار می بوده. قال الخوانساری:

«... عن الحکماء المتدینین و العلماء المتشرعین... حسن الاعتقاد جید»
«الاجتهاد مواظبا للسنن فی اموری المعانی والصور... وکان یعتقد العلم»
«والفقه والورع والتقوی ایضا فی شیخی زماننا و امامی او اننا صاحب»
«المطالع و الاشارات؛ و یرید عنهما و یعظم قدرهما و یقیم الجماعة»
«خلفها... حمل نعشه الشریف الی النجف الاشرف الانور فدفن فی عتبة»
«الباب الطوسی من الحرم المطهر تحت موضع نعال الزوار بمقتضی»
«وصیة نفسه فی ذلك كما حکاه لی بعض اعظم اقربائه» (۱۳۳)

۲- و این رعایت وی اهل قال را بدان پایه می بوده است که گاه منجر
می گردیده به آزار اهل حال که از موارد آن است افتاء او به قتل حسینعلی شاه
طاب ثراه بدانگونه که هدایت می آورد:

«حکیم مزبور [نوری] به جماعتی از اهل قشور نامه های شکوی و»
«تهمت های غریب در باب آن جناب [حسینعلی شاه] نگاشته فتوی به»
«قتل او داد...» (۱۳۴)

با اخلال در امر میرزای سکوت قدس سره نیز از گفته هدایت:

«و این حکیم در زمان بی رونقی کار خود رنجیده از اصفهان به شیراز»
«آمد؛ و برای مصلحت کار حال خود و میل علماء به او و دفع انکار»
«فقهاء بر حکماء بر میرزا ابوالقاسم درویش، که مردی ساکت و صامت»
«و با حال بود، به کینه برخاست و فسادها کرد و به جایی نرسید و این»
«عبارت مشهور است که میرزا ابوالقاسم درویش رحمة الله (کذا) در باب»
«حکیم نوری گفته بود که حکیم خر هم نوبر است!» (۱۳۵)

۳- مع هذا عاری از تذوقی نیز نبوده است چنانکه:

«روزی به دیدن آقا سیدعلی صاحب ریاض آمد؛ سید به غلیان معتاد نبود»
«و آخوند معتاد بود. پس غلیانی برای آخوند آوردند که منافذ بسیار»

«داشت و كوك نبود؛ هرچه کشید دید دود نمی دهد؛ به سید گفت آن»

«غلیانی که اخباری حرام می داند همین غلیان است نه غلیان های»

«دیگر!» (۱۳۶)

و گاه هم فکری می فرموده (۱۳۷) که از آن جمله است:

وحدت چه بود قاهر و کثرت مقهور در هر چه نظر کنی بود حق منظور

در مظهر کثرت است وحدت قاهر در مجمع وحدت است کثرت مقهور

(۱۳۸)

حقا که علی وصی بر حق باشد

هر کس که کند حق علی را انکار

(۱۳۹)

هر آه که بود در دل ما

راز دل ما نمی شود فاش

(۱۴۰)

۴- خط نیز خوش می نگاشته است و بالاخص شکسته را درست. به نحوی

که تنکابنی می گوید:

«در خط شکسته سرآمد اهل زمان بود و نزد درویش مشق کرده بود»

(۱۴۱)

۵- از آثار او افزون بر تفسیر و ردپادری به نام حجة الاسلام. حواشی

بر اسفار (۱۴۲) و مشاعر (۱۴۳) و شوارق (۱۴۴) و اسرار الایات (۱۴۵) و

شرح کافی صدرا (۱۴۶) و شرح حدیث امیر المؤمنین (ع) (۱۴۷) است --

مجموعه اجوبه به پارسی. (۱۴۸)

۶- از تلامذ او از حاجی سبزواری که بگذری قدس سرهما این

بزرگانند:

۱- میرزا ابوالقاسم آقای راز. رکن وقت سلسله عالی ذهبیه. صاحب

طباشیر الحکمة و قوائم الانوار و آیات الولاية (۱۴۹) و غیرها (۱۲۸۶-۱۲۰۲)

بدانگونه که خود گوید به جائی در جواب سؤال سالکی از « اینکه بعد از خراب شدن بدن آیا دیگر تکمیل نفس ممکن است یا نه »:

«بدان ای فرزند که در این مسأله حکمای اشراق اختلاف کرده اند برخی «چون... و آخوند مولنا علی نوری که استاد فقیرند بر آنند که..» (۱۵۰)

۲- آخوند ملا محمد اسماعیل واحدالعین اصفهانی شارح عرشیه و محشی مشاعر (۱۵۱) استاد اول سبزواری و این آن را ذوالعیون می خوانده است. (۱۵۲)

۳- میرزا حسن فرزند وی که:

«مدتی در حائر حسینی درس حکمت گفته سپس به طهران آمده و از «آثارش حاشیه بر شرح الهدایه صدرالدین در ۱۳۱۳ با شرح چاپ شده» است» (۱۵۳)

۴- آخوند ملا آقای قزوینی «از تلامذه دوره اول» (۱۵۴)

۵- آخوند ملا عبدالله زنوزی (۱۵۵) متوفای ۱۲۵۷ صاحب لمعات الهیه و شارح حدیث حقیقت کمیل رضی الله عنه و معنه که شطری از احوال وی به گاه ذکر هجرت حکماء از اصفهان به طهران بیاوریم.

۶- حاج ملا محمد جعفر لنگرودی (۱۵۶) شارح مشاعر، استاد قمشهای که شطری از احوال وی به ترجمت او ایراد کنیم.

۷- آقا سید رضی مازندرانی (۱۵۷) نیز استاد قمشهای که نیز شطری از احوال وی بدان باب بیاوریم.

۸- میرزا سید محمد حسن فانی زنوزی بدانگونه که خود گوید به ترجمت وی:

«قرأنا علیه نبذاً من أوائل الاسفار ومن شرح التجريد للفاضل القوشچی»
«والمشاعر وغيرها» (۱۵۸)

۹- آخوند ملا محمد علی نوری. (۱۵۹)

۱۰- شیخ زاهد گیلانی:

«در بدایت حال در سلك تلامذة ملاعلی نوری مازندرانی انسلالک داشته»
 «بعد از آن ترك علوم یونانیان گفته علوم ایمانیان را پذیرفته در خدمت»
 «جناب رحمة الله علیه (کذاوهو یعنی حسینعلی شاه طاب ثراه) به چاکری»
 «افتخار می کرده ... علی الجملة وی عزیمت زیارت مکه معظمه داشته»
 «در سنه یک هزار و دوویست و بیست در مرقده کاظمین بیمار و به جوار رحمت»
 «کردگار پیوسته رحمة الله علیه». (۱۶۰)

اوراست :

عمری به درمدرسه‌ها بنشستم با اهل ریا و کبر و کین پیوستم
 از يك نظر عاشق رمزی (کذا) آخر هم از خود و هم ز غیر خود وارستم

در گلشن دهر محرم راز نبود در بزم زمانه نغمه پرداز نبود
 پنهان نتوان زمزمه پردازي کرد بستیم زبان که کس هم آواز نبود» (۱۶۱)

۱۱- آخوند ملا محمد تقی بن علی محمد النوری (۱۴/۱۲۶۳ - شنبه ۱۱

شوال ۱۲۰۱) والد ماجد حاجی نوری صاحب مستدرک قدس سره‌ها. (۱۶۲)

۱۲- آقا میرزا حسن چینی معروف به مولنا، علی الظاهر متوفی به

۱۲۶۴ (۱۶۳)

۱۳- آخوند ملا عبدالجواد مدرس خراسانی متوفای غرة صفر ۱۲۸۱.

(۱۶۴)

۱۴- آخوند ملا اسماعیل درب کوشکی متوفای جمعه ۱۵ شوال ۱۳۰۴

نیز تلمیذ آقا میرزا حسن نوری و آخوند ملا اسماعیل واحدالین (۱۶۵) و
 آقا سیدرضی .

ذیل : از اجلة تلامیذ این بزرگوار بوده است آقا سید ابوالقاسم

دهکردی (يك ساعت به غروب شنبه ۶ شوال ۱۳۵۳ بین الطلوعین شنبه غرة

رجب ۱۲۷۲) که ترجمت حال حقائق اشتمال خویش به شرح آتی مرقوم

فرموده است :

«... در سن یازده سالگی یا سیزده سالگی به جهت تحصیل در اصفهان»

«در مدرسه صدر آمده از بدایت علم عربیت شروع به تلمذ نموده بعد از»
 «فراغ از مقدمات و سطوح مشغول ... حکمت شده ... و علم حکمت»
 «را غالباً نزد حکیم متألّه حاجی ملا اسماعیل حکیم ساکن در محله»
 «درب کوشک که از تلامذه آسیدرضی رشتی و آقا میرزا حسن آخوند و»
 «میرزا حسن تلمیذ پدرش حکیم ماهر الهی آخوند ملا علی نوری و خصوص»
 «اسفار آخوند ملا صدر را در مدت چهار سال نزد آن حکیم ماهر قرائت»
 «کردی ... چندی در بلده سامره ... مشغول تحصیل ... شدم و بود»
 «اکثر استیناس حقیر در اقتباس معارف و اسرار توحید با عالم ربانی»
 «حاجی ملا فتحعلی سلطان آبادی و زین المجاهدین و سراج طریق السالکین»
 «حاجی میرزا حسین نوری که شیخ او هم در معارف و توحید حاجی ملا»
 «فتحعلی انارالله برهانه بود در ازمنه متمادیه، و الحق از آن بزرگوار»
 «مستفیض شدم ...» (۱۶۶)

۱۵- آخوند ملا اسماعیل بن محمد جعفر بن ملا اسماعیل خاجوئی متوفای

۱۲۸۲/۱۴/۲۵. (۱۶۷)

۱۶- آخوند ملا محمد باقر قمشهای متوفای ۱۲۹۶ (۱۶۸)

۱۷- میرزا سید محمد حسن بن محمد تقی مستجاب الدعوه متوفای جمادی

الاولی ۱۲۶۳ محشی شوارق. (۱۶۹)

۱۸- مولی یوسف جزئی برخواری صاحب رساله در امتناع ترجیح

بلامرجح. (۱۷۰)

۱۹- آقا میر سید حسین مدرس (۳ جمادی الثانی ۱۲۷۳-۱۲۱۰). (۱۷۱)

۲۰- میرزا محمد جعفر طرب نائینی صاحب خزانه طرب. (۱۷۲)

۲۱- حاج محمد ابراهیم نقشه فروش. (۱۷۳)

۲۲- آخوند ملا محمد تقی خراسانی. (۱۷۴)

۲۳- آخوند ملا باقر فشنه‌ای. (۱۷۵)

۲۴- آقا سید قوام قزوینی. (۱۷۶)

۲۵- آخوند ملا رضا تبریزی مدرس مدرسه جده بزرگ اصفهان. (۱۷۷)

۲۶- آخوند ملاصفر علی قزوینی؛ (۱۷۸) والاصح هو اللاحیجی ثم

القزوینی .

۲۷- آقا شیخ صدرای تنکابنی. (۱۷۹)

۲۸- آقا میرزا سلیمان تبریزی. (۱۸۰)

۲۹- آقا میرزا سلیمان تنکابنی والد ماجد صاحب قصص العلماء تلمیذ

وی به بیست و دو سال محشی شواهد نیز از اصحاب آخوند ملامحراب

قدس الله اسرارهم. (۱۸۱)

۳۰- آخوند ملاابراهیم نجم آبادی (۱۸۲) متوفای ۱۲۴۰ (۱۸۳). به

ترجمت حال حقائق اشتمال این بزرگ حکایتی آورده اند ممتع که آن را بدین

مقام ایراد می کنیم :

«حضرت آخوند از نجم آباد متکراً به طهران آمده در یکی از مدارس از»
 «طلبه ای ساکن در یکی از حجرات پرسید هم حجره می خوانی آن مرد که»
 «ظاهری بی پیرایه و افتاده وار می دید گمان آنکه با فردی از بزرگان»
 «علماء روبرو است نبرده گفت اگر کسی باشد که به خدمت حجره مدد»
 «نموده سبب آسودگی و فراغت من گردد خواهم ساخت آخوند به فروتنی»
 «وخاموشی مثل یک نفر خادم به کار پرداخت و دو هم حجره با یکدیگر»
 «روز و شب می گذاشتند به حدی که تازه وارد از حد دانش و مایه مصاحب»
 «خود آگاه و دیگری بی خبر بود تا آنکه شبی صاحب حجره در مطالعه»
 «کتابی از معقول که به درس می خواند دیر وقت فرو ماند و حضرت»
 «آخوند را روشنی چراغ مانع خواب آمده خسته ساخت پس سر بر آورد»
 «و فرمود شما را چیست که امشب از مطالعه بس نمی کنید و نمی خوانید»
 «طلبه مغرور به بی اعتنائی گفت ترا چه کار بس از چند کلمه کم کو که به»
 «این روش در میان رفت آخوند فرمود می بینم که فلان کتاب در پیش»
 «داری و در فهم فلان عبارت درمانده ای چه آن را غلط می خوانی»
 «آنگاه برخاسته محل اشکال را صحیح خوانده؛ مطلب را به بیانی روشن»
 «و وافق تقریر فرموده؛ گفت حال مشکل حل شد برخیز و آسوده بخواب!»
 «اما با این شرط و عهد که آنچه امشب گذشت نادیده انگاری و به زبان»
 «نیاری؛ من همان خادم باشم و تو همان مخدوم که بودی بیچاره صاحب»

«حجره در گرداب حیرت فرورفت و تا صبح در این خیال که این چه حکایت»
 «بود؛ خواب نکرد فردا که از درس مقرر برگشت کتاب را نزد آن مصاحب»
 «ناشناخته خویش گذاشته تقریر درس روز را طلبید و بیانی بهتر و کامل تر»
 «از استاد خود شنید. از آن وقت خاضع گشته به استفاده پرداخت و آخر»
 «بر حفظ عهد خاموشی تاب نیاورده همدرسان را خبر کرد و ذیل این کار»
 «به آنجا کشید که حضرت آخوند به درس گفتن وادار و مشهور شد که به»
 «تازگی ابراهیم نامی در طهران مشغول به تدریس معقول شده و از»
 «سائر مدرسین سرآمده است...» (۱۸۴)

۳۱- السید ابراهیم الطباطبائی، قال الطهرانی :

«رأیت تملکه لکتاب الاسفار فی ۱۲۷۰ و کتب علی ظهر انه توفی المولی»
 «علی بن جمشید النوری الحکیم المشهور فی... فالظاهر انه من تلامیذه و»
 «انه قرأ علیه الاسفار لذا اعتنی بضبط تاریخ وفاته.» (۱۸۵)

۳۲- الشیخ محمد حسین بن مراد علی الشیرازی المتوفی بعد ۱۲۸۱ نیز

از تلامیذ خاجوئی. (۱۸۶)

۳۳- حاجی کبابسی صاحب اشارات (۱۲۶۱ - ۱۱۸۰) نیز از تلامیذ
 آقا محمد بیدآبادی و میرزا محمد علی مظفر و آخوند ملامحراب قدس الله
 اسرارهم کما صرح به فی بعض رسائله الفارسیه.» (۱۸۷)

۳۴- حاجی سید شفیع چاپلقی بروجردی صاحب الروضة البهیة متوفای

۱۲۸۰. (۱۸۸)

دوران دهم : حکماء اربعه

دوران دهم روزگار «حکماء اربعه» است و مدرسین مهاجر از اصفهان
 به طهران که داستان آن به تفصیل بازخواهیم گفت ان شاء الله.

اکمال : «حکماء اربعه» غالباً اطلاق می شود به آقا محمد رضا قمشاهی و آقا
 علی مدرس و آقا میرزا ابوالحسن جلوه و آقا میرزا حسین سبزواری از تلامیذ حاجی
 قدس الله اسرارهم اجمعین که هر چهار مقیم طهران می بوده اند و معاصر هم.

ولیکن ما این عنوان بر آن سه بزرگ اطلاق کنیم با شخص شخیص حاجی که هر چند که به طهران نمی بوده است و به همان سبزواری اقامت می فرموده معاصر آنان می بوده است و اولی اطلاق این عنوان به همین نحو است.

دوران یازدهم : شاگردان حکماء اربعه

و بالاخره دوران یازدهم ادوار فلسفه در اسلام روزگار تلامیذ حکماء اربعه است بلاواسطه و مع الواسطه که داستان آنان نیز به مدد حق بازگوئیم البته به مزج.

اشاره فیها انارة: این ادوار فلسفه که باز نمودیم منصرف است غالباً به ایران؛ و این معنی ممکن است که موهم غفلت ما بوده باشد از حال آن به سائر ممالک اسلامی. دفع این توهم را بنگرید بدین گفته ابن خلدون در عنوان «فی ان حملة العلم فی الاسلام اکثرهم العجم»:

«واما العلوم العقلیه ایضا فلم تظهر ایضا الا بعد تمیز حملة العلم ومؤلفوه»
 «و استقر العلم كله صناعة فاختصت بالعجم وترکتها العرب وانصرفوا عن»
 «انتجالها فلم یحملها الا المعربون شأن الصنایع» (۱۸۹)

و بدانید که «علوم اوائل»، پس از انتقال به اسلام بدانگونه که او می گوید از پی قرنیه چند که به بغداد همی ماند، به ایران منتقل گردید و در آن به ذروه کمال رسید. قال رسول الله (ص) لو كان العلم معاقما بالثريا لنالته رجال من فارس؛ صدق رسول الله.

فصل دوم

تفصیل دورانهای دهم و یازدهم

باب اول

آقا محمدرضا قمشہای صہبا

اسم: آقا محمدرضا بن شیخ ابی القاسم القمشہی و کان الشیخ ابوالقاسم
من الفضلاء علی ماحکامہ بعض معاصرینا. (۱۹۰)

سال ولادت: ۱۲۴۱ علی ما ضبطہ الفاضل المعاصر المشار الیہ ایضاً.
(۱۹۱)

اساتید: از استاد یا اساتید آن بزرگ بہ مقدمات، بہ همان قمشہ،
آگاهی ای نمی داریم ولکن اساتید حکمت و عرفان وی را می شناسیم بہ اصفہان
بدین شرح:

۱- حاج ملا محمد جعفر بن محمد صادق لاهیجی، (۱۹۲) شارح مشاعر،
(۱۹۳) و محشی الہیات شرح تجرید قوشچی و حاشیہ خفزی بر آن. (۱۹۴) متوفی
بہ بعد از، ۱۲۵۵، (۱۹۵) از مشاہیر تلامذہ آخوند نوری، استاد حکمت او.
(۱۹۶) (قمشہای)

۲- میرزا حسن بن آخوند ملا علی نوری. (۱۹۷)

تبیین: آقای آشتیانی کہ ہمی زیاد شخص آخوند را نیز از اساتید آن
بزرگوار شمرده است، (۱۹۸) ولکن این معنی بعید مستبعد می نماید. از آن روی
کہ وفات وی (قمشہای) بہ ۱۳۰۶ بود، است مسلماً واگر ہم از تاریخی کہ

برای سال ولادت او ضبط کرده‌اند اعنی «۱۲۴۱» که برپایه آن مدت عمر وی از شصت و پنج سال نمی‌گذرد تجاوز کنیم و عمر او را هشتاد سال بینگاریم اعنی سال ولادت وی را «۱۲۲۶» بینگاریم که به هر حال عاری از بعدی نتواند بود، باز قبول تلمذ او به محضر آخوند متوفای ۱۲۴۶ مسلماً، مستبعد است.

۳- آقا سیدرضی مازندرانی، استاد عرفانیات آن بزرگ، (۱۹۹) متوفای ۱۲۷۰، (۲۰۰) «صاحب حال مالک باطن» (۲۰۱) و «دارای علوم غریبه کاملاً» (۲۰۲) که:

«در اوان بلوغ به شرف ملاقات فقیری معروف به درویش کافی علیه»
 «رحمة الله الملك الوافی مشرف و مورد توجه وی گردید. پس از چندی»
 «به جهت عدم تجانس با اهالی آن سامان (لاریجان) و پریشانی خاطر که»
 «از شهادت پدر داشته وطن مألوف را ترك و با مادر و برادر خود سید»
 «زکی الدین به عزم تحصیل به صوب اصفهان رهسپار و پس از تکمیل»
 «مقدمات علمیه و تحصیل يك دوره فقه در مدرس مرحوم آخوند ملاعلی»
 «نوری نورالله تربته و مرحوم ملا اسماعیل استاد [علی الظاهر واحد العین]»
 «به تحصیل حکمت جدید مرحوم صدرالدین شیرازی مشغول و در نزد»
 «اساتید دیگر نیز حکمت مشاء را فرا گرفت و به اندک زمانی در حکمت مشاء»
 «و اشراق و تصوف و عرفان به مقامی رسید که کم‌تر از معاصرین را دسترس»
 «بود؛ و مدرسش مجمع علماء گردید و اساتید عصر به استادیش اقرار و»
 «از محضرش استفاده می‌کردند؛ و کتب شیخ محی الدین و صدرالدین»
 «قونوی قدس سرهما را تدریس می‌کرد و شاگردان مبرز تربیت کرد که از»
 «آن جمله آقا میرزا محمدرضاء قمشه‌ای و حاج میرزا نصیر گیلانی رضوان»
 «الله علیهما بودند.» (۲۰۳)

از آن بزرگوار است:

ز فیض صبحدم دارم چو شمع از جانگدازیها

دم گرمی که با خورشید دارد تیغ بازی‌ها

ز چشم تر، نشان دل طلب، گر بینشی داری

که نقش پای کس جز در ره نمناک ننشیند

(۲۰۴)

هر گونه که باشد قمشہای گویا از پی حیات علوم حکمیہ تشریف بہ شرف معارف یقینیہ را بہ حضرت این بزرگوار شدہ بود و این معنی منقول از شخص آن بزرگ است:

«از مرحوم فیلسوف اعظم و عارف کامل آقا محمد رضای قمشہای نقل شدہ»
 «است کہ در اصفہان نزد حاج ملا محمد جعفر لنگرودی شروع بہ خواندن»
 «شرح فصوص نمودیم. مرحوم لاهیجی اقتدار کامل بہ تدریس این کتاب»
 «نداشت تا اینکہ بہ سراغ آقا سید رضی مازندرانی رفتیم و نزد او شروع»
 «بہ قرائت شرح فصوص نمودیم. او از اینکہ ما درس او را بردرس حکیم»
 «لاهیجی ترجیح دادیم با حالت نگران بہ ما گفت تدریس شرح فصوص»
 «کار قلندری است و حاج ملا محمد جعفر، حکیم است نہ قلندر» (۲۰۵)

و بدان حضرت بہ کمال راہ یافتہ.

اکمال: آقای آشتیانی از پی ذکر اینکہ: «آقا سید رضی گویا در عرفانیات شاگرد آخوند ملا محمد جعفر آبادہای عارف و حکیم معاصر آخوند نوری است» (۲۰۶) گوید:

«میرزا محمد علی مظفر متوفای ۱۱۹۸ معاصر آقا محمد بیدآبادی بودہ»
 «از تلامذہ مع الواسطہ میر سید حسن طالقانی و ظاہر آ عرفان از طریق او»
 «بہ آبادہای و قمشہای رسیدہ است (۲۰۷) و میر سید حسن مدرس شرح»
 «فصوص و کتب شیخ الاشراق و شاید از تلامذہ ملا حسن لبنانی شارح»
 «مثنوی بودہ است.» (۲۰۸)

تبیین: ۱- از «آخوند ملا محمد جعفر آبادہای عارف و حکیم معاصر آخوند نوری» بدین مدارکی کہ بہ دست ما است هیچ ذکر نیست و لکن بدان روزگاران فقیہی بدین عنوان ہمی شناسیم. بہ اصفہان متوفی بہ ۱۲۸۰ از تلامذہ حجة الاسلام شفتی (۲۰۹) صاحب نفوذ المسائل در فقه استدلالی. کتاب المرایا در اصول، رسالہ خماسیہ، شرح الدروس و کتاب السؤال و الجواب (۲۱۰) با شرحی بر تجرید. (۲۱۱)

۲- میرزا محمد علی مظفر: از آن بزرگوار بہ ذیل (اساتید واسطہ بین

صدرا و نوری) ذکر کرده ایم و آنچه که بایسته است که بدین مقام بدان بیفزائیم تدریس اوست (کتب ذوقیه) (۲۱۲) را که علی ای حال فصوص از اعظم آن کتب است با تمهید ابن تر که که به ظن اقوی و بل که به یقین متن مورد درس اینان می بوده است .

۳- میر سید حسن طالقانی : و او استاد حزین لاهیجی است بدانگونه که این خود گوید بعد از ذکر تلمذ خویش به محضر شیخ عنایت الله گیلانی تلمذ میر قوام الدین حکیم :

«سپس به خدمت سیدالمتبحرین امیر سید حسن طالقانی رحمه الله که از اعظم «علماء و اکابر صوفیان بود رسیدم، کتاب فصوص الحکم شیخ عربی «مباحثه می فرمود به استفاده مشغول شدم و شرح هیاکل النور نیز در «خدمت ایشان خواندم؛ شفقتی عظیم به من داشت؛ در هیچ فنی از علوم «نبود که استحضارش به تمام نباشد؛ مسائل حکمت را با مشاهدات «صوفیه انطباق داده علوی عظیم در اظهار مراتب ثلاثه توحید داشت؛ «قوت تقریر و مباحثه اش به مثابه ای بود که احدی از اصحاب جدل را «نزد او یارای سخن گفتن نبود... در اصفهان رحلت نمود؛ بعض طلبه «ظاهر، وی را نیز به عقائد غیر مستفاد از شرع نسبت می دادند و الناس «اعداء ماجهلو» (۲۱۳)

و این بزرگوار تواند بود که «السید حسن بن السید عبدالحسین الحسینی النجفی الشهیر بالطالقانی [الذی] کان حیا سنة ۱۱۱۶... من تلامذ الشیخ الفقیه الشیخ قاسم بن محمد بن جواد الشهیر بابن الوندی الکاظمی (۲۱۴) بوده باشد. ۴- ملاحن لبانسی متوفای ۱۶ صفر ۱۰۹۴ (۲۱۵) از پی وقوع اختلالی در دماغ .

«حکیم صوفی ماهر در علوم حکمیه مدرس به جامع کبیر عباسی به اصفهان «(۲۱۶) که تصوف را با حکمت مربوط ساخته... هیچ گاه بی جذبۀ شور «وشوقی نبوده و پیوسته باب تعشق حقیقی به روی خاطر گشوده (۲۱۷) «و هذا الیوم به مطالعه کتب حکمی اشتغال دارد. بعض از طالبان دلائل «حکمت در خدمت آن معلم ثانی تحصیل معانی می نماید طبع آن جناب»

«به قرائت کلام مولانا بسیار مایل است. ایشان را در هر بیت مولوی تحقیقات»
 «روی داده هذا الیوم در این فن که شمه‌ای از کمالات اوست متفرد است»
 «و چون نخواسته‌اند که مشکلات ابیات مولانا قدس سره مبهم بماند مدت»
 «اوقات کثیر البرکات را شرح مبسوط بر مثنوی حضرت مولوی نوشته‌اند»
 «به عبارت تازه و استعارات زیاده از اندازه ... و رساله دیگر قریب»
 «به هفت هزار بیت در تصوف ... و همچنین حواشی شفاء، آیات بر اشارات»
 «...» (۲۱۸)

و این بزرگوار را پسری بوده است نیز حکیم، مولی حسین نام اوی.
 متوفای ۲۶ رمضان ۱۱۲۹ خال جد صاحب روضات. (۲۱۹)

مهاجرت به طهران: آنچه که از احوال قمش‌های می‌دانیم به اصفهان
 تدریس اوست معارف حکمیه و عرفانیه را اولاً و فروختن اوست (ضیاع و
 عقار و مالیه خود را و صرف آن بر طلاب فقراء) (۲۲۰) به سال مجاعه ۱۲۸۸
 (۲۲۱) ثانیاً و سرانجام حرکت اوست به طهران، شکایت از بعض اصحاب
 قدرت را؛ و اقامت (۲۲۲) بدان به بعد از ۱۲۹۴ (۲۲۳)؛ و این معنی را
 داستانی است دلکش به روایت آقای آقا مرتضی المدرس که همی زیاد من
 بنده را به لیلۀ هژدهم آبان پنجاه و یک از آقا شیخ عبدالحمین رشتی قدس سره
 وهی هذه :

«قمش‌های در سفر طهران به مدرسه صدر شد و محصلی که انموذج عمی»
 «خواند سؤالی از او کرد و چون جواب شنید به نزد طلاب شد و گفت آخوندی»
 «آمده است که انموذج خوب می‌داند؟! و استاد آنان بیامد و فضل وی»
 «دریافت و گفت که شما را حاصلی از وی نتواند بود و به هر تقدیری
 «که بود نگه داشتند او را» .

ذیل: در انتقال حوزه حکمیه اصفهان به طهران - گرچه حرکت
 آن بزرگوار را از اصفهان به طهران بدانگونه که بیاوردیم بهر شکایت از زور
 آوری گفته‌اند غاصب حق وی، گویا مهاجرت جماعتی از حکماء از اصفهان
 به طهران نیز عاری از مدخلیتی در آن نبوده است همانند آخوند ملا عبدالله

زنوزی و آقا میرزا حسن حکیم و آقا میرزا ابوالحسن جلوہ و غیر ہم قدست
اسرار ہم .

این نیز توان انگاشت که آن بزرگ ظاهراً شکوی را بیامده باشد و
باطناً اقامت را و یا نیز شکوی را آمده بعداً قصد اقامت کرده باشد و العلم
عنده وحده . هر گونه که باشد بدین باب (مهاجرت حکماء) رقیمہای هست از
آقاعلی مدرس قدس سره که نیز حاوی ترجمت آخوند ملا عبداللہ است طاب
ثراہ ؛ و صاحب طرائق رہ آن را بہ کتابخانہ آن بزرگ بیافته است و بہ
ذیل ترجمت وی ایراد کرده و ہی ہذہ بعبارتہ :

«مرحوم مغفور ملا عبداللہ مدرس مسقط رأسش قریہ زنوز از قراء تبریز»
«در بدایت سن از زنوز بہ خوی رفت و بہ تحصیل علوم عربیہ و ادبیہ»
«مشغول شد و بہ اقصی الغایہ تحصیل نمود چنانکہ بہ ملا عبداللہ نحوی»
«معروف شد از خوی بہ کربلا رفت و خدمت مرحوم مغفور آقا سیدعلی»
«طباطبائی صاحب ریاض مشہور بہ شرح کبیر بہ تحصیل علم اصول فقہ مشغول»
«شد. پس از چندی بہ دارالایمان قم رفت و در خدمت مرحوم آقا میرزا»
«ابوالقاسم قمی صاحب کتاب قوانین الاصول بہ خواندن آن کتاب مواظبت»
«نمود. پس از فراغ بہ اصفہان رفت و خدمت مرحوم ملاعلی نوری بہ»
«تحصیل علوم حکمیہ و در خدمت مرحوم آقا سید محمد ولد آقا سید علی»
«طباطبائی مذکور بہ تحصیل علم فقہ مشغول شد و از علوم ریاضیہ نیز»
«بہ قدر امکان تحصیل نمود. پس از آنکہ مرحوم حاج محمد حسین خان»
«مروزی در دارالخلافتہ طهران مدرسہ مروزی را عمارت کرد و بہ اتمام»
«رسید از خاقان خلد آشیان استدعا کرد کہ مرحوم ملاعلی نوری را از»
«اصفہان بہ طهران احضار فرمایند تا در آن مدرسہ تدریس فرمایند پس»
«از ابلاغ احضار مرحوم ملاعلی نوری در جواب نوشت کہ در اصفہان»
«قریب دو ہزار نفر!! طلاب مشغول تحصیل علم معقول اند کہ چہار صد»
«نفر بلکہ متجاوز!! کہ شایستہ حضور مجلس درس این دعا (کذا و»
«لعلہ دعا گو) هستند بہ مجلس درس این دعا گو حاضر می شوند. چنانچہ»
«در طهران بیاید موجب پریشانی این ہمہ طالب علم خواهد شد. پس»
«از رسیدن جواب مرحوم خان مروزی استدعاء نمود کہ مجدداً فرمایش»
«شود کہ یکی از تلامذہ خود را کہ لایق داند روانہ کنند. آن جناب»

«مرحوم ملاعبدالله را معین فرمود و به طهران فرستاد و در مدرسه»
 «مذکور مدرس شد... و مدت بیستسال در آن مدرسه تدریس فرمود و»
 «به رحمت ایزدی پیوست. تاریخ وفاتش (روح عبدالله همی روحانیان را»
 «پیشوا، ۱۲۵۷). مصنفاتش لمعات الهیه در اثبات واجب الوجود و»
 «اثبات صفات او تبارک و تعالی، انوار جلیه در شرح حدیث کمیل تخمیناً»
 «سه هزار بیت، رساله علیه در چگونگی غضب خداوند بر عاصین.»
 (۲۲۴)

شطری از احوال باطنی

۱- محامد نفسیه : هر کس که یادی از وی کرده است او را به محامد
 نفسیه و از آن جمله (درویش نهادی و بلا ادعائی و بلا تعینتی) (۲۲۵) ستوده
 است و چه نیکوست گفتار آقامیرزا ابوالفضل تهرانی از تلامیذ آن بزرگوار
 به سالیانی دراز بدین باب به ظهر رساله (فرق بین اسماء الذات و الصفات)
 از او (قمشهای) به خط این (طهرانی) وهی هده :

«وكان هذا الشيخ سليم الجنه مأمول الناحيه حسن السميت صحيح العقيدة»
 «قوى الايمان صادق اللهجة لطيف العشرة ظريف الطبع مستقيم الطريقة»
 «جيد الفهم مصيف (كذا ولعله مصيب) النظر... وكان شديد التسليم»
 «لاخبار اهل البيت عليهم السلام كثيرا لاقتصار على ظواهرها». (۲۲۶)

۲- اعتقاد به لزوم متابعت شیخ: و بدین باب او را اشارتی است به حاشیتی

از تمهید وهی هده:

«قوله التعددات الظاهرة في الوجود توضيحه يستدعي مقدمة فنقول في»
 «كثرة الاشياء الظاهرة في الوجود و وحدتها... من الواجب و الممكن»
 «جوهر كان او عرضا ثلاثة مذاهب ذهب الي كل منها طائفة فذهب»
 «جمهور الحكماء و المتكلمين الي... و بازاء هذا طائفة من الصوفيه...»
 «و لعلمهم يسندون ذلك الي مكاشفاتهم ويلزمهم نفى الشرايع و الملل و»
 «انزال الكتب و ارسال الرسل و يكذبهم الحس و العقل كما علمت و هذا اما»
 «من غلبة حكم الوحدة عليهم و اما من مداخله الشيطان في مكاشفاتهم»

«راه سخت است مگر یار شود لطف خدا

ورنه انسان نبرد صرفه ز شیطان رجیم»

«وهذا احد وجوه احتیاج السالك الى الشيخ الكامل المکمل»

«قطع این مرحله بی همراهی خضر مکن ظلمات است بترس از خطر گمراهی»

(۲۲۷)

نیز عبارت آتیه را آقا میرزا محمود بروجرودی به مجلس درس از آن بزرگوار اصغاء و به حاشیت (رسالة الاسفار الاربعه) ضبط کرده است:

«ولو خلی السالك وطبعه فلا یعرفها و یمیزها و کثیراً ما یقع فی الضلالة و»

«المهالك وایاک ان تسلك بفرور من نفسک او ارشاد من لایکون عارفاً»

«بتلك المعارف وعلیک بخدمة الكامل المکمل»

«قطع این مرحله بی همراهی خضر مکن ظلمات است بترس از خطر گمراهی»

«وفی المثنوی:»

«گفت پیغمبر علی را کی علی شیر حقی پهلوانی پر دلی»

«لیک بر شیری مکن تو اعتماد اندر آ در سایه نخل امید»

(۲۲۸)

و این اشارات علی الظاهر مشعر تواند بود بر وجود ارادتی از آن بزرگوار به بزرگی، و آن بزرگ تواند بود که از سلاک سلسله علیه ذهبیه بوده باشد علی صاحبها آلاف الثناء والتحیه؛ انسلاک جماعتی از حکماء بعد از صدر المتألهین قدس الله اسرارهم اجمعین را بدان. بالاخص آخوند ملا اسماعیل واحد العین استاد استاد او (آقا سید رضی) که به طوری که نقل شده از مشایخ سلسله ذهبیه بوده است». (۲۲۹)

۳- اقبال به شاعری: آن بزرگوار را با تخلص صهبا غزلیاتی بوده است

لطیف به سبک عراقی که جز اندکی از بسیار آن به دست ما نرسیده است آن هم

به نقص ولیکن این اندک ناقص نیز مبین باریکی خیال و نازکی اندیشه اوست

البته بی بیانی فائق درخور آن خیال و اندیشه. هر گونه که بوده باشد این است

آنچه که توانسته ایم از شعر آن بزرگوار فراهم آوریم (۲۳۰)

در بی خبری از تو صد مرحله من پیشم تویی خبر از غیری من بی خبر از خویشم
(۲۳۱)

گفتا خرد که سر حقیقت نهفته دار با عشق پرده در مرو ای عقل بلفضول
(۲۳۲)

اساس عالم هستی بساط بادیه پرستی
اگر نداشت ندانم چه داشت عالم هستی
زمین میکده را برتر از سپهر شمارم
چه حکمت است ندانم در این بلندی و پستی
(۲۳۳)

همه آفاق بگشتم چو تو در عالم نیست
یا اگر هست به حسن تو بنی آدم نیست
شاید از زیر نگین ملک سلیمان آری
حسن هر جا که زندخیمه کم از خاتم نیست
فکری ای شیخ به روز سیه خود می کن
که ترا دست در آن زلف خم اندر خم نیست
کاخ زرین به شهان خوش که من دیوانه
گوشه ای خواهم و ویرانه به عالم کم نیست
(۲۳۴)

امروز گه به ما نظر نیز می کنی
گاهی نظر به خنجر خونریز می کنی

گه بشکنی به چهره و گه افکنی به دوش

بس فتنه‌ها ز موی دلاویز می‌کنی

بگذار جوی شیر به شیرین و کوه‌کن

تو جوی خون ز دیده پرویز می‌کنی

ساغر ز خون ماست به اندازه نوش کن

این جام باده نیست که لبریز می‌کنی

(۲۳۵)

به کف گرفت چو ساغر نگار باده فروشم

نداده باده به دستم نه عقل ماند و نه هوشم

قیامت است می ارغوان ز پنجه ساقی

اجازه گر دهی ای شیخ یک پیاله بنوشم

مرا رفیق موافق مخوان و یار مناسب

به حلقه حلقه زلفت غلام حلقه بگوشم

فقیه شهر حقیرم شمرد و باده گساران

دهند دست به دستم برند دوش بدوشم

به عالم سر موئی نمی‌خوری تو ولیکن

بیا که یک سر مویت به عالمی نفروشم

برفت ناله صهبا به عالم ار نپسندی

نمک‌پاش به ریشم که بیش از این نخروشم

(۲۳۶)

ز بس بدیع جمالی ز بس لطیف کمالی

ندانمت چه نویسم بخوانمت به چه نامی

غلام تاك شدم در هوای باده و غافل
 که خواجه دختر خود را نمی دهد به غلامی
 حلال نیست جدا از تو می گساری و مستی
 به خاک ریزمت ای می که بی حریف حرامی
 حرام نیست می از پختگان عشق و لیکن
 بسو ختم من و صهبا هنوز گفت که خامی
 (۲۳۷)

هوای باغ فرح بخش و بوی گل نیکوست
 ولیك خار بود گل به چشم طالب دوست
 مرا مخوان به تماشای باغ و سیر چمن
 کدام سرو به بالای دوست بر لب جوست
 هوا در آن خم گیسو مگر مداخله یافت
 که باد عطر فشان و نسیم غالیه بسوست
 بیا که می به گلستان خوریم و غم نخوریم
 که یار دربر و گل در کنار و می به سبوست
 بهشت عدن به مینای می توان دادن
 کنون که دامن کهسار عرصه مینوست
 مجال نیست مرا بی تو در جهان فراخ
 بدان صفت که نگنجد دومغز در یک پوست
 طریق عشق نکویان به سر از آن پویم
 که دل فتاده به چو گمان زلف او چون گوست

کمر چو بست به قلم میان اهل نظر
 به کس نگشت مبین که آن میان یا موسی
 بدان خدای هزاران درود باید گفت
 که همچو تو صنی آیت خدائی اوست
 هزار بار بگفتم که دل مده صہبا
 به دست یار پریش که خوبرو بد خوست
 (۲۳۸)

دل سر گشته به زلف تو به زنجیر افتاد
 باز کارم همه با ناله شبگیر افتاد
 سر زلفت دل شوریده به ابرو بسپرد
 کار سودائی عشق تو به شمشیر افتاد
 کس به تدبیر عمل راه به سوی تو نبرد
 در ازل دولت وصل تو به تقدیر افتاد
 گفته بودی بنمایم رخ و زارت بکشم
 جان فدای تو چرا کار به تأخیر افتاد
 با سر زلف تو دل نرد محبت می باخت
 زاهد آشفته شد و از پی تکفیر افتاد
 در ازل حسن رخت نقش معانی می کرد
 مانی (۲۳۹) جلوة آن در پی تصویر افتاد
 چه کند دل که فتاده است به سر پنجه عشق
 چه کند صید که در معرکہ شیر افتاد

آب دندان تو با آن لب شیرین آمیخت
 الفتی نغز میان شکر و شیر افتاد
 خواب دیدم شبم آشفته و روزم سیه است
 زلف مشکین به رخت دیدم و تعبیر افتاد
 عشق و مستی و جوانی همه با هم بودند
 از چه صهباطلبش در سر این پیر افتاد (۲۴۰)

دانه خال رخ و زلف بهشتی رویان
 زاهد از آب خرابات همان به که نخورد
 دانه و دام شد آن آدم افلاکی را
 حیف ناپاک خورد آب بدان پاکی را
 (۲۴۱)

چل سال عمر با خرد و هوش زیستم
 عاقل ز هست گوید و عارف ز نیستی
 آخر نیافتم به حقیقت کسه چیستم
 من در میان آب و گل هست و نیستم
 لیکن چو تو به بزم نشینی بایستم
 کاندر کمال خویش چو دیدم گریستم
 زان خنده آیدم ز کمالات دیگران
 (۲۴۲)

اشاره: این قلیل شعر آن بزرگوار را نباید با سخن «آقا محمد تقی صهبای قمی» متوفای ۱۱۹۱ به شیراز (۲۴۳) و نیز «آقا سید ابراهیم یزدی صهباساکن شیراز متوفای به ۱۳۳۱ شمسی به کازرون از حکماء و شعراء» (۲۴۴) یکی انگاشت.

شطری از احوال ظاهری

۱- زولیده اساسی: او به زی قلندریه همی زیسته است و اعتنائی با ظاهر

نمی فرموده و بدین باب استاد فاضل بارع آقای آقامیرزا جلال الدین الهمائی الاصفهانی را شنیدم دامت برکاته از استاد خویش آقا شیخ محمد حکیم خراسانی از جهانگیر خان قدس سرهما به صبح پنجشنبه بیست و سه اسفند پنجاه و دو که «من (جهانگیر خان) سائقهٔ تحصیل به حضرت قمشاه ای رابه طهران» «و به همان لیلۀ ورود، به محضر وی شدم. هیچ گونه جنبۀ (علمائی)» «نداشت! وبه کرباس فروشان سده می مانست (۲۴۵) به حال جذبۀ.» «و چون طلب بنمودم بفرمود که فردا به خرابات آی و خرابات محلی» «بود به بیرون خندق و درویشی بدان قهوه خانه ای داشت محل تردد» «اهل ذوق. فردا بدان مقام شدم و بیافتم او را به خلوت گاهی بر حصیری» «نشسته و اسفار برگشودم و او بخواند آن را از سینه و چنان تحقیقی» «کرد که نمانده بود که دیوانه شوم و آن حالت من دریافت و فرمود:» «قوت می بشکند ابریق را»

۲- کیفیت تدریس: طهرانی گوید طاب ثراه:

«کان مشغولا بالتدریس فی اکثر العلوم الا ان اختصاصه فی المعقول»
«والعرفان و کتب المتصوفه اکثر و کان یدرس اکثر کتب محی الدین بن»
«العربی و شروحها و سائر رسائل العرفاء» (۲۴۶)

هر گونه که باشد آن بزرگوار بدانگونه که حدیث کرد مرا بدان، فاضل مفضل آقای آقامرتضی المدرس که همی زیاد از آقا شیخ عبدالحسین الرشتی طاب ثراه به لیلۀ جمعۀ دوم شعبان نود و دو علی الظاهر از آقامیر شهاب حکیم قدس سره گاه که حالی می داشت درسی می گفت و شعری می خواند و گاه که حالی نداشت جمع می کرد آن را.

۳- معارضت میرزای جلوه با او: میرزای جلوه را گویا مناقشاتی بوده است

با این بزرگوار قدس الله سرهما القدوسی علی الظاهر تباین مشرب را و بدین باب روایتی هست از سیدالحکماء آقای آشتیانی دامت برکاته وهی هده؛

«این مسلم است و اساتید ما خود ناظر این جریان بوده اند که جلوه»
«خواست با مرحوم آقا محمد رضا در علمیات معارضه نماید. آقامحمد»
«رضاء... شروع به تدریس فلسفۀ مشاء فن تخصصی مرحوم جلوه نمود»

«و از عهده برآمد و طلاب فاضل آن زمان او را در این فلسفه از حیث
«وسعت اطلاع و کثرت تحقیق و جودت فهم بر جلوه ترجیح دادند و لسی»
«آقا میرزا ابوالحسن شروع به تدریس شرح فصوص و مفتاح الغیب»
«کرد و در همان صفحه اول این کتب توقف نمود!» (۲۴۷)

و شاید بر این پایه بوده است این قول جماعتی پس از هجرت قمش‌های به طهران
که «جلوه از جلوه افتاد» (۲۴۸).

تبیین: قمش‌های را رساله‌ای است به ذیل فصل اول شرح قیصری در
«وحدة الوجود بل الموجود» (۲۴۹) و جلوه را تعلیقی است بر آن (۲۵۰)
تبیین را عاری از معارضتی حاد و این است آنچه که به درایت است فعلا به مقابل
آن جمله روایات.

تلامید: برخی از تلامید آن بزرگوار این بزرگانند:

۱- آقا میرزا هاشم بن حسن بن محمد علی اشکوری لاهیجی مازندرانی:
مقیم مدرسه سپهسالار مدرس مصباح و فصوص و تمهید و محشی آن نیز نصوص
قونوی و مشاعر و غیرها متوفای ۱۳۳۲ (۲۵۱) استاد اکثر طبقه تالیه و فی الحقیقه
تالی تلو استاد خویش به معارف ربوبیه.

تکمله: ۱- این بزرگوار علی الظاهر از پی فراغ به دیار خویش مراجعت
فرموده بوده است و بعداً به زمان تولیت آقا میرزا ابوالفضل طهرانی طاب ثراه
به مدرسه سپهسالار به دعوت او تدریس بدان مدرسه را به طهران معاودت کرده
کما حدثنی به المولی الاقا المیرزا محمد بن المیرزا المومی الیه ادام الله بقاه یوم-
الاثنین ۲۴ تیر ۱۳۵۳ شمسی.

۲- مبتلاء به سوء مزاج و امراض عدیده بوده است و مع هذا کله از اشتغال
به مباحثات روی بر نمی گردانده. (۲۵۲)

۳- شیخ الفقهاء المعمرین مرحوم مبرور آقای آقا شیخ محمد علی لواسانی
طاب ثراه را شنیدم به شنبه ۱۳ صفر الخیر ۱۳۹۰ که:

«پس از ارتحال میرزا قدس سره، علاءالممالک که اداره مدرسه سپهسالار»
 «می کرد و مردی بود عامی آن بزرگوار را به خواب دیده بود که دستی»
 «به دعا بر آورده می گوید: (اللهم سکن هیبة قهرمان الجبروت) و این»
 «عبارت حفظ کرده و از آنجای که عامی، می بود و بدور از این معانی،»
 «رویای او، صادق بود»

۲- آقا میرشهاب الدین نیریزی شیرازی: متوفای به حدود ۱۳۲۰:

«له اشواط بعیده فی العرفان... استقل بالتدریس فی الحکمة و غیرها بمدرسة»
 «صدر فی طهران بعد وفاة استاده القمشی ای له آثار منها رسالة فی حقيقة»
 «الوجود مختصره فی قرب خمس مائة بیت» (۲۵۳)

نیز قدوة اهل معرفت و حسنه ای از حسنات آن بزرگوار

۳- آقا میرزا حسن کرمانشاهی: من بنده رارساله ای است علی حدها به ترجمت

حقائق اشتمال این بزرگ (۲۵۴) که ملخص آن بدین مقام ایراد کنیم و هی هذا
 ۱- ولادت: از سال تولد این حکیم محقق به درستی آگاه نیستیم و لکن
 به اماره وفات وی به میانه هشتاد و نود سالگی به ۱۳۳۶ آن را بین سنوات
 ۱۲۴۶-۱۲۵۶ تخمین می کنیم از دور قمری.

۲- تحصیل و اساتید: قال الطهرانی طاب ثراه

«... ولد فی کرمانشاه فنشأ بها فاخذ الاولیات و مقدمات العلوم عن لفیف»
 «من الاعلام والافاضل ثم هاجرالی طهران فاکمل النقیات فللازم الحکیمین»
 «الجلیلین آقا علی الزنوزی والسید ابی الحسن الجلوه». (۲۵۵)

اکمال: از دیگر اساتید وی از قمشه ای که بگذری علی الظاهر آقا

میرزا حسن نوری بوده است پور برومند آخوند ملاعلی نوری قدست اسرارهم
 اجمعین.

۳- آثار: دری که از خواص تلامیذ آن بزرگوار بوده است گوید.

«از جمله مصنفات او حواشی فراوانی است که براسفار و شرح اشارات»
 «و شفاء نوشته. تعلیقات شریفش که بر طبیعیات و الهیات شفاست و فعلا»
 «نزد نگارنده موجود است تسلط آن مرحوم را بر فهم کلمات شیخ کاملا»
 «می رساند» (۲۵۶)

۴- تدریس و محل آن : قال الطهرانی :

«... حتى برع واشتهر امره وعين مدرسا في الفلسفة بمدرسة الدانكي التي»
 «اسسها السيد حسين اللاريجاني واصبح من افاضل المدرسين بها و استاذيه»
 «بعد في الحياة فقد كثرت رغبة الطلاب به وجنح اكثرهم اليه نظر الحسن»
 «تقريره وجودة تعبيره وطلاقة لسانه وسلاسة بيانه وبعد وفاة استاده»
 «الزنوزي عين مدرسا في مدرسة سپهسالار القديم (۲۵۷) الشهيرة بطهران»
 «فاستمر على التدريس بها الى ان توفي» «۲۵۸»

۵- شمایل : حدیث کرد مرا شیخ الفقهاء الاصولیین آقای لواسانی طاب

ثراه به پیش از نیم روز شنبه پنجم اردیبهشت چهل و نه که آن بزرگوار قالبی داشت نحیف و عینک بر دیده می نهادی .

۶- وفات : سرانجام این بزرگ که بقیة السیف حکماء مشاء می بود و

روایت آقای داناسرشت صیرفی را از استاد خویش آقای دری طاب ثراه تلمیذ وی، تدریس شفاء به طهران بدو منتهی می گشت به ۱۳۳۶ با عمری به میانه هشتاد و نود از این عالم در گذشت و بدان حال چنان در پنجه درویشی بود که روایت آقای لواسانی را بهر کفن و دفن او معطل ماندند تا آقای آقا میرزا مهدی آشتیانی بدان مهم قیام فرمود قدس الله اسرارهم اجمعین.

لطیفه : کیوان به جایی گوید که گاهی به حوالی عید، میرزا که اسیر

پنجه درویشی بود از اثاث البیت تدارک عید می فرمود. با او گفتند که مقداری از علم خویش به حاج محمد حسن کمپانی بفروشید. گفت چون شود گفتند شما می شوید بی علم و با پول و او می شود بی پول و با علم. فرمود اگر چنین است نمی فروشم. (۲۵۹)

رحم الله معشر الماضین که به مردی قدم سپردندی

باری آنان چو زنده می شوند کاش این ناکسان بمردندی

۴- آقا میرزا محمود المدرس الکهای القمی المتخلص برضوان

(۱۳۴۶ - ۱۲۷۰) :

« اصله من قرية من قرى قم يقال لها كهك انتقل الى قم لتحصيل العلم... »
 « ثم انتقل الى طهران وحضر في العليات على الحكيم محمدرضا القمهي »
 « ثم صار من كبار المدرسين في هذه العلوم. مات بها ونقلت جنازته الى قم »
 « و دفن في الجهة الشماليه من الصحن الاتاكي. كان مع فضله حاد المزاج »
 « لا يخلو من خشونة الطبع وقد عاش مجردا وكان شاعر فصيحاً. (۲۶۰)

مقیم مدرسه صدر و كذلك مروی نیز مدرس معارف ربوبیه و از تلامیذ آقا علی
 و جلوه، محشی شرح منظومه و اسفار و شرح فصوص و دارنده رساله ای در
 ولایت. « ۲۶۱ »

ذیل : اکثر طبقه تالیه، تربیت از این چهار بزرگ یافته اند که ترجمت
 تنی چند از آنان بدین مقام ایراد کنیم :

۱- آقا سید محمد کاظم اللواسانی الطهرانی المدعو فی الامصار بالعصار
 (دو ساعت از نیم شب پنجشنبه ۲۶ ذی الحجه ۱۳۹۴ - حوالی ۱۳۰۲) :
 مدفون به مقبره ابو الفتوح الرازی سید اعظم الحکماء المتألهین بل سند افخم
 العرفاء المحققین عین الانسان و الانسان لعین قدس الله سره و فی خطیره
 القدس سره .

من بنده به سالی چند پیش از این رساله ای به ترجمت حال حقائق
 اشتمال آن بزرگوار پرداخته بود و طبع را، با ادیبی سپرده بی ضبط سواد.
 و چون چندی بر آمد ادیب گفت کسی که چندانش نمی شناسم به تقریبی آن رساله
 از من بگرفت که بازش گرداند ولیک نه باز آمد و نه باز آورد. و اینک گزیری
 نمی یابیم جز آنکه بدین مقام رقیمه ای نوریه که آن اغلوطه دهر ذکر اساتید
 خویش بدان فرموده است ایراد کنیم و هی هذه :

« لامانع لدى من الاشارة بالاختصار الى مسيرتي التحصيليه. كان ذلك منذ »
 « الثالثه من عمري الطفل ان بدئت حفظ القرآن الكريم و تعلم الفارسيه و »
 « تحسين الخط لدى المرحوم آقا شيخ محمد علي اصفهاني فما ان بلغت »
 « الخامسة حتى التحقت بمدرسة عبدالله خان بالقرب من تيمچه حاجب الدوله »
 « حتى سلمت للمرحوم آقا شيخ موسى من فضلاء طلاب تلك المدرسه لادرس »

«العربیہ و آدابہا فبقیت تحت اشرافہ ثلاث سنوات تعلمت اثنائہا الصرف»
«والنحو والمنطق. ثم بدأت بعد ذلك احضر الدروس بنفسی فی المدارس»
«کمدرسہ خان مروی والصدر و غیرہما فحصلت سطوح الفقه والاصول»
«والکتب الکلامیہ المتداولہ لدى المدرسین المعروفین فی ذلك الوقت»
«ولعل هذه الفترہ استغرقت ست سنوات. التحقت علی اثرہا بمدرسة»
«دار الفنون لتحصیل العلوم الحدیثہ وخاصة العلوم الرياضیہ وکنت اذذاك»
«قد انہیت دراسة الرياضیات القدیمہ علی يد آقا شیخ علی اکبر فی مدرسة»
«حاج شیخ عبدالحسین الذی شوقنی للالتحاق بتلك الدار و کنت فی نفس»
«الوقت ابشر نشاطاً خارجياً بالتردد علی اساتید الرياضہ امثال جناب آقا»
«میرزا عبدالرزاق خان سرتیپ حتی حصلت منه ومن سائر الاساتذ علی»
«شهادة الدورة الرياضیہ التي تؤید انی قد درست دورة الحساب الاستدلالی»
«الکامل وجبر المقابله للمدرجات العالیہ والمثلثات ومقالات الهندسہ الثمانی»
«و دورة کامله فی فیزیاء. اما الهيئۃ الحدیثہ فبدئت دراستها علی المرحوم»
«الحاج نجم الدوله ولكن الاجل المحتوم لم یمهله واختاره الله الی جوارہ»
«بعد سنۃ من شرونا فوفقت لاتمام دراستها علی يد علم الدوله احد معلمی»
«مدرسة دار الفنون. اما فیما یختص بشعب الفلسفہ والعرفان هذا الشیء»
«الذی اذکره تماماً فقد استغرق تحصیلها من سنة ۱۹ هجریہ حتی ۲۷»
«علی النحو الاتی: فاما طريقة المشاء واكثر کتب الشیخ الرئیس فقد اکتسبتها»
«من محضر تحقیق المرحوم ساکن الجنان آقا میرزا حسن کرمانشاهی و»
«مجالس علم اساطین ذلك الزمان. واما الحکمة المتعالیہ والاسفار الاربعه»
«والی جانبها الشواهد الربوبیہ والمبدأ والمعاد وتفسیر آیه النور من آثار»
«صدر الدین الشیرازی فقد درستہا علی نزیل الخلد آقا میر شهاب الدین»
«النیریزی ببیانہ الوافی وذلك فی محفلین علمیین فقد کان للمرحوم مجلسان»
«للعلم وتکمیل المشتاقین والمستعدين احدهما مجلس علنی والاخر سری»
«کان خاصاً بکشف اسرار الایات الالهیہ بعنوان تفسیر الالقاء. واما العرفان»
«کالفصوص ومفتاح الغیب وتمهید القواعد لصائن الدین محمد تریغ فقد»
«حصلتها من طریق تشرفی بحضرة العارف الکامل العامل الاساد العلامة»
«المرحوم مقیم الفرادیس آقا میرزا هاشم الجیلانی من اجلة اساطین الفلسفہ»
«والعرفان» (۲۶۲)

ذیل : ۱- اما استاد سیر آن بزرگوار مصباح الظلام برهان الطریقہ و
الحقیقہ مولنا الاقا السید احمد الموسوی الطهرانی الحائری البکاء بوده است از

اعظام خواص مکمل الکاملین جمال الواصلین مولنا الاخواند الملا حسینقلی الهمدانی قدس الله انفسهم الزکیه به کربلائی معلی علی مشرفها آلف التحیه و الثناء و این بزرگ کراماتی از آن بزرگوار نقل فرموده است که ذکر آن روا نمی‌داریم.

۲- از آثار آن بزرگوار است تفسیر فاتحه الکتاب و رساله در وحدت وجود و رساله در جبر و تفویض با رساله‌ای در بدهاء

۲- آقامیرزا مهدی آشتیانی (پنجشنبه نهم شعبان ۱۳۷۲- ذی القعدة الحرام ۱۳۰۶) قدس سره: رفاقت توفیق را این بزرگوار دو کورت ترجمت حال حقائق اشتمال خویش مرقوم فرموده است یکی جهت جامع (تاریخ علمای معاصرین) (۲۶۳) و دو دیگر بهر صاحب (ریحانة الادب) (۲۶۴) که ما آن را به التقاط از آن دو ایراد کنیم به استمداد از برخی مواضع دیگر وهی هذه:

«آقا میرزا مهدی بن آقامیرزا جعفر معروف به میرزای کوچک دخترزاده»
 «میرزای آشتیانی به حدود پنج سالگی از پس تعلم کلام مجید به تحصیل»
 «علوم ادبیه و عقلیه و نقلیه به حضرت والد ماجد خویش و سائر اساتید»
 «وقت اشتغال کرد همچون آقاشیخ مسیح طالقانی و آخوند ملا عبدالرسول»
 «و آقا سید عبدالکریم و آقاشیخ فضل الله نوری. مبانی ریاضی نیز از میرزا»
 «جهانبخش بروجردی و شیخ عبدالحسین سیبویه و میرزا عبدالغفار نجم»
 «الدوله و آقاشیخ محمدحسین ریاضی بیاموخت و مبانی طب قدیم از»
 «سلطان الفلاسفه میرزا محمدحسین و رئیس الاطباء میرزا ابوالقاسم نائینی.»
 «و طب جدید را از میرزا علی اکبرخان ناظم الاطباء و میرزا ابوالحسن خان»
 «رئیس الاطباء استوار گردانید. اما حکمت نخست از سیدالحکماء جلوه»
 «(۲۶۵) همی آموخت و از پی وفات آن بزرگ طریقه مشائیه را از آقا»
 «میرزا حسن و حکمت اشراقیه و عرفان را از آقامیرزاهاشم و حکمت متعالیه»
 «را از آقا میرشهاب حیات فرمود. آثار آن بزرگوار عبارت است از»
 «حواشی متعدده بر اسفار و شفاء و منظومه و رساله در وحدت وجود و قاعده»
 «الواحد و رساله در جبر و تفویض و ترجمه اسفار و اشارات و حواشی بر»
 «فصوص محی الدین و فصوص فارابی و مصباح الانس که نسخه آن نزد»
 «آقای آقا محمدرضاء ربانی است و رساله در معاد.»

- تلامیذ: ۱- حکیم محقق آقا میرزا ابوالحسن شعرانی قدس سرہ تلمیذ اسفار آن بزرگوار کما سمعت عن بعض اهل الحکمة.
- ۲- حکیم محقق آقای آقا شیخ محمد تقی جعفری تبریزی دامت برکاتہ متولد حوالی ۱۳۰۲ خورشیدی. نیز تلمیذ آقا شیخ مرتضای طالقانی بہ نجف اشرف علی مشرفہا آلف التحف و دارای مناسباتی با آقا شیخ صدرای بادکوبہ ای و آقا شیخ محمد رضاء مظفر و آقا شیخ عبدالحسین رشتی و آقا شیخ مہدی امیر کلائی مازندرانی قدس اللہ اسرارہم اجمعین کہ تربیت از بعضی از تلامیذ عارف الہی آقا میرزا جواد آقای ملکی تبریزی یافتہ است بہ قم المحمّیہ و تکمیل آن بہ حضرت آقا شیخ مرتضای طالقانی فرمودہ بہ نجف اشرف.
- اوراست: شرح نہج البلاغہ - شرح مثنوی شریف - حواشی بر مقادیری از اسفار - شرح حدیث عمران صابی - ارتباط انسان با جہان - جبر و اختیار - وجدان - رابطہ علم و حقیقت - طبیعت و ماوراء طبیعت - توضیح در باب برہان وجوبی (کمالی) دکارت - شرح دعاء عرفہ - قصیدہ عینہ در تتبع قصیدہ ہبوط النفس شیخ و غیرہا کہ مقادیری از آن بہ السنہ خارجہ نقل کردہ اند.
- ۳- حکیم محقق شہید آقای آقا شیخ مرتضای مطہری قدس سرہ الشریف.
- ۴- حکیم محقق آقای آقا سید جلال الدین الموسوی الاشتیانی دامت برکاتہ.
- ۵- عارف الہی آقای آقا میرزا محمد رضاء ربانی تربتی دامت برکاتہ صاحب حمد ربانی و غیرہا از خواص آن بزرگوار.
- ۶- آقای آقا مہدی حائری.
- ۷- آقای دکتر محمد صادقی.
- ۸- آقای سید موسی مازندرانی.
- ۹- آقای دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی.

- ۱۰- آقای حاج میرزا عبدالرحیم مدرس تبریزی.
- ۱۱- آقای سید محمدحسین آل طیب شوشتری.
- ۱۲- آقای شیخ علی محقق کاشمیری (۲۶۶).
- ۱۳- آقای آقا میرزا احمد خوشنویس ابن آقا میرزا محسن عمادالفقراء
حالی اردبیلی طلب ثراه کما حدثنی به.
- ۱۴- آقای بدیع الزمان بشرویه محمدحسن فروزانفر شارح مثنوی شریف
نیز از تلامید آقا میرزا طاهر قدس سره
- ۱۵- آقای آخوند ملاعلی همدانی قدس سره الشریف کما حدثنی به.
- ۱۶- آقای دکتر جواد فلاطوری اصفهانی متولد ۱۳۰۴ خورشیدی، نیز
تلمید آقا شیخ هادی کدکنی نیشابوری به شرح اشارات و شرح چغمینی به
ارض قدس رضوی و آقا شیخ محمد تقی آملی قدس سره به طهران (۲۶۷).
- ۱۷- حاج سید جواد مدنی کرمانی بنان الشریعه (۲/مرداد/۱۳۳۹-۱۲۵۷)
شارح دعای صباح. (۲۶۸)
- ۱۸- حاج اعتماد رشتی از خواص آن بزرگوار نیز از تلامید معقول
ادیب نیشابوری قدست اسرارهم. (۲۶۹)
- ۱۹- اسوة الحکماء الراشدین استادنا الاعظم جناب المولی الشیخ علی محمد
الجولستانی دامت برکاته.
- ۳- آقا میرزا احمد بن حسن الاشتیانی (۱۳۵۹-۱۳۰۰) قدس سره: تلمید تمهید
و شرح فصوص و مصباح و الهیات اسفار آقا میرزا هاشم والهی و طبیعی شفاء
و شرح اشارات و سفر نفس و امور عامه و جواهر و اعراض اسفار آقا میرزا
حسن و قسمت اعظم اسفار آقا میر شهاب (۲۷۰) صاحب حواشی اسفار و شفاء
و شرح منظومه و شرح تجرید علامه و مصباح الانس و غیرها و نیز رساله در
امرین الامرین و رساله در بیان مسالك در وحدت وجود و غیرها (۲۷۱)

۴۔ آقای آقا میرزا محمد علی شاہ آبادی اصفہانی (عصر پنجشنبہ ۳ صفر ۱۳۶۹۔ ۱۲۹۲) قدس سرہ: مدفون بہ مقبرہ ابو الفتح تلمیذ آقا میرزا ہاشم نیز میرزای جلوہ و جہانگیر خان قدس اللہ اسرارہم کما حدثنی بہ تلمیذہ العلامة البارع الاقاشیخ حسن القہرمانی القوجانی دامت برکاتہ لیلۃ السبت ۴ رجب ۱۳۹۸ صاحب الانسان والفرطۃ۔ الایمان والرجعۃ۔ القرآن والعترة و رسائلی در عقل و جہل و نبوات و منازل السالکین و غیرہا (۲۷۲) کہ اجل تلامیذ آن بزرگ۔ سیدالحکماء المتألہین آقای آقا سید روح اللہ الموسوی الخمیننی است ادام اللہ برکاتہ الشریفہ متولد ۲۰ ج ۲۔ ۱۳۲۰ تلمیذ حوزہ اخلاق آقا میرزا جواد آقای ملکی و صاحب اسرار الصلوۃ۔ مصباح الہدایۃ فی الخلافۃ والولایۃ۔ حاشیۃ فصوص۔ حاشیۃ مصباح (۲۷۳) و حاشیۃ مفتاح الغیب و غیرہا۔ و این بزرگوار استاد استاد من بندہ سہا است و ہوالحکیم المحقق آقای آقا شیخ یحیی طالبانی دامت برکاتہ متولد ۱۲۹۹ خورشیدی۔ نیز استاد۔ تلمیذ آقا میر سید آقای دامغانی است از تلامیذ آقا میرزا علی اکبر یزدی قدس سرہما کما حدثنی بہ یوم الثلاثین ۲۷ تیر ۱۳۵۱ الشمسیہ۔

۵۔ آقای آقا شیخ محمد تقی بن الاخوند الملامحمد الامنی (...۔ ۱۱ ذوالقعدہ ۱۳۰۴) قدس سرہ از اعظام حکماء و افاخم عرفاء۔ حضر مجلس افادۃ والدہ الساجد و تلمذ عنده من الشوارق و... ثم قرأ کثیرا من کتب المعقول عند الحکیم المحقق المیرزا حسن الکرمانشاہی... ثم استفاد من مجلس بحث الشیخ عبدالنبی النوری۔ لہ تعلیقہ علی شرح المنظومہ للسبزواری (۲۷۴) ولا یخفی انہ من اجزاء مسجوب العارف المتألہ مکاشف مولنا السید علی القاضی قدس اللہ سرہما۔

۶۔ آقا شیخ محمد حسین بن الملا عبدالعظیم معروف بہ فاضل توبی (۱۳ بہمن ۱۳۳۹ شمسی۔ ۲۵ محرم ۱۲۸۸ قمری) قدس سرہ تلمیذ اسرار و مفتاح الغیب و فصوص و تمہید آقا میرزا ہاشم۔ (۲۷۵) او راست تعلیقہ بر فصوص۔ ترجمہ

سماع طبیعی شفاء - الهیات، حکمت قدیم و غیرها.

۷- آقا میرزا حسن شرف‌الملک پور برومند آقا علی مدرس متوفای آذر ۱۳۲۰ مدفون به امامزاده عبدالله ری افادت آقای آقا میرزا محمد علی لواسانی طاب ثراه من بنده را به صبح دو شنبه ۱۳۵۱/۳/۸.

۸- آقا سید مرتضی لنگرودی (عصر پنجشنبه ۱۹ صفر ۱۳۸۳ - حوالی ۱۳۰۶) تلمیذ اوائل اسفار آقا میرزا هاشم و نیز اسفار و شرح اشارات و شرح فصوص آقا میرزا محمود و آقا میرزا حسن و شوارق آقا شیخ علی نوری به هشت سال صاحب رساله‌ای در حدوث عالم و رساله‌ای دیگر در قضاء. (۲۷۶)

۹- آقا شیخ مهدی امیر کلائی مازندرانی (. . . . - ۱۳۰۲) تلمیذ آقا میرزا هاشم و آقا میر شهاب و آقا میرزا حسن (۲۷۷). استاد بارع آقای آقا مرتضی مدرس گیلانی را شنیدم به لیلۃ جمعه ۱۳۵۳/۱۰/۲۰ که این بزرگوار وصی آقا میر شهاب بود قدس سرهما و حسب الوصیه پیکر پاک آن بزرگ به خاک فرج قم نهاد.

۱۰- آقا احمد بن هادی بن محمود بن محمد علی بن آقا باقر البهبهانی متولد ۱۲۹۱ تلمیذ آقا میرزا حسن و آقا میرزا هاشم. (۲۷۸)

۱۱- آقا شیخ محمد علی بن الشیخ عیسی بن الشیخ شکرالله اللواسانی (اوائل دهه دوم جمادی الاول ۱۳۹۳ - ۱۲ ذی الحجّه ۱۲۹۸) طاب ثراه: تلمیذ آقا میرزا محمود به شوارق نیز آقا میرزا شمس‌الدین حکیم‌الهی از تلامیذ حاجی سبزواری قدس سرهما به شرح تجرید و شطری از شرح الهدایه و قلیلی از تحریر اقلیدوس کما حدثنی به رحمه الله یوم السبت ۱۸ صفر ۱۳۹۰.

۱۲- شیخ‌الرئیس ابوالحسن میرزا تلمیذ آقا میرزا حسن (۲۷۹)

۱۳- آقا شیخ عبدالله مجوری تلمیذ آقا میرزا حسن، افادت سیدالفضلاء

و الشعراء آقای آقا سید عبدالکریم امیری فیروز کوهی المتخلص بالامیر دام بقاه من بنده را.

۱۴- آقا میرزا حبیب‌الله بن محمد جعفر ذوالفنون عراقی (۱۳۶۷ - لیلۃ چهارشنبه ۲۱ ذق ۱۲۷۸) (۲۸۰) تلمیذ آقا میرزا حسن نیز خان و آخوند به اصفهان و ریاضی آقا میرزا علی محمد اصفهانی و از اصحاب حوزه سید- السالکین آقا سید مرتضی کشمیری کما حدثنی به الاستاد البارع السید حسن الفرید الهزاوی العراقی قدس الله اسرارهم اجمعین.

۱۵- شیخ‌العلماء العاملین آخوند ملاعلی همدانی قدس سره متولد ۱۲ ربیع- الاول ۱۳۱۳ تلمیذ آقا میرزا محمود و از اصحاب حوزه جمال السالکین آقا میرزا جواد آقای ملکی قدس سره صاحب اسرار الصلوة در سر استغفار بین السجدتین و رساله‌ای دیگر در ترجمت آقا شیخ محمد بهاری قدس سره کما حدثنی به نورالله عقله فی ۱۲ خرداد ۱۳۵۴ شمسی.

۱۶- آقا میرزا لطفعلی صدرالافاضل دانش تلمیذ آقا میرزا حسن. (۲۸۱)

۱۷- آقای آقا سید ابوالحسن رفیعی قزوینی طاب ثراه متوفای لیلۃ دوشنبه اول محرم الحرام ۱۳۹۵ با عمری دراز، مدفون به قم المحمیه زاده‌ها الله شرفا تلمیذ آقا میرزا حسن کما سمعنا عنه و آقا میرزا محمود (۲۸۲) و آقا میرزا هاشم نیز آقا میرزا ابراهیم ریاضی، محشی منظومه و اسفار و صاحب رسائلی به معراج و رجعت و غیرها. (۲۸۳) و از اعظام تلامیذ اوست مرحوم مغفور آقا میرزا ابوالقاسم خوارزمشاهی ساوجی شهر به خرم‌شاهی حکیم عا-رف بالاتین مقیم قزوین متولد ۱۳۱۴ و متوفای ۲۱ ربیع الاول ۱۳۹۷ صاحب غنیة السعید فی شرح التوحید للشیخ الاقدم جدنا شیخ المشایخ الصدوق طاب ثراه وجعل الجنة مثواه با عرفان الولی فی شرح النص الجلی و رساله در زمان و حواشی بر شوارق و کشف المراد و منظومه و مصباح الانس و تمهید القواعد و غیرها که من بنده

به دو سالی که مأمور به قضاء قزوین می بود از فیض برکات قدسیه آن بزرگوار به علم و عمل کامیاب می گردید و چنین یافت تاریخ ارتحال او را از دارغور به سرای سرور:

دیدنی آن عارف کامل که رسید
به خدا راه بجست از پس آنک
آه از آن بخردی و دانانی
خواستم سال وفاتش ز سها
به سرا پرده ظل الهی
چاک زد پیرهن خود خواهی
وای از آن روشنی و آگاهی
گفت «ابوالقاسم خرمشاهی»

۱۳۹۷

قدس الله سره وفي حظيرة القدس سره.

- ۱۸- آقاسید حسین بن السید محمود الطباطبائی القمی (۱۳۶۶-۱۲۸۲) تلمیذ آقا میرزا حسن و آقامیرزا هاشم و آقا میرزا محمود. (۲۸۴)
- ۱۹- آقامیرزا محمود مفید از سلسله علیه مشایخ بیدآباد اصفهان (بعد از ظهر جمعه ۱۱ شوال ۱۳۸۲-۱۲۹۷) (۲۸۵) تلمیذ آقا میرزا حسن نیز آقا ضیاء الدین الدرّی و حاج ملا عبدالجواد الادینهی و آقاسید حسن مشکان، مقیم مدرسه صدر اصفهان، زاهد از زخارف دنیاوی (۲۸۶) قدست اسرارهم.
- ۲۰- آقاشیخ اسدالله ایزدگشسب گلپایگانی ناصرعلی قدس سره از مشایخ بعضی از سلاسل نعمة اللهیه صاحب رسائل متعدده تلمیذ آقا میرزا حسن.
- ۲۱- آقا میرزا فضل الله آشتیانی (ربیع الاول ۱۳۸۲ - جمادی الاول ۱۲۹۸) تلمیذ آقا میرزا حسن.

۲۲- آقا بزرحمّ بن السید ذبیح الله خراسانی از احفاد سید مهدی شهید متوفای سلخ جمادی الاخری ۱۳۵۵ تلمیذ آقا میرزا حسن و آقا میرزا هاشم نیز جلوه و شیخ الاسلام و آقا میرزا محمد سروقدی رضوی قدس الله اسرارهم اجمعین استاد حکماء خراسان که متمایل به حکمت مشائیه می بود و لکن می فرمود

لسنا آمنابمافی دفتی الشفاء (۲۸۷) وکان یضرب به المثل فی الزهد عن الزخارف
الدنیایو به قدس الله سره و فی حظيرة القدس سره.

ذیل : از افخم تلامیذ آن بزرگوار است استادنا الاعظم فی المعارف
الربوبیه عمدة الحکماء الربانیین مولنا الحاج الشیخ محمد حسین الخراسانی
النجفی ادام الله ایام افاداته الشریفه تلمیذ ادبیات ادیب نیشابوری و محقق
نوقانی و مولنا شمس و ریاضی حکیم زرگر و نجوم مدرس و معقول آقا شیخ
سیف الله ایسی و آن بزرگوار « آقا بزرگ » نیز آقا میرزا ابوالقاسم الهی و آقا
شیخ نعمت الله دامغانی و آقا سید حسین بادکوبه ای که تربیت نخست از مولنا
الحاج الشیخ حسنعلی الاصفهانی النخودکی یافته است به خراسان و تکمیل آن
به حضرت مقدسه مولنا الاقا السیدعلی القاضی فرموده به عراق به سنواتی .
صاحب اسرار الصلاة و رساله در ولایت و غیرها . قدس الله اسرار الماضین و
ادام الله ایام برکات الباکی آمین.

اکمال : آقا شیخ سیف الله بن عباس بن حسن الغریب دوستی الگرم رودی
التبریزی ثم الرضوی (۱۳۸۲ - حدود ۱۳۱۷) صاحب مطارح الفحول است و
تلمیذ شرح منظومه و شرح اشارات و شرح حکمة الاشراف و اسفار و فصوص
عارف کامل حاج شیخ اسدالله الیزدی نیز اسفار آقا بزرگ و حاجی فاضل
قدس الله اسرارهم اجمعین . نیز صاحب عیون الحکم ، معرفت ربوبی ، قواعد
العرفان ، رساله در بدا و پاسخ افسری در بیان وجوه اعجاز قرآن (۲۷۸/۱)
۲۳- آقا سید حسین بادکوبه ای تلمیذ آقا میرزا هاشم . قال الطهرانی :

«هو السيد حسين بن السيد رضا بن السيد موسى الحسيني، البادكوبي اللاهيجي»
«من افاضل الفلاسفة. ولد في قرية (خودلان) من قرى بادكوبا في ۱۲۹۳...»
«فهاجر الى طهران فحل في مدرسة الصدر... وقرأ الاسفار على الميرزا»
«هاشم الاشكوري وقرأ الكلام على مهرة الاساتذة... ثم هاجر الى النجف»
«الاشرف... و اشتهر بالفلسفة والعلوم العقلية وتخرج عليه في ذلك»
«جمع من افاضل الطلاب... توفي في حمام الحضرة في الليلة الثامنة والعشرين»

«من شهرشوال ۱۳۵۸... حدثنی السید حسن احد اولاده ان لوالده آثاراً»

«منها حاشیة الاسفار وحاشیة الشوارق» (۲۸۸)

ذیل : اعظم تلامیذ آن بزرگوار حکیم متأله آقای آقاسید محمد حسین القاضی الطباطبائی التبریزی است ادام الله ایام برکاته متولد او اخر ۱۳۲۱ قمری و مهاجر به نجف اشرف به ۱۳۰۴ خورشیدی، نیز تلمیذ ریاضی آقای سید ابوالقاسم ریاضی و از اصحاب حوزه مقدسه آقاسید علی آقای قاضی قدس سره استاد غالبی از اساتید طبقه تالیه. مفسر مصحف شریف و صاحب اصول رئالیسم و حواشی بر اسفار و رساله در قوه و فعل و رساله در اثبات ذات و رساله در صفات و رساله در افعال و رساله در وسائط و رساله در نبوت و رساله در ولایت و غیرها (۲۸۹)

ذیل آخر : از اعظم تلامیذ آن بزرگوار است حکیم محقق مولانا الاقا السید جلال الدین الموسوی الاشتیانی ادام الله ایام برکاته که به همت و فتوت والای بی همتای او کثیری از امهات کتب عقلانیه بدین روزگار احیاء شد و این است اصول صوری حیات آن بزرگوار از فیض رقم افادت شیم او به تلخیص :

«آشتیانی به ۱۳۰۶ خورشیدی به قصبه آشتیان از مضافات سلطان آباد»
 «متولد شد و به ۱۳۲۳ به قم رفت و پس از تعلم مقدمات عقلیات»
 «الهیات شفاء و الهیات بالمعنی الاخص اسفار و امور عامه آن را از آقای»
 «قاضی بیاموخت و آنگاه به قزوین رفت و سفر نفس اسفار را به انضمام»
 «شطری از امور عامه آن از آقای آقاسید ابوالحسن قزوینی حیازت کرد.»
 «به طهران نیز مدتی از حوزه آقایان آقا میرزا احمد و آقا میرزا مهدی»
 «آشتیانی کامیاب شد. نیز از اساتید اوست آقا شیخ مهدی امیر کلائی»
 «مازندرانی. اوراست: هستی از نظر فلسفه و عرفان - تعلیقات بر مشاعر»
 «شرح مقدمه قیصری - شرح فصوص - شرح نصوص - رساله در حرکت»
 «جوهریه - رساله در اتحاد عاقل و معقول و تقریر برهان تضایف -»
 «رساله در علم حق به مسلك عرفاء - رساله در اثبات عالم مثال و برزخ»
 «و تجرد برزخی - رساله در اتحاد نفس با عقل فعال - رساله در ولایت»

«شرح دفتر اول مثنوی و غیرها» (۲۹۰)

۲۴- حکیم محقق زاهد از زخارف دنیاوی آقا میرزا ابوالحسن شعرانی (بعد از نیمه شب یکشنبه ۷ شوال ۱۳۹۳ - ۱۳۲۱) تلمیذ آقا میرزا محمود قمی نیز آقا میرزا مهدی آشتیانی کما سمعنا عن بعض اهل الحکمة و آقا میرزا حبیب الله ذوالفنون: صاحب شرح تجرید که شرح الشرح است و تعلیقات بر اسرار الحکم و شرح دعای عرفه و راه سعادت در اثبات نبوت مبتنی بر متون عبری و ترجمه هیئت فلاماریون از فرانسه و فرهنگ فلسفی فرانسه به فارسی و تعلیقه و مستدرک تشریح الافلاک در اشاره به هیئت جدید موافق با زیج هندی و غیرها نیز مصحح بسی از متون قدیم و غیرها (۲۹۱) ولنعم ما قال السید الشریف الرضی قدس سره

اعلمت من حملوا علی الاعواد ارأیت کیف جنی ضیاء البنادی
جبل هوی لوخر فی البحر اغتادی من وقعته متتابع الازباد
ماکت اعلم قبل حطک فی الثری ان الثری تعلو علی الاطواد

۲۵- آقا شیخ عبدالحمین بن الشیخ عیسی بن یوسف بن علی الرشتی (۱۲۹۲- ۱۳۷۳) تلمیذ آقا میر شهاب نیز آقا شیخ علی نوری محشی اسفار و غیرها. (۲۹۲)

۲۶- آقا شیخ علی قمی متوفای ۱۳۴۰ تلمیذ آقا میرزا هاشم، استاد غالبی از اساتید طبقه نالیه. (۲۹۳)

۲۷- الشیخ علی اصغر بن المولی علی اکبر الهزار جریبی متوفای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۵ تلمیذ آقا میرزا هاشم نیز آقا شیخ علی نوری و کان الغالب علیه فنی الحکمه والعرفان و تشرف الی الحج و بعد عودته الی طهران غلب علیه بعض عوالم العرفان و ظهر منه... (۲۹۴)

۲۸- آقا سید محسن صدر الاشراف محلاتی تلمیذ آقا میرزا هاشم و نیز آقا شیخ

علی نوری و حاج شیخ عبدالنبی نوری کہ الی حوالی ۱۳۲۵ قمری بہ تدریس معقول می گذرانید. (۲۹۵)

۲۹۔ آقا ضیاء الدین الی اصفہانی (۶ ج ۲ ۱۳۷۵ - ۱۲۹۳) (۲۹۶) از خواص تلامیذ آقا میرزا حسن. خود گوید:

«... در علوم عالیہ بیشتر مایل و شائق بہ علوم عقلیہ بودم و لکن بہ»
 «واسطہ نبودن استادی کہ متخصص در این فن باشد (یعنی در اصفہان؟)»
 «ناچار در سنہ ۱۳۱۹ مسافرت بہ طهران نمودم. در آن ایام طهران»
 «مرکز علمای اعلام و حکماء عظام بود. من دو ماہ در مجلس درس مدرسین»
 «حکمت حاضر می شدم و از میان آنہا رئیس الحکماء و المتألہین و»
 «نخبۃ الاساتید و المدققین مرحوم مغفور آقا میرزا حسن کرمانشاهی»
 «اعلی اللہ مقامہ را اختیار کردم. الحق حکیمی بود ماهر و فیلسوفی»
 «متبحر» (۲۹۷)

نیز از تلامیذ آخوند ملا محمد کاشانی و جهانگیر خان (۲۹۸). اوراست ترجمہ تاریخ الحکماء شہرزوری و رسائلی از شیخ رئیس و غیرہا.

۳۰۔ آقا میرسید محمد فاطمی قمی: تلمیذ آقا میرزا حسن و آقا میرزا ہاشم و آقا شیخ علی نوری. نیز ریاضی آقا میرزا ابراہیم حکمی زنجانی قدس اللہ اسرارہم اجمعین. افادت مرحوم استاد بدیع الزمان البشرویہ را طاب ثراہ.

۳۱۔ اسوۃ الحکماء الراشدین بقیۃ الماضین استادنا الاعظم جناب الشیخ علی محمد بن المولی محمد التویسر کانی ثم الطہرانی الشہیر بالجولستانی ادام اللہ ایام افاضاتہ الشریفہ تلمیذ آقا میرزا محمود قمی و آقا میرزا طاہر التنکابنی و آقا میرزا مہدی الاشتیانی و آقا میرسید محمد الفاطمی قمی و آقا میرزا محمد علی الشاہ آبادی و آقا سید کاظم العصار قدس اللہ اسرارہم اجمعین متولد ۱۳۲۸ قمری صاحب رسالہ در علم.

۳۲۔ آقا شیخ محمد کاظم تربت حیدری متوفای ۱۳۲۳ خورشیدی تلمیذ آقا میرزا ہاشم و آقا میرزا حسن کما سمعنا عن ولده الاجل العارف المکاشف

الشیخ محمد رضاء الربانی ادام الله ایام افاضاته

بقیة تلامیذ آقا محمد رضاء :

۵- قدوة الالهیین آخوند ملا محمد کاشانی: متوفای شنبه ۲۰ شعبان ۱۳۳۳ (۲۹۹) مقیم مدرسه صدر اصفهان، استاد اکثر اساتید طبقه تالیه و از اکابر ارباب باطن افادت حکیم ربانی مرحوم مغفور حاج آقا رحیم ارباب قدس سرهما القدوسی من بنده را به عصر جمعه ۱۷ اردی بهشت ۱۳۵۲ از دور خورشید. (۳۰۰)

ذیل :

۱- از اساتید دیگر سرکار آخوند بوده است آقا میرزا حسن نوری کما حدثنی به الحکیم المحقق المذكور قدس الله اسرارهم اجمعین.

۲- انصاری گوید:

«هر نیم شب نمازی چنان به سوز و گداز می خواند و بدنش به لرزه»
«می افتاد که از بیرون حجره صدای حرکت استخوان هایش احساس»
«می شد» (۳۰۱)

۳- آقای سید محمد حسین العلوی را شنیدم از مرحوم مغفور حاج آقا

محمد مقدس اصفهانی طاب ثراه تلمیذ آن بزرگوار به لیلۃ سه شنبه ۸ حج ۲
۱۳۹۸ که :

«روزی پس از ختم درس یکی از طلاب به مدرس آن بزرگوار آمد و»
«گفت آقا، این آقا شیخ چه می گوید که دیشب به وقت سحر دیدم که»
«از در و دیوار صدای قدوس سبح ربنا ورب الملائکه والروح برمی»
«آید و چون در نگریستم دیدم که آقای آخوند به سجده این ذکر می»
«گوید. آخوند فرمود اینکه در و دیوار به ذکر من متذکر گشته باشند»
«امری نیست؛ مهم آن است که او از کجا محرم این راز گشته است»

۴- تلامیذ :

۱- میرزای ارسطو که مجذوب استاد می بود و گاه بر بام برآمدی و در

دری که آن بزرگ از آن درآمدی در نگریستی و تا سر کار آخوند در نیامدی
بدان مقام همی ماندی. از پی ارتحال آخوند به عزم شیراز از اصفهان بر آمد و
به راه از این سرای در گذشت. و هدامما افادنی به الاقا المیرزا علی المشفق
من افاضل اهل التنجیم با صبهان. اورا است:

یاد آورد چو مرغ اسیر آشیانه را

دیگر چه التفات کند آب و دانه را

ممنون دل نوازی تارم که باز گفت

از من به یار زمزمه عاشقانه را

جانا به کاکل تو کسی دسترس نیافت

در حیرتم چه بخت بلند است شانه را

من زین دو روزه عمر به رنجم چه می کند

بیچاره خضر زندگی جاودانه را

گوئی چرا شده است ارسطو اسیر عشق

ای شیخ بس کن این سخن جاهلانه را

۲- آقا میرزا عباس شیدای اصفهانی افادت فاضل مومی الیه رابه عصر

هفدهم اردیبهشت پنجاه و دوی خورشیدی.

۳- آقا سید محمد کاظم الموسوی الاصفهانی (ذوالقعدة ۱۳۶۶-۱۲۸۸)

(۳۰۲)

۴- حکیم محقق ربانی حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی (لیله غدیر ۱۳۹۶-

شنبه ۱۲ ج ۲ ۱۲۹۷) تلمیذ خاص الخاص آن بزرگوار (۳۰۳) قدس سرهما

استاد آقای آقامیرزا جلال الدین الهمائی الاصفهانی السنادامت برکاته. از

رفاقت توفیق من بنده را به عصر جمعه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۲ بر سر راه شیراز

زیارت آن بزرگ نصیب آمد و همی فرمود که من دوازده سال تلمذ از آخوند

و خان کردم و شوارق و شرح چغمینی از سر کار آخوند حیاتت کردم با شرح منظومه به دو کرت.

۵- آقا میرزا عبدالحسین قدسی (۳۰۴)

۶- سیف الشعراء دهقان سامانی (۳۰۵)

۷- آقا شیخ علی نخستین سلطان آبادی متوفای به ۱۳۲۱ خورشیدی با

عمری قریب به نود، روایت تلمیذ او فاضل بارع جامع مرحوم مغفور آقاسید حسن الهزاوی العراقی الفرید قدس سره من بنده را به ۱۵ تیر ۱۳۵۱.

۸- آخوند ملاعباس مدرس سلطان آبادی از اهل الله متوفای به میانه

سنوات ۱۳۲۲ - ۱۳۱۹ خورشیدی افادت فاضل مشارالیه من بنده را به ۹/۴/۱۳۵۳.

۹- آقا سید محمد الهزاوی السلطان آبادی الاشرافی المتوفی بهمدان

نیز افادت فاضل مشارالیه طاب ثراهما من بنده را به ۲۲/۴/۱۳۵۳

۱۰- حاج شیخ عیسی بن فتح الله الشاردی اللاهاردی القزوینی (۱۳۲۳ خ

۱۲۸۰ ق) افادت پور او مرحوم حاج شیخ باقر مناہجی طاب ثراهما من بنده را به ۲۰ بهمن ۱۳۵۴

۱۱- آقا سید عباس صفی دهکردی اصفهانی متوفای اوائل ذوالقعدہ

۱۳۹۳

۱۲- حاج آقا محمد مقدس اصفهانی (ظهر پنجشنبه ۱۱ ربیع الاول

۱۳۷۸ - حدود ۱۳۰۴) صاحب رساله در اول ما خلق الله (۳۰۶)

۱۳- آقا شیخ محمد حسن الطالقانی طاب ثراه (۱۷ ج ۱ - ۱۳۶۹ - ۱۳۷۷)

افادت پوربرومند آن بزرگ استادنا الحکیم المحقق الاقاییحیی الطالقانی دامت برکاته من بنده را به عصر سه شنبه ۲۷ تیر ۱۳۵۱

۱۴- آقامیرزا محمد حسن المدرس الطباطبائی الزواری (۱۷ ج ۲ - ۱۳۷۶

(۱۲۸۸) صاحب رساله در بداء (۳۰۷)

۱۵- آخوند ملا محمد حسین مهر آبادی (لیله پنجشنبه ۲۵ ذی الحجہ

۱۳۵۴ - ۱۲۸۰) (۳۰۸)

۱۶- آقا میرزا مسیح تویسرکانی متوفای ۱۳۵۱ (۳۰۹)

۱۷- آقا سید حسن قوچانی شهیر به آقا نجفی (لیله جمعه ۲۶/۲/۱۳۶۳-

(۱۲۹۵) صاحب رساله سیاحت نامه غرب در برزخ و مترجم رساله تفاحیه ارسطو
(۳۱۰) از اکابر حکماء.

۱۸- آقا شیخ محمد علی زاهد قمشہای شهیر به ابی المعارف (۱۹ تیر

۱۳۳۲ - ۱۲۹۰ ق) (۳۱۱)

۱۹- آقا میرزا محمد رضا مهدوی قمشہای (چهارشنبه ۱۴ ربیع الثانی

۱۳۸۸ - ۱۳۰۲) نیز تلمیذ آقا شیخ مرتضای طالقانی و آقا سید حسین بادکوبہای
به نجف اشرف (۳۱۲)

۲۰- آقا سید ابراهیم شمس آبادی (۱۳۵۸ - ۱۲۹۶) (۳۱۳)

۲۱- زبده الابرار آقا شیخ محمد حکیم گنابادی خراسانی مقیم به اصفهان

از ۱۳۱۶، متوفای غرة ذی الحجہ ۱۳۵۵ (۳۱۴) با عمری در حدود هشتاد سال
(۳۱۵). این بزرگ که به مدرسه صدر مجرداً می زیسته است از افاضل تلامیذ
و فی الحقیقه حسنه بوده است از حسنات آن بزرگوار به علم و عمل و استاد
غالبی از مدرسین طبقه تالیه.

۲۲- آقا میرزا ابوالحسن عماد الشریعة سدهی نیز تلمیذ آقا سید حسن

مشکان (۳۱۶)

۲۳- آقا سید محمد علی داعی الاسلام (۳۱۷)

۲۴- آقا ملا محمد بن آخوند ملاحسن همای (۱۴ رجب ۱۳۵۹ - ج ۱

(۱۲۸۲) (۳۱۸)

- ۲۵- آقا میرزا حسن کاشانی (۳۱۹)
- ۲۶- آقا شیخ احمد شیخ المحققین اصطهباناتی صاحب بیان الحق و کشکول العرفاء (۳۲۰)
- ۲۷- میرزا سید محمد حقائق کشفی اصطهباناتی (۳۲۱)
- ۲۸- آقا میرزا باقر علوی شهیدی متوفای لیلۃ ۲۵ محرم ۱۳۸۵ با عمری متجاوز از هفتاد. (۳۲۲)
- ۲۹- آقا سید احمد دهکردی رحمت علی حقانی خاکساری متوفای لیلۃ ۱۲ ج ۱ ۱۳۳۹ (۳۲۳)
- ۳۰- میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت متوفای دوشنبه ۲ ربیع الثانی ۱۳۷۱ به نود و سه سالگی (۳۲۴)
- ۳۱- حاج میرزا باقر امامی متوفای صفر ۱۳۴۶ صاحب رساله‌ای در حکمت و کلام (۳۲۵)
- ۳۲- حاج ملا عبدالله هرندی متوفای رجب ۱۳۴۹ (۳۲۶)
- ۳۳- حاج آقا عطاء امامی متوفای پنجشنبه ۲۴ ج ۱ ۱۳۸۷ (۳۲۷)
- ۳۴- میرزا حبیب الله نیرالادباء (۴ ج ۲ ۱۳۷۹ - ۲۱ شوال ۱۳۰۸) (۳۲۸)
- ۳۵- آقا سید محمد باقر ابطحی (۱۵ شعبان ۱۳۶۷ - سلخ ج ۱ ۱۲۹۰) (۳۲۹)
- ۳۶- آقا میرزا باقر تویسرکانی (لیلۃ دوم ۱۳۷۴/۲ - غره ج ۱ ۱۲۹۳) (۳۳۰)
- ۳۷- آقا میرزا مهدی اصفهانی مقیم ارض اقدس رضوی علی مشرفها آلف التحف از سلسله مشایخ بیدآباد. متوفای پنجشنبه ۱۹ ذی الحجه الحرام ۱۳۶۵ به فجأه. صاحب ابواب الهدی و الصوارم العقلیه و غیرها (۳۳۱) منسلک به سلکی خاص در معارف عقلیه و منتهی به سرکار آخوند ملاحسینقلی قدس

سرهمادر سلوک.

۳۸- آقا میرزا فتح الله درب امامی (۱۱ رجب ۱۳۷۷ - ۱۳۰۱/۱/۱۷)
نیز تلمیذ آخوند ملاجواد آدینه‌ای (۳۳۲)

۳۹- آقا میر سید حسن بن السید محمد تقی المدرسی المیر محمدصادقی
(۳۳۳)

۴۰- آقا سید محمد تقی موسوی احمدآبادی (۲۵ رمضان ۱۳۴۸ - ۵ ج ۱
(۱۳۰۱) (۳۳۴)

۴۱- آقا میرزا عبدالحسین بن محمد جعفر میر دامادی متوفای ۱۳۴۶
(۳۳۵)

۴۲- آقا سید زین العابدین الطباطبائی الابرقوئی متوفای ۸ صفر ۱۳۷۲
(۳۳۶)

۴۳- آقا شیخ صفر علی الهمدانی متوفای ۱۳۵۰ با عمری متجاوز از نود
سال (۳۳۷) ع

۴۴- آقا ملا فرج الله دری متوفای ۲۹ ربیع الاول ۱۳۸۲ با عمری قریب
به نود سال (۳۳۸)

۴۵- آقا میرزا عبدالرزاق الهمدانی (اوائل شوال ۱۳۸۳ - ۱۲۹۱)
(۳۳۹)

۴۶- آقا میرزا محمد علی سدهی متوفای ۱۳۵۲ (۳۴۰)

۴۷- آقا شیخ محمد علی یزدی متوفای ۱۸ ربیع الاول ۱۳۵۱ (۳۴۱)

۴۸- آقا سید فخرالدین خوانساری متوفای ۲۳ محرم الحرام ۸۳۴۸
(۳۴۲)

۴۹- آقا میرزا محمد حسن بن السید مهدی بن السید محمد حسین بن السید

محمد تقی مستجاب الدعوه (لیله جمعه ۱۴/۲/۱۳۶۱ - ۱۲۸۷) (۳۴۳)

- ۵۰- آقا میرزا محمد باقر بن السید مهدی المذکور (ظهر پنجشنبه ۵ ج ۱
۱۳۵۰ - ۱۳۰۳) (۳۴۴)
- ۵۱- آقا میر سید محمد بن المیر سید علی الاصفهانی (۲۰ صفر ۱۳۵۶ به
کربلائی معلی ۱۲۹۰) (۳۴۵)
- ۵۲- حاج میرزا حسن خان جابری انصاری صاحب تاریخ اصفهان و غیره
(۵ ج ۲ ۱۳۷۶ - ۱۲۸۷) (۳۴۶)
- ۵۳- آقا شیخ محمد حسن نجف آبادی متوفای لیلۃ سه شنبه ۱۸ ربیع-
الاول ۱۳۸۴ با عمری متجاوز از نود و هفت سال (۳۴۷)
- ۵۴- حاج میرزا محمد حسین کهنکی (۱۷ ج ۲ ۱۳۷۶ - حدود ۱۲۸۸)
(۳۴۸)
- ۵۵- حاج شیخ محمد علی کرمانی (لیله جمعه ۶ ج ۱ ۱۳۸۰ - ذی الحججه
۱۲۹۵) نیز تلمیذ آخوند ملا جواد آدینه‌ای (۲۴۹)
- ۵۶- آقا سید محمد حسین سدهی المتخلص به آیت (اول ر ۲ ۱۳۸۰ -
۲۳ ر ۲ ۱۳۰۳) (۳۵۰)
- ۵۷- آقا شیخ محمد ابراهیم بن المیرزا عبدالرحیم بن المیرزا محمد رضاء
بن الحاج محمد ابراهیم الکلباسی طابت ثراهم صاحب اشارات الاصول
(۲۰ ر ۲ ۱۳۶۲ - ۱۱ شوال ۱۳۰۲) (۳۵۱)
- ۵۸- آقا شیخ محمد رضاء جرقویه‌ای (لیله ۸ محرم ۱۳۷۲ - لیله ۲۶ ذی
الحجه ۱۳۰۹) (۳۵۲)
- ۵۹- آقا سید یوسف بن السید محمد رضاء الخراسانی متوفای ۲۵ ربیع
الاول ۱۳۷۹ با عمری قریب به هشتاد سال (۳۵۳)
- ۶۰- آقا شیخ علی فقیه فریدنی متوفای سه شنبه ۳ ذی الحججه ۱۳۷۳
(۳۵۴)

- ۶۱۔ آقا میرزا یحیای مدرس بیدآبادی المتخلص فی قریضه البدیع بیحیی (لیله چهار شنبه ۵ ذی القعدة ۱۳۴۹ - ۱۲۵۴) (۳۵۵)
- ۶۲۔ آقا شیخ محمد هادی فرزانه قمشہای (لیله غره شعبان ۱۳۸۵-۱۳۰۲) صاحب رساله در اثبات الواجب، نیز تلمیذ آقا شیخ اسدالله دیوانه (۳۵۶) از بقیة السیف حکماء سلف
- ۶۳۔ آقا میرزا مهدی بن هادی دولت آبادی (۱۴ رمضان ۱۳۳۴-۱۲۸۸) (۳۵۷)
- ۶۴۔ آقا سید ناصرالدین بن هاشم النجف آبادی (لیله ۱۶ ر ۲ ۱۳۶۰ - ۱۲۹۶) (۳۵۸)
- ۶۵۔ حکیم محقق آقا شیخ مرتضای قمشہای (۱۳۴۱ - ۱۲۳۶) (۳۵۹)
- ۶۶۔ آقا محمد نوری (۱۵ محرم ۱۳۷۳ - حدود ۱۲۹۵) (۳۶۰)
- ۶۷۔ آقا میرزا محمد بن المیرزا محمد ظاهر الاردبیلی (۳۶۱) متوفای حوالی ۱۳۴۰ خورشیدی
- ۶۸۔ آقا میرزا رضا بن عبدالرحیم بن المیرزا محمد رضاء بن الحاج محمد ابراهیم الکلباسی صاحب الاشارات (لیله ۴ شوال ۱۳۸۳ - ۱۲۹۵) صاحب انیس اللیل ومقامات العارفين ومکیال الیقین و هداية السالکین (۳۶۲) کما سمعنا عن بعض تلامیذه وکان ذلك فی ۱ دی ۱۳۵۷
- ۶۹۔ آقای حاج سید حسین الطباطبائی البروجردی طاب ثراه (۳۶۳)
- ۷۰۔ آقا سید حسین مشکان طبسی که ترجمت آن بزرگ به تفصیل ایراد کنیم ان شاء الله.
- ۷۱۔ آقا میرزا محمد بن المیرزا ابی القاسم ناصر الحکمه (۳۶۴)
- ۷۲۔ آقا شیخ حبیب الله النائینی متوفی به ۱۳۴۸ (۳۶۵)
- ۷۳۔ خاتمة المحققین آقا ضیاء الدین العراقي (۳۶۶)

- (۱۲ ذی القعدة الحرام ۱۳۶۱-۱۲۸۷) که از حوالی سنه ۱۳۰۱ الی ۱۳۰۷ تحصیل را به اصفهان مقام می فرموده است به مدرسه مبارکه صدر (۳۶۷)
- ۷۴- آقا میرزا ابوالقاسم محمد نصیر المتخلص بطرب بن همای شیرازی (۳۶۸) (۱۲ ربیع الثانی ۱۳۳۰-۱۲ ذی القعدة ۱۲۷۶) (۳۶۹)
- ۷۵- آقا شیخ محمد حسن بیچاره بیدختی صالح علی (پنجشنبه ۱۳۸۶/۲/۹- ۱۳۰۸) (۳۷۰)
- ۷۶- آقا میرزا سید حسن بن آقا میرزا مسیح بن آقا میرزا محمد باقر الخوانساری صاحب الروضات (صبح پنجشنبه ۱۳ ج ۱ ۱۳۷۷-۱۲۹۴) (۳۷۱)
- ۷۷- السید محمد تقی الاحمد آبادی (۱۳۴۸-۱۳۰۱) (۳۷۲)
- ۷۸- آقا سید حسن المدرس الطباطبائی الشهید قدس سره متولد به حوالی ۱۲۸۷ به قریه کچویه من اعمال اردستان و متوفای لیله ۲۷ رمضان ۱۳۵۷ به ترشیز مسموماً قتیلاً (۳۷۳) اخذه الله بحقه ممن ظلمه
- ۷۹- حکیم محقق زاهد از زخارف دنیاوی حاج میرزا علی آقای شیرازی (۳۷۴) قدس سره (لیله ۲۴ ج ۱ ۱۳۷۵ - شعبان ۱۲۹۴) (۳۷۵)
- ۸۰- حکیم محقق آقا شیخ محمود مفید اصفهانی (۳۷۶)
- ۸۱- حاج مشیر الملک نائینی (۳۷۷)
- ۸۲- حاج میرزا حسین بن المیرزا باقر النائینی متوفای ۱۳۲۵ از زهاد که شبی او را مکاشفتی دست داد که بر تمام برگ های درخت سر نیک بخیزد و او را مشاهده کرد (۳۷۸)
- ۸۳- السید محمد کاظم الموسوی الاصفهانی (ذو القعدة الحرام ۱۳۶۶- ۱۲۸۸) (۳۷۹)
- ۸۴- قدوسی انتساب مولنا آقا الشیخ مرتضی بن المولای آغا جان الطالقانی الغروی قدس سره از اکابر حکماء متألهین و عرفای مشاهیر کما حدثنی به

بعض اکابر خصیصیه و هو الحکیم المحقق الالهی الآقا الشیخ محمد تقی الجعفری التبریزی افاض الله علیه من برکاته و کان ذلك فی لیلۃ الجمعة ۱۱ ج ۲ .۱۳۹۸

۸۵- آقا سید مهدی بن السید مرتضی النجف آبادی متوفای ۱۳۷۲ قمری نیز تلمیذخان (۳۷۹/۱)

بقیة تلامیذ آقا محمد رضا :

۶- حجة الحق جهانگیر خان قشقائی : (یکشنبه ۱۳ رمضان ۱۳۲۸-۱۲۴۳ (۳۸۰) استاد اکثر اساتید طبقه تالیه.

۱- فسائی گوید :

«از بزرگ زادگان ایل قشقائی است از تیره قره شوری از اوائل عمراز»
«معاشرت اقران رمیده...» (۳۸۱)

۲- گویند که به چهل سالگی بر سر کاری به اصفهان شد و رفاقت توفیق را روی در مدرسه آورد (۳۸۲) و تفصیل این مجمل آن است که میرزای عبرت می گوید طاب ثراه و هی هده:

«در ایام جوانی به موسیقی شائق بود چندی مشق تار کرده و از برای»
«تکمیل آن فن به اصفهان آمده از مدرسه صدر اورا خوش آمده همه روزه»
«صبح و عصر می رفت آنجا. چنانکه از وی حکایت کنند در هنگام رفتن به»
«مدرسه در دکان جنب مدرسه درویشی وی را می خواند و از وطن مألوف»
«و حرقت و نسب او جو یا می شود. جهانگیر خان شرح حال خود را کما»
«کان با درویش در میان می گذارد. می گفت چون گفتار من به پایان رسید»
«درویش خیره در من نگریسته گفت گرفتم در این فن فارابی وقت شدی»
«مطرب بی بیش نخواهی بود گفتم نیکو گفتمی و مرا از خواب غفلت بیدار»
«کردی هان بگو چه بایدم کرد که خیر دنیا و آخرت در آن باشد گفت»
«چنین می آید که ترا فضاء و هوای این مدرسه پسند افتاده در همین جا»
«حجره گرفته به تحصیل علم مشغول باش. گویند جهانگیر خان می گفت»
«من بدین مقام از همت نفس آن درویش و یمن راهنمایی او رسیدم (۳۸۳)»

۳- فسائی گوید:

«با اینکه در مراتب علمیه سرآمد ارباب عمائم است از لباس بزرگان»
 «ایلات از سر تا پا بیرون نرفته مانند ایلات کلاه و زلف دارد» (۳۸۴)
 آقای حاج شیخ باقر قزوینی نیز مرا گفت طاب ثراه از پدر خویش حاج
 شیخ عیسی بن فتح الله تلمیذ آن بزرگوار قدس سرهما که سر کارخان موسی بلند
 می داشتی و به حنا خضاب می فرمودی.

۴- نیر حدیث کرد مرا از پدر خویش که سر کارخان مرا فرمود که من
 زمینی می دارم به قشقائی و از مال الاجاره آن که چهل تومان به سالی است همی
 گذرانم.

۵- فاضل بارع استاد جلال الدین السنا گوید دامت برکاته:

«جهانگیرخان در اثر شخصیت بارز علمی و تسلیم مقام قدس و تقوی و
 «نزاهت اخلاقی و حسن تدبیر حکیمانه که همه در وجود او مجتمع بود»
 «تحصیل فلسفه را که مابین علماء و طلاب قدیم سخت موهون و با کفر»
 «و الحاد مقرون بود از آن بدنامی به کلی نجات داد و آنرا در سرپوش»
 «درس فقه و اخلاق چندان رایج و مطلوب ساخت که نه فقط دانستن و»
 «خواندن آن موجب ضلالت و تهمت بددینی نبود بلکه مایه افتخار و»
 «مباهات می شد. وی معمولاً یکی دو ساعت از آفتاب برآمده در مسجد»
 «جارچی سه درس پشت سرهم می گفت که درس اولش شرح لمعه فقه و»
 «بعد از آن شرح منظومه حکمت و سپس درس اخلاق بود و بدین ترتیب»
 «فلسفه را در حشو جوزقند و لوزینه فقه و اخلاق به خورد طلاب می داد»
 (۳۸۵)

۶- جابری گوید:

«اگر شارب مسکری یا فاعل منکری را شبانه گرفته به مدرسه آورده»
 «برای اجراء حد، آن مرحوم می فرمود حبسش کنند تا به هوش آید. بعد»
 «خود نیم شب رفته او را رها و از مدرسه بیرونش برده و به اندرز حکیمانه»
 «به راه راستش آورده...» (۳۸۶)

۷- وحید گوید:

«من از جهانگیرخان با اینکه چندین سال در محضر درس وی حاضر بودم»

«هیچ گاه دعوی شعر و شاعری نشنیدم... و پس از رحلت وی از شاعری و»
 «شعرویی وسیله شیخ محمد حکیم که به وی محرم ترین اشخاص بود آگاه»
 «شدم. از اشعار او:»

تا یسار چین زلف تو شد پای بست ما

رفت اختیار عقل و سلامت ز دست ما

از صرف نیستی چو کسی را خبر نشد

عشقت چه گونه کرد حکایت ز هست ما

غمگین مشو گر از ستمش دل شکسته‌ای

کارزد به صد هزار درست این شکست ما

از دشمنان ملامت و از دوستان جفا

بوده است سرنوشت ز روز است ما

گشتم ز هجر غرقه دریای اشک خویش

تا ماهی وصال کی افتد به شست ما

(۳۸۷)

۸- اما اثر کتبی آن بزرگوار علی الظاهر منحصر است به شرحی بر
 نهج البلاغه . جابری گوید:

«شصت سال قبل که ۱۳۱۴ هجری بود و در مدرسه صدر در خدمت آن»
 «بزرگ نهج البلاغه می خواندم شرحی بر آن کتاب مستطاب می نوشت»
 (۳۸۸)

۹- نکته: به برخی کتب صورت تصویری مندرج و آن را به سرکارخان
 قدس سره منسوب گردانده اند. ولکن بیاید دانست که آن، بدانگونه که علامه
 بارع آقای همائی دامت برکاته نیز تنبیه کرده است بدینگونه:

«عکسی که در رجال اصفهان چاپ کرده اند به گفته تلامذ جهانگیرخان»
 «وبقایای آن عهد از جهانگیرخان نیست» (۳۸۹)

تصویر صورت آن بزرگ نیست بالاخص که همان تصویر را به جایی دیگر

نسبت کرده‌اند به میرزا محمد رفیع منشی کرمانی (۳۹۰) برادر زاده معطر علی قدس سره متولد ۱۲۱۹ و متوفای ۱۳۰۳. و کلاهی که بدان تصویر مصور است همانا کلاه مستوفیان قدیم است و العلم عنده و لانه علم الاماعلمنا به.

۱۰- وفات: از آقا محمد جعفر دهاقانی خادم مدرسه صدر منقول است که:

«خان که فوت شد اول خواستند در تکیه مادر شاهزاده دفن کنند ولی دور»
 «بود. رفتیم اجازه گرفتیم در تکیه ترك دفن کردند. بیماری ایشان در»
 «کبد بود. میرزا مسیح خان دکترش بود. وقتی خان بیمار شدید شد من»
 «رفتم دنبال دکتر میرزا مسیح خان. گفت شما چه نسبتی دارید گفتم»
 «خادمش هستم. دکتر گفت من نمی‌آیم خان آدم کوچکی نیست من برای»
 «عیادت می‌آیم. آمدم جریان را برای خان گفتم خان فهمید گفت برو»
 «بگو تا برای عیادت بیاید. آنگاه دکتر به خدمتش آمد. خان تبسم کرد»
 «و به او گفت هرچه تومی دانی من هم می‌دانم. من چاق شدنی نیستم»
 «میرزا مسیح خان رفت دکتر شافتر را آورد. دکتر شافتر نسخه نوشت»
 «ودواها را از مریضخانه انگلیسیها تهیه کردیم ولی خان آنها را نخورد.»
 «سه چهار ساعت از شب گذشته بود که خان گفت رختخواب را روی به قبله»
 «کنید سپس يك لیوان آب خوردن خواست. پس از خوردن آن به ذکر حق»
 «مشغول شد و چند لحظه بعد خلاص شد. تمام علماء در آن شب حاضر»
 «شدند. جماعت انبوهی آمده بودند. صبح فردا تشییع جنازه به عمل آمد»
 «آقا نجفی براو نماز خواند» (۳۹۱) قدس سره و فی حظیره القدس سره

۱۱- تلامید:

۱- آقای حاج سید حسین الطباطبائی البروجردی طاب ثراه (۳۹۲)

۲- آقای حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی قدس سره (۳۹۳)

۳- طرب بن همای اصفهانی (۳۹۴)

۴- الشیخ محمد جواد الدینهی عالم حکیم... ولی تدریس الحکمه باصبهان

بعد استاذ... (جهانگیر خان) و یعد فی طلیعة علماء عصره و حکمائیه توفی فی

رجب ۱۳۳۹ (۳۹۵)

۵- آقا سید محمد علی بن فضل الله داعی الاسلام لاریجانی متوفای ۱۳۳۳

کما سمعنا عن ابنه الفاضل ليله ۱۴ تير ۱۳۵۱ الشمسيه.

۶- خاتمة المحققين آقا ضياء الدين العراقي (۳۹۶)

۷- آخوند ملاعباس مدرس ادريس آبادي عراقي افادت مرحوم مغفور

آقائي آقا سيد حسن الهزاوي العراقي الفريد قدس سرهما بنده را به ليله شنبه

۱۳۵۳/۴/۹

۸- آقا سيد محمد الهزاوي العراقي الحكيم الاشراقي هكذا افادت آن

بزرگ من بنده را به ليله شنبه ۱۳۵۳/۴/۲۲

۹- آقا شيخ علي نخستين عراقي هكذا افادت آن بزرگ من بنده را به

ليله ۱۵ تير ۱۳۵۱

۱۰- آقا ميرزا سيد محمد حقائق كشفى اصطهباناتي (۳۹۷)

۱۱- آقا سيد عباس صفي دهكردي اصفهاني

۱۲- آقا ميرزا علي محمد بن علي اكبر نائيني مقيم مدرسه جده اصفهان

ع

متوفای به ۱۳۳۴ (۳۹۸)

۱۳- آقا ميرزا محمد رضا مهدي قمشه‌ای (۳۹۹)

۱۴- آقا شيخ محمد علي زاهد قمشه‌ای ابوالمعارف (۴۰۰)

۱۵- آقا نجفي قوچاني (۴۰۱)

۱۶- آقا ميرزا محمد حسين المدرس الطباطبائي الزواري (۴۰۲)

۱۷- آقا شيخ محمد حسن الطالقاني افادت پور برومند آن بزرگوار

استناد سناد آقاي آقا شيخ يحيى الطالقاني من بنده را به عصر سه شنبه ۲۷ تير

۱۳۵۱ قدس الله سر الماضي وطول الله عمر الباقي.

۱۸- آقا ميرزا محمد علي حكيم الهی فریدنی متوفای ۲۵ اسفند ۱۳۴۳

شارح عينيه شيخ (۴۰۳)

۱۹- حاج شيخ عيسى بن المولى فتح الله المجتهد الشاردي اللاهاردی القزوينی

صاحب مناہج الطریقہ روایت پور آن بزرگ مرحوم مبرور حاج شیخ باقر
طاب ثراہم من بندہ را بہ ۲۰ بہمن ۱۳۵۴

- ۲۰- حاج آقا محمد مقدس اصفہانی (۴۰۴)
 ۲۱- آقا سید فخرالدین الخراسانی (۴۰۵)
 ۲۲- حاج شیخ محمد علی الکرمانی (۴۰۶)
 ۲۳- آقا سید محمد حسین السدھی الایۃ (۴۰۷)
 ۲۴- آقا شیخ علی الفقیہ الفریدنی (۴۰۸)
 ۲۵- آقا میرزا مہدی بن ہادی الدولت آبادی (۴۰۹)
 ۲۶- حاج شیخ محمد حسن النجف آبادی (۴۱۰)
 ۲۷- آقا میرزا ابوالقاسم ناصر الحکمہ (۴۱۱) تلمیذ شرح اسباب و شرح
 نفیسی وقانون آن بزرگ (۴۱۲)
 ۲۸- آخوند ملا محمد الہمامی (۴۱۳)
 ۲۹- حاج میرزا محمد باقر الامامی (۴۱۴)
 ۳۰- آخوند ملا محمد علی الخوانساری متوفی بہ ۱۴ ربیع الاول ۱۳۵۰
 (۴۱۵)
 ۳۱- آقا سید محمد علی الابطحی السدھی (رجب ۱۳۷۱ - صفر ۱۲۹۴)
 مدفون بہ صحن دارالضیافۃ آستانۃ مقدس رضوی (ع) (۴۱۶)
 ۳۲- آقا میرزا مہدی الاصفہانی ثم الخراسانی صاحب ابواب الہدی
 (۴۱۷)
 ۳۳- آقا میرزا فتح اللہ الدرب امامی (۴۱۸)
 ۳۴- آخوند ملا فرج اللہ الدری (۴۱۹)
 ۳۵- آقا شیخ محمد علی الیزدی (۴۲۰)
 ۳۶- حاج میرزا محمد حسین المدرس اکہنکی (۴۲۱)

۳۷- آقا شیخ محمد حسن بیچاره بیدختی گنابادی صالح علی (۴۲۲)

۳۸- بقیة الماضین آقا شیخ محمد حکیم بن الاخوند الملازین الدین بن

الحاج ملاصادق البیلندی الگنابندی الخراسانی قدست اسرارهم:

«شاگرد خاص الخاص و وارث علم و اخلاق خان که مانند او و آخوند»
 «مجرد می زیست و تا پایان عمر در همان مدرسه صدر حجره و شبانه روز»
 «چند حوزه درس داشت که عمده اش تدریس فلسفه بود خصوص فلسفه»
 «ملاصدرا که اعتقاد راسخ بدان داشت و شرح منظومه را به اعتبار اینکه»
 «به قول خودش (بچه اسفار بود) بسیار خوب و پخته و منقح تدریس»
 «می کرد... و حوزه درسش بعد از خان و آخوند گرم ترین و معروف ترین»
 «حوزه های درس فلسفه شمرده می شد» (۴۲۳)

ذیل : از اجلاء تلامیذ آن بزرگوار است آقای آقا میرزا جلال الدین

الهمائی الاصفهانی السنا دامت برکاته بدانگونه که خود گوید:

«حقیر مدت هجده سال متوالی ملازم خدمت و حاضر درس او بوده و متون»
 «فلسفه و منطق و عرفان را از شرح شمسیه تاشفاء و اسفار به ضمیمه تحریر»
 «اقلیدوس و کلیات قانون ابوعلی سینا همه را در خدمت او تحصیل»
 «کرده ام» (۴۲۴)

اکمال : این بزرگ که بحق بقیة الماضین است ترجمت حال فواید اشتمال

خویش با بعضی از تلامیذ باز گفته است که مقادیری از آن بدین مقام ایراد
 کنیم :

«جلال الدین المتخلص بسنا فرزند محمد نصیر المتخلص بطرب شاگرد خان»
 «و آخوند فرزند محمد رضا قلی خان شیرازی ثم الاصفهانی المتخلص بهما»
 «متولد سحرگاه چهارشنبه غره رمضان ۱۳۱۷... دو دوره حکمت مشاء»
 «و اشراق را خدمت آقا شیخ محمد دیدم متن شرح هدایه ملاصدرا»
 «شرح منظومه حاجی سبزواری، شرح مفتاح الغیب قونوی را به درس»
 «در نزد ایشان خواندم. قسمت عمده منطق شفاء را نیز در ایام تعطیل»
 «از محضرشان استفاده کردم... تحریر اقلیدوس را هم که اصول علم ریاضی»
 «است خدمت ایشان تحصیل کردم... دیگر از اساتید فلسفه من مرحوم»
 «آقا شیخ اسدالله حکیم قمشه ای است که در شعر دیوانه تخلص می کرد...»
 «استاد دیگرم در معقول حاج ملا عبدالجواد آدینه ای است از اساتید»

«معقول و ریاضیات متوفای ۱۳۳۹... بخشی از شرح منظومه و یک دوره»
 «کامل از فن نجوم و معرفة التقویم را از روی کتاب خاتون آبادی نزد آن»
 «بزرگوار تحصیل کردم... دیگر از استادان دیگر که حقی عظیم بر من»
 «دارد... جناب حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی است... که بیشتر تحصیل»
 «هیئت و نجوم من خدمت ایشان بوده است.»

او راست : ترجمه اشارات ، حواشی بر شرح منظومه و شرح اشارات
 و اسفار و مبدأ و معاد آخوند ملارجبعلی با شرح مقادیری از مثنوی شریف
 و آثاری کثیر دیگر که غالب آن به ادب است. (۴۲۵) ادام الله ایام بر کاتبه
 الشریفه

۳۹- آقا میرزا سید حسن بن الاقا المیرزا مسیح بن صاحب الروضات
 نیز تلمیذ ریاضی آقا سید حسن مشکان (۴۲۶)

۴۰- آخوند ملا محمد جواد الصافی الکلپایگانی (۴۲۷)

۴۱- الشیخ ابوالفضل الریزی المتوفی فی رجب ۱۳۳۹ (۴۲۸)

۴۲- آقا سید صالح الطارمی (۴۲۹)

۴۳- آقا سید حسن المدرس الطباطبائی الشہید (۴۳۰)

۴۴- آقا شیخ حسین المدرس الرفسنجانی متوفای ۲۱ خرداد ۱۳۱۴ (۴۳۱)

۴۵- حکیم الهی حاج میرزا علی آقای شیرازی نیز تلمیذ آقا شیخ اسدالله

قمشهای (۴۳۲)

۴۶- آقا شیخ محمود مفید اصفهانی (۴۲۳)

۴۷- حاج میرزا محمد علی حکیم الهی سلطان آبادی (۱۳۲۵ - ۱۲۴۷)

والد و استاد آقای حسین واعظزاده حکیم الهی عراقی (۱۳۴۹ - ۱۲۷۴)

روایت آقای مدبری عراقی من بنده را از پوروی آقای مرتضی واعظزاده

به ۱۳۵۷/۳/۱۵

۴۸- السید محمد کاظم الموسوی الاصفهانی (۴۳۴)

- ۴۹- حاج سیدصادق بن المیرزا محمد البروجردی متوفای لیلۃ
 ۱۴/ج ۱/۱۳۶۵ صاحب رساله در تفسیر فاتحة الكتاب (۴۳۵)
- ۵۰- حاج مشیرالملك نائینی (۴۳۶)
- ۵۱- آقا عبدالله اشراق جهرمی (۱۲۳۵-۱۳۴۵) (۴۳۷)
- ۵۲- خاتمة المحققین آقا میرزا حسین النائینی قدس سره (شنبه ۲۶/ج ۱/
 ۱۳۵۵-۱۲۷۷) (۴۳۸)
- ۵۳- برهان الحق آقا شیخ مرتضی بن المولی آغا جان الطالقانی قدس
 سره القدوسی مقیم مدرسه آقا سید کاظم یزدی به نجف اشرف علی مشرفها
 آلف التحف. بعضی از خصیصین آن بزرگوار و هو الحکیم الالهی مولنا آقا
 شیخ محمد تقی الجعفری التبریزی ادام الله ایام برکاته شارح مثنوی شریف را
 شنیدم به لیلۃ ۲۳ ج ۲ ۱۳۹۸ که آن بزرگ به حالی که بهر من «اسفار» همی
 گفت اگر از او می خواستندی از گفتن «امثله» نیز ابا نمی فرمودی! و ایام
 چهارشنبه را قبول کس نکردی و خود با خود همی گذرانندی. و مرا فرمود که
 من روزگاری دراز به طالقان شبانی همی کردم. مگر روزی به بیابان آوای
 قرآن شنودم و حالی یافتم و گفتم پروردگارا تو نامه خویش با ما فرو فرستادی
 من باید تا آخر عمر آن را در نیابم؟ و در وقت در آبادی شدم و حشم و غنم
 مردمان با آنان سپردم و به اصفهان شدم تحصیل را. و پنج سال بیوادم و آنگاه
 به نجف شدم و چندی به درس آخوند صاحب کفایه می نشستم و همی دیدم که
 که فائدتی از آن درس مر مرا متصور نیست. نیز شنیدم حکیم متاله مومی الیه
 را افاض الله علینا من برکاته به لیلۃ جمعه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۷ که من به گاه
 تحصیل به حضرت آن بزرگ، روزی دو مانده به محرم سنه ارتحال وی،
 جری عادت را به خدمت او شدم و شنیدم که می گوید که «بلند شوید بروید آقا.
 برای چه آمده اید آقا» و چون گفتم برای درس آمده ام گفت «درس تمام شد

آقا» و من هی پنداشتم که آن بزرگوار از سر این خیال که محرم درآمده است این سخن می گوید و گفتم هنوز حوزات تعطیل نکرده اند که فرمود «می دانم آقا من مسافر من مسافرم خر طالقان رفته پالانش باقی مانده ، روح رفته جسدش مانده لاله لاله الله!» و اشک از دیده بیارید به شدت و دریافتم که اخبار از ارتحال می فرماید به حالی که مزاج او را ادنی انحرافی از صحت نبود. پس گفتم با من سخنی فرمائید ! که گفت «آفرین آقا جان حالا متوجه شدید حالا متوجه شدید» و این بیت بر خواند .

تارسد دستت به خود شو کارگر چون فتی از کار خواهی زد بسر و تهلیل برگرداند و نورانیتی سخت بر چهره او پدیدار آمد و برخاستم. و دو روز بر نیامد که خبر ارتحال آن بزرگ بیاوردند و با اسف ها به مدرسه آقا سید کاظم شدیم که مقام او بود. و شنیدم که سحرگاه عادت قدیم خویش را، بر بام برآمده و مناجانی گفته و چون باز آمده است و دوگانه به درگاه یگانه گذاشته به حجره شده است و دیگر بر نیامده و از آن روی که پیوسته قبل از آفتاب باز از حجره برمی آمده است و به صحن مدرسه راهی می رفته و امروز را بر نیامده است مضطرب گشته اند و در حجره شده و دیده اند که به حال مراقبه تکیه فرموده است و جان با جان آفرین باز داده و عالم از او یتیم مانده است قدس الله نفسه الزکیه و افاض الله علینا من برکاته آمین. و من به مشارکت مرحوم مبرور آقا سید محمد تقی طالقانی رحمه الله متکفل غسل شدم و عطری شدید به مغسل می شنودم و آن پیکر پاک و نور تابناک به وادی السلام نهادیم .

خوشتر از این در جهان همه چه بود کار

دوست بسر دوست رفت یار بسر یار

ذیل: از تلامذہ آن بزرگوار است فاضل بارع جامع آقای آقا

مرتضی بن الشیخ شعبان الدیوشلی المدرس که همی زیاد متولد چاشت چهارشنبه ۲۶ صفر ۱۳۳۶ به نجف اشرف علی مشرفها آلف التحف نیز تلمیذ آقا شیخ صدرای بادکوبی و آقا شیخ نعمه الله دامغانی و آقا شیخ حبیب الله ذوالفنون عراقی و آقا شیخ علی بن محمد حسن الیزدی و شمس الدین علی نقی بن رضاء البادکوبی و سرتیب عبدالرزاق خان مهندس بغایری نیز از اصحاب حوزه سید السالکین آقا سید علی آقا القاضی الطباطبائی قدس الله اسرارهم اجمعین کماکتب الینابخطه الشریف. صاحب بسی از نفائس آثار عقلانیه من جمله تذکره الحکماء که فی الحقیقه تالی تلو اخبار الحکماء قفطی است و عیون الابناء ابن ابی اصیبه و بل که به جهاتی ارجح است بر آن دو. با اسطراب. قبله آفاق در هیأت - حواشی بر مصادرات تحریر اقلیدوس - کتاب آخر فی الھیأة - ترجمه جبر خوارزمی ، شرح جبر خلاصه - مدخل الزیج - النفس فی نظر الفیاسوف الشیرازی - شرح عینیة شیخ - حکمة الاسرار - حواشی بر برخی از مواضع اسفار - ترجمه مبادی الفاسفه .

برخی از متون نیز تصحیح فرموده است که این است صورتی جزئی از آن: اشارات - مطالع - هدایة الحکمه - الشمسیه - صناعة آلات المرصد.

۵۴- آقا سید حسن مشکان طبسی : از افاضل حکماء عصر که رفاقت توفیق را رقیمه ای نوریه از آن بزرگ باقی است به ترجمت حال حقائق اشتمال خویش مشحون از فوائد تاریخیة فلسفیه که آنرا بعینها بدین مقام ایراد کنیم :

« نام و نشان من سید حسن مشکان طبسی پرسیدمهدی میرزاها. در سال « ۱۲۵۸ خورشیدی در طبس گیلکی از شهرهای خراسان به دنیا آمده ام »
« و تا هفده سال در طبس نزد والدین خود زیسته ام. آنگاه پدرم فوت شد »
« و مختار خود شدم و به قصد تحصیل به خارج مسافرت کردم و یک سال »
« در یزد در مدرسه خان و هفت سال در اصفهان در مدرسه صدرتوقف کردم »

«من از خردسالی میل مفرط به تحصیل علم داشتم... بزرگانی که در»
«سنت تحصیل خدمت آنها را دریافته و نزد آنها شاگردی کرده‌ام»
«این‌ها: پدرم سید مهدی میرزاها در حساب و هیئت و نجوم، شیخ»
«حسن ملاسلطان محمد در علوم عربیت (این هر دو در طبس) حاجی»
«ملا محمد ابراهیم لاری در منطق و معانی و بیان (در یزد)...»
«جهانگیرخان قشقائی در فلسفه، آخوند ملا محمد کاشی در ریاضیات،»
«میرزا غلام حسین میدان کهنه‌ای در (اکر) و اسطرلاب و طبیعیات و»
«مانند آنها (همه این‌ها در اصفهان). این‌ها که نام بردم هر یک در زمان»
«خود به استادی معروف و از کسانی بودند که مانند آنها در گذشتگان»
«هم به ندرت می‌توان یافت و بسیار دانشمندان جز این دریافته‌ام که به»
«این پایه نبوده‌اند یا من سمت شاگردی آنها نداشته‌ام خدا همه آنها»
«را بیامرزاد. زمانیکه من وارد اصفهان شدم علوم طبیعی و ریاضی بالمره»
«متروک و مهجور بود و علوم ادبی بی‌مایه و ضعیف و مدارس با همه»
«ازدحامی که دیده می‌شد توجهی به این علوم نداشتند. و همه همت‌ها»
«متوجه فقه و اصول بود و با این حال تجدد هم کمی به مدارس اصفهان»
«راه یافته بود. رسم تکفیر بالمره منسوخ نشده بود لکن زیاد هم اتفاق»
«نمی‌افتاد. آن وحشتی که در زمان حاجی کلباسی از علوم عقلیه داشته‌اند»
«به مساعی امثال ملاعلی نوری و جهانگیرخان قشقائی فی الجمله به»
«انس تبدیل شده بود و به هر جهت به شرط مواظبت بر نماز جماعت و»
«حضور در مجلس روضه و تحصیل فقه و اصول در ایام تحصیل خواندن»
«این گونه اصول که طلاب آن زمان علوم غریبه می‌نامیدند در اوقات»
«فراغت ممکن بود. و من در آن هنگام معلوماتی ابتدائی در این علوم»
«داشتم که نسبت به آن روز مدارس اصفهان قابل توجه بود. همین قدر»
«که به چگونگی تحصیلات طلاب و تمایلات آنها آشنا شدم به تدریج»
«این علوم شروع کردم. (خلاصه الحساب) و (فارسی هیئت) و (اسی فصل)»
«تدریس می‌کردم و (تحریر اقلیدوس) و (شرح جفمینی) و (شرح تذکره)»
«و (اکر) و (اسطرلاب) و مانند این‌ها درس می‌خواندم و مطالعه»
«می‌کردم. در آن زمان هفته‌ای دو روز مدارس تعطیل بود (در اصفهان»
«پنجشنبه و جمعه) و در جنوب (دوشنبه و جمعه) و سیزده روز اول»
«فروردین و سیزده روز اول محرم و دهه آخر صفر و ایام فاطمیه و تمام»

«ماه رمضان و ولادت‌ها و وفات‌ها که جمعاً از صد و پنجاه روز کمتر نمی‌شد»
 «و من با عده‌ای که طرفدار این فکر بودند قرار گذاشتیم که تعطیل را»
 «منحصر به چهار یا پنج روز در سال کرده بقیه را صرف این علوم کنیم و»
 «به همین طریق هم رفتار کردیم. این فکر کم‌کم توسعه یافت و طرفداران»
 «این علوم زیاد شدند و گوش‌ها قدری به سنخ استدلال فلاسفه و ریاضیون»
 «آشنا شد تا آنجا که پس از سه سال جهانگیرخان از حجرهٔ مدرسهٔ صدر»
 «بیرون آمد و در شبستان مدرسهٔ جارچی برای عده‌ای که قریب یکصد»
 «و سی نفر می‌شدند (شرح منظومه) درس گفت و کسی اعتراض نکرد.»
 «تجدد در مدارس اصفهان پا گذاشته بود یا نزدیک بود. یکی از مشکلات»
 «آن زمان شناختن اسطرلاب بود و چگونگی عمل کردن با آن و از آن»
 «مشکل‌تر دانستن اصولی که مبنای ساختن این صفحات و کشیدن این»
 «خطوط و دوائر است که آن را علم تسطیح گویند که در همین مدت کم»
 «یعنی از عصر صفویه عصر شیوع و رواج این علم و این صنعت تا زمان»
 «ما به قدری متروک شده بود که آنچه ما بدست آوردیم در اصفهان یک»
 «نفر میرزا غلام حسین بود. این مرد دانشمند در معرفت اسطرلاب و»
 «کیفیت عمل به آن و علم تسطیح و ساختن آلات رصدی و افزارهای لازم»
 «برای ساختن اسطرلاب در عصر خود منحصر به فرد بود. افزارهای»
 «این کار در نزد او دیدم و بعضی اسطرلاب‌های مسطح نصفی نزدیک به»
 «اتمام داشت که اگر تمام می‌شد مانند بهترین اسطرلاب‌های کار عبدالائم»
 «بود و لکن در آن زمان عشق به کیمیاگری و امتحانات پرخرج و پیرزحمتی»
 «که می‌کرد مانع اتمام آن‌ها یا اشتغال به کار سودمند دیگری بود.»
 «بعضی از ما حاضر نبودند علناً نزد میرزا درس بیخوانند او هم درس»
 «محرمانه نمی‌گفت و به عمد در ایوان مدرسه می‌نشست و از این رو»
 «شاگرد زیادی نداشت و علت این امر آن بود که کلاهی و مستخدم دولت»
 «بود در پست و تلگراف و آن‌ها در لباس دیگر بودند به هر حال این»
 «فنون هم نزد او تحصیل کردم و رواج دادم و روزی که از اصفهان عازم»
 «خراسان شدم با روز ورودم تفاوت زیادی داشت. در خراسان نیز کاری»
 «جز مطالعه و مذاکره پیش نگرفتم و لکن مدارس مشهد در آن زمان اقبالی»
 «به علوم عقلی نداشتند و وقت خود را بیشتر صرف علوم دینی و ادبی»
 «می‌کردند و غلبه با مشتی مردم ریاکار بود کسی که متهم به دانستن فلسفه»

می شد اگر می توانست جان خود را حفظ کند کار بزرگی کرده بود. بودند»
 «کسانی که بر ناموس خود غیرتی نشان نمی دادند لکن بردین خود به»
 «قدری غیور بودند که از دیدن يك فلسفه خوانده یا فلسفه خوان از حال»
 «طبیعی خارج شده مانند مصروع کف بر لب می آوردند بخصوص اگر»
 «سخنی برهانی گفته یا با آن ها معارضه کرده بود... با این حال در خراسان»
 «دانشمندان بزرگ بیشتر از جاهای دیگر بودند و اگر جز مرحوم حاجی»
 «میرزا حبیب الله شهیدی، خراسان دانشمند دیگری نداشتی اورا بس بودی.»
 «این تاریخچه متعلق به ده سال یعنی از ۱۳۱۴ تا ۲۴ بود که در ایران»
 «عصر جدیدی افتتاح شد و افکار نو در همه طبقات پدید آمد من نیز بی»
 «بهره نمانده و به فرا گرفتن زبان فرانسه و علوم طبیعی و ادبی اروپائی»
 «مشغول شدم و دو مسافرت به خارج کردم که در يك سفر نزدیک يك سال»
 «در قاهره مصر توقف افتاد و در سفر دیگر سه سال در پاریس ماندم و در»
 «این سفرها بسیار جاها دیدم و بسیار بزرگان از ملیت های گوناگون»
 «زیارت کردم و در اوائل جنگ عمومی پیش بود که به ایران برگشتم»
 «و به خدمت معارف پذیرفته شدم و... به دادگستری منتقل شدم. هفت»
 «سال پیش می گذرد که در طهران به سمت رأی زن دیوان کشور خدمت»
 «می کنم» .

آن بزرگ به لیلۃ ۱۸ ربیع اول ۱۳۶۸ مصادف با ۲۸ دی ۱۳۲۷ به فجاء
 از این سرای غرور به دار سرور ارتحال فرمود و این است ماده تاریخ وفات
 اوی از افادت فاضل جامع بارع استاد جلال الدین الهمائی السنا دامت برکاته.

طیسی سید حسن مشکان	زین سرارخت سوی جنت برد
چون سرآمد اجل . ودیعه روح	در کف روح آفرین بسپرد
مصطفی (ص) مرگ یکتن از علماء	برتر از مرگك يك قبیله نام برد
مرگ چونان بزرگ دانشمند	خود نباشد به نزد دانا خرد
گفت سر زنده عارفی به «سنا»	«مرگ مشکان مگو که دانش مرد»

سر کلمه زنده یعنی حرف زاء که به حساب جمل هفت می شود تعمیمه است

۱۳۶۸ (۴۳۹).

اکمال: از جمله آثار آن بزرگ تصحیح ترجمه اشارات است و تصدیر بر آن منسوب با انوری که به یادگار هزاره شیخ آنرا به ۱۳۱۶ به طهران طبع کرده‌اند.

بقیه تلامذ آقا محمدرضا:

۷- حکیم شامخ آقا میرزا محمدظاهر التنکابنی: (صبح جمعه ۱۴ آذر ۱۳۳۰- پنجشنبه ۲۸ محرم ۱۲۸۰) مدفون به مقبره جلوه به گورستان ابن بابویه قدس الله اسرارهم اجمعین استاد جامع علوم عقلیه نیز از زبده احرار ملیون. میرزا قدس سره چون به طهران آمد به مدارس کاظمیه و قنبرعلی خان و حاج ابوالحسن می زیستی و از پی بناء مدرسه سپهسالار بدان مقام کرد و پنجاه سال بدان و نیز مدرسه کاظمیه بالاخص به طریقه مشائیه حل غوامض می فرمود. به ریاضی و هیأت و نجوم نیز متبحر و به طب قدیم استاد بود. به دوره اول مجلس قبول و کالت علماء طهران فرمود و نیز به دوره سوم بدان مهم قیام و اقدام کرد. و به لیل ۱۵ محرم ۱۳۳۴ همراهی مهاجرین فرمود و چهارسال به کاظمیه و کربلاء معلی و بغداد و موصل می گذراند و هم بدان روزگار (ایام مهاجرت) از طهران به کالت انتخاب شد و از ۳۰ مرداد ۱۳۰۰ الی خرداد ۱۳۰۲ خورشیدی بدان کار می پرداخت. مدتی نیز تصدی ریاست کل محاکم استیناف و مستشاری دیوان تمیز می فرمودی. از ۱۳۱۰ خورشیدی دوران تحمل مشقات آن بزرگوار شروع شد و خود از پی تبعیدها و زندان‌ها به ۱۳۱۸ گرفتار حبس البول و استرخاء سمت چپ بدن گردید و اطباء منع از مطالعه کردند که از این درد سخت بستوه بودی و آرزوی مرگ می کردی. به ۱۳۲۰ از پی جراحی مبتلاء به ذات الریه شد و بعد از یک شبانه روز تب شدید به ساعت هشت صبح روز جمعه چهارده آذر از ابتلاءات برست و از دارغور به سرای سرور ارتحال فرمود. قدس الله

سره و فی حظیرة القدس سره (۴۴۰)

ذیل : از اجلاء تلامیذ آن بزرگوار است استاذنا الاعظم فی المعارف الربوبیه الحکیم المتأله الشامخ الاقا المیرزا عبدالکریم الطهرانی الشهیر بروشن ادام الله ایام افاضاته متولد ۱۳۳۰ که از سنه ۱۳۱۲ خورشیدی ملازم آن بزرگ بوده است تا اواخر ایام او. قدس الله سر الماضی و طول الله عمر الباقی آمین.

۸- آقا میرزا ابراهیم بن ابی الفتح الریاضی الزنجانی : متوفای به ۱۳ رمضان ۱۳۵۱. شطری از احوال حقائق مآل آن بزرگوار از پور برومند او شنیده ایم مرحوم مغفور آقاشهاب فیلسوف طاب ثراه به صبح دوشنبه ۱۲ مرداد ۱۳۵۰ و می هده:

۱- پدرم می فرمود که پدر من روزگار به کسب می گذراندی و به ایام طفولیت مرا به دکان بزازی برد مرشاگردی را و یک هفته بیوادم . مگر تنی از یاران او حاج ملک علی نام وی بر حال من آگاه شد و گفت خطا کرده ای و مرا به مدرسه سید برد و پدر حرمت او را سکوت کرد و روزگاری به تحصیل همی گذاشتم. مگر گاهی این بیت مرا در نظر آمد که :

خدایا راست گویم فتنه از تو است ولیک از ترس نتوانم چغیدن

و از هر کس که معنای آن می خواستم قانع نمی گردیدم و یافتن معنای آن را به طهران شدم و دست تقدیر مرا به درس آقا محمدرضاء و از پی آن بزرگوار به حوزه میرزای جلوه قدس سرهما کشانید و به حوالی ۱۳۴۰ به زنجان آمدم . و آنچه که مرا بر کشید همانا نظر کیمیا اثر آخوند ملا قربانی بود قدس سره .

۲- جثه ای داشت نحیف و قامتی متوسط با موئی اندک بر صورت . به اواخر حیات گرفتار درد دیده گردید و نابینا شد و چهار سال بدان درد مبتلاء مانده بود.

۳- معاشرت به اقل قلیل رسانیده بود و اختلاط نمی کرد و امیرافشار و دیگران نیز که به زیارت او می آمدند بازدید که نمی کرد بدرقه هم نمی فرمود و لکن هیچ خودی نداشت و خودی از دیگران نیز به تربیت که گاه صورت شدت می یافت زائل می فرمود بزرگامردا که او بود قدس الله سره.

۴- اما تصانیف آن بزرگوار به نحوی است که طهرانی می آورد قدس

سرهما :

«شرح لغز الزبده للشيخ البهائي بالفارسيه وحاشية على اصول اقليدوس الى
«المقالة العاشره و ترجمة شرح لغز القانون تصنيف ملك الاطباء ورسالة»
«في حساب عقود الانامل كلها في مجموعة بخط تلميذه الميرزا اسدالله بن»
«محمد جعفر الزنجاني... ورسالة نسبة ارتفاع اعظم الجبال الى قطر»
«الارض وحاشية اكرلثاو ذوسيوس» (۴۴۱)

افادت پور برومند آن بزرگ را سواد نسخی از این آثار اینک به نزد آقای دکتر جواد شیخ الاسلامی است پور میرزا فضل الله شیخ الاسلام زنجان قدس سره.

۵

کمال: از اجلاء تلامیذ آن بزرگ است مرحوم آقا میرزا ابوالحسن الرفیعی القزوینی با مرحوم آقا میرزا ابو عبد الله الزنجانی (پنجشنبه ۷ ج ۲ ۱۳۶۰- ۱۳۰۷) صاحب شرح بقاء النفس و الفیلسوف الکبر الفارسی صدرالدین شیرازی و غیرهما طابت ثراهم اجمعین.

لطيفة ذوقیه: از آن بزرگ منقول است و الراوی هو ولده الفاضل المشار-
اليه طاب ثراه که محصلی اصولی روزی از ایام تعطیل به حوزه درس حکیمی شد و قضاء را حکیم سخن از ادله اثبات واجب الوجود می آورد بهر برهانه و او گفت که اصل عدم است!! و چون فردا نزد استاد خویش شد ماجری باز گفت و همی تفاخر کردی که دی روز اصل عدمی جاری کردم! تعالی الله عما یقوله الظالمون و کل یعمل علی شاکلته.

۹- آقا حسین نجم آبادی متوفای ۱۳۴۷ که «به قول استاد خود مرحوم مغفور

آقا محمدرضا قمشه‌ای همه درس گفتنی استاد را در ربوده بود» (۴۴۲)

۱۰- الشیخ حیدر النهاوندی (قبل ۱۳۲۰-...) :

«... اصله من ایل قاجار و کان کثیر التفکیر شدید العزله عن الناس منزویا»

«فی غرفة له بمدرسة المیرزا محمدخان سپهسالار المعروفه بمدرسة سپه»

«سالار قدیم و تجاوز عمره الستین ولم یتزوج» (۴۴۳)

اکمال: من بنده گوید از آثار این بزرگ دیباچه‌ای است مختصر بر بدایع

الحکم استادالاساتید آقا علی‌المدرس قدس‌الله نفسهما الزکیه به عباراتی بدیع که بر آغاز آن صورت طبع یافته است.

۱۱- آقا میرزا علی‌اکبر اردکانی یزدی معروف به حکمی مدرس مدرسه شیخ

عبدالحسین به طهران و مهاجر به قم در ۱۳۲۷ زاده‌الله شرفاً متخلص به تجلی

متوفای به ۱۳۵۴ با عمری متجاوز از هشتاد سال مدفون به مقبره شیخان.

محشی اسفار قدس سره. (۴۴۴)

۱۲- آقا میرزا لطفعلی صدرالافاضل دانش شیرازی ثم الطهرانی متوفای

پنجشنبه ۶ رمضان ۱۳۵۰، تلمیذ آن بزرگوار به هشت سال به شواهد و فصوص

و تمهید. (۳۳۵)

۱۳- آقا میرزا ابوالفضل بن میرزا ابی‌القاسم الطهرانی. او خود گوید به جایی :

«قرأت علیه اکثر الاسفار و الشواهد الربوییه و شیئا من شرح الاشارات و»

«شطراً (لا یقرأ) و غیر ذلك من الکتب العقلیه» (۴۴۶)

۱۳- جلال‌الدین ابوالفضل عنقاء الطالقانی (طهران سه‌شنبه ۲۹ - ۲ - ۱۳۳۳ -

قزوین ۱۲۶۶) (۴۴۷)

۱۵- الشیخ‌الرئیس ابوالحسن میرزای حیرت (۴۴۸) و فیه تأمل

۱۶- آقا میرزا جعفر الاشتیانی الملقب بالمیرزا کوچک متوفای به حوالی

۱۳۲۴ والد ماجد آقا میرزا مهدی آشتیانی قدس سرهما (۴۴۹)

- ۱۷- عبدالعلی میرزا بن فرهاد میرزا الملقب باحتشام الملك و المتخاص
بعبدی از فقراء سلسله علیه نعمة اللهیه قرأ علیه شرح الاشارات (۴۵۰)
- ۱۸- میرزا سید حسین صدر الحفاظ قمی متوفای به ۱۳۳۲ (۴۵۱)
- ۱۹- آقا شیخ علی اکبر نهاوندی متولد به حوالی ۱۲۷۷ (۴۵۲) و متوفای
به ۱۳۶۹ (۴۵۳)
- ۲۰- آقا میرزا ابوالقاسم الاشتیانی (۴۵۴)
- ۲۱- الشیخ علی النوری (حدود ۱۳۳۵-...):
«من اعظم الحكماء و اکابر المتکلمین عالم جلیل و عارف فاضل... انتهت»
«الیه ریاسة تدریس المعقول فی عصره فی طهران و کان یدرس فی مدرسة»
«المروی فیتهافت الطلاب علیه. وقد تخرج علیه عدد کبیر من الفحول و»
«المشاهیر» (۴۴۵)
- ۲۲- آقا میرزا علی محمد اصفهانی معلم مدرسه سیاسی ، مقیم مدرسه حاج
ابوالحسن (۴۵۶)
- ۲۳- آقا میرزا صفای شاعر اصفهانی (۴۵۷) مقیم ارض اقدس رضوی علی
مشر فها السلام
- ۲۴- آقا میرزا محمود بن صالح البروجردی المقتول فی طریق العتبات فی ۱۳۳۸
(۴۵۸)
- ۲۵- آقا میرزا عبدالله الریاضی الرشتی متوفای شنبه ۲ ربیع الثانی ۱۳۱۱ از
خواص تلامیذ آن بزرگوار (۴۵۹)
- ۲۶- آقا میرزا محمد مهدی قمشای (چهارشنبه ۱۷ ربیع الاول ۱۳۳۰-۱۲۶۱)
(۴۶۰) محشی اسفار (۴۶۱)
- ۲۷- آقا میرزا محمد باقر الاصطهباناتی (۴۶۲) شهید در وقایع مشروطیت
مضروب به ۱۷ اسفند ۱۲۸۶ شمسی به دهلیز حسینیة قوام شیراز و متوفای به روز
بعد از آن (۴۶۳)

ذیل: اعظم تلامیذ آن بزرگ زبده الحکماء المتألہین آقاشیخ محمد حسین النخجوانی ثم الاصفہانی الشهیر بکمپانی است قدس اللہ سرہما (۵ ذی الحجہ ۱۳۶۱- اول محرم ۱۲۹۶) صاحب تحفۃ الحکیم کہ مرحوم مبرور آقامیر زامہدی آشتیانی قدس اللہ نفسہ الزکیہ آن را تا مبحث وجود ذہنی شرح فرمود و اجل اورا مهلت اتمام نداد (۴۶۴)

اکمال: فاضل جامع آقای آقامرتضی المدرس را شنیدم کہ ہی زیاد بہ لیلة جمعہ ۲۰ دی ۱۳۵۳ کہ کمپانی قدس سرہ مرا فرمود کہ من شرح منظومہ بہ حضرت آقاشیخ علی محمد نجف آبادی خواندہ ام حکیم ریاضی کہ آقاشیخ محمد حسین کاشف الغطاء نیز طاب ثراہ تلمیذ او بود. و از اجلہ تلامیذ آن بزرگوار «کمپانی» است آقا سید محمود امام جمعۃ زنجان قدس سرہما (لیلة جمعہ ۲۲ ج ۱- ۱۳۷۵- ۱۲ ربیع الاول ۱۳۰۹) صاحب رسالہ در جبر و تفویض و حواشی بر تفسیر صدر المتألہین (۴۶۵) از اعظم اہل سلوک.

۲۸- حاج شیخ عبداللہ الحائری رحمت علی قدس سرہ بدانسان کہ از پور برومند آن بزرگ بقیۃ الماضین ثمال الباقین حضرت آقای ہادی حائری شنیدہ ایم ادام اللہ ایام بر کاتہ آمین.

۲۹- ملک الشعراء میرزا محمد حسین عنقاء بن ہماء شیرازی (۴۶۶)

۳۰- امین الحکماء مقیم محلۃ عود لاجان طهران افادت تلمیذ او علامہ آقای جلال الدین الہمائی السناء الاصفہانی دامت برکاتہ من بندہ را بہ صبح پنجشنبہ ۲۳ اسفند ۱۳۵۲.

۳۱- آقا شیخ غلام علی شیرازی (۴۶۷) محشی اسفار

۳۲- آقا میرزا محمد باقر شریعت گیلانی (۴۶۸)

۳۳- آقا میرزا نصر اللہ حکیم قمشہای (۱۳۲۴- ۱۲۵۷) (۴۶۹) افادت علامہ

مومی الیہ من بندہ را دامت برکاتہ كذلك بہ صبح آن روز، مدفون بہ آستانہ

قمشه. متمایل به مشی مشائیه (۴۷۰) و او است استاد حکیم محقق آقا شیخ محمد هادی بن الملا محمد مهدی القمشهی الشهیر بفرزانه (لیلة پنجشنبه غره شعبان ۱۳۸۵-۱۳۰۲) (۴۷۱) و این بزرگ استاد عارف متأله مرحوم مغفور آقا میرزا مهدی الهی قمشه‌ای است قدس الله اسرارهم اجمعین (۲۴ اردی بهشت ۱۳۵۲-۲۶ ر ۱ / ۱۳۱۹) صاحب حکمت عام و خصاص و شرح فصوص فارابی و رساله در سلوک و غیرها با دیوانی لطیف، از افاضل اساتید دانشگاه طهران به علم و عمل.

لطيفة ذوقیه: گویند گاهی آقا شیخ محمد هادی را قدس سره دعوت به تدریس به دانشگاه طهران کردند و آن بزرگ این جواب فرمود: «مع الاسف وقتی از من یاد شده است که ضعف رو به قوت نهاده و قوت رو به ضعف» و ادیب داند که این سخن به فخامت بدان پایه است که سخن آن سخن دان به گاه اخبار از قتل ماکان کاکویه بدین عبارت:

ع

«اما ماکان فصار کاسمه»

اکمال: نیز از تلامیذ آقا شیخ نصر الله بوده است آقا شیخ اسد الله قمشه‌ای متخلص به دیوانه قدس سرهما که ترجمت حال حقائق اشتمال آن بزرگوار را یکی از اصحاب وی بدین صورت ایراد کرده است:

«آقا شیخ اسد الله اهل بلده قمشه... از ابتداء حد بلوغ به تحصیل علوم»
 «راغب گشته با وجود فراهم نبودن اسباب و اشتغال به شغل زراعت علوم»
 «عربیت و منطق را در بلده قمشه به حد کمال رسانده و در خدمت حکیم»
 «یگانه مرحوم آقا شیخ نصر الله قمشه‌ای... علوم کلام و حکمت الهی و»
 «غیرها را به هر دو طریقه اشراق و مشاء تکمیل فرموده پس از آن به شهر»
 «اصفهان هجرت نموده سالها به درس حکمت و کلام مشغول و در مدرسه»
 «چهارباغ فیلسوفانه در کمال نزاهت و آزادی و عفت به سر می برد. و در»
 «ضمن انواع علوم ریاضی را به دو طریقه مرسوم قدیم و جدید برفضائل»
 «خود افزوده تدریس می نمود. لغت فرانسه را نیز بدون مراجعه به استاد»
 «به قدر کفایت می دانست. و خط شکسته را در کمال خوبی می نوشت. ولی»

«به اعتقاد بنده هرچند که در کمالات مسطوره و غیرها همسری نداشت با»
 «این وصف مقام علو طبع، حدت ذهن، قوه حافظه و جمیع فضائل اخلاقش»
 «به درجه‌ای بود که روی انصاف می‌توان گفت چنین گوهری گرانمایه»
 «کم‌تر زیب عالم انسانیت گشته. افسوس که در عنفوان جوانی تقریباً به»
 «سن سی و شش سالگی در ۱۸ شهر ذی‌القعدة ۱۳۳۴ مطابق با ۱۲۹۴»
 «شمسی در اصفهان دارفانی راوداع و دل دوستان را به داغ مفارقت خود»
 «گذاخت. قبر شریفش در پائین مزار مرحوم آخوند ملا محمد کاشانی در»
 «اراضی تخت فولاد قرب لسان الارض معروف است. حکیم مزبور دارای»
 «یک مذاق عارفانه و طبع عاشقانه بسیار عالی بود که از این روی گاهی به»
 «نظم اشعار می‌پرداخت و دیوانه تخلص می‌فرمود...» (۴۷۲)

اورا است:

قلندرانه بیا پا به نام و ننگ ز نیم
 به شیشه خرد از دست عشق سنگ ز نیم
 درنگ نیست سپهر دو رنگ را ساقی
 بیار تا می گلرنگ بی درنگ ز نیم
 درون کعبه عقل از صنم چه پاک نشد
 کنون به بام کایسای عشق زنگ ز نیم
 حدیث عود و رباب از میان بر اندازیم
 به تار طره مشکین یسار چنگ ز نیم
 فضای هستی و «دیوانه» و سپاه جنون
 چگونه خیمه در این جایگاه تنگ ز نیم
 (۴۷۳) قدس الله سره و فی حظیره القدس سره آمین

آثار قمش‌های :

۱- رساله مبارکه ولایت: که ذیل فص شیشی است و نسخی از آن دیده‌ایم
 به خط آقا میرزا محمود بروجرودی (۴۷۴) از تلامذ آن بزرگوار و سید علی

اکبر بن السید عبدالحسین بن السید محمد صادق الطباطبائی (۴۷۵) از تلامید آقا میرزا هاشم والسید اسماعیل الطالقانی (۴۷۶). نسخه‌ای دیگر نیز به نزد حکیم محقق قدوسی مرحوم مبرور آقا میرزا ابوالحسن شعرانی بود قدس سره اخبار آن بزرگ من بنده را به روزی چند قبل از ارتحال. نسختی دیگر نیز به کتابخانه حکیم شامخ آقا میرزا مهدی مازندرانی بوده است قدس سره که فاضل بارع آقای آقا میرزا مرتضی المدرس الگیلانی که همی زیاد از آن خبر داد من بنده را به لیلۃ جمعه ۱۲ آبان ۱۳۵۲. این رساله حلیه طبع یافته است (۴۷۷)

۲- رساله موضوع الخلافة الكبرى: از نفائس تصنیفات آن بزرگوار که نیز مطبوع است دو کورت (۴۷۸)

۳- رساله فی وحدة الوجود بل الموجود: به ذیل فصل اول از شرح قیصری که در آن وحدت شخصیه وجود را تقویت فرموده است مطبوع (۴۷۹). و این رساله همانی است که میرزای جلوه را تعلیقی است بر آن قدس الله نفسهما.

۴- شرح حدیث زندیق: که دو نسخه از آن دیده‌ایم یکی به خط آقا میرزا ابوالفضل طهرانی (۴۸۰) و دو دیگر به خط آقا میرزا محمود بروجردی (۴۸۱).

۵- رساله فی الفرق بین اسماء الذات والصفات: که علی الظاهر نسخه آن منحصر است بدانکه به خط آقا میرزا ابوالفضل است طاب ثراه و آن را به چهار شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۵۱ به حضرت شیخ العلماء آقای آقا میرزا محمد الطهرانی دامت برکاته دیده‌ایم فرزند وی طاب ثراه.

۶- رساله فی تحقیق الاسفار الاربعه: کتبه فی بدایة شروعه فی مباحثة الاسفار مطبوع. (۴۸۲)

۷- رساله فی موضوع العلم: که ظاهراً تعلیقه‌ای است بر بعضی از کتب

میزانیه وینقل فیہ عن المحقق النوری، مطبوع (۴۸۳)

۸- حواشی بر اسفار: مسبوطة علی تمام الاسفار ولکنها غیر مدونه و

کانت، نسخه الاصل عندالمیرزا محمود القمی (۴۸۴)

۹- حواشی بر تمهید: که مقادیری از آن مطبوع است (۴۸۵) و مقادیری

دیگر نیز به خط آقا میرزا محمود قمی (۴۸۶) و آقا میرزا محمود بروجردی

(۴۸۷) و اسلام الدین طالقانی دیده شده است شاید مکرراً.

۱۰- تعلیقات بر شواهد (۴۸۸)

۱۱- رساله در تحقیق معنای جوهر و عرض در لسان اهل الله (۴۸۹) که

شاید از آن بزرگوار باشد.

۱۲ حواشی بر فصوص (۴۹۰)

۱۳- حواشی بر مفتاح قونوی ظاهراً (۴۹۱)

وفات: ارتحال این بزرگوار را از دار غرور به سرای سرور بالاتفاق

به ۱۳۰۶ گفته اند. النهایه در روز و ماه آن اختلافی کرده اند البته قلیل آن هم

دوتن از تلامیذاوی. آقا میرزا ابوالفضل وقوع آن را به محرم الحرام ثبت کرده

است (۴۹۲) و عبدالعلی میرزا به غـرۀ صفر (۴۹۳). کرامتی نیز

به مرض موت از آن بزرگ نقل کرده اند و این است آن از گفته اعتماد

السلطنه.

«تزدیک نزع با خواص خود گفته بود که آیا اسب سفیدی را که حضرت»

«صاحب علیه السلام برای سواری من فرستاده اند دیده اند (لذا)»

(۴۹۴)

در باب مدفن آن بزرگ نیز اختلاف کرده اند. صاحب طرائق گوید که

«در ابن بابویه نزدیک مزار حاج آخوند محلاتی مدفون شد» (۴۹۵) و لکن

فاضل بارع استاد جلال الدین الهمائی السنا را شنیدم دامت برکاته به صبح

پنجشنبه ۲۳ اسفند ۵۲ که

«که من از شاگردان و دوستان مکتب قمشہای شنیدم کہ اورا در سر»
 «قبر آقا (: مقبرہ امام جمعہ طهران) دفن کردند بہ ایوان و سنگی کوچک»
 «نیز داشت و من زیارت کردم آنرا بعدہا مرحوم حکیم الہی کہ مرد»
 «ظریف ادیبی بود نقل کرد برای من کہ وقتی کہ خیابان کشیدند من و»
 «چند تن استخوانہای آن بزرگ را بہ ابن بابویہ دفن کردیم. صاحب»
 «طرائق ہم کہ گفتہ بہ ابن بابویہ دفن کردندش نمی دانم کہ از کجا گفتہ»
 «است و من تقویت می کنم دفن اورا بہ مقبرہ امام جمعہ کہ خود زیارت»
 «کردمش بدانجا».

باب دوم

حاجی ملاهادی سبزواری

(۱۲۸۹ - ۱۲۱۲)

۱- شطری از حیات ظاهری : بدین باب ، رفاقت توفیق را رقیمة نوریه‌ای هست به قلم فیض رقم آن بزرگوار و این است صورت آن :

«چون بعضی از احباء مستدعی شد که از کیفیت تحصیل خود و انیت»
«آن و تعیین اساتید چیزی نگاشته شود موجزی می نگاردم که در سن هفت»
«یا هشت سالگی شروع به صرف ونحو کردیم. والدنا الفاضل حشره الله»
«مع الاخيار عزم بیت الله الحرام فرمودند و در مراجعت در شیراز به رحمت»
«ایزدی پیوستند. و حقیر تا عشرة کامله از عمر خود در سبزواری بودم و»
«بعد جناب مستطاب عالم عامل و فاضل کامل و حبر جامع و متقی ورع و»
«فقیه بارع و عابد ساجد و ناسک متعبد زبدة الاشراف المستغنی عن الاوصاف»
«حبیب مهجتی و ابن عمی المستعد فی النشأتین الحاج ملاحسین»
«السبزواری اعلى الله مقامه که سالها در مشهد مقدس مشغول تحصیل»
«بود رحمة الله عليهم مرا از سبزواری به مشهد مقدس حرکت داد.»
«و آن جناب انزواء و تقلیل غذا و عفاف و اجتناب از محرّمات و مکروهات»
«و مواظبت بر فرائض و نوافل را مراقب بود و داعی را هم در این ها چون»
«در يك حجره بودیم مساهم و مشارک داشت و کینونت ما بدین سیاق»
«طولی کشید. و سنواری ریاضات و تسلیمیتی داشتیم. و آن مرحوم استاد»
«ما بودند در علوم عربیه و فقهیه و اصولیه. ولی با اینکه خود کلام و»
«حکمت دیده بود و شوق و استعداد هم در ما می دید نمی گفت مگر منطلق»

«و قلیلی از ریاضی. پس عشره کامله با آن مرحوم در جوار معصوم به سر»
 «بردیم. تا اینکه شوق حکمت اشتداد یافت و آوازه حکمت اشراق از»
 «اصفهان آویزه گوش دل بود و از علوم عقلیه و نقلیه خطوط متوافره و»
 «سهام متکثره به فضل خدایافتیم پس عزیمت اصفهان نموده و اموال و»
 «ملاک بسیار راجا گذاشته از خراسان حرکت کردیم و قریب به هشت»
 «سال در اصفهان ماندیم و انزوا و مجانبت هوا به تأیید خدا مزاج گرفته»
 «بعد توفیق تحصیل علوم حقیقیه و ریاضات شرعیه هم داشتیم و اغلب»
 «اوقات را صرف تحصیل حکمت اشراق نمودیم. پنج سال حکمت دیدم»
 «خدمت زبدة الحکماء الالهیین فخر المحققین و بدر العالمین و العاملین و»
 «المتخلفین باخلاق الروحانیین بل باخلاق الله جناب حقائق آگاه آخوند»
 «ملا اسماعیل اصفهانی قدس سره الشریف و چون آخوند ملا اسماعیل»
 «مرحوم شدند دو سه سالی بالاخص اختصاص خدمت جناب حکیم متاله استاد»
 «الکل المحقق الفائق والنور الشارق آخوند ملا علی النوری قدس الله»
 «نفسه و طیب رمسه حکمت دیدم و دو سه سالی در اوائل ورود به اصفهان»
 «به فقه جناب المولی النبیه و العالم الوجیه و المحقق الفقیه آقامحمد علی»
 «مشهور به نجفی اعلی الله مقامه روزی، ساعتی حاضر می شدم و چون به»
 «خراسان آمدم پنج سال در مشهد مقدس به تدریس حکمت مشغول بودم با»
 «قلیلی فقه و تفسیر. زیرا که علماء اقبال به آن ها و اعراض از حکمت بکلیه»
 «داشتند لهذا اعتناء داعی به حکمت سیما اشراق بیشتر بود و بعد از آن»
 «دو سه سالی سفر بیت الله داعی طول کشید و حال بیست و هشت سال است»
 «که در دارالمومنین سبزوار به تدریس حکمت مشغولم این است اسباب»
 «ظاهریه و در حقیقت الله هدانی و علمنی و ربانی» .

دیده ای خواهم سبب سوراخ کن تا مسبب بر کند از بیخ و بن
 (۴۹۶)

ذیل : نیز شرحی دیگر هست به آخر مجموعه سؤال و جواب از آن

بزرگ وهی هده :

«قد فرغت عن تسوید هذه لا وراق بقوة الله العلی الخلاق فی دارالمومنین»
 «سبزوار صانها الله عن آفات اللیل والنهار وهی اول ارض مسجلدی ترا بها»
 «وان آثرت برهة من الزمان اغترابها علی اقترابها حین کان من مدة العمر»
 «عضاضة شبابها حتی عیش بفرق هامتی بومها وغرابها وبلغت من العلوم»
 «الحقیقیه باتم نصابها فعطفت عنان عزیمتی الی تلك الدار نازلا قبابها»

«فانخت راحلتی بیابها موصلاعلی فاتحة موطنی خاتمة ایابها وسكنت»
 «زاویه داری مغلقابابها مسدلا حجابها و اشتغلت بابانة العلوم ممیزاً»
 «قشرها عن لبابها مبیناًعینها عن صوابها واعتکفت بباب العقول الجبروتیه»
 «حتی رفعت عن وجهها نقابها و استأثرتنی بفصیح خطابها وسقتنی لذیذ»
 «شرابها فالهتنی عن الدنيا وسرابها فازاحت الاستار و افاضت الاسرار و»
 «آوتنی الی جنابها واعلتنی الی مآبها ختم الله لنا ولجميع الطالبین بالحسنی»
 «وقدم هذا الخطاب الاسنی يوم الاربعاء رابع شهر ذی القعدة من سنة اربع»
 «وسبعین ومأیتن بعدالالف من الهجره النبویه علی هاجرها الف سلام»
 وتحیه ۱۲۷۴» (۴۹۷)

۲- شطری از احوال ظاهری : شطری از احوال ظاهریه آن بزرگوار را

اعتماد السلطنه به نقل از «دوپسر دانشورش آقا محمد اسماعیل و آقا عبدالقیوم و عیال کرمانیه اش در سفر ثانی موبک منصور به خراسان» (۴۹۸) چنین می آورد :

«مرحوم حاجی هرشب در زمستان و تابستان و بهار و پائیز ثلث آخر شب»
 «را بیدار بودند و در تاریکی عبادت می نمودند تا اول طلوع آفتاب. آن»
 «وقت دو پیاله چای بسیار غلیظ سیاه رنگ که در هر پیاله مخصوصاً دو اوزه»
 «مثقال قند می ریختند میل می فرمودند و می فرمودند این چای غلیظ شیرین»
 «را برای قوت می خورم. به تریاک و حب نشاط و اقسام تنباکو و توتون»
 «و انقیه هرگز میل ننمودند. دو ساعت از روز گذشته به مدرسه تشریف»
 «می بردند و چهار ساعت تمام در مدرسه بودند. بعد به خانه مراجعت کرده»
 «ناهار می خوردند. و ناهار ایشان معمولاً یک پول نان بود که معمولاً یک»
 «سیر بیشتر از آن نمی خوردند. یک کسه دوغ»
 «کم رنگ که خودشان در وصف آن می فرمودند دوغ آسمان گون یعنی»
 «دوغی که از کمی ماست به رنگ کبود آسمانی باشد نان خورش یک سیر»
 «ناهار آن مرحوم بود، بعد از ناهار در تابستان ساعتی می خوابیدند.»
 «عصر چای میل نمی فرمودند، شب بعد از سه ساعت عبادت در تاریکی»
 «غالباً چهار ساعت و نیم از شب گذشته شام صرف می کردند و شامشان در»
 «اواخر عمر به واسطه کبر سن و نداشتن دندان یک بشقاب چلاو و خورش»
 «بی گوشت و روغن یعنی اسفناجی با آب گوشت بود. پیش از شام نیم»
 «ساعت دور حیاط اندرونی راه می رفتند و بعد از شام در حیاط مخصوص»

«خود که زیر زمین سابق الذکر باشد بعد از کمی راه رفتن در یک بستر ناراحتی»
 «که غالباً تشک نداشت می خوابیدند و متکای غیر نرمی از پنبه یا پشم زیر»
 «سر می گذاشتند. لباس مرحوم حاجی چندسال یک عبای سیاه مازندرانی»
 «بود و یک قبای قدک سبزرنگی که بقدری آن را شسته بودند که آرنجهای»
 «قبا پاره شده و چندین وصله برداشته و در زمستان قبای برک شگری رنک»
 «و شلووار برک شگری رنک و عمامه‌ای در تابستان بر روی شب کلاه کرباس»
 «سفید پنبه‌دار که سبزواری‌ها برجی می گویند بسته شده و در زمستان به»
 «جای شب کلاه کرباسی شب کلاه پوستی طاسی دورو بود. کتابخانه‌ای»
 «نداشتند و کتاب ایشان منحصر به چند جلد بود. قلمدانی که با آن چندین»
 «هزار بیت تصنیف فرموده و حل معضلات و مبهمات حکمت و عرفان نموده»
 «موجود بود و نگارنده به زیارت آن فائض شد این قلمدان کار اصفهان و»
 «متنش زرد رنک و زینت رویش گل و بوته و مدت چهل و پنج سال این قلمدان»
 «را در کار داشتند. از نقش قلمدان فقط در دو طرف آن چیزی باقی بود.»
 «نصف بالای غلاف قلمدان شکسته و روی خزانه که جای دوات است»
 «چیزی نبود. دوات قلمدان برنجی و هنوز مرکبی که مرحوم حاجی با آن»
 «می نوشته‌اند در آن دوات به حالت خشکی باقی است. عینک آن مرحوم را»
 «نیز زیارت نمودم. به موضعی که به دماغ می گذاشتند و به سر دوشاخ آن که»
 «به پشت گوش قرار می گیرد پارچه‌ای کبود کرباسی به دست خود بسته»
 «بودند که در سردی زمستان آهن به پشت گوش و روی دماغ اذیت نکند»
 «نمره این عینک شش است و پانزده سال آن بزرگوار به امداد آن خوانده»
 «و نوشته‌اند، باعجز و درخواست و خواهش زیاد از دو پسر عالی گوهر»
 «آن مرحوم جنابان آقا محمد اسماعیل و آقا عبدالقیوم آن عینک را گرفتم»
 «که اسباب شرافت و افتخار و به منزله دیده بصیرت و چشم عبرت این»
 «بنده ضعیف البصر باشد... و اما معاش حاجی از این قرار است یک روز از»
 «قنات عمید آباد داشتند و یک شبانه روز در قنات قصبه و باغی که در بیرون»
 «پشت ارك واقع است سالی چهل تومان فائده و حاصل باغ بود و از دو قنات»
 «مذکور نیز سی خلو ارغله و ده بار پنبه عائد می گردید. قسمتی از این»
 «دخل را با کمال قناعت صرف معاش خود می فرمودند و مابقی به فقراء»
 «ایثار و انفاق می شد. هر سال در عشر آخر صفر سه شب روزه خوانسی»
 «می کردند و یک نفر روزه خوان کربیه الصوتی که در سبزواری بود دعوت»
 «می نمودند و شبی پنج قرآن به روضه خوان می دادند و نان و آبگوشت به فقرائی»
 «که شل و کور و عاجز بودند می خورانیدند و نفری یک قرآن نیز با آن‌ها»

«مبذول می‌داشتند و خمس و زکات مال خود را هر سال به دست خود به»
 «سادات و ارباب استحقاق می‌رسانیدند و در این موقع جنس خود را وزن»
 «می‌کردند و نقد خود را می‌شمردند» (۴۹۹)

۳- شطری از احوال باطنی :

الف - اتصاف به ورع : بالاتفاق آن بزرگوار را به اتصاف به ورع
 حقیقی و ترفع از دنیا و دنیاوی وصف کرده‌اند و فی الحقیقه هم سخن به راست
 گفته‌اند مثل را بنگرید بدین گفته از کیوان قزوینی .

«اولا می‌گویم هیچ کس اسباب قطبیت را مانند حاج ملاحادی نداشت»
 «از علم و حکمت و زهد بی‌پایان که از راه علم دخلی ننموده و معاشش»
 «منحصر به اجاره ملک موروثی اش بود و از مسلمیت نزد عالم و عامی که»
 «اگر ادعا می‌نمود لخرت الناس سجدا له و امتیاز تاریخی او آن بود که»
 «با توفیر و تسهل اسباب ریاست ترک هر گونه ریاستی نمود حتی پیشنمازی»
 «نکرد و به مهمانی نرفت و با رؤسای بلدش هم بزم نشد تا از آن‌ها پیش»
 «افتد و در صدرنشینی و سفره‌چینی و مجموعه غذا گذاردن و برداشتن و غلیان»
 «ودعا کردن روضه خوان و دست بوسیدن عوام رعوتی ظاهر سازد. يك»
 «زندگانی ساده بی‌آلایش بی‌خودنمائی نمود که امتیاز برای خود قائل نشد»
 «و هیچ استفاده از توجهات کامله مردم به خودش ننمود و ثروتی نیندوخت»
 «و اولادش را متجملا بار نیاورد و آن‌ها را عادت به رعیتی داد. لذا»
 «شاگردانش در اتحاد مسالك برای خود و در انتخاب اقطاب آزاد بودند»
 (۵۰۰)

ب- تجمع با فقراء : گویند هر گاه که فقیری به سبزوار رسیدی آن بزرگ
 با وی اجتماع و بل که خلوت فرمودی. بدانسان که روایت آقای رضاعلی
 نعمت‌اللهی را :

«آقای حاج شیخ عمادالدین از ملا علی سبزواری پسر مرحوم حاج عبدالجوان»
 «نقل کنند که چون آقای سعادت علی به سبزوار ورود نمود مرحوم حاجی»
 «مدت نصف روز با ایشان خلوت داشته و دیگری نبود». (۵۰۱)

نیز گاهی که حضرت راز شیرازی به مشهد مقدس رضوی علی مشرفها آلف
 الشاء می‌شد آن بزرگوار

«به استقبال آمده و توقف چندروزی را درسبزواری خواش نمود، ایجاباً»
 «لاستدعائه چندروزی در آنجا اقامت فرمودند و حاجی مرحوم وظائف محبت»
 «و پذیرائی هر آنچه بود کاملاً بجا آورده چنانکه مردم با هم می گفتند حاجی»
 «که به سلاطین و حکام اعتناء نمی کرد لوازمت (کذا) برای ایشان می فرستد.»
 «روزی در مجلس پسر آن مرحوم بعضی سؤالات از روح الله روحه می نمود»
 «و لازمه ادب که شایسته آن محضر باشد کاملاً مراعات نمی کرد. حاجی»
 «بر آشفت و گفت ای فرزند گوشدار و به ادب حرکت کن تا از باطن این»
 وجود مسعود فیض یاب و بهره ور شوی والا محروم مانی» (۵۰۲)

نیز از مرحوم بدیع الزمان بشرویه شنیدم رحمه الله به صبح چهارشنبه شانزدهم
 آذر چهل و پنج که «گاهی که آخوند ملاحسن حافی که با حیازت مقامات علمیه
 قلندری بوده است مجرد به سبزواری رسید حاجی ترك درس فرمود» (۵۰۳)

ج- بروز کراماتی از او: نیز اتفاق کرده اند در بروز کراماتی از این بزرگوار
 و این است یکی از آن جمله: شنیدم از مرحوم بدیع الزمان بشرویه رحمه الله
 به صبح روز مذکور نیز از حکیم شامخ زاهد از زخارف دیناوی مرحوم مبرور
 آقا میرزا ابوالحسن شعرائی قدس سره الشریف به ظهر دوشنبه چهاردهم مهر
 چهل و پنج هر دو ان از آقا شیخ عبدالنبی النوری طاب ثراه که

«من به او ان تحصیل همی خواستمی که از هردانشی توشه ای اندوزم و»
 «از آن جمله نرد کیمیا نیز می باختم ولیک این معنی با احدی ابراز نمی کردم»
 «گاهی که با جمعی از نوریان به زیارت مشهد مقدس رضوی می شدم به»
 «سبزواری خدمت حاجی بیافتم و او مرا فرمود که بنشین و چون مجلس خالی»
 «شد همی فرمودم که از آنچه که می خوانی دست بردار».

نیز شنیدم از حضرت سیدال حکماء المتألهین بل العرفاء الواصلین مولنا الآقا السید
 کاظم العصار الطهرانی قدس الله نفس الزکیه به حوالی ظهر چهارشنبه هفتم خرداد
 چهل و هشت که

«از کسانی که درك محضر حاجی کرده بودند و ما محضر آنان دریافتیم»
 «شنیدم و اگر یقین نمی داشتمی نقل نمی کردمی که روزی فقیری به حضرت»
 «آن بزرگوار شد و خواستار مقداری سرکه گردید و حاجی با آنکه سخن»
 «کوتاه می گفتمی به بلندی فرمود که نداریم. و فقیر گفت که به فلان گوشه»

«زیرزمین سر که ای هست و حاجی فرمود که درویش از چشم تو پرده ای»
 «بر گرفته اند که چنین می کنی. پرده ها هست که باید بر گیرندش» .

ثم لا يخفى على اهل ان اعظم الكرامات و ارفعها الترفع عن الدنيا الدنيه و التحقق
 بمراتب العبوديه و كم للحاجي قدس سره من حكايات في المقام اجلها ما وصل
 الينا عن بعض الطرق المتصله الى الاديب الپيشاوري قدس سره الحاكي عما كان
 فيه ايام ترويض نفسه الزكيه في بعض مدارس بلدة كرمان و لانبالي بذكره .

ذیل : بروز این گونه آثار از آن بزرگوار کاشف است از کمال نفس
 او و ترقی آن به مقامات ولایت و لکن دستگیری ای از آن بزرگ بر طریق معهود
 مسموع نیست. قوم خود نیز گویند که ما سمعنا عن الاستاد المرحوم بدیع الزمان
 البشروی رحمه الله که آن بزرگوار کامل بوده است من دون ان یکون مکملا
 بالصیغه المفعولیه الا اینکه سید الاصفیاء مولنا آقا السید محمد کاظم العصار
 اعلاه الله فی النشأتین همی فرمود که حاجی را مجلسی بوده است ولوی و ذکری
 القاء می فرموده و العلم عنده و حده هر گونه که باشد افادت مرحوم بدیع الزمان
 را رحمه الله از استاد خویش آخوند ملا محمد حسین طاب ثراه که فیض درک
 حضرت مقدسه سر کار حاجی قدس سره یافته بوده است، جمعی از تلامیذ آن
 بزرگوار جنون یافتند و برخی دیگر خویشان از بام در افکندند. «سید عبدالغفور
 جهرمی» نیز که «از حکماء مجذوب بود» (۵۰۴) پس از مراجعت از سبزواری
 «آتشی بی فروخت و خویش را بسوخت» (۵۰۵)

۴- آثار : فاضل با رع معاصر استاد مرتضی المدرس الکیلانی که هم

زیاد برخی از آثار این بزرگ را به نحو آتی ضبط کرده است :

«اما تألیفاته فکثیره منها :

- ۱- شرح بعض ابیات المثنوی کتبه باسندعاء حسام السلطنه حاکم خراسان
- ۲- کتاب شرح المنظومه فی الحکمة و المنطق المتن و الشرح للائمه
- ۳- کتاب شرح الجوشن الکبیر
- ۴- شرح دعاء الصباح

- ۵- کتاب اسرار الحكم
- ۶- کتاب اسرار العبادة
- ۷- کتاب الرحیق
- ۸- کتاب راح الاقراح
- ۹- کتاب المقیاس
- ۱۰- کتاب النبراس
- ۱۱- حواشیه علی الاسفار
- ۱۲- حواشیه علی الشواهد الربوبية
- ۱۳- حواشیه علی المبدأ والمعاد
- ۱۴- حواشیه علی مفاتیح الغیب
- ۱۵- حواشیه علی الاسیوطی
- ۱۶- حواشیه علی الشوارق
- ۱۷- حواشیه علی شرح ...
- ۱۸- کتاب مختصر فی المبدأ والمعاد
- ۱۹- کتاب فی الرد علی الشیخیه
- ۲۰- کتاب فی اجوبة المسائل المشکله فی الحکمة و غیرها (۵۰۶)

ذیل : در شروح و حواشی شرح منظومه :

- ۱- شرح آخوند ملامحمدپور برومند سرکار حاجی قدس سرهما که اقدم بر شرح شخص حاجی است (۵۰۷)
- ۲- تعلیقه آقامیرزا مهدی آشتیانی قدس سره که از نفائس کتب حکمیه است مطبوع.
- ۳- تعلیقه آقا شیخ محمدتقی آملی قدس سره نیز از نفائس کتب حکمیه مطبوع.
- ۴- تعلیقه آخوند ملامحمد هیدجی قدس سره مطبوع.
- ۵- تعلیقه آقامیرزا ابوالحسن مشکینی طاب ثراه متوفای به ۲۷/ج ۲/۱۳۵۸ (۵۰۸)
- ۶- تعلیقه آقا سیدهادی بن السید علی الحسینی الخراسانی الحائری

(۱۳۳۹-۱۲۹۷) (۵۰۹)

۷- تعالیق غیر مدونه آخوند ملا محمد کاظم الخراسانی صاحب الکفایه

قدس سره (۵۱۰)

۸- تعلیقه آقا شیخ فضل الله شیخ الاسلام زنجان قدس سره (۵۱۱)

۹- شرح آقا سید جمال الدین بن السید ابی القاسم بن السید علی اکبر الخوئی

متولد ۱۳۲۷ از تلامید آقا شیخ صدرای بادکوبی و آقا سید جواد الطباطبائی

التبریزی بر مواضعی. نیز او راست شرحی بر وجود ذهنی اسفار (۵۱۲)

۱۰- شرح آقا سید ابراهیم الموسوی الزنجانی متولد ۱۳۴۴ که علی الظاهر

پرداخته از تقریرات آقا سید عبدالاعلی السبزواری باشد (۵۱۳)

۱۱- شرح آقا شیخ عبدالکریم الخبوشانی از تلامید حاجی بر لآلی

مطبوع (۵۱۴)

۱۲- شرح مزجی سیدالحکماء آقا سید صدرالدین الهاطلی الاصفهانی،

شروق الحکمة نام آن (۵۱۵)

۱۳- حاشیه جلال الدین سناء اصفهانی (۵۱۶)

۱۴- شرح آقا سید محمد بن السید محمود اللواسانی الطهرانی پدر والا گهر

صفی الاصفیاء مولنا السید محمد کاظم العصار قدس سرهما الشریف متولد

۱۲۶۴ (۵۱۷) و متوفای لیلۃ تاسوعای ۱۳۵۶ به مشهد مقدس رضوی علی مشرفها

السلام ومدفون به صحن جدید نزدیک کفش داری هندی (۵۱۸) بر مواضعی که

بدان از منظومه خویش نقل می کند (۵۱۹)

۱۵- شرح مزجی سید حق الیقین خراسانی مطبوع (۵۲۰)

۱۶- شرح آقا سید ضیاء الدین التقوی الشیرازی از تلامید آخوند ملا احمد

دارابی از تلامید حکیم عباس دارابی از تلامید سرکار حاجی قدست اسرارهم

اجمعین کما سمعنا عنه طاب ثراه و کان من مدرسی الحکمة فی جامعه طهران.

- ۱۷- شرح آقا شیخ مرتضی بن عبدالله الهمدانی (۱۳۴۸-۱۲۸۵) (۵۲۱)
- ۱۸- شرح آقا سید محمد الکمالی (۱۳۴۹-۱۲۹۶) که نیز او راست رساله در معرفه النفس و رساله در جبر و تفویض (۵۲۲)
- ۱۹- حاشیه آقا حیدر علی جابر انصاری متوفای ۱۳۳۵ خورشیدی (۵۲۳)
- ۲۰- حاشیه شیخ العلماء آقا میرزا محمد بن المولی ابی الفضل الطهرانی دامت برکاته
- ۲۱- حاشیه آقا میرزا ابراهیم جواهری اصفهانی پرداخته از تقریرات سیدال حکماء آقا سید صدرالدین الهاطلی قدس سره .
- ۲۲- حاشیه آقا میرزا محمد علی قدسی محلاتی (۵۲۴)
- ۲۳- شرح آقا میرزا محمد علی گرامی قمی .
- ۲۴- حاشیه آقا سید علی سیدالاطباء مرعشی تبریزی از تلامذ حاجی (۵۲۵)
- ۲۵- حاشیه حکیم محقق مرحوم مبرور آقای حاج میرزا ابوالقاسم الخرمشاهی الساوجی ثم القزوینی قدس سره الشریف سمعناه عنه .
- ۲۶- حاشیه آقا سید ابوالحسن الرفیعی القزوینی طاب ثراه (۵۲۶)
- ۲۷- شرح آقا ضیاءالدین الدرّی طاب ثراه بدانگونه که خود گوید به جایی :
- «یکی دیگر از مؤلفات اخیر بنده شرحی است به عربی که بر منظومه»
«مرحوم حاجی سبزواری نوشته ام... و در بعضی اشعار هم که سهوا»
«اغلاطی روی داده است توضیح داده تصحیح کرده ام» (۵۲۷)
- ۲۸- حاشیه مرحوم مبرور استاد اعظم آقا میرزا احمدالآشتیانی قدس سره (۵۲۸)
- ۲۹- شرح آقا اکبر بن آقا محمد تقی بن آقا محمد جعفر بن آقا محمد علی بن آقا محمد باقر البهبهانی (۵۲۹)

- ۳۰- حاشیه حکیم محقق آقا میرزا محمود القمی الرضوان قدس سره (۵۳۰)
- ۳۱- حاشیه شیخ العلماء آقا محمد السنگلچی کما سمعناه عنه دام بقاه.
- ۳۲- حاشیه آقا شیخ محمد صادق طهرانی متولد ۱۳۰۷ خورشیدی تلمیذ شاه آبادی و آشتیانی قدس سرهما و طباطبائی دامت برکاته (۵۳۰/۱)
- ۳۳- حاشیه آقا میرزا محمد رضاء مهدوی قمشاهای (۵۳۰/۲)
- ۳۴- شرح السید حق الیقین الخراسانی شارح شفاء و رساله عشق شیخ و مثنوی شریف و غیرها که به طریق نقض است.
- ۳۵- حاشیه السید ابوالفضل بن السید علی النبوی القمی متولد ۲۴ رجب ۱۳۴۴ تلمیذ آقا شیخ علی حکمی و آقا سید محمد حسین القاضی الطباطبائی (۵۳۰/۳)
- ۳۶- شرح السیخ حسین بن السیخ محمد الکاشاری با ترجمت برخی از ابیات به پارسی (۵۳۰/۴)
- تعمیم: حاجی را قدس سره از سر توغل در معنی، عنایتی با ظاهر منظومه نبوده است و اغلاق ترکیب برخی از ابیات و تخطی برخی دیگر از قواعد ادبیه، زائده آن توغل است. و ایضاح مغلقات ابیات و تصحیح ضعائف آن را مرحوم مبرور آقا سید هبه الدین الشهرستانی طاب ثراه منظومتی کرده است «فیض الباری فی اصلاح منظومة السبزواری» نام آن. که علی ای حال ممکن است عاری از فوایدی نیز نبوده باشد مطبوع به مطبعة عصریه بغداد به ۱۹۲۵. و نیز تواند بود که از این قبیل بوده باشد «رسالة فی حل نظم منطق السبزواری» للحکیم المحقق المدقق مرحوم مبرور آقا شیخ محمد صالح البار. فروشی السمنانی الشهیر بالعلامة طاب ثراه (۵۳۱) بابیتی صد پرداخته آقا میرزا ابوالحسن الرضوی قدس سره متوفای ۱۳۱۱، شبیه منظومه با اشاره و اشعار

بر رد و اعتراض آن (۵۳۲)

تتمیم آخر :

۱- کیوان به جایی گوید:

«شرح دوران زندگانی اش «زندگانی حاجی» در... و در آخر حاشیه»
«حاجی فاضل بر شرح منظومه که تازه به طبع رسیده نیز کاملاً هست»
(۵۳۳)

اینک بیاید دانست که حاجی فاضل اطلاق می شود به حکیمی از خراسان از تلامذہ شیخ الاسلام و خادم باشی قدس الله اسرارهم اجمعین و به استقرائی نه البته تام حاشیتی از آن بزرگ بر منظومه دیده یا شنیده نشد. گمان می رود که مراد از آن حاشیه، همانا تعلیقه آخوند ملامحمد هیدجی بوده باشد قدس سره الشریف که به همان اوانی که کیوان می گوید حلیت طبع یافته است.

۲- بدین اواخر از لالی و غرر ترجمه هائی نیز به پارسی کرده اند که اگر مطلقاً عاری از فائدت نبوده باشد گمان چندانی سودی نیز از آن نمی رود.

۴- قلامید :

۱- آخوند ملامحمد: پور برومند آن بزرگوار که

«از ابتداء ورود آن حکیم ربانی «حاجی» به سبزوار، تا آخر عمر مرتباً»
«به حوزه درس رسمی و ظاهری حاضر و به علاوه علوم باطنیه و مجاهدات»
«نفسانیه را با ارشاد و پیروی و راهنمایی آن جناب طی نموده و بالجمله»
«از صفات جهل رست و برکنار چشمه حیوان معرفت و زندگی ابدی نشست»
(۵۳۴)

و به زمان حیات پدر تدریس می کرد و هم به همان روزگار منظومه را شرحی نیکو فرمود که حاجی در باب آن فرمود «لولا التفصیل لکان شرح محمد حسنا» و تا دو سال از ارتحال آن بزرگوار بدین عالم ماند و بقیست اسفار را که در حوزه حاجی تمامت نیافته بود به درس گفت و چون از سر دنیا گذشت شازده جناب به هنگام تشییع بر سر می زد و می گفت که ما خود را به وجود تو تسلی

می کردیم و همی گفتیم

چو بهاران رفت و گلشن شد خراب

بوی گل را از که جوئیم از گلاب

حالا دیگر به چه امید در این شهر توان بود. (۵۳۵)

۲- حاجی میرزا حسین سبزواری صاحب ارجوزه حکمی به مطلع

و بعد یا سلاک نهج المعرفة لاعلم فی العلوم مثل الفلسفة

(۵۳۶) از اکابر عصر خویش که غیر از آقا میرزا حسین سبزواری مقیم طهران است.

۳- آقا میرزا حسین سبزواری مقیم طهران مدرسه عبدالله خان واقع به بازار

بزازان که تعرف او به ریاضی بوده است استاد آخوند هیدجی و آقا میرزا ابراهیم ریاضی زنجانی قدست اسراهم (۵۳۷)

۴- شازده جناب جد محمد هاشم میرزای افسر که هم به زمان حیات

حاجی به گاه عصر و به مدرس مقابل مدرس آن بزرگوار متون مقدمی حکمی من جمله غرر استاد را تدریس می فرموده است (۵۳۸) و به شش ماه از رحیل آخوند ملا محمد جهان با جهانیان گذاشته (۵۳۹)

۵- حاج ملا علی سمنانی (۵۴۰) (۱۳۳۳ - ۱۲۵۳) (۵۴۱) از اکابر عصر

خویش استاد آقا شیخ محمد فانی سمنانی (۱۳۲۱ - ۱۲۴۷) از مشایخ نعمه الهیه (۵۴۲) و آقا سید علی صدر العرفاء صفا (۵۴۳)

۶- آقا سید احمد رضوی پیشاوری هندی المتخلص بالادیب: از سلسله

اجاق المنسوب فی السلوك الی السلسله السهروردیه که به حوالی ۱۲۶۰ به پیشاور بزاد و چون پدر و بنی اعمام و غالب اقارب او به جنگ با انگلیسیان مقتول شدند به کابل شد و دوسالی بدان مقام کرد و آنگاه به غزنین شد و دوسال و نیمی بر سر تربت حکیم سنائی قدس سره مقام فرمود و از پی اقامتی به هرات

و تربت شیخ جام به حدود سی سالگی در مشهد رضوی پناہید و به حلقهٔ درس میرزا عبدالرحمن و میرزا غلامحسین شیخ الاسلام شد و به ۱۲۸۷ به سبزوار رسید و سالی دو بیود و چون حاجی قدس سره از سر این عالم بگذشت او به ارض اقدس رضوی علی مشرفها آلف التحف بازگشت و به مدرسهٔ میرزا جعفر مقام ساخت و به ۱۳۰۰ به طهران کوچید و بر میرزا علی خان قوام الدوله فرود آمد و بیود تا به صبح روز شنبه دوم محرم الحرام هزار و سی صد و چهل و نه به سرای بهاء الملك به سکتہ ناقصه از شق ایمن فالج گشت و یک ماه به بستر ماند و روز دوشنبه سوم شهر صفر از سر این عالم درگذشت و به امامزاده عبدالله علیه السلام در خاک تواری گرفت. قدس الله سره.

ادیب غالب لیالی از شهر بیرون رفتی و مثنوی همی خواندی و از خویش بی خویش آمدی. و مثنوی را به تقریب در سینه داشتی. به تمام عمر مجرد زیست و دل در زخارف دنیاوی نیست و به آیت نفس و مناعت طبع و استغناهی همت و صراحت کلام و حب وطن و استقلال مملکت و نیز غنای قوهٔ حافظه یگانه بود. اوراست افزون بردیوان رساله در بیان قضایای بدیهیة اولیه با ترجمهٔ اشارات به پارسی که ناتمام است و رسالهٔ نقد حاضر در تصحیح دیوان ناصر که نیز ناتمام است با حواشی بر تاریخ بیہقی (۵۴۴)

۷- شیخ محمد حسین برجیس «از عجائب روزگار و نتیجہ گردش لیل و نهار» (۵۴۵)

۸- آقا حسن بن الملازین العابدین «از زبدهٔ روزگار و نخبۂ اهل زمان و در ردیف عجائب مخلوقات خدای متعال» (۵۴۶)

۹- میرزا اسماعیل افتخارالحکماء طالقانی: به ۱۲۸۶ به سبزوار رسید و بدان خاک پاک مقیم گشت و به ۱۳۴۸ از سر این عالم درگذشت (۵۴۷). مرحوم مبرور آقا میرزا محمد امجد سبزواری را شنیدم طاب ثراه از اسباط حاجی

و تلامذہ آن بزرگ به لیلۂ دوازدهم رمضان هشتاد و شش که افتخار به حافظ الصیحه نیز شهرتی داشت و طیبی بلانظیر بود.

۱۰- آقا شیخ ابراهیم طهرانی: از پی ارتحال حاجی نیز ترك سبزوار نگفت و به دکان عطاری نشست و به همان دکان درس می گفت (۵۴۸). این بزرگ علی الظاهر همان باشد که شیخ الرئیس ابوالحسن میرزای حیرت وی را استاد خویش خوانده است (۵۴۹)

۱۱- ملا محمد صادق حکیم (۵۵۰)

۱۲- میرزا عبدالکریم خوبشانی: محشی لثالی استاد (۵۵۱)

۱۳- میرزا علی النقی صدرالعلماء السبزواری: محشی شوارق (۵۵۲)

۱۴- حاج میرزا حسن حکیم: داماد حاجی (۵۵۳)

۱۵- ملا علی اکبر خراسانی (۵۵۴)

۱۶- آخوند ملا محمد حسین طاب ثراه از اساتید مرحوم بدیع الزمان بشرویه کما سمعنا عنه رحمه الله.

۱۷- شیخ شهاب الدین محمد بن موسی العراقی البزجلوئی: متوفای ۱۳۱۳. شارح دعای افتتاح مطبوع به ۱۳۲۴ (۵۵۵).

مرحوم استاد بدیع الزمان بشرویه رحمه الله را شنیدم به صبح روز ۱۳۴۵/۹/۱۶ که این بزرگ به شیخ الاشراف نام بردار می بود و به کرمانشاه اقامت می فرمود و به ندامت حسام الملك قره قزلو می گذرانید و او را قصیدتی است به مدح حسام از پی نیاز این تخت پوستی را بدو و این است بیتی از آن قصیدت:

اشهد الله بخشش از این حکم رانم تخت پوست

به که تاج و تخت خود خاقان چین بخشد به ما

۱۸- میرزا نصرالله حکیم قمشهای (۵۵۶)

- ۱۹- السيد عبدالله الموسوی الزنجانی (۱۳۱۳ - ۱۲۶۲) (۵۵۷)
- ۲۰- میرزا شمس‌الدین حکیم‌الهی لواسانی طهرانی: بقية العلماء الماضین
مرحوم مغفور آقا شیخ محمد علی لواسانی (اوائل دهه دوم ج ۲/۱۳۹۳ - یکشنبه
۱۳ ذی‌الحجه ۱۲۹۸) طاب ثراه را شنیدم به صبح شنبه ۱۸ صفر ۱۳۹۰ که آقا
میرزا شمس‌الدین فرزند آقا میرزا جعفر حکیم‌الهی اول بود و به حوالی مدرسه
سعیدیه معروف به قنبر علی خان اقامت می‌فرمود و در کمال و ارستگی می-
گذراند و من به خدمت وی شرح تجرید علامه خواندم با شطری از شرح
الهدایة صدر المتألهین و قلیلی از تحریر اقلیدوس. و او را چهار پسر می‌بود
میرزا صدرالدین و میرزای معتمد و میرزا جعفر خان که در جرگه اهل ذوق
شد با یکی دیگر. شمس‌الادباء نیز داماد او بود. رحمة الله علیهم اجمعین.
- ۲۱- حاج ملاسلطان محمد بن ملاحیدر محمد گون آبادی (۱۳۲۷-۱۲۵۱):
که از آقا محمد کاظم اصفهانی طاووس العرفاء سعادت‌علی ملقب به لقب
فقر سلطان علی می‌بود. صاحب تفسیر بیان السعاده و سعادت نامه و مجمع-
السعادات و ولایت نامه و بشارة المومنین و تنبیه النائمین و کتاب التوضیح
(شرح پارسی بر کلمات بابا طاهر) و کتاب الايضاح (شرح تازی بر آن) و
غیرها (۵۵۸)
- ۲۲- آخوند ملا محمد رضاء اردکانی (۵۵۹)
- ۳۲- آقا محمد یزدی (۵۶۰)
- ۲۴- وثوق‌الحکماء سبزواری شارح گلشن راز مطبوع، افادت آقامیرزا
محمد امجد سبزواری طاب ثراهما را.
- ۲۵- آقا سید عبدالغفور جهرمی: میرزای فرصت گوید:
«از حکمای مجذوب بوده به شرف ارادت مرحوم حاج ملاهادی سبزواری»
«اختصاص داشته. دریک دوره از درس حاجی مذکور [عده‌ای] بادیه»
«خودی را قطع کرده خویش را هلاک ساختند از آن جمله آن سید است»

« که از سبزوار مراجعت به جهرم نمود آتشی افروخت و خویش را بسوخت »
(۵۶۱)

۲۶- آخوند ملا صالح فریدنی: که حکیمی بوده است عارف ، استاد و
مراد حاج ملك المتكلمين اصفهانی (۵۶۲)

۲۷- الشيخ الميرزا نصر الله المشهدی (۵۶۳)

۲۸- ميرزا محمد علي بن ميرزا عبد الغني تفرشی: متوفای به ۱۳۰۷ به سبزوار
(۵۶۴)

۲۹- ميرزا علي اكبر بن ميرزا عبد الغني تفرشی متخلص به برقی علی الظاهر.
(۵۶۵)

۳۰- حاج ملا اسماعیل بن حاج علی اصغر سبزواری متوفای ۱۳۱۲ (۵۶۶)

۳۱- ميرزا اسد الله سبزواری (۵۶۷)

۳۲- حاج ملا محمد صادق صباغ کاشانی: « از اجله تلامذ آن بزرگ »
(۵۶۸)

۳۳- الشيخ محمود بن الملا اسماعیل الكاشانی (۵۶۹)

۳۴- الشيخ احمد الميامی (۵۷۰)

۳۵- ميرزا نصر الله تربتی (۱۲۹۸-۱۲۳۰) (۵۷۱) که علی الظاهر غیر از
میرزا نصر الله مشهدی باشد.

۳۶- شيخ عبد الاعلی قاضی سبزواری شارح دعای کمیل و برخی اشعار
استاد (۵۷۲)

۳۷- آخوند ملا محمد حسن اصفهانی شهیر به کوهی: خال آقا سید
ابوالقاسم دهکردی صاحب وسیله افادت فاضل بارع آقای آقا سید کمال الدین
نوربخش که همی زیاد من بنده را به لیلۃ ۲۳ شهریور ۱۳۵۱

۳۸- الشيخ علی اصغر السبزواری: له ایقاظ النفس فی المراتب الثلاث للعبودیة
(۵۷۳)

۳۹- میرزا حسین قزوینی طبیب (۵۷۴)

۴۰- حاج میرزا محسن القاضی الطباطبائی التبریزی (۵۷۵) علی الظاهر.

۴۱- آخوند ملا تقی اصفهانی مدرس مدرسه حکیم اصفهان: افادت جناب

میرزا علی مشفق منجم اصفهانی من بنده را به عصر شنبه ۱۳۵۲/۲/۱۷ خورشیدی.

۴۲- آقا سید جواد طباطبائی حائری: از سلسله بحر العلوم قدس سره

متوفای به حدود ۱۳۰۰ به کرمان (۵۷۶)

۴۳- شیخ محمد حسین طریحی نجفی: مقیم اصفهان متوفای رمضان

۱۳۲۱. (۵۷۷)

۴۴- میرزا محمد مهدی قمش‌های (۱۷ ربیع الاول ۱۳۳۰-۱۲۶۱): محشی

اسفار (۵۷۸)

۴۵- ملا محمد کاظم بن آخوند ملا محمد رضاء سبزواری متخلص به سر

(۵۷۹)

۴۶- حاج ملا عبدالوهاب منجم قوچانی متوفای به ۱۳۲۹ (۵۸۰)

۴۷- شرف‌الدین سید علی الحسینی المرعشی التبریزی سیدالاطباء: متوفای

به ۱۳۱۶ به تبریز به ۱۱۴ سالگی مدفون به نجف اشرف علی مشرفها آلف التحف

(۵۸۱)

۴۸- آقا میرزا ابراهیم شریعتمدار سبزواری متوفای به حدود ۱۳۱۶ (۵۸۲)

۴۹- شاعری متخلص به محوی که «به تبریز رفت و به تیغ بی دریغ خود

را مقتول نمود» (۵۸۳)

۵۰- شاعری متخلص به همبا که «در دریای مازندران خویشتن را غرق

کرد» (۵۸۴)

۵۱- میرزا محسن قزوینی: که «مجدوبانه در جنگل مازندران ناپدید

گشت» (۵۸۵)

۵۲- آقا میرزا حسین امام جمعه کرمان ابن آقا سید عبدالجواد شیرازی

(۵۸۶)

۵۳- آقا شیخ علی فاضل تبتی از فضلاء تلامیذ آن بزرگ (۵۸۷)

۵۴- آقا میرزا آقای حکیم دارابی جهرمی (۵۸۸)

فائده: بعضی از فضلاء به ظهر نسخه‌ای از منظومه که علی‌الظاهر متعلق می‌بوده است به این بزرگوار و بعد از وی به یکی از تلامیذ او و هو الاقا السید محمد علی‌الحکیم الالهی الجهرمی متوفای ۱۳۱۲ خورشیدی طاب ثراهما، املائی دیده است نیز علی‌الظاهر از وی مورخ به جمعه ۱۸ ربیع‌الاول ۱۲۹۸ که عاری از فائدتنی نیست و از این روی می‌آوریمش و هی‌هذه:

«میرزا عبدالمجید سید و میرزا محمدقائنی کاغذی از جانب بهاء برای استاد»

«اعظم آوردند. حاجی کاغذ را پس از خواندن بدور انداختند و جواب شفاهی»

«فرمودند هر زشت روی را نبود زیب شوهری :

«نور حق ظاهر بود اندر ولی نیک بین باشی اگر اهل دلی»

«ناز را روئی بیاید همچو ورد گردنداری گرد بدخوئی مگرد»

«وبهاء را لعنت کردند و فرمودند که از هر جائی چیزی اخذ کرده و به خرج»

«بندگان خدا می‌دهد» (۵۸۹)

۵۵- آقا میرزا محمد سروقدی خادم باشی سرکشیک سوم آستان مقدس

رضوی علی مشرفه آلاف الثناء والتحیه (۵۹۰) از اعظم تلامیذ آن بزرگوار و

افانم اساتید طبقه تالیه

ذیل: اشهر تلامیذ آن بزرگ المولی حاجی ملا محمد علی الخراسانی

الشهر بالفاضل است متوفای ۱۳۴۲ شارح دعای عرفه. نیز تلمیذ آخوند ملا

غلام حسین شیخ الاسلام (۱/۵۹۰)

۵۶- فاضل مغیثه‌ای سبزواری (۵۹۱)

۵۷- آقا میرزا محمود تونی (۵۹۲)

۵۸- آقا میرزا محمد حسین کرمانی (۵۹۳) که علی‌الظاهر غیر از امام جمعه

کرمان بوده باشد.

- ۵۹- السيد عبدالرحيم السبزواری له شرح دعاء الصباح (۵۹۴)
- ۶۰- السيد الميرزا ابوالحسن الرضوی المتوفی قبل ۱۳۰۰ (۵۹۵)
- ۶۱- المولى محمدرضاء السبزواری (۵۹۶) المتخلص بروغنی
- ۶۲- حاجی آقا صادق علی الظاهر کرمانی که «حکیمی بی عدیل بود»
استاد ریاضی والهی وطب میرزا آقاخان کرمانی (۵۹۸)
- ۶۳- العالم العارف... مولنا محمد... [که] مولدش یکی از قراء خوبشان
معروف به سیاه دشت است... از سبک عرفان و طریقه اهل ایقان حظی یافت
و به مسلك ایشان شتافت... و در سنه هزار و دوست و پنجاه این گنج معانی
در کنج زمین بیارمید و سنین عمر او از ثلاثین زیاد نگردید (۵۹۸)
- ۶۴- میرزا عباس حکیم دارابی الشریف (۱۳۰۰- حدود ۱۲۲۵): مدفون
به حافظیه ابن میرزا بابا بن میرزا احمد لنگ که از پی مراجعت از سبزواری تا به
آخر کار، به حجره ای از حجرات حسینیه قوام شیراز به تجرد می زیستی صاحب
تحفة المراد که شرح قصیده حکمیة میرفندرسکی است قدس الله سرهما آورده اند که:

«در اولین وهله که به خدمت مولنا سبزواری تشریف یافت و مورد عنایت»
«و ملاطفت قرار گرفت حضرت سبزواری از مولد و منشأ و مجاری حالش»
«پرسید. در پاسخ گفت طلبه ای از مردمان فارس هستم. مولنا فرمود در این»
«صورت مشمول حدیث پیغمبر اکرم (ص) باشی که لو کان العلم فی الثریا»
«لناله رجال من فارس. شریف دارابی بالبدیهه عرض کرد چنین است من»
«نیز در جستجوی سعادت دانش به ثریا (کنایه از سبزواری) آمده ام. حضرت»
«سبزواری از حسن بدیهه و لطف حاضر جوابی و خضوع و ادب وی خرسند»
«گردیده تحسینش فرمود. بالجمله شریف دارابی به حکم استعداد فطری»
«وجدیت دائمی در محضر استاد سبزواری بهره کافی از حکمت الهی و فلسفه»
«و منطقی و عرفانیات گرفته در طریق سیر و سلوک و تهذیب نفس و تزکیه»
«باطن نیز مجاهدات کامل مرعی و مدارج عالی را طی نموده، شاد کام»

«ومقضى المرام به فارس عودت کرده، چنانکه معروف است پس از رخصت»
 «انصراف که سبزوار را به عزم شیراز پشت سر می گذاشت حکیم ربانی»
 «استاد سبزواری درباره شاگرد با اشارت دست فرمود: (این طلبه دارایی»
 «با يك چشم آنچه داشتیم باخود برد). و به قولی با اشاره به سینه خود»
 «گفت (آنچه ذخایر نفیس علمی داشتیم این مرد با يك چشم به یغما برد)»
 (۵۹۹)

ذیل: از اجله واجلاء تلامید آن بزرگوار بوده است حکیم محقق شیخنا
 الاقدم الاقا الشیخ احمد الشیرازی الشهیر بشانه ساز (۶۰۰) متوفای به ۱۳۳۲ (۶۰۱)
 به سامره، استاد آقا سیدعلی کازرونی و آقا سید صدرای کوه پایه ای قدس الله
 اسرارهم اجمعین که شطری قلیل از ترجمت آن دو بزرگوار بدین مقام ایراد
 کنیم. والله هو الموفق:

۱- آقا سید صدرای کوه پایه ای اصفهانی (لیله چهارشنبه ۱۳۳۱/۱۱/۱ خ-
 ۱۳۰۱ ق): نیز تلمید آقا شیخ عبدالصمد سبزواری از تلامید میرزای جلوه به نجف
 اشرف علی مشرفها آلف التحف. مقیم مدرسه صدر اصفهان که بیست دوره
 شرح منظومه به درس همی فرمود و شرح تجرید و تفسیر صدر المتألهین و اسفار
 نیز تدریس می کرد زاهد از زخارف دنیاوی و مقبل به مبدأ المبادی هش بش
 فرحان بالحق. اورا است شروق الحکمه فی شرح الاسفار والمنظومه حاوی بر
 مباحث امور عامه و جواهر و اعراض والهی بالمعنی الاخص به تفصیل، مبین
 عبارات مغلقه آن به چهل و پنج جزء که نسخه آن به کتابخانه مبارکه رضویه
 است علی مشرفها آلف الثناء والتحیه (۶۰۲)

وقعه کشفیه: گویند روز آن شبی که آن بزرگوار بدان شب از دار عرور
 به سرای سرور ارتحال فرمود به مجلس فاتحه سیدالفتهاء الاعمالین الاقا السید
 محمد الحجة الکوه کمری قدس سرهما القدوسی جمعی را گفت که فردا نوبت من
 است و همان شد که او فرموده بود. فردا به همان مقام، مجلس فاتحت وی
 بساختند (۶۰۳) صدق رسول الله اتقوا فراسة المؤمن فانه ينظر بنور الله

۲- آقا سید علی بن السید عباس الکاظمی الطباطبائی (پنجشنبه ۱۸ رجب ۱۳۴۳-۱۲۷۸) حکیم محقق، عارف کامل، مدرس اسفار و فصوص به مدرسه مقیمه شیراز، زاهد از زخارف دنیاوی، سالک الی مبدء المبادی، نیز شاعر مفلح متخلص به رحمت و از احرار ملیون.

لطيفة ذوقیه: گویند گاهی آن بزرگوار با تنی چند از اصحاب حال «فصوص» مباحثه می فرمود. مگر تنی از آنان که جهل خویش به دستار درمی پوشند بدان حضرت در آمد و همی پرسید که چه تدریس می فرمائید. و آن بزرگ باوی فرمود کتاب «قصص الانبیاء» بحث می کردیم! (۶۰۴) و البته که فصوص قصص الانبیاء است علیهم السلام از کتابی دیگر.

ذیل: اعظم تلامذ آن بزرگوار به علم و عمل جمال السالکین الی الله رب العالمین مجمع البحرین الجالس علی کرسی الاستقامه مولنا الاقا المیرزا محمد علی بن الاقا ابی القاسم بن الحاج احمد النمازی الشیرازی المدعو بالحکیم است رزقنا الله لقاءه الشریف، عارف مکاشف قدوسی. و آن بزرگوار خود اخبار فرمود من بنده را به صبح پنجشنبه هفتم اردی بهشت هزاروسی صد و چهل و شش خورشیدی که من به ۱۳۲۲ بزادم و به دوازده سالگی از ریاضی قدیم فارغ آمدم و آنگاه شرح منظومه از محضر عم امجد خویش بیامو ختم آقا میرزا محسن نمازی طاب ثراه و از پی آن به سالیان دراز ملازمت آقا سید علی همی کردم قدس سره به معارف عقلیه، فصوص نیز از آن بزرگ حیازت همی کردم به لیالی مگوی شب که به از صبح کامرانی بود.

اما داستان اتصال آن بزرگوار با باطن ولایت به نحوی است که خود به قلم فیض رقم خویش افادت فرموده است و هی هده:

«... عقائد حکماء و عرفاء را محکم و حق می دانستم و لکن اهل عمل و «حال نبودم. تا حدود سن هژده که به واسطه انقطاع از امور دنیا و اتفاق «مصاحبت با حضرت وحید الاولیاء حالاتی در من پدید آمد و اتصالی به»

«باطن و قلب ایشان بر ایم حاصل گشت» (۶۰۵)

کمال: الف - لقب طریقت آن بزرگوار «شمس الدین» است از حضرت

وحید الاولیاء الکاملین عبدالحی المرتضوی آقامیرزا احمد الاردبیلی نایب الولاہ
قدس اللہ سرہ الشریف و بیاید دانست کہ مضاف الیہ القاب مشائخ بہ سلسلہ علیہ
ذمبہ علی صاحبہا آلاف الثناء والتحیہ لفظ «الدین» است.

ب- آن بزرگوار را قامتی است معتدل با پیشانی ای بلند و بینی ای گوژ

گندم گون و دلوق و دستاری ژولیده منور بہ نوری ربانی.

ج- اغلب ایام سال از صیف و شتی بہ صوم گذارد و از بدایات سلوک

متحمل ریاضیات شاق می گشته است.

د- اوراست:

۱- حواشی اسفار

۲- مرام الحکمه در مباحث وجود و ولایت و غیرہا پاریسی مطبوع

۳- مجموعہ انصاف در مباحث وجود و برخی از ضمیمی و سلوک و رجوع

الی اللہ و بیان علم حقیقی کہ پیدایش روح کانی است پاریسی مطبوع

۴- لطائف العرفان ج ۱ مطبوع. این کتاب، مستطاب از دروس دورہ

دکتری معقول دانشگاه ظہران است و فہرست ابواب آن بدین مقام ایراد کنیم:

۱- فی تعریف التصوف و اثباتہ

۲- فی الوجود و متعلقاتہ

۳- فی التجلی الاول و کونہ حقیقۃ الولاہ

۴- فی التجلی الثانی و ظهور الاعیان

۵- فی ظهور البدایۃ فی النہای

۶- فی اظہار بعض التوہمات

۷- فی اعتباریۃ تقسیم المفہوم الی الواجب و الممكن و المستنع

۸- فی عدم صدور الشیئی الا عن سببه

۹- فی رجوع الكل الى الله

۱۰- فی الاطوار السبعة القلیه

۱۱- فی بیان المقامات و المنازل

۱۲- فی الاصول العشرة التي بينها حضرة نجم الدين كبرى

۱۳- فی التعاریف

۱۴- فی تأکید وحدة حقيقة التشيع مع التصوف و تعیین الخلیفه من عند الله.

۵- لطائف العرفان، ج ۲، پاریس.

۵- آن بزرگوار از ۱۳۳۶ شمسی تدریس به دانشگاه را به طهران اقامت

می فرمود و تا ۱۳۵۰ بدین مهم می گذرانید و چون به تابستان آن سال به شیراز شد دیگر او را خبری باز نیامد.

این بی خبران در طلبش بی خبرانند آن را که خبر شد خبری باز نیامد

اللهم ارزقنا لقاء بحق من يتولاه آمين

بقية تلاميذ حاجي

۶۵- جمال السالكين آخوند ملاحسينقلي الدرگزيني الهمداني (۶۰۶)

(۲۸/شعبان/۱۳۱۱-۱۲۳۹) قدس الله نفسه الزكية: قال السيدره في التكملة:

«جمال السالكين وعمدة الحكماء والمتكلمين كان من العلماء بالله جالسا»

«على كرسى الاستقامة تشرق عليه انوار الملكوت. وكان على منهاج السيد»

«جمال الدين بن طاووس في القول والعمل» (۶۰۷)

من بنده سها که بانی این بنیان رفیع است گوید که ترجمت حال حقائق

اشتمال این بزرگوار بدین مقام نگنجد و همی اکتفاء کنم بدین باب به دو

روایت به طریق صحیح اعلائی و همی هذه:

نخست آنکه حدیث کرد مرا شیخ العلماء مرحوم مبرور جناب آخوند

ملاعلی الهمدانی قدس سره به عصر روز دوازدهم از خرداد پنجاه و چهار به

همدان صانها لله عن الحدیثان از عین الملک که سر کار آخوند خبرداد مرا که :

« پدر من رمضان علی بود. و به ایام طفولیت شبانی همی کردم و بعد »
 « گاهی چند به طهران معقول همی آموختم. روز گاری نیز به نجف اشرف »
 « به درس شیخ انصاری می نشستم. مگر گاهی دریافتم که شیخ علی الدوام »
 « ایام چهارشنبه را به منزل آقا سید علی شوشتری می شود از تلامذخویش »
 « و روزی بدان جای شدم و یافتم شیخ را نشسته به هیئت تلمیذ و سید را »
 « نشسته به هیئت استاد و سید چیزها می فرمود. مگر در دل گذراندم که »
 « من نیز علی الدوام بدین حضرت شوم و چون برخاستم سید بامن فرمود »
 « که اگر خواستی همی آی. و از آن روز بدان حضرت باریافتم »

و دو دیگر آنکه حدیث کرد مر اسید العلماء المعمرین آقای آقا سید محمود لاری

دام بقاه از پدر خویش مرحوم مغفور آقا سید عباس لاری طاب ثراه که :

« مردی از لارستان را اعتقادی فاسد بهم رسید و من وی را به محضر سرکار »
 « آخوند بردم مگر ارشادی فرماید. و تا به حضرت او در آمدم بی آنکه »
 « سخنی گوئیم بامن فرمود که (آقا ایشان را هیچ کاری نمی شود کرد و هیچ »
 « فائده ای نیست) »

ذیل : جمی غفیر از اهل الله تربیت از این بزرگ یافته اند که نام تنی چند

از آنان زینت این دفتر کنیم قدس الله اسرارهم اجمعین.

۱- جمال السالکین آقامیرزا جواد آقابن المیرزا شفیع الملکی التبریزی

متوفای عید اضحای ۱۳۴۳ به قم المحمیه، مدفون به مقبره شیخان، صاحب
 اسرار الصلوة و مراقبات السنه و لقاء الله، از اعظام اهل سلوک. این بزرگوار
 به مواضعی چند تنصیص به استفاضت از حضرت مقدسه سر کار آخوند فرموده
 است.

وقعه سلوکیه : از بعضی از اهل سلوک منقول است که :

« [آقامیرزا جواد آقا] بعد از دو سال خدمت آقا (سرکار آخوند) عرض »
 « می کند من در سیر خود به جایی نرسیدم. آقا در جواب از اسم و رسمش »
 « سؤال می کند او تعجب کرده می گوید مرا نمی شناسید من جواد تبریزی »
 « ملکی هستم. ایشان می گویند شما با فلان ملکی ها بستگی دارید. »
 « آقا میرزا جواد آقا چون آن ها را خوب و شایسته نمی دانسته، از آنان »

«انتقاد می کند. آخوند ملاحسینقلی در جواب می فرماید هر وقت توانستی»
«کفش آن ها را که بد می دانی پیش پایشان جفت کنی من خود به سراغ تو»
«خواهم آمد آقامیرزا جواد آقا فردا که به درس می رود خود را حاضر»
«می کند که در محلی پائین تر از بقیه شاگردان بنشیند تا رفته رفته طلبه هائی»
«که از آن فامیل در نجف بودند و ایشان آن ها را خوب نمی دانسته»
«مورد محبت خود قرار می دهد تا جائیکه کفششان را پیش پای آن ها»
«جفت می کند. چون این خبر به آن طایفه که در تبریز ساکن هستند»
«می رسد رفع کدورت فامیلی می شود. بعداً آخوند او را ملاقات می کند»
«و می فرماید دستور تازه ای نیست تو باید حالت اصلاح شود تا از همین»
«دستورات شرعی بهره مند شوی. ضمناً یادآوری می کند که کتاب مفتاح»
«الفلاح شیخ بهائی برای عمل کردن خوب است» (۶۰۸)

۲- السید علی الهمدانی: المتوفی فی ۱۳۷۹. قال الطهرانی:

«ادرك العلامة الاخلاقی الشهير جمال السالكين المولى حسينقلی... و»
«عمر طویلا و كان من اصداق الشیخ محمد البهاری والسید احمد الکر بلائی»
(۶۰۹)

۳- سید السالكين آقا سید احمد طهرانی حائری بکاء واحد العين:

«هو السيد احمد بن السيد ابراهيم الموسوي الطهراني الاصل الحائري»
«المولد النجفي المدفن... كان من خواص الاخلاقی الجليل العلامة»
«المولى حسينقلی... كان يصلي في الخلوات ويتحذر من اقتداء الناس به»
«في الصلوات وكان كثير البكاء حتى انه لا يملك نفسه عند صلواته لاسميا»
«في النوافل الليلية. توفي في آخر تشهد صلاة العصر يوم الجمعة ۲۷-»
«شوال ۱۳۳۲ و دفن في الصحن المرتضوي الشريف» (۶۱۵)

من بنده گوید اولاً عارف بلا تعین مولنا الاقا السید محمد کاظم العصار قدس الله
نفسهما الزکیه تربیت از این بزرگ یافته بود و ثانیاً مقادیری از افادات این
بزرگوار زینت افزای رساله مبارکه (تذکره المتقین) است.

هدایة ارشادیه: استاد سناد عمدة الحکماء الراشدين مولنا الاقا الشیخ
محمد حسین الخراسانی راشنیدم ادام الله ایام افاضاته العالیه به عصر چهار
شنبه ۵۸/۳/۲۳ که استاد اعظم عماد العرفاء الالهیین آقا سید علی آقای قاضی

را شنیدم قدس سره الشریف که :

«شبى از شبهارا به مسجد سهله مى گذرانیدم زادهها الله شرفاً به تنهائی.»
 «به نیمه شب یکی در آمد و به مقام ابراهیم (ع) مقام کرد و از پی فریضه»
 «صبح در سجده شد تا طلوع خورشید. آنگاه برفتم و دیدم انسان العین و»
 «عین الانسان و الانسان العین آقاسید احمد بکاء است قدس الله سره القدوسی»
 «و از شدت گریه خاک سجده گاه گل کرده است و صبح برفت و در حجره»
 «نشست و چنان می خندید که صدای او به بیرون مسجد می رسید» و فی ذلك
 فلیتنافس المتنافسون.

۴- الاقا شیخ علی القمی (۱۳۷۱-۱۲۸۳): قال الطهرانی طاب ثراه:

«... حضر فی الاخلاق علی المولی حسینقلی... وبعده علی السیدمرتضی»
 «الکشمیری فکان من خواص اصحابه و ملازمیه الی ان توفی... و له»
 «تقریرات درس استاذہ الهمدانی فی الاخلاق» (۶۱۱)

ذیل: سالک الی الله حیدر آقای معجزه طهرانی دام بقاه به جائی گوید:

«یکی از شاگردان آخوند جناب حاج شیخ علی زاهد رامکرر زیارت نمودم.»
 «او سکوتش دائم بود و به ندرت سخن می گفت. روزی از معظم له»
 «سؤال شد که استاد شما جناب آخوند ملاحسینقلی همدانی شاگردان»
 «خود را به چه چیز تربیت می کرد فرمود به ذکر موت و به بعضی»
 «از ارادتمندان خود فرموده بوده است چنانچه شخصی یکسال شب ها»
 «در سجده چهارصد بار بگوید لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین»
 «از عالم طبیعت خارج می شود» (۶۱۲)

۵- السید علی النخجوانی: المتوفی فی حدود ۱۳۲۸ ابن الامیر صادق

آقا... وهو من الاجلاء الابدال (۶۱۳)

۶- آقا شیخ محمد باقر النهاوندی (۶۱۴)

۷- الشیخ غلام حسین الرشتی (۶۱۵)

۸- السید حسین بن السید تقی الهمدانی الشهیر بالدور و آبادی (شوال

۱۳۴۳ - ۱۲۸۰): ممن یشار الیه فی الفضل و الفضیله و العلم و الحکمه... له شرح

الاسماء الحسنی (۶۱۶)

۹- الشیخ محمد حسین بن ابی طالب قمشاهی صغیر: متوفای ۲ محرم

۱۳۳۷ (۶۱۷)

- ۱۰- السيد محمد تقی بن السيد محمد رضاء الخراسانی الاصفهانی :
متوفای ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۵۰ به سامراء مدفون به دارالسلام (۶۱۸)
- ۱۱- آقا شیخ محمد بهاری همدانی: متوفای ۹ رمضان ۱۳۲۵ در
مراجعت از ارض اقدس رضوی علی مشرفها آلف الثناء از اجله واجلاء
اصحاب آن بزرگوار قدس الله سرهما
- ۱۲- السيد مهدي الحكيم النجفی الطباطبائی (۶۲۹)
- ۱۳- السيد محمد سعید الحبوبی: «رئیس مدرسه معنویه در اخلاق و سیر
وسلوك و معارف الهیه و ملازم عارف بالله... آخوند...» (۶۲۰)
- ۱۴- آقا سید عباس لاری علی الظاهر علی ماسمعنا عن ولده الاجل الاقا
السید محمود اللاری دام بقاءه و كان ذلك في منتصف الشعبان من ۱۳۹۲
- ۱۵- حاج میرزا باقر آقای قاضی طباطبائی تبریزی: دارنده رسائلی
به اخلاق (۶۲۱)

۱۶- آقا سید ابوالقاسم الاصفهانی

۱۷- آقا سید آقا الدولة آبادی

۱۸- آقا سید باقر القاموسی

۱۹- آقا شیخ محمد باقر البهاری الهمدانی

۲۰- آقا شیخ باقر النجم آبادی

۲۱- آقا سید محمد تقی الاصفهانی

۲۲- آقا سید محمود الطالقانی النجفی

۲۳- آقا شیخ موسی شراره

۲۴- آقا سید محمد تقی الشاه عبدالعظیمی (۶۲۲)

۲۵- آقا سید علی البجستانی (۶۲۳)

- ۲۶- الشيخ عباس الكازروني: المتوفى في ۱۳۱۷ (۶۲۴)
- ۲۷- الاقا الشيخ رضاء بن محمد باقر التبريزي النجفي (جمعه ۳ شوال ۱۳۳۱ - ۱۲۶۵) (۶۲۵)
- ۲۸- كيوان قزويني (۶۲۶): حاج ملاعباس علي بن الملا اسماعيل ملقب به منصور علي متولد ۱۲۷۷ به قزوین و متوفای به ۱۳۵۸ به حوالی لاهیجان و مدفون بدان صاحب بسی آثار ممتعه من جمله اسرار الصلوة و آفات المعرفة و كيوان نامه و استوار نامه و عرفان نامه و بهین سخن و رساله رازگشا و میوه زندگانی و حج نامه و معراجیه و ثمرة الحیوة و اختلافیه و شرح رباعیات خیام و تفسیر تازی و پارسی و غیرها (۶۲۷) که داستان زندگی او دراز است مشحون از غرائب و بدین مختصر در ننگجد.
- ۲۹- آقا سید عبدالحسین بن السید عبدالله النجفی ثم اللاری المجاهد فی سبیل الله (۱۳۴۲ - ۱۲۶۴) صاحب رساله در علم امام علیه السلام و رساله در عقوبت حب دنیا و رساله در محکم و متشابه و رساله در پاسخ از شبهات جبریه و غیرها، علی الظاهر. (۶۲۸)
- ۳۰- حاج میرزا ابوالقاسم معین الغرباء: متوفای ۴ صفر ۱۳۳۹ به ارض اقدس رضوی علی مشرفها آلاف الثناء والتحیه که کراماتی بدان بزرگوار منسوب است، نیز از اصحاب آقا سید محمد رضاء قدست اسرارهم (۶۲۹)
- ۳۱- آقا سید مرتضی کشمیری: این بزرگوار از اعظم اهل سلوک بوده است و ندیده ایم که به جانی به تفصیل متعرض ترجمت حال حقائق اشتغال آن شمع جمع اصحاب کمال گشته باشند مگر به تذکرتی از بعضی از دانایان هند الا وهو المتطبب السالك الميرزا محمد مهدي اللكهنوي الكشميري طاب ثراه و از این روی تتمیم فائدت رانخبه آن افادات بدین مقام ایراد کنیم و هی هذه:

«ولادت باسعادتشان روز جمعه وقت صبح صادق هشتم ماه ربیع الثانی»
«سنه ۱۲۶۸ واقع گردید. در ابتداء تحصیل علم خدمت خال علامه خود»
«مولنا الاجل الاعظم ومقتدانا المکرم المفخم الحبرالموتمن جناب مولنا»
«السید ابوالحسن الرضوی رضوان الله علیه نمودند. وخدمت والد ماجد»
«خود اعنی العالم العابد الزاهد الراجح الساجد المنیب الاواه المتبتل»
«الی الله مولنا السید مهدی شاه طاب ثراه نمودند... وهمیشه فکرشان»
«این بود که اگر کسی وراء علوم حاصله شان علمی داشته باشد یادری علمی»
«تحقیقی داشته باشد از او اخذ نمایند. حتی از علمای اهل سنت نیز تحصیل»
«علوم عقلیه فرموده اند... در زمانی که بسیار صغیر السن بود جامع»
«عباسی می خواند. روزی به خدمت جناب مولنا السید عباس التستری»
«جناب السید محمد عباس المفتی رضوان الله علیه رسیدند. جناب ایشان»
«از اسم و درس سؤال فرمودند در جواب گفتند جامع عباسی درس می-»
«خوانم وعن قریب جامع مرتضوی تصنیف خواهد شد... بالجمله در»
«زمان اقامتشان درهند درحدائق سن که تقریباً چهارده ساله یا پانزده»
«ساله بوده باشد در اکثر علوم صاحب تصنیف و تألیف بودند از آن»
«جمله حواشی برشرح هدایة للقاضی المیبدی وحواشی برتقویم المحسنین»
«و رسالة فی الاعمال الهندسیه بعمل المثلث والدائره و غیرها و شرح»
«تحریر سلطان الحکماء المحقق الطوسی لکتاب اطولوقس فی الكرة»
«المتحرکه وشرح صفحہ الاسطرلاب للشیخ البهائی ورسالة فی معرفة»
«البعیدین البلاد وحواشی برشرح تلخیص المعروف به شرح الجفمینی و»
«کتاب کبیر در اسطرلاب موسوم بالعروة الوثقی وحواشی بر شرح»
«بیرجندی ورسالة کشف الضمائر وحاشیه بر رساله ابن فهد علیه الرحمه»
«در منازل قمر و حواشی بر امل الامل لشیخنا الحر وحواشی بر خلاصه»
«الحساب شیخنا بهائی... که این جمله به خط خال او دیده شده است.»
«چون کمال اهتمام در کتمان و اخفاء فضائل خود داشتند و ابدایه کسی»
«از تصانیف خودشان نمی دادند معلوم نشد که چقد از تصانیف در عراق»
«دارند... تقریباً در سنه ۱۲۸۴ که عمر شریفشان قریب به پانزده سال»
«بوده همراه خال معظم خود یعنی المولی المذکور رحمه الله به عتبات»
«عالیات و مشاهد مشرفه عراق مشرف شدند و به مراجعت وطن هرگز»
«راضی نشدند وساعتی از ساعات فارغ از انهماک در طلب علم نبودند.»
«از بعضی از ثقات اهل خدمتشان مسموع گشته که ایشان در نجف»
«اشرف در حجره های فوقانی صحن مطهر تشریف داشتند. رفیقی که»

«خدمتشان می نمود و نان از بازار جهت ایشان می آورد، اتفاقاً برای»
 «زیارت مخصوصه کربلاء مشرف گشت. جناب سید علامه در این مدت»
 «نانی نخریدند. تا اینکه رفیق مذکور از زیارت مراجعت نمود و فهمید»
 «به همان نانیکه او آورده بود قناعت فرموده بودند. و به جهت چنین»
 «جائزات و ریاضیات بنیه شان به غایت ضعیف گشته و بعضی اسقام و»
 «امراض مستولی شده بود. اما تفصیل اساتذہ شان بدین منوال است که»
 «در هند به خدمت خال معظم خود جناب مولنا الاجل السید ابوالحسن»
 «طاب ثراه و به خدمت پدر بزرگوارش جناب مولنا السید مهدی شاه»
 «صاحب ویک قدری از نهج البلاغہ و شرح هدایہ ملاصدرا به خدمت»
 «جناب المولی علامہ السید محمد عباس التستری و حکمت و منطق از»
 «علما» اهل سنت مثل مفتی محمد عبدالحلیم انصاری و نزد اوستادش و»
 «عمویش محمد یوسف انصاری و ریاضیات را خدمت جامع معقول و»
 «منقول سرآمد مهره فحول جناب المولوی الشیخ تفضل حسین بعد از»
 «آن جناب سید مشرف عراق شدند و در درس جناب آخوند ملا محمد»
 «تقی هروی و درس آقا شیخ محمد لاهیجی که از تلامذہ شیخ مرحوم»
 «بودند و نیز در خدمت جناب آقا شیخ مهدی قزوینی و خدمت جناب مولنا»
 «السید حسین البهبهانی ره و خدمت جناب جمال المحققین اوستاد العلماء»
 «المدققین جناب آخوند ملا محمد اردکانی ره و خدمت جناب شیخ الفقهاء»
 «والمجتهدین جناب الحاج میرزا حبیب الله الرشتی ره و خدمت جناب»
 «حجة الاسلام والمسلمین جناب الحاج المیرزا محمد حسن الشیرازی»
 «رضوان الله علیه و جناب سید علامہ السید حسین الترتک ره و خدمت جناب»
 «شیخ المشایخ العظام افتہ الفقہاء الکرام جناب الشیخ محمد حسین»
 «الکاظمین ره و از دیگر حضرات نیز استفادہ فرموده اند... اما آنچه از»
 «کرامات عجیبہ و خوارق عادات غریبہ از آن جمیع کمالات انسانی و»
 «ملکوتی ظاہر گشته، استقصای آن خیلی عسیر و باعث طول کثیر بوده»
 «لہذا به بعضی از آن نا اکتفا» نموده شد. من جمله کرامات آن «تربیت»
 «بارگاہ حضرت باری السمات آن است کہ آنرا خلایق کرد برای من»
 «بعضی علماء اعیان از ثقت عظیم جناب نواب فتحعلی خان لاشوری»
 «دام عزہ. زمانیکہ نواب مرحوم و مغنور نوازش علی خان لاشوری»
 «رحمہ اللہ در مشاہدہ شرفہ بودند نواب فتحعلی خان بہادر عازم سفر»
 «هند شدند. وقتی کہ جناب علم التقی مولنا العلامة الاجل جناب الحاج»
 «السید مرتضی رحمہ اللہ مطلع شدند بر عزمشان از رفتن مانع شدند و»

«فرمودند که رفتن شما الحال خوش ندارم نواب فتحعلی خان قبول»
«نمودند باز جناب ایشان مانع شدند نواب وجه پرسید که سبب منع»
«شما چیست، بیان فرمودند ولکن مبالغه در منع فرمودند که چند روز»
«همین جا باشید. نواب مصر بر رفتن و جناب ایشان مانع آخر الامر نواب»
«گفت تا وجه منع را بیان فرمائید از عزم خود بر نمی گردم. جناب سید»
«علامه ره فرمودند حالا که قبول نمی کنید اختیار دارید بروید. نواب»
«گفت حالا دلم طاقت رفتن هم ندارد فسخ عزم خودم نمی خواهم.»
«چکنم سرکار شما وجه و علت منع را بیان فرمائید تا قلبم مطمئن و ساکن»
«بشود. فرمود امر عظیمی است حالا که اصرار به رفتن دارید بروید.»
«پس نواب مذکور روانه کاظمین الشریفین گشت. هنوز نرسیده بود که»
«خبر ناخوشی نواب نوازش علی خان شنید. متعجب شد و حال آنکه در»
«آن زمان نواب نوازش علی خان صحیح و سالم و قوی بود و هیچ اثری»
«و علامتی از مرض نداشت و تلغراف زد به کربلاء چون به کاظمین»
«الشریفین رسید تلغراف خبر فوت نواب نوازش علی خان رسید. همان»
«زمان نواب فتحعلی خان مراجعت به سوی کربلاء نمودند اما ادراک»
«جنازه آن مرحوم را ننمودند آن وقت نواب فهمیدند که مقصود جناب»
«سید مرحوم طاب ثراه از امر عظیم وفات نواب نوازش علی خان مرحوم»
«بوده و وجه منع از سفر همین بود... مختصر عمر مبارکش پانجاه و»
«پنج سال بوده و وفات حسرت آیات آن نمونه آیات خلاق عالم به»
«تاریخ چهاردهم ماه شوال در سنه ۱۳۲۳ واقع شد». (۶۳۰) قدس الله
سره ولی حظیره القدس سره.

ذیل : نیز شطری از کرامات بینات این بزرگ را اسوة الفقهاء الراشدین
جدنا الاعظم من قبل الام مرحوم مغفور آقای حاجی میرزا یوسف آقای مجتهد
اردبیلی (۱۳۳۹ - ۱۲۷۱) قدس سره که از ملازمین آن بزرگوار بوده است به
امالی خویش نقل فرموده است (۶۳۱)

اکمال : جماعتی از اهل الله که زمانا متأخر بر سر کار آخوند ملاحسینقلی
بوده اند قدس الله اسرارهم اجمعین ملازمت حضرات مقدسه اصحاب آن
بزرگوار کرده اند که از افاخم آن اعظام است سید السالکین الی الله رب العالمین
جناب الاقا السید علی القاضی الطباطبائی التبریزی النجفی قدس سره الشریف

که بدانسان که جناب شیخ السالکین الاقا شیخ محمدتقی البهجة الرشتی را شنیدیم از اصحاب آن بزرگوار افاض الله علينا من برکاته به جمعه ۲۶ شوال ۱۳۹۸ به قم المحمیه صانها الله عن نواب الزمان وزادها شرفاً ماهی چند از ارتحال سرکار آخوند برآمده، به نجف اشرف علی مشرفها آلاف التحف رسیده بود و تربیت از جناب الاقا السید احمد الحائری الواحد العین و جناب الاقا شیخ محمد البهاری یافته قدس الله اسرارهم اجمعین.

اکمال آخر : شیخنا الاستاذ عمدة الحکماء الراشدین جناب الحاج الشيخ محمد حسین الخراسانی را شنیدم افاض الله علينا من برکاته الشریفه که به سالیانی دراز ملازم آن بزرگوار می بوده است که:

«مرحوم آقا شبها مجلس اخلاق داشتند و چراغ روشن نمی کردند و به»
 «همان تاریکی بعضی از علماء نجف که اهل باطن بودند به آن مجلس»
 «حاضر می شدند و غالباً صحبت در معرفة النفس بود و تهذیب اخلاق و»
 «صحبت عرفان هم می فرمودند و لکن بیشتر در همان معرفت ذات انسان»
 «و خودشناسی بود و اگر ناشناسی وارد می شد صحبت را تغییر می دادند»
 «و در اطراف زیارت سید الشهداء علیه السلام صحبت می فرمودند و می»
 «فرمودند که استعدادات مختلف است هر حرفی را به هر کسی نمی شود»
 «گفت» قدس الله سره العزیز

فائده : جمال الواصلین سرکار آخوند ملافتحعلی العراقی را نیز از اصحاب سرکار آخوند ملاحسینقلی گفته اند قدس الله سرهما القدوسی. البته ما صحت و سقم این معنی مسلم نداریم و از سر یقین ندانیم که سرکار آخوند ملافتحعلی تربیت از آن بزرگوار یافته باشد و لکن این به یقین دانیم که به میانه این دو بزرگوار حق صحبت بوده است بدانپایه که شیخ استاد عمدة الحکماء الراشدین مولنا جناب الحاج الشيخ محمد حسین الخراسانی را شنیدم ادام الله ایام افاضاته از شیخ خویش سید السالکین جناب الاقا السید علی القاضی الطباطبائی قدس سره که «سرکاران آخوند ملاحسینقلی و آخوند ملافتحعلی سالیانی چند به یک

منزل روزگار می گذاشتند» و از این روی طرد اللباب و تتمیماً للفائده نخبه رساله‌ای که به سالی چند پیش از این به ترجمت حال حقائق اشتمال سر کا آخوند ملافتحعلی قدس سره پرداخته ایم بدین مقام ایراد کنیم والله هوالموفق وهی هذه:

ولادت: سال ولادت این بزرگوار ضبط نکرده‌اند ولیکن در باب آن قرینه‌ای هست و آن درك او است او آخر ایام صاحب جواهر را. (۶۳۲) و از آن روی که وفات صاحب جواهر ره را به (۱۲۶۸) گفته‌اند (۶۳۳) و حضور آن بزرگوار را به درس او بباید که به حوالی سی سالگی اعتبار کرد می‌توان وقوع آن را به میانه سالهای ۱۲۴۰ - ۱۲۳۶ تخمین کرد از دو رقم.

اساتید: یگانه کسی از اساتید آن بزرگ به ایران که می‌شناسیم (آفا سید محمد سلطان آبادی) است طاب ثراه که حاجی نوری ره از پی نقل و قعه‌ای از او می‌گوید:

«وكان شيخنا [يعني الاخوند] دام ظلّه يثني على السيد السند [المذكور]»
«وقد ادرکه في اواخر عمره وتهمذ عليه شطراً من الزمان» (۶۳۴)

اما اساتید عراق او را عاملی ضبط کرده است به نحو آتی:

«ثم ورد العراق فادرك صاحب الجواهر في اواخر ايامه ومن بعده اخذ»
«عن الشيخ الانصاري والحاج ملا علي الرازي ثم تخرج بالميرزا السيد»
«محمد حسن الشيرازي» (۶۳۵)

مشایخ سلوک: این نیز ندانیم که شیخ یا مشایخ آن بزرگ به بدایات سلوک که بوده است یا کیان بوده‌اند و البته از سر حدس توانیم گفت که محتمل است که گاهی چند تربیت از همان آقاسید محمد سلطان آبادی طاب ثراه که از قعه‌ای که آخوند خود برای نوری نقل فرموده است (۶۳۶) علو رتبت او آشکار است، یافته باشد.

ولیکن به قطع دانیم که آن بزرگوار به همان سلطان آباد و حدائت عمر صاحب باطن بوده است و این معنی مؤید است به قعه‌ای چند به شرح آتی:

اول داستانی که خود نقل کرده است حاجی نوری را قدس سرهما العزیز در باب بناء آب انباری. (۶۳۷)

دوم داستانی که حدیث کرد مرا بدان فاضل بارع مرتاض مرحوم مغفور آقا سید حسن الهزاوی العراقی الفرید طاب ثراه به لیلۃ پنجشنبه چهارم شهریور پنجاه. و سوم داستانی است که نیز حدیث کرد مرا بدان فاضل مومی الیه به همان شب که در آن است سبب مهاجرت آن بزرگوار به نجف اشرف علی مشرفها آلف التحف و از این روی می آوریمش:

«سرکار آخوند به سفلی شهر مزرعه‌ای داشته‌است که حاصل آن، نیاز»
 «ارامل و ایتم می فرموده. گاهی گردن‌کشی مانع رسیدن آب بدان»
 «می‌شود و چون آخوند کسی می‌فرستد او برآشفته بدان حضرت شتافته»
 «پهلوی سرکار آخوند به پا می‌آزارد... آخوند دو یا سه روز بعد پیاده»
 «به سوی نجف براه افتاد و یک ماه برنیامده پای آن گردنکش به علتی»
 «دچار آمد که یک بار از پنجه و باری دیگر از پاشنه ببردنش و او چنان»
 «یافت که این از غیرت آخوند است و از این روی پسر خویش محمد»
 «علی‌خان را به حضرت اوی، گسیل کرد و تا او بدانجای رسد بپرسوم»
 «بار پاره ببردند. چون محمد علی‌خان بدان حضرت شد، سرکار آخوند»
 «گفت ما خود غیرتی نکرده ایم و لکن هستند کسانی بدین عالم که»
 «تحمل این امور نمی‌کنند. ما رنجشی نمی‌داریم و شفاء او همی خواهیم.»
 «از پی این، چندی برنیامد که خبر آوردند که پدر با عصا راه می‌رود و»
 «پسر بدانجای بماند و به تحصیل همی گذراند و او است همان میرزا»
 «محمد علی‌خان مجتهد نام و راراک»

هر گونه که باشد آخوند بدان خاك پاك بماند و گویا به حضرت مقدسه اکمل الربانیین الشیخ الاجل الاکرم الجاج المولی علی بن المولی خلیل المستطیب الطهرانی قدس الله اسرارهم اجمعین راه به پایان برد.

ما از احوال این بزرگ نیز چندان آگاه نیستیم الا اینکه دانیم که همچون پدر و برادر والا گهر خویش میرزا خلیل الطیب الطهرانی و شیخ المجتهدین حاج میرزا حسین الطهرانی قدس اسرارهم از کمال مشایخ عصر خویش بوده‌است

جامع بین ظاهر و باطن. (۶۳۸)

شطری از احوال ظاهریه :

۱- هجرت به سامره : سید صدر طاب ثراه گوید:

«به سال ۱۲۸۸ به نجف گرانی بل قحطی پدید آمد، و میرزا [میرزای]
«شیرازی طاب ثراه] به امر فقراء قیام کرد... و چون محصول نو بیاوردند»
«و ارزانی شد مردمان این از کرامت او بدانستند و روی بدو نهادند...»
«و او چنان یافت که سبب این معنی بعضی از اعیان نجف است و چاره ای»
«نیندیشید مگر بیرون آئی از آن. و زیارت غره رجب را به ۱۲۹۱ به»
«کربلا شد و عیال بخواست و چون درآمدند زیارت نیمه شعبان را روی»
«به سامره نهاد. من نیز بدان قصد از نجف برآمدم و از پی زیارت به»
«کاظمیه شدم... و بیافتم میرزا را به سامره و هنوز بدان نرفته... چند»
«روز بعد برخاست و به او آخر شعبان به سامره درآمد و... تا شعبان»
«دیگر درآید بدانجا مقام کرد. من نیز از پی ماه صیام به سامره شدم و»
«بیافتم او را که به شب و روز دو درس همی گوید و جماعتی از اصحاب»
«با اویند. و از این روی ماندگار شدم و به درس او می نشستم و او نه»
«اظهار عزم بر مقام می کرد و نه ذکر بازگشت. حتی جاء المرحوم»
«الاخوند ملا فتحعلی قدس سره و وثقه الاسلام الحاج میرزا حسین النوری»
«و المرحوم الشیخ فضل الله النوری الشهید و کان فی مقدمتهم لاستعلام»
«الحال ایضا. فتکلموا معه فقال اما الذی فی نفسی فهو ان لا اعود الی النجف»
«حتی ازور المشهد الرضوی فقالوا له لا بد من تعیین الامر فان کان عزمک»
«علی البقاء هنا فانامعک وان لم یکن عزمک علی البقاء فلنا حینئذ تکلیف»
«آخر. فقرر ان یستخیر الله فی الحرم المطهر علی الاقامه فی سامراء»
«او الرجوع الی النجف فلم تساعد الاستخاره الاعلی الاقامه بسامراء علی»
«کل حال فعزم علی البقاء» (۶۳۹)

بدینگونه میرزا به سامراء ماندگار گشت و آخوند نیز «که خیلی مورد
توجه میرزا بود» (۶۴۰) تا او از این عالم درگذرد بدان خاک پاک می بود و به نیابت
او امامت می فرمود و میرزا خود نیز بدو اقتداء می کرد و چون روزگار میرزا
به سر رسید به کربلاء معلی علی مشرفها آلاف الثناء شد و تا انجام عمر بدان مقام
کرد. (۶۴۱)

۲- ابتلاء به سودا: آخوند گویا از سر ارتیاض به ریاضاتی شاقه مبتلاء به سوداء مزمن می‌بوده است و علی‌الظاهر بر اثر همین ابتلاء اغلب به امراض دیگر گرفتار می‌آمده. بدانیپایه که حاجی نوری طاب‌ثراه ملازم آن بزرگ به وصف او می‌گوید: «اشد من رأیناه بلاء فی البدن» (۶۴۲) نیز بدانسان که از جناب المولی‌الآخوند الهمدانی شنیده شد به روایت از جمان الواصلین آقا میرزا جواد آقای ملکی به اواخر امر از حلیه دیده ظاهری عاری گشته بود قدس-الله اسرارهم اجمعین.

شطری از احوال باطنیه :

۱- مکانت علمی : قال النوری طاب‌ثراه وهو یصف عامه :

«... اما علمه فاحسن فنه معرفة دقائق الايات ونکات الاخبار بحیث یتحیر»
 «العقول عن کیفیت استخراج تلك الجواهر عن کنوزها وترجع الابصار»
 «حاسرة عن طریقة استنباط اشاراتها و رموزها. لم یسئل قط عن آية و خبر»
 «الا وعنده منهما من الوجوه و الاحتمالات والبواطن و التاویلات ما نتعجب»
 «منه العقول ولم یحجم حوله لطائف افکار الفحول فکانه فرغ من التأمل»
 «والنظر فیہ الان وعکف علیه فکرته برهة من الزمان. کل ذلك بما لا یخالف»
 «شیئاً من الظواهر والنصوص ولا یختلط بمزخرفات جماعه هم للمدین لصوص»
 (۶۴۳)

قال ایضا قدس سرهما :

«وقد جمع من دل مکرمه اعلاما... ومن دل علم شریف جوهره و حقیقه»
 (۶۴۴)

۲- آثار : هیچ اثری کتبی از سرکار آخوند قدس سره القادوسی ضبط نکرده اند و چنین می‌نماید که اساساً آن بزرگوار از رهگذر استغراق در ساوک و اندکاک در معرفت عنایتی باظاهر که از مظاهر آن است کتابت، نمی‌فرموده است و از این روی است که کتابی بدان بزرگ نسبت نکرده اند.

۳- اصحاب : این معنی نیز معلوم نمی‌داریم که سرکار آخوند به تربیتی

پرداخته باشد و لکن این دانیم که جماعتی از اهل الله علیهم رضوان الله به صحبت آن بزرگ مستسعد می بوده اند که از آن جماعت ثقة الاسلام حاج میرزا حسین النوری را می شناسیم قدس سره صاحب المستدرک با «المولی الحاج مهدی السلطان آبادی» از نیکان عباد و صلحاء اخیار و آقا سید ابوالقاسم الدهکردی الاصفهانی صاحب الوسیله قدس سره (۶۴۵) والسید اسدالله بن السید محمدباقر الموسوی القزوینی الاصفهانی (۱۳۲۷-۱۲۴۵) که به امر سرکار آخوند حذر از اعجاب به نفس را تصانیف خویش در آب انداخت (۶۴۷).

آقا شیخ فضل الله نوری مصلوب و آقا نجفی اصفهانی نیز گویا گاهی چند بدان سعادت مستسعد می بوده اند.

۴- مکات عملی : قال النوری طاب ثراه وهو یصفه قدس سره :

«رأس العارفين وقائد السالكين الى اسرار شريعة سيد المرسلين جمال-»
«الزاهدين وضياء المسترشدين صاحب الكرامات الشريفه و المقامات»
«المنيفه اعرف من رأيناه بطريقه ائمة الهدى واشدهم تمسكاً بالعروة»
«الوثقى من النعم التي نسئل عنه يوم ينادى المنادى... (۶۴۷)... صاحبته»
«مندسنيين فى السفر والحضر والليل والنهار والشدة والرشاء فلم اجد»
«لهزلة فى مكروه و عثاراً فى مرجوح و مارأيت لخصلة واحدة من خصاله»
«التي تزيد على ما ذكره امير المؤمنين لهمام بن عباده فى صفات شيعته»
«مشاركاً ونظيراً وما اظن ان احداً يتمكن من استقصاء معاليه وان وجد»
«ناصراً وظهيراً... فهو دائم الذكر طويل الصمت والفكر قانع من الدنيا»
«من المآكل والملابس وغيرها بادون ما يتمكن العيش به مع شدة الكياسه»
«فى مأخذه لاستجماعه شرائطه... مواظب لكل سنة يتمكن منها مؤد»
«لميسور دقائق حقوق الاخوان... اشد من رأيناه بلاء فى البدن واشكرهم»
«بمراتبته عليه و اصبرهم فيه. مارأى متكلماً فى شئى من امور الدنيا الا-»
«بجد ملاحظة رجحان كثير ولا مشيراً الى احد بسوء فى فعله او قوله»
«فى حيوته او مماته ولم يذكرهم الا بخير (۶۴۸) وبالجملة فوجوده آية»
«من آيات وجود الائمة الذين هم الاية الكبرى وعمله و طريقته مثبت»
«لامامتهم وجدانا من غير ترتيب صغرى وكبرى. يذكر الله تعالى رويته»
«ويزيد فى العلم منطقته ويرغب فى الآخرة عمله. ماقام احد من مجلسه»

«الابخیر مستفاد جدید وشوق الی الثواب وخوف من الوعید. لم یتعیش»
 «قط بلاضیف ولم یرمنه اذی علی احد ولا حیف. لایختار من الاعمال»
 «المندوبه الا تعبها ولا یأخذ من السنن الا احسنها افعاله منطبقه علی کلامه»
 «وکلامه منحصر علی ما خرج عن امامه» (۶۴۹)

۵- کرامات: اتفاق کرده اند در بروز کراماتی از این بزرگوار. هر چند که خود اخفاء آن می فرموده است. و این معنی از داستانی که حدیث کرد مرا بدان فاضل بارع سالک مرحوم مغفور آقاسید حسن الهزاوی العراقی طاب ثراه از آخوند ملا محمد تقی انجدانی و او از آقا شیخ عبدالنبی النوری طاب- ثراهما آشکار است و تأیید می شود بدین قول حاجی نوری:

«ولمولنا الاجل الافخم دام علاه بعد ذلك من المقامات العالیات والکرامات»
 «البهرات مالایسع الوقت ذکرها والمقام نشرها مع اخذه العهد علی»
 «فی الکتمان» (۶۵۰)

هر گونه که باشد ما بدین مقام به ایراد دو روایت بدان باب اکتفاء کنیم والله هو الموفق. اما نخستین داستانی است که حدیث کرد مرا بدان عالم عیلوله آقا مرتضی بن الشیخ شعبان الگیلانی المدرس دامت برکاته به لیلۃ جمعه بیستم اسفند پنجاه از آقا سید محمد مهدی بن السید السندوالرکن المعتمد السید اسماعیل الصدر قدس سرهما که

«من به ایام مراعتت امر پدر را به ایام جمعه به حضرت آخوند می شنیدم»
 «و آن بزرگوار مصحف کریم برگرفتی و آیتی بر خواندی و تفسیر آن می گفتی بهر من. مگر روزی بدان حضرت شدم به حال جنابت و یافتم»
 «اورا نشسته به حال تفکر و هیچ نمی گفت. نیم ساعت بر آمد و ادب جمع»
 «نمی گفت. خواستم برخیزم که در سخن شد و فرمود آقا سید محمد»
 «مهدی آدمی هنگامی که پی قرآن می گیرد باید که خود پاک در داند»

و دومین داستان رفتن جماعتی از اکابر است به درس تفسیر آن بزرگوار به یک اربعین و شنیدن وجهی دیگر در تفسیر بلا تکرار از او که سیدالفتها آقاسید محسن الحکیم الطباطبائی ره در حقائق الاصول آن را به نقل از «بعض الاکابر»

ایراد کرده است و مراد از بعضی الاکابر افادت مرحوم مغفور شیخ العلماء العاملین آخوند ملاعلی الهمدانی را به عصر دوازدهم خرداد پنج‌جاء و چهار، اسوةالمحققین آقا میرزا حسین النائینی قدس سرهما الشریف است.

وفات: آخوند تا ۱۳۱۲ که میرزای شیرازی حیات داشت به سامره مقام می فرمود و چون او بدانسال از سرای غرور ارتحال کرد به کربلاء معلاء شد (۶۵۱) و بدان خاک پاک می بود تا به چهارم ربیع الاول ۱۳۱۸ جهان با جهانیان گذاشت (۶۵۲) و آن هیکل نورانی به نجف اشرف حمل کردند علی مشرفها آلاف التحف بدان نحو که قمی می گوید طاب ثراه وجعل الجنة مثواه:

«جنازة شریفش را به نجف اشرف حمل کردند و در روز ورود جنازه به»
 «نجف اشرف من در خدمت شیخ مرحوم [حاجی نوری ره] به استقبال»
 «رفتیم. پس آن جنازة شریفه را آوردند و در صحن مقدس در جوار امیر»
 «علیه السلام دفن کردند» (۶۵۳) قدس الله سره و فی حظيرة القدس سره و افاض علينا من برکاته.

فائده: در بیان کرسی نامه سرکار آخوند ملاحسینقلی قدس سره:
 بعضی از معاصرین ما کرسی نامه سرکار آخوند را به شرح آتی ضبط کرده است:

۱- مولنا آخوند ملاحسینقلی

۲- مولنا ملا لطف الله مقیم نجف

۳- مولنا و سیدنا بحر العلوم

۴- جناب نورعلی اصفهانی (۶۵۳)

ما صحت و سقم این معنی مسلم نداریم و نقض یا ابرام آن نکنیم و لکن این به یقین دانیم که سرکار آخوند تربیت از سیدالسالکین آقا سید علی شوشتری یافته بوده است متوفای ۱۲۸۳ قدس الله سرهما بلادعوی انحصار. بی آنکه بدانیم که جناب سید تربیت از که یافته بوده است. بلی آنچه که هست این است که

وفائی شوشتری از باریافتگان آن جناب به جایی می گوید:

«کسی را که دیدم طیب رفته بود و طاهر برگشته بود حاج سید علی»
 «شوشتری بود رحمة الله علیه که ابدًا خلل و خطری در راه به او نرسیده بود»
 «زیرا که بنده ای بود مطیع. اگرچه سیر او فی الجمله به سبب بعضی»
 «ریاضات بود اما به جذب حق و ارشاد مرشد حقیقی رفته بود و ابدًا»
 «کسی از سرش مطلع نبود» (۶۵۴)

و آنچه که شاید بتوان بدین افزود این باشد که ممکن است «بعض ریاضات»
 آن بزرگوار به ارشاد «جولا» بوده باشد افاض الله علینا من بر کاته.

حاجی نایب الصدر گوید:

«اجمالی از حال سید مرحوم چنانچه از وی شنیده اند آنکه مرحوم سید»
 «پس از تحصیلات مراتب علم و تکمیل اجتهاد از علماء نجف اشرف»
 «اجازه حاصل و به وطن باز آمد و اشتغال به تدریس و امر قضاء نمود.»
 «یکی از شبها در ساعت دو دق الباب شنید. کوبنده را نام پرسیدند گفت»
 «ملاقلی جولا است می خواهد خدمت آقا برسد. به خادم فرمود حالا»
 «دیر وقت است فردا اگر کاری دارد در مدرس بیاید عیال جناب سید»
 «عرض نمود این بیچاره شاید امری لازم فوری داشته باشد، خوب»
 «است رخصت دهید شرفیاب شود. فرمود حالا که تورا ضی به زحمت خود»
 «هستی از اطاق بیرون روتا اوداخل شود چون ملاقلی داخل شد و در»
 «گوشه ای قرار گرفت پرسیدند مطلب چیست گفت آمده ام عرض نمایم»
 «این راهی را که می روی طریق جهنم است. این بگفت و برفت. عیال»
 «مرحوم سید سؤال نمود که چه شغلی داشت فرمود گویا جنونی در او»
 «پیدا شده. بعد از هشت شب دیگر همان وقت نیز در را کوبید. معلوم»
 «شد ملاقلی است خدمت آقا می خواهد برسد. فرمود گویا هر زمان»
 «جنونش طلوع می کند نزد ما می آید. چون داخل اطاق گردید، گفت»
 «نگفتم این طریق جهنم است حکم امروز در ملکیت آن موضع باطل»
 «است و سند صحیح که به امضاء علماء و معتبرین است در وقف بودن»
 «آن در فلان مکان به این نشان پنهان است. این بگفت و برفت. عیال»
 «سید چون داخل شد آقارا در فکر دید پرسید ملاقلی چه گفت فرمود»
 «حرفی بود. چون صبح شد به مدرس رفت و با بعضی خواص به مکان»
 «معهود رفته شکافتند. جعبه ای نمودار شد بگشودند همان بود که ملاقلی»

«گفت. سید حکم روز قبل را خواسته وقف نامه را نشان داده حیرت همه»
 «و خجالت مدعی شد پس از هشت شب دیگر همان وقت در را کوبید معلوم»
 «شد ملاقلی است خود آقا وی را ملاقات و مقدمش را گرامی داشت»
 «و در صدرش نشانید فرمود صدق قول شما معلوم شد حالا تکلیف چیست.»
 «ملاقلی گفت چون معلوم شد که جنون ما گل نمی کند آنچه داری»
 «بفروش و پس از اداء دیون باقی مانده را بردار و به نجف اشرف بمان و»
 «به این دستور العمل مشغول باش تا آنجاها باز به تو برسم. سید همان»
 «طور نمود تا آنکه روزی در وادی السلام ملاقلی را دید دعاء می خواند.»
 «بعد از فراغ خدمتش رسید. با وی یه خلوتی رفتند. ملاقلی گفت فردا»
 «من در شوشتر خواهم مرد و دستور العدل تو این است و وداع فرمود»
 (۶۵۵)

و از آنچه که به اسناد صحیح در احوال (جولا) قدس الله نفسه الزکیه نوشته اند
 (۶۵۶) برمی آید این است که آن بزرگوار را به استقامت اتصال با باطن
 ولایت علویه مهدویه حاصل آمده بوده است بلا توسطی. و از این روی توان
 گفت که این بزرگان اویسی می بوده اند، اصطلاح قدماء مشایخ از اهل سلوک را.
 افارة عرشیه: سید الحکماء المحققین مولنا الاقا السید جلال الدین الاشتیانی
 را شنیدم دامت برکاته الشریفه که حدیث کرد مرا قدوة اصحاب الیقین مجمع
 البحرین حاوی المنزلتین مولنا السید محمد کاظم الطهرانی المدعو فی الامصار
 بالعصار که سید السالکین الی الله رب العالمین جمال الواصلین مولنا الاقا السید
 احمد الطهرانی الحائری البکاء را شنیدم که عرفاء حقه نجف اشرف علی
 ساکنها آلف التحف سلسله خویش با عارف بلاتعین مرجع ارباب الیقین آقا
 محمد بیدآبادی درست می گردانند قدس الله اسرارهم الشریفه اجمعین.

اکمال: بیاید دانست که اهل طریقت اتصال جناب آقا محمد رابا جناب
 سید قطب الدین محمد النیریزی شیرازی گفته اند صاحب قصیده تائیه معروف
 به فصل الخطاب از ارکان سلسله علیه ذهبیه علی صاحبها آلف الثناء والتحیه
 و اتصال جناب السید صدرالدین الدزفولی الکاشف را با جناب آقا محمد.

و ما از سر حدس توانیم گفت که ممکن است که جناب آقاسید علی به استقامت یا توسط، تربیت از جناب سید صدرالدین نیز یافته باشد عدم انحصار به شیخی واحد را بر سنت مشایخ سلف. و بدین پایه چنین افتد طریقی از طرق اتصال جناب آخوند ملاحسینقلی با جناب سید قطب قدس الله اسرار هم اجمعین:

۱- جناب آخوند ملاحسینقلی الهمدانی متوفای ۲۸ شعبان ۱۳۱۱

۲- جناب آقا سید علی شوشتری متوفای ۱۲۸۳

۳- جناب السید صدرالدین الکاشف متوفای شعبان ۱۲۵۸

۴- جناب آقا محمد پیدآبادی متوفای ۱۱۹۷

۵- جناب السید قطب الدین محمد متوفای ۱۸ شعبان ۱۱۷۳

تأیید عرشى: از پی چندی همت اولیاء را به نصی رسیدیم از تقریر سید- السالکین آقاسید علی السید الدزفولی قدس سره ممزوج با بیانی از آقا سید حسین ظهیرالاسلام طاب ثراه که حدس مارا مبدل با یقین گرداند و هو هذا والحمد لله:

«... شیخ مرتضای انصاری رحمة الله علیه پس از خاتمه تحصیلات»
 «مقدماتی خود در دزفول به قصد اتمام تحصیل عازم عتبات عالیات»
 «می گردد. قبلاً فکر می کند که خود را به آستانه مبارک کاشف برساند»
 «که هم دستور العمل برای اشتغال باطنی بگیرد و هم از پیشگاه مبارک»
 «آن جناب همت بخواند. به این نیت به درب دولت منزل کاشف می رود»
 «در آن موقع هوا کاملاً گرم و سوزان و در عین حال مقارن ظهر است.»
 «چون به درب منزل کاشف می رسد دق الباب می نماید. کلفت منزل»
 «کاشف به درب منزل آمده از حضور شیخ مستحضر می شود به درون»
 «خانه می رود و تصادفاً فراموش می کند خدمت کاشف عرض کند. مدت»
 «یکساعت بطول می انجامد. بعد خود سید متوجه شده به درب خانه»
 «تشریف می آورد از شیخ معذرت خواهی می کند و بعد دعا می کند و می»
 «فرماید شیخ مرتضی همینطوریکه در این آفتاب وقف فرمودید و تحمل»
 «گرما نمودید امید است خداوند ترا در عالم آفتابی کند... مرحوم آقا»
 «شیخ مرتضی تقاضای دستور ذکر و فکر می کند. سید می فرماید چون به»

«قصد تحصیل عازم نجف اشرف هستید، ادامه تحصیل خود یک نوع»
 «عبادت است. ضمناً اطمینان داشته باشید که وسیله حاج سید علی»
 «شوشتری که او از ما است به این فیض معنوی نائل خواهی شد. و»
 «مرحوم حاج سیدعلی شوشتری ارادت معنوی بایک واسطه به مرحوم»
 «کاشف می‌رسانیده است» (۶۵۷)

با این نص شکی نمی‌ماند در اتصال سرکار آخوند به جناب آقا محمد و
 از طریق آن بزرگوار با جناب سید قطب الدین محمد. و نیز مؤید این معنی است
 نصی دیگر از آقا نجفی اصفهانی طاب ثراه و هو هذا:

«از جمله ختم، ختم آیه کرسیه... و این ختم را... و نیز مرحوم مبرور»
 «حاج سیدعلی شوشتری ره از مرحوم سید بحر العلوم اعلی الله مقامهما»
 «روایت فرموده‌اند و...» (۶۵۸)

و خود پیدا است که اتصال جناب السید السند والرکن المعتمد عین الانسان
 وانسان العین مولنا بحر العلوم الطباطبائی نیز با جناب سید قطب درست می-
 گردانند قدس الله اسرارهم الشریفه اجمعین و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.
فائده آخری: در تبیین طریقه سرکار آخوند ملاحظه فرمایید قدس سره:
 در باب طریقه آن بزرگوار یگانه تحقیقی که دیده شده است افادتی است از
 منصور علی کیوان قزوینی رحمه الله که بس ممتع است و از این روی آن
 را بدین مقام ایراد کنیم. کیوان به رساله راز گشا گوید:

«اساس این کتاب بر تقسیم تصوف است به سه قسم (برزخ، بدایت،»
 «مرکز) و این تقسیم را فقط من فهمیده‌ام و اصطلاح خود قرار داده‌ام»
 «(۶۵۹) ... طبقه اولی برزخ میان قشر و لب که ذکر قبلی و اذن ارشاد»
 «و القاب طریقتی و سلسله و عقائد مخصوصه ندارند. اما ذکر زبانی»
 «و تأثیر تربیت و ترک ریاسات ظاهره و ترک معاشرت با ظلمه و فتوی»
 «بر مریدان نمودن را دارند و مریدان مخفی فدائی هم دارند و غیر»
 «خودشان را عادل شرعی نمی‌دانند مثلاً برای پیشنمازی و اجرای طلاق»
 «و قبول شهادت غیر خود را روا و سزاوار نمی‌دانند. و اصطلاح مبتدی»
 «و متوسط و منتهی هم دارند و اسرار در معارف را معتقدند و پنهان می-»
 «کنند از اکثر مریدان. من در سال ۱۳۰۲ شروع به ارادت به این طبقه»

«و رفتار آنها نمودم در طهران نزد حاج میرمحمد علی که درچالمیدان»
 «قرب میدان کاه فروشان و حمام گلشن خانه ملکی داشت و در همان»
 «خانه خود پیشنمازی و موعظه می کرد (۶۶۰)... و تکمیل خدمت به»
 «این طبقه را درخدمت آخوند ملاحسینقلی همدانی نمودم در نجف که»
 «در این طبقه بالاتر از او کسی نبود و او درس اخلاق هم از خارج»
 «می فرمود و شاگردانی مخصوص داشت و نایب او آقا سید احمد واحد»
 «العین بود که پنج سال است مرحوم شده و از این طبقه بود حاج ملا»
 «فتحعلی سلطان آبادی درسامره که خیلی مورد توجه میرزای شیرازی»
 «بود و حاج میرزا حسین نوری در سامره که من مدتی هم نزد او درس»
 «اخبار خواندم و حاج میرزا حسین پسر حاج میرزا خلیل درنجف که من»
 «در نزد او فقه خواندم و آقا حسن نجم آبادی برادر بزرگتر حاج شیخ»
 «هادی (۶۶۱)... طبقه دوم بدایت تصوف که ذکر قلبی دارند اما القاب»
 «ندارند و گویند که آقا محمد بید آبادی و حاج میرزا صفا از این طبقه»
 «بودند... و از این طبقه هم عقائد مخصوصه معلوم نشد. گویا به همان»
 «عقائد عموم اسلامیانند یا شیعه یا سنی. ولی اعمال مخصوصه دارند»
 «و من از این طبقه ادراک کردم حاج ملا جواد اسپهانی را که معاشش»
 «به حجه فروشی می گذشت و تا چهار سال قبل زنده بود و مریدان مخفی»
 «داشت. من در کربلاء در سنه ۱۳۰۷ که او از مکه برگشته بود به خدمتش»
 «رسیدم... و ذکر قلبی پرمشقت به من داد... (۶۶۲). این هر دو طبقه»
 «معتقد به امام غائب... هستند و منتظر ظهور در ممکن می دانند که در»
 «این زمان نیز دیده شود آن حضرت در بیداری و تکذیب نمی کنند هر»
 «مدعی رویت را مگر آنکه آثار مجعولیت معلوم باشد. (۶۶۳) طبقه»
 «سوم مرکز تصوف که ذکر قلبی و زبانی و فکر دارند و در معنی فکر»
 «اختلاف دارند و عقائد مخصوصه دارند و القاب مرسومه دارند و در»
 «آنها اختلاف دارند بعضی هر مرید را از اول لقب می دهند... و بعضی»
 «لقب را مخصوص به کامل مکمل می دانند که قطب یا شیخ باشد»
 «مرآ لقب منصور علی دادند و ممکن می دانند که شیخ باشد بی لقب اما»
 «ممکن نمی دانند که لقب داشته باشد اما شیخ نباشد. پس میان عنوان»
 «لقب و عنوان شیخ عموم و خصوص مطلق است. و اختلاف اساسی»
 «این سه طبقه باهم درشش چیز است. اول آنکه در طبقه اولی لقب»
 «مرسومشان نیست ولی مرکز پر از القاب شده اند اخیراً. از اول»
 «پیدایش که از ابوهاشم کوفی صوفی بود [او اول کسی است که صوفی»

«نامیده شد. کیوان] تا قرن چهارم هجری لقبی برای اقطاب هم معلوم»
 «نیست تا چه رسد به شیخ و مریدان و از آن به بعد کم کم مرسوم شد»
 «که يك لفظ عربی مانند جمال و جلال و بهاء و صلاح اضافه به لفظ دین»
 «کرده لقب می دادند به اقطاب و مشایخ مانند نورالدین لقب شاه نعمت»
 «الله و عقیف الدین لقب مرشد او که شیخ عبدالله یافعی باشد از معاریف»
 «علمای ادب است (کذا). و این بود تا زمان شاه علی رضا دکنی. بعد»
 «به جای لفظ دین، علی شد و بعد از علی لفظ شاه هم افزوده شد. بعضی»
 «گویند افزودن شاه مخصوص اقطاب است و بعضی اعم از شیخ و قطب»
 «می دادند. و از زمان شاه نعمت الله، شاه برقرار شد. اما در اول لقب»
 «بود و بعد از شاه علی رضا در آخر لقب شد... دوم آنکه طبقه اولی»
 «خیلی تحاشی دارند از لفظ صوفی و طبقه دوم وحشت ندارند اما مقید»
 «هم نیستند... و طبقه سوم به درجه لفظ صوفی را مقدس می دانند که»
 «می گویند صوفی کجا یافت می شود. (۶۶۴) سوم آنکه در دو طبقه»
 «اولی تبلیغ آزاد است و در طبقه سوم منع است ارشاد و دستگیری مگر»
 «بعد از لقب و اجازه دستگیری... چهارم در دو طبقه اولی آداب ورود»
 «و اسباب آوردن در کار نیست... اما در طبقه سوم... (۶۶۵) پنجم»
 «آنکه مراد در دو طبقه اولی مجبور نیست که بعد از خودش قطبی و»
 «مرادی معین کند. آنها اصطلاح قطب هم ندارند. اما طبقه سوم البته»
 «باید معین کند و اگر معین نکرد البته یکی از مریدهایش خواهد ادعای»
 «قطبیت نمود. خواه از پیش برود یا نه. زیرا تسلسل اقطاب را تا روز»
 «قیامت لازم می دانند و معنی لفظ سلسله همین است... (۶۶۶). ششم»
 «آنکه دو طبقه اولی انحصار مرید را به يك مراد لازم نمی دانند و در»
 «طبقه سوم حالا اخیراً منع شدید معروف است تعدد مراد برای يك»
 «مرید». (۶۶۷).

تکمله: من بنده گوید که به وجوه اختلاف این سه طبقه وجه هفتمی نیز
 توان ذکر کرد و آن این تواند بود که در طبقه سوم بسی از مشایخ سلف و خلف،
 عاری از حلیه علم ظاهر می بوده اند و اساساً آن را حجاب می خوانده، النهایه
 از حجب نوریه. به خلاف دو طبقه اولی که عالم بدان می بوده اند و اکثر صاحب
 مسند افادت قدس الله اسرارهم اجمعین و افاض علینا من بر کاتهم آمین.
 ولادت و وفات [حاجی سبزواری:] سال ولادت سر کار حاجی، مضبوط

است به ۱۲۱۲ متفقاً. اعنی سال ارتحال سید سند بحر العلوم الطباطبائی قدس الله سرهما. ولکن به روز و ماه و سال ارتحال آن بزرگ از دار غرور به سرای سرور، اختلاف کرده اند و قول مختار بدان باب همانا «روز ۲۸ ذی الحجہ ۱۲۸۹ سه ساعت به غروب مانده» است افادت اعتماد السلطنه را (۶۶۹). و دانایان، سال ولادت آن بزرگوار را «حکیم» و مدت عمر را «غریب» و سال رحیل را «حکیم غریب» یافته اند و الاسماء تنزل من السماء. قدس الله سره و فی حظيرة القدس سره.

باب سوم

آقا علی مدرس (۱۳۰۷-۱۲۳۴)

شطری از احوال ظاهریه: رفاقت توفیق را به ترجمت حال حقائق اشتمال این بزرگ نیز رقیمه ای نوریه هست به قلم فیض رقم او که بدانسان که بیاورده ایم، آنرا حاجی نایب الصدر طاب ثراه از پی ارتحال آن بزرگوار به کتب خانه او بیافته است و به طرائق ایراد کرده و هی هده:

«علی مدرس، ولد ملا عبدالله مدرس در بدایت سن به تحصیل مقدمات»
 «علمیه از علوم عربیه و علم منطق مشغول شد. و پس از آن بعد از فراغ از»
 «خواندن شرح تجرید قوشچی از علم کلام و اصول معالم الاحکام در علم»
 «اصول فقه در مجلس درس والد خود حاضر شد. و نزد والد از منقول شرح»
 «لمعه و قوانین الاصول و از معقول شوارق الالهام و شرح اشارات خواجه»
 «طوسی و مبدأ و معاد مرحوم ملا صدرا را خواند. پس از آنکه والدش»
 «مرحوم شد به عتبات عالیات مشرف شد به قصد تحصیل منقول. پس»
 «از چندی مراجعت نمود به دار الخلافه طهران و از آنجا به اصفهان»
 «رفت و خدمت استادان اصفهان خاصه مرحوم میرزا حسن ولد ارشد ملا»
 «علی نوری به تحصیل علوم عقلیه پرداخت. پس از آنکه قریب سه سال»
 «خدمت ماند به دار السلطنه قزوین رفت و خدمت مرحوم ملا آقای قزوینی»
 «که در علوم عقلیه بحری موج بود به تحصیل مشغول، پس از چندی باز»
 «به اصفهان مراجعت نمود. و در خدمت میرزا حسن مجدداً مشغول تحصیل»
 «علوم عقلیه شد. پس از چند سال به فرموده مهد علیا در مدرسه قاسم خان»
 «که والد مهد علیا در ارك دار الخلافه ساخته است و به فرموده مهد علیا»
 «آن مدرسه را به اضافه زمین وسیع تر و بر حجرات آن افزوده بودند مدرس»
 «شد و مدت هفت سال در آن مدرسه تدریس نمود پس از آنکه مرحوم»

«محمدخان قاجار سپه سالار در محله عودلاجان مدرسه بنا فرمود و به»
 «اتمام رسید اورا در آن مدرسه مدرس کرد. و حال بیست سال تخمیناً»
 «متجاوز است که در آن مدرسه به تدریس مشغول است. تاریخ تولدش ماه»
 «ذی القعدة هزار و دو بیست و سی و چهار (۱۲۳۴) مؤلفاتش رساله در اینکه»
 «منطق از علوم حکمیه است تخمیناً سه هزار بیت، رساله در اثبات معاد»
 «جسمانی مسمی به سبیل الرشاد فی اثبات المعاد تخمیناً هزار و پانصد بیت،»
 «حواشی و تعلیقات بر اسفار مرحوم صدر المتألهین، بدایع الحکم جواب»
 «شش مسئله که نواب بدیع الملک میرزا عماد الدوله دام عزه سؤال فرموده»
 «تخمیناً هشت هزار بیت. گاهی هم از غزلیات گفته است [کذا] از آن جمله»
 «این دو فرد است که قابل نوشتن نیست:

«نرگس مست تو تا باده پرستی کندا

هر چه هستی همه چون چشم تو مستی کندا»

«شد زیک نکته عیان از نگهت سر وجود

نیستی بین که بیان نکته هستی کندا»

(۶۶۹)

ذیل:

از اساتید دیگر آن بزرگوار بوده اند:

- ۱- حکیم محقق حاج ملا محمد جعفر لاهیجی شارح مشاعر کما قال به
 فی الرسالة التي عملها فی الوجود الرابطة (۶۷۰)
 - ۲- جناب حاج محمد ابراهیم نقشه فروش (۶۷۱)
 - ۳- عارف الهی آقا سید رضی اللاهیجی (۶۷۲)
- و از آثار دیگر آن بزرگوار است:
- ۱- رساله در وجود رابطة
 - ۲- رساله در حمل (۶۷۳)
 - ۳- تعلیقات بر امهات کتب عقلیه منها تعلیقات علی الشفاء با حواشی بر
 شوارق مطبوع بر حاشیت طبع حاج شیخ رضاء کتاب فروش، سنگی، ۱۳۱۱
 اكمال: گوینو که به زیارت آن بزرگ مستعد آمده بوده است می گوید که:

«مشغول است به نوشتن تاریخ فلسفه‌ای از زمان صدر که بعد از شهرستانی!»

«مشروح‌ترین تاریخ فلسفه است!» (۶۷۴)

ما صحت و سقم این معنی مسلم نداریم و لکن این دانیم که اگر این سخن راست افتد و از مقوله سفرنامه بودن «اسفار» نباشد! و نسخه آن تاریخ فرادست آید و صف بهجت آن نتوان نگفت. بزرگ‌تاریخا که از خامه‌ای چنان ریزد. شطری از احوال باطنیه: قال الطهرانی طاب ثراه:

«وكان... كثير التواضع مع اتزان و وقار حسن الاخلاق رحيب الصدر مهذب»

«النفس صفى الذات عارفا ينظر بنور الله والايمن يتعرف على النوايا الخفيه»

«وما تكنه الضمائر عند الاستخاره بالقرآن الكريم وله فى ذلك قضايا مشهورة»

«وحادثة مشاهدته لجمعة الشيخ الصدوق محمد بن على بن بابويه... كانت»

«مشهورة فى زمان شبابتنا فى طهران» (۶۷۵)

حاجی نایب‌الصدر نیز آورده است که:

«آن جناب علاوه بر فضائل صوری دارای فواضل معنوی بود و در کمال»

«خفیه و سر با جناب منور علی‌شاه دست ارادت داده... در صفای باطن»

«و تهذیب سیر و ارشاد نیز هدایت به سوی راه راست نموده پیوسته از»

«زمره طالبین حق دستگیری می فرموده است» (۶۷۶)

تلامید:

۱- جمال السالکین المولی محمد زمان السوادکوهی الآلاشتی متوفای

لیله پنجشنبه ۱۸ صفر ۱۳۲۲ (۶۷۷)

۲- جلال‌الدین ابوالفضل العنقاء الطالقانی الاویسی (۶۷۸)

۳- شیخ‌الرئیس ابوالحسن میرزای حیرت بدانگونه که خود گوید به جایی:

«در مجلس درس مرحوم آقا علی مدرس حکیم دو سال به مباحثه افتاد»

«گذراندم» (۶۷۹)

۴- آقا شیخ محمد باقر الاصطهباناتی الشهید. افادت سیدالاحکماء

المحققین مولانا اقاالسید جلال‌الدین الموسوی الاشتیانی را دامت برکاته به

ارض اقدس رضوی ارواحنا لتراب اقدام مشرفها النداء به لیله پنجشنبه یازدهم

اردی بهشت پنجاه و چهار.

- ۵- آقا میرزا عبدالمجید الزنجانی (۶۸۰)
- ۶- آقا میرزا طاهر التنکابنی (۶۸۱)
- ۷- آقا شیخ علی النوری (۶۸۲) المعروف بالشوارق
- ۸- الشیخ حیدر النہاوندی (۶۸۳) این بزرگوار خود نیز بہ دیباچہای تقریبیہ کہ بر بدایع آن جناب ساختہ است بہ عباراتی بلیغ، اشارت کردہ است بہ تلامذ خویش از آن بزرگ بہ سالیانی بس دراز.
- ۹- المیرزا ابوالفضل الرشتی المتوفی فی حدود ۱۳۱۶ (۶۸۴)
- ۱۰- آقا میرزا جعفر الاشتیانی الشہیر بمیرزا کوچک والد ماجد آقا میرزا مہدی الاشتیانی (۶۸۵) قدس سرہما
- ۱۱- آخوند ملامحمد الاملی (شعبان ۱۳۳۶-۱۲۶۳) والد ماجد آقا شیخ محمد تقی الاملی (۶۸۶) قدس سرہما
- ۱۲- آقا سید علی صدر العرفاء الصفاء السمنانی متوفای ۱۳۴۸ (۶۸۷)
- ۱۳- آقا سید محمد بن السید محسن الزنجانی (حدود ۱۳۵۸-۱۲۸۴) (۶۸۸)
- ۱۴- آقا سید مہدی بن السید عبد اللہ الموسوی الزنجانی (۱۳۵۹-۱۲۹۶) (۶۸۹) فتأمل.
- ۱۵- آقا شیخ غلام علی شیرازی (۶۹۰) این بزرگوار مقیم مدرسہ سپہ سالار بودہ است و تعلیقاتی از وی بر اسفار بہ کتاب خانہ جمال السالکین مولانا الحکیم رزقنا اللہ لقائه الشریف می بود کہ بسیار می پسندید آنرا.
- ۱۶- آقا میرزا ابراہیم حکمی ابتهاج الحکماء داماد آن بزرگوار متوفای لیلة عاشورای ۱۳۳۲ بہ حوالی شصت و ہشت سالگی. و این است مادہ تاریخ ارتحال او ریختہ خامہ آقا میرزا محمد باقر الجندقی طاب ثراہما
- ارتحال : و قد ارتحل عن دار الغرور الی عالم السرور لیلة السبت ۱۷ ذی- القعدة الحرام ۱۳۰۷ (۶۹۱) قدس اللہ سرہ و فی حظیرة القدس سرہ.

شد ز دنیای دنیه به جنان ابتهاج الحکماء ابراهیم (۶۹۰/۱)

باب چهارم

آقا میرزا ابوالحسن جلوه (۱۳۱۴-۱۲۳۸)

شطری از حیات ظاهری : این بزرگوار نیز رفاقت توفیق را ترجمت حال
حقائق اشتمال خویش به قلم افادت شیم رقم زده است همچون حاجی سبزواری
و آقا علی المدرس قدس الله اسرارهم اجمعین که آن نیز بدین مقام ایراد کنیم :

«شرح حال این اقل السادات ابوالحسن بن سید محمد طباطبائی بر این طریق»
«است: مرحوم والدهم که در علم طب وارد بود و در فنون شاعری قادر،»
«چنانچه مرحوم فاضل خان گروسی در انجمن خاقان که احوال شعرای»
«متأخرین از معاصرین خود را می نویسد شرح حال او را که متخلص به مظهر»
«است به اختصار نوشته است. در اول جوانی از طریق قندهار و کابل به»
«حیدرآبادسند رفت. میرزا ابراهیم شاه که وزیر میر غلام علی خان بود او»
«را به مصاهرت اختیار کرده دختر خود را که خواهر میرزا اسماعیل شاه»
«بود به ازدواج او در آورد و رفته رفته در حضرت میر غلام علی خان منزلتی»
«پیدا کرد. وقتی به ضرورت خواستند سفیری به هندوستان بفرستند او را»
«برگزیدند و به کلکته نزد فرمانفرمای هندوستان به سفارت اختیار کردند.»
«سرجان ملکم انگلیسی در تاریخ سیاحت ایران کیفیت ملاقات او را در»
«هندوستان و استعلام کردن احوال سلاطین صفویه را از او در نوشتن»
«رساله در این باب نوشته است. پس از بازگشتن از مأموریت چون مساعی»
«جمیله از او بروز کرده بود، بعضی در حق او چنانچه رسم است حسد»
«بردند و به بعضی چیزهای خلاف واقع، امیر را در حق او بی میل کردند.»
«به مجرد اینکه بی میلی امیر را دانست ترك آن مملکت کرده، عیال و»
«خانه که داشت به همان حال گذاشته متوجه احمدآباد گجرات شد. در»
«احمدآباد مشغول تجارت و از این وضع و حالت نیز قوامی گرفت. چندی»
«نگذشت که بر امیرسند، صداقت و راستی او انکشاف پذیرفت و عذر»
«بدخواهان آشکار شد. کاغذها نوشته معذرت خواسته و اصرار کردند در»
«معاودت. قبول نکرد و جوابهای خشن نوشت. من در احمدآباد گجرات»
«در ذی قعدة يك هزار و دو بیست و سی و هشت متولد شدم. مدتی به همین»
«حالت در احمدآباد زندگی کرد. بعد اسبابی فراهم آمد که از احمدآباد»
«به بمبئی آمد. چندی که در آنجا ماند اقارب اصفهان و زواره خاصه»

«مرحوم عمو که مردی فاضل و دانا بود، معایب درنگ هندوستان و توقف»
«ایران را نوشته، آدم مخصوص از اقارب را به جهت این کار فرستادند.»
«والد قبول کرده متوجه اصفهان شد. زمان توقفش در سند و هندوستان»
«سی و شش سال بود. چون اغلب اقارب در اردستان و زواره که از مضافات»
«اصفهان است متوطن بودند، هم در زواره، خانه وهم در اصفهان، گاهی»
«در زواره متوقف و گاهی در اصفهان. من در ابتدای ورود اصفهان هفت»
«ساله بودم و هفت سال بعد از آن پدر حیات داشت. پس اوبه ناخوشی و با»
«در گذشت. من چون به مرتبه ای نبودم که بتوانم خود را حفظ کنم و»
«غمخوار و پرستاری نداشتم، از مسافرت هندوستان آنچه پدر اندوخته»
«بود و از او مخلف شد، تلف شد و کار من به پریشانی کشید. چون این سلسله»
«از قدیم الایام اکثر از اهل فضل چنانچه صاحب وسائل شیخ حر عاملی»
«رحمه الله در وسائل جدا اعلا می نماید که میرزا رفیع الدین محمد معروف به»
«نائینی است و صاحب تصانیف بسیار است که از آن جمله حواشی بر اصول»
«کافی و الان بقعه او در تخت فولاد اصفهان مزار عام و خاص است در»
«عداد مشایخ خود می شمارد. و من احوال این گذشتگان را از اقارب»
«خود می شنیدم. با این پریشانی شوق تحصیل در من پیدا شد. با عدم»
«اسباب به اصفهان رفتم و در مدرسه معروف به کاسه گران حجره ای گرفته»
«مشغول گرد شدم. تا آنکه از مقدمات علوم الهیه در نزد میرزا حسن»
«حکیم به اعتقاد خود فارغ شدم. چون فطرتها در میل علوم مختلف»
«است، خاطر من میل به علوم عقلیه کرد و در تحصیل علوم معقول از»
«الهی و طبیعی و ریاضی اوقاتی صرف کردم. خاصه الهی و طبیعی که در»
«ایران متداول است سیمالهی. با آنکه اوائل جوانی رفیق دوست بودم»
«و دوست گیر و صحبت با شعراء و ظرفاء را خوش داشتم و با همسایگان»
«معاشرتی تمام و گاه گاه به حسب وراثت در مجالست با شعراء شعری»
«می گفتم، تا اینکه مرا از طرز سخن آگهی حاصل شد و خوب و بد شعر»
«را تمیز دادم و دانستم که شعر خوب گفتن لازم ایام شباب است، و همه»
«دانند که این گونه معاشرتها مانع همه چیز است خاصه تحصیل، خود را»
«باز نداشتم و همواره اختلاس وقت به جهت این کار می کردم تا اینکه»
«مشغول مطالعه و مباحثه شدم و آنی نیاسودم و اتفاق چنان افتاد که اکثر»
«طلاب دقیق و با فهم با من در این کار مراوده می کردند و با ایشان»
«اهمال مطالب و مداهنه ممکن بود، این معنی مرا بر آن داشت که در»

«این کار که به عقیده بعضی باطل است و به عقیده برخی بی حاصل، کوشش»
 «بلیغ کرده و حظی وافر بردم. مدتی در اصفهان به همین شغل اشتغال»
 «داشتم تا از اقامت اصفهان به جهت شیوع تهی دستی و اصرار در عیب»
 «جوئی و متعرض شدن مردمان به یکدیگر و واجب الاطاعه دانستن برخی»
 «خود را دلتنگ شدم و به طهران آمدم. و بر حسب انس و عادت و عدم»
 «قدرت بر منزل علی حده به مدرسه دارالشفاء فرود آمدم. و الان که سنه»
 «یک هزار و دوویست و نود و چهار هجری است، بیست و یک سال است در»
 «طهرانم. و در این مدت به جز این امر بی فائده که مطالعه و مباحثه علوم»
 «مذکور باشد به شغلی و خیالی دیگر نپرداختم. و چون دانستم تصنیف»
 «تازه صعب بلکه غیر ممکن است، چیز مستقلی ننوشتم. ولی حواشی»
 «بسیار بر حکمت متعالیه که معروف به اسفار است و غیره نوشته‌ام. و»
 «اکنون در دست بعضی طلاب است و محل انتفاع. و این مدت یا از روی»
 «فطرت یا اضطرار، قناعت را پیش نهاد خود کردم و از من تقاضائی تقریراً»
 «و تحریراً به ظهور نرسید و بی دعوت اگر چه دوستان مشتاق بودند نرفتم.»
 «بالفعل اکثر طلاب از شهرهای مختلف که میل به معقول دارند، کردند.»
 «جمعند هر جمعی به خیالی. برخی محض آه و ختن اصطلاح و طائفه‌ای به»
 «جهت آراستن مجالس و شرمه‌ای به جهت صداقت و ساده لوحی و اعتقاد»
 «به عالم تجرد شرح این طائفه است. ثلثه من الاولین و قلیل من الاخرین.»
 «باری هر کسی از ظن خود شد یار من - و از درون من نجست اسرار من»
 (۶۹۲)

ذیل: اساتید این بزرگوار بدانجا که بر آن آگاهیم این بزرگانند:

- ۱- آقا میرزا حسن بن المولی الاخواند الماعلی النوری (۶۹۳)
 - ۲- استاد الحکماء آخوند ملا عبد الجواد التونی الخراسانی (۶۹۴) متوفی
 غره صفر ۱۲۸۱ از تلامید آخوند نوری (۶۹۵). قال الطهرانی:
- «... کان مشهوراً بالمقدرة التامة علی تدریس القانون للشیخ رئیس این
 «سینا... قرأ علیه استاذنا شیخ الشریعه الاصفهانی ایام تحصیله باصفهان»
 «و کان یثنی علیه شیرا» (۶۹۶)
- ۳- آقا میرزا حسن چینی علی الظاهر متوفی به ۱۲۶۴ از تلامید آخوند
 نوری (۶۹۷). و این استاد، ظاهراً همان باشد که گوینو از او به (میرزا حسن

جیلانی) تعبیر کرده است (۶۹۸) و مجدالاسلام به (میرزا حسن ورزنده) و این دومی افزون داشته که آن بزرگ:

«یکی از حکماء الهیه، دارای معلومات عقلیه، در مدرسه چهارباغ اصفهان»
 «ساکن بود. و جماعتی از اهل ذوق و صفا از طبقه حکماء و شعراء با او»
 «مراوده داشتند» (۶۹۹)

شطری از احوال ظاهریه:

۱- روایت کرد مرا مرحوم مغفور آقا شهاب فیلسوف رحمه الله از پدر خویش حکیم متأله آقا میرزا ابراهیم الریاضی الحکمی الزنجانی قدس سره به صبح دوشنبه ۱۳۵۰/۵/۱۲ که میرزای جلوه:

«پیوسته به نیم شب برخاستی و دو گانه به درگاه یگانه گذاشتی و تافجر»
 «برآید به حجره اندرون به ورزش تن گذراندی. آنگاه نماز صبح کردی»
 «و از پی نوافل و تعقیبات، دو تخم مرغ میل فرمودی پخته به آب بانانی»
 «اندک، و از پی چای، به تدریس نشستی تا دو ساعت مانده به ظهر. و به»
 «حجره اندرون لیمو و شربت می‌داشتی و گاه می‌شدی که ناصرالدین»
 «شاه به دیدن او می‌آمدی و او می‌فرمودی که مرا حالی نیست و او بر»
 «می‌گشتی.»

۲- خیابانی گوید:

«... در سنه ۱۳۱۲ به دیدار فیض آثار این حکیم فرزانه و دانشمند یگانه»
 «مشرف شدم. طرف عصر بود به مدرس معظم له که در مدرسه بود و منزل»
 «و اقامتش هم در آنجا می‌بوده... وارد شدم. و جمعی از کملین حکماء»
 «و مبرزین علماء حاضر و منتظر بودند. حقیر نیز به حلقه اهل دانش وارد»
 «شده نشستم. در این بین از اندرون مدرس با شب کلاه بدون عمامه و»
 «عباء با کسوت خلوت تشریف آورد و نشست و ابداً صحبت رسمی و»
 «تعارف و احوال‌پرسی از کسی نکرده، از خارج مطلبی از حکمت عنوان»
 «فرمود. و در تضاعیف بیانات خود اشعار فارسی شواهد مقالات می‌آورد...»
 (۷۰۰)

۳- راوی این داستان نیز سید حسن تقی زاده است که:

«مرحوم احتشام السلطنه به اینجانب حکایت کرد که وقتی... ظل السلطان»
 «به آفتی در چشم مبتلا شد و از اصفهان به طهران آمد و قصد کرد برای»
 «معالجه به اروپا برود، ناصرالدین شاه اجازه نداد و گفت بهترین کحال»
 «فرنگ را آنچه مخارج باشد می دهیم و اینجا می آوریم. پس با خرج»
 «مبالغ گزاف (گالزووسکی) مشهورترین طبیب چشم فرانسوی را راضی»
 «کردند تا برای مدت کوتاهی از پاریس به طهران بیاید و آمد و در قصر»
 «ظل السلطان که بعدها وزارت معارف شد و حالا هم هست جای گرفت و»
 «مشغول معالجه چشم شاعرزاده شد. در این بین در اوقات فراغت دیگران»
 «را هم معاینه و معالجه می کرد البته بدون اجرت. پس مردم طهران خبر»
 «شدند که طبیب نامداری که کور را بینا می کند اتفاقاً به طهران آمده و»
 «ریختند به آنجا. و برای نشان دادن چشم خود به او برعم دیگر سبقت»
 «می جستند و از آن جمله بودند اعیان و معارف (کذا) و شاعرزادگان و»
 «رجال و اشراف بطوریکه آن چندساعتی که او در اطاق پشت طالار بزرگ»
 «مشرف بر باغ و در بیرونی مشغول پذیرائی مرضی بود، نه تنها طالار از»
 «منتظرین پر بود، بلکه دنباله صفوف تا در باغ و خیابان هم می رسید.»
 «فلذا آن طبیب نامدار ترتیب نوبت مقرر کرده بود که هر کس به نوبت»
 «بعد از دیگری پیش او برود. روزی مرحوم علاء الدوله برادر بزرگ»
 «احتشام السلطنه برای معاینه چشم نزد طبیب فرانسوی رفته بود و برادرش»
 «را که فرانسه می دانست نیز برای کمک همراه خود برد. مشارالیه نقل»
 «کرد که پس از انتظار زیاد که نوبت به علاء الدوله رسید و ما وارد اطاق»
 «(گالزووسکی) شدیم و پشت سرما به ترتیب نوبت صفوفی از انبوه»
 «مردمان محترم منتظر بودند، در ورود نزد طبیب از پنجره مشاهده شد»
 «که آخوندی (درواق سیدی) کوتاه قد و پیر عصا در دست با قد خمیده»
 «از در بیرونی از خیابان وارد باغ می شود. به مجرد دیدن او علاء الدوله»
 «عقب کشیده و به کحال فرانسوی گشت خواهش می کند آن آقا را بیرون»
 «می آید مقدم بدارید و نوبت مرا به او بدهید و من باز منتظر می سوم.»
 «مسیو (گالزووسکی) با کمال تعجب و قدری تغییر لنت یعنی چه اگر شما»
 «از نوبت خود صرف نظر کنید، نوبت به تالی شما می رسد و شاید صد نفر»
 «پشت سر شما هست تا نوبت به آن آخوند حقیر برسد. علاء الدوله جواب»
 «داد به هر حال من نمی آیم و یقین هم دارم که تمام رجال و محترمین هم»
 «که بعد از من نوبت دارند صرف نظر خواهند کرد تا آن آخوند اول معالجه»

«شود. پس علاءالدوله از اطاق بیرون آمد و طبیب فرانسوی با کمال»
 «حیرت مشاهده کرد که هر کس را به نوبت یکی بعد از دیگری نزد خود»
 «خواند، همان حرف را گفتند که اول باید آن سید معالجه شود و همه»
 «راه دادند تا آن دانشمند عصاکوبان و آهسته به اطاق کحال رفت. آن»
 «آخوند مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه بود که هر کس نظرش به او افتاد،»
 «در مقام تکریم پابه عقب گذاشت و این امر تأثیر عجیبی در حکیم فرانسوی»
 «کرد که قدک پوشی به خاطر علمی بر خیزپوشان در این مملکت تقدم دارد»
 «وجمله به حرمت او کرنش و تعظیم می کنند» (۷۰۱)

شطری از احوال باطنیه:

۱- اقبال به شاعری: میرزای جلوه را قدس سره دیوانی است مختصر که
 علی الظاهر از پی ارتحال آن بزرگ از دار غرور به سرای سرور، آقا میرزا
 علی خان عبدالرسولی، آن را تدوین کرده است و آقا میرزا احمد خان سهیلی
 خوانساری به ۱۳۴۸ به طهران طبع کرده. بالاخص حاوی قصائدی در تتبع از
 قدماء اساتید خراسان که از آن جمله است قصیدتی غراء که بیتی چند از مطلع آن
 بدین مقام ایراد کنیم و هی هده:

خویش بنشناسی ای فرو شده در تن
 تن بهل این غفلت دراز بدر کن
 چند نمائی که تو منی بنه این ریو
 ای تن خاکی که نیستی تو همی من
 وقتی اگر جان فسرده گردد و نالان
 از قبل رنج تن خلاف مبر ظن
 زانکه گهی افتد آنکه پژمان گردد
 مرد ز ویرانی سرای نشیمن
 دلت در این غمکده نگرده شادان
 خواه به گلشن خرام خواه به گلخن

گردون چون هاون است و کوبه حوادث
 نرم شدم اندر این مطبق هاون
 ذره‌ای از مهر این جهان سدراهست
 رمزی از این دان حدیث عیسی و سوزن
 دامن تو قدسیان به لابه بگیرند
 گر تو بر این خاکدان فشانی دامن

۲- آثار:

- ۱- حواشی بر مشاعر
- ۲- رساله در ربط حادث به قدیم (۷۰۲)
- ۳- رساله در حرکت جوهریه
- ۴- حواشی بر شرح الهدایه
- ۵- حواشی بر مبدأ و معاد صدر المتألهین
- ۶- حواشی بر شفاء که بر ظهر نسخه محشی املائی دیده شده است از حکیم ربانی آقا میرزا طاهر تنکابنی قدس الله سرهما و هو هذا:
- «این کتاب مستطاب از کتبی است که مرحوم میرور استاد اعظم و فیلسوف»
 «معظم سید بزرگوار میرزا ابوالحسن متخلص به جلوه طاب‌تراه از اول»
 «آن تدریس می فرمودند و تمام آن را از مباحث کم مقولات عشر تصحیح»
 «فرموده و بر آن حواشی مرقوم داشته‌اند. والحق یادگار بزرگی از آثار»
 «آن مرحوم می باشد. ۴ آذر ۱۳۱۸ محمد طاهر الطبرسی» (۷۰۳)
- ۷- حواشی بر اسفار
- ۸- حواشی بر شرح ملخص چغمینی (۷۰۴)
- ۹- رساله در ترکیب و احکام آن
- ۱۰- تصحیح مثنوی شریف (۷۰۵)
- ۱۱- تعلیقات بر مقدمه قیصری که نسخه آن به حضرت مقدسه سیدالاحکماء

المحققین آقای آقا سیدجلال الموسوی الاشتیانی زیارت شد دامت برکاته الشریفه .

تلامید :

۱- آقا سیدمحمد تنکابنی (سه شنبه ۱۰ ج ۲ ۱۳۵۹-۱۲۷۷) بدانگونه که

خود گوید :

«در خلال این احوال به مجلس درس جناب مستطاب محیط علم معتول آقا»
«میرزا ابوالحسن جلوه نیز که در مدرسه دارالشفاء بود قریب هشت سال»
«حاضر می بودم و نزد وی شوارق و شرح فصوص و زیاده از نصف اسفار»
«اربعه و تمام طبیعیات شفاء و بعضی از الهیاتش را خواندم».

نیز تلمیذ میرزا جهانبخش بروجردی و آقا میرزا حسین سبزواری صاحب رساله
مختصره در باب عقل (۷۰۶)

۲- جمال السالکین المولی محمد زمان السواد کوهی الآلشتی (۷۰۷)

۳- میرزا محمد حسین خان سلطان الفلاسفه (۷۰۸)

۴- میرزا باقرخان حکیم صبوری مدیر الاطباء (۱۳۱۳-۱۳۶۵) که به

قصیدتی از استاد خویش چنین یاد کرده است :

اندر هوای جلوه فلاطون روزگار دارالشفاء و حکمت یونانم آرزوست
(۷۰۹)

۵- آقا سیدعباس الشاهرودی ثم الرضوی متوفای به تکبیرة الاحرام به

محراب مسجد گوهر شاد به جمعه ۸ شوال ۱۳۴۱، مدفون به دارالسیاده (۷۱۰)
صاحب رساله در کلی که طهرانی طاب ثراه مجموعه ای از رسائل استاد به خط
وی دیده است (۷۱۱)

۶- آقامیرزا سیدمحمد علی بن حاجی میرزا رفیعای ضیاء الحکماء نائینی

متوفای حوالی ۱۳۱۰ خورشیدی که راوی داستان (برهان قاطع) و حضور با
آقا میرزا حسن نوری به مجلس سیدعلی محمد به عمارت معتمد الدوله به اصفهان

نیز ملاقات با سید جمال الدین است از استاد (۷۱۲)

۷- آقا محمد حسن القشقائی (۷۱۳)

۸- آقا شیخ علی اکبر النهاوندی ثم الرضوی (۷۱۴) (بین الطلوعین ۱۹

ربیع الثانی ۱۳۶۹ - حوالی ۱۲۸۰) مدفون به رواق دارالسیاده آستانه مبارک

رضوی (ع) (۷۱۵)

۹- آقا شیخ علی القمی (۷۱۶)

۱۰- آقا سید حسین بن السید محمود الطباطبائی القمی (۳۱۷)

۱۱- آقا میرزا حسین صدر الحفاظ القمی (۷۱۸)

۱۲- آقا میر شهاب الحکیم النیریزی (۷۱۹)

۱۳- آقا سید حسین البادکوبی (۷۲۰)

۱۴- آقا میرزا جعفر الاشتیانی (۷۲۱)

۱۵- آخوند ملا محمد الاملی (۷۲۲)

۱۶- آقا سید محمد بن السید محسن الزنجانی (۷۲۳)

۱۷- حاج سید نصر الله التقوی

۱۸- شمس العلماء

۱۸- آقا ضیاء الدین الدری الاصفهانی

۲۰- آقا میرزا مهدی آشتیانی

۲۱- آقا سید محمود الحسینی المرعشی النجفی

۲۲- آقا شیخ محمد اسماعیل المحلاتی

۲۳- آقا سید حسن صاحب الزمانی از اعاجیب دهر و اغالیط روزگار

(۷۲۴)

۲۴- آقا شیخ فیاض الدین السرخهی الزنجانی (جمعه ۱۴ ذی الحجّه ۱۳۶۰-

۱۲۸۵) نیز از اجلاء تلامذ آقا شیخ هادی طهرانی مکفر طابت ثراهم صاحب

رساله درماهیت وجود که تقریر بحث آن بزرگوار است (۷۲۵)

۲۵- آقا میرزا احسین علی بن المیرزا محمد رضی المحقق الخلیجی (۱۳۶۳-۱۳۶۳)

(۱۲۷۹) مترجم شفاء به پارسی (۷۲۶)

۲۶- آقا میرزا ابو الفضل گلپایگانی (۱۳۳۲-۱۲۶۰) (۷۲۷)

۲۷- آقا میر سید محمد بن السید عبدالله البهبهانی (۷۲۸) نیز تلمیذ آقا میرزا

هاشم کما سماعنا عن البعض.

۲۸- آقا سید صالح الخلیجی مترجم و شارح دوازده امام منسوب به شیخ

اکبر محی الدین رضی الله عنه (۷۲۹)

۲۹- آقا میرزا علی اللنکرانی (۷۳۰) متوفای به ۱۳۲۲ به تبریز به وبا (۷۳۱)

۳۰- آقا میرزا طاهر التنکابنی بدانگونه ای که خود می فرماید:

«حقیر در شعبان ۱۳۰۵ (کذا وهو تصحیف) پس از وفات استاد فاضل عارف»

«کامل آقا محمد رضا قمشهای قدس سره در مجمع افادت این سید بزرگوار»

«(جلوه طاب ثراه) شتافتیم... تا اواخر عمرش که سنه ۱۳۲۴ (کذا وهو»

«تصحیف آخر) باشد...» (۷۳۲) مدفون به مقبره آن بزرگوار.

۳۱- آقا میرزا محمد حسین بن مهدی السمنانی (۱۳۶۳-۱۲۸۸) (۷۳۳)

۳۲- آقا شیخ محمد بن علی اصغر الفانی السمنانی (۱۳۲۱-۱۲۴۷) نیز

تلمیذ آقا میرزا شمس الدین الحکیم الالهی و حاج ملا علی السمنانی از مشایخ

نعمة اللهیه (۷۳۴)

۳۳- آقا میر سید محمد بن السید صادق الطباطبائی (۱۳۴۰-۱۲۵۸) (۷۳۵)

۳۴- آقا شیخ عبدالصمد السبزواری (۷۳۶)

۳۵- حاج میرزا عبدالحکیم السبزواری سبط الحاجی السبزواری تلمیذ آن

بزرگوار به یازده سال (۷۳۷) قدس الله اسرار هم.

۳۶- آقا میرزا محمد علی الشاه آبادی کما سماعنا عن تلمیذه العلامة البارع

الشیخ حسن القهرمانی الخبوشانی دامت برکاته و کان ذلك ليلة السبت ۴ رجب ۱۳۹۸.

۳۷- آقا سید اسد الله الخرقانی (۷۳۸) صاحب رساله اثبات الواجب مدفون

به مقبره آن بزرگوار

۳۸- حاج میرزا یحیای دولت آبادی اصفهانی (۷۳۹)

۳۹- آقا میرزا عبدالمجید الزنجانی المتخلص بعنقاء. قال الطهرانی:

«هو الشيخ الميرزا عبدالمجيد بن عبدالعلي الزنجاني... فيلسوف فاضل...»
 «هاجر الى طهران فحضر... في الحكمه على الميرزا ابى الحسن الاصفهاني»
 «الشهير بجلوه... و عاد الى زنجان... و تصدى للتدريس في فنون الحكمه»
 «فتخرج عليه عدد كثير... و كان منزويا عن الناس شديد الالتزام بالاداب»
 «الشرعيه كثير الورع والزهد... له حواشي كثيره على معظم كتب الحكمة»
 «الدراسيه (۷۴۰) توفي سنة ۱۳۲۴ له حاشيه على الشوارق من اوله الى»
 «آخره وحاشية على الشفاء» (۷۴۱)

ذیل: از تلامید آن بزرگوارند این بزرگان:

۱- آقا شیخ فضل الله بن الشيخ نصر الله شیخ الاسلام زنجان (۲ فروردین

۱۳۳۳- جمعه ۲۳ شوال ۱۳۰۳) صاحب حاشیه بر منطق شرح منظومه و تعلیقات
 بر اوائل شوارق تا مبحث وجود ذهنی و رساله در قاعده الواحد و حواشی بر
 حدوث العالم صدر المتألهین و رساله در اثبات اصالة الماده و منشأ قول به اصالت
 الوجود و تضعیف آن و تاریخ علم کلام و تعلیقات بر اوائل المقالات شیخ مفید
 و غیرها (۷۴۲) بقیة سلف و قدوة خلف.

۲- آقا سید حسین ابن القناد الزنجانی متوفای به بعد از ۱۳۳۰ به زنجان و

مدرس معارف حکمیه بدان، استاد معقول آقا میرزا باقر الزنجانی طاب ثراهم

۳- عبدالمجید میرزا (۷۴۳) متوفای ۱۳ رمضان ۱۳۵۳، تصدی لتدريس

الرياضيات والمعقول له حاشية على الاسفار وله شعر رائق (۷۴۴)

۴۰- آقا میرزا عبد الوهاب هزارجریبی استاد شوارق آقا سید صدرالدين

الصدر طاب ثراهما (۷۴۴/۱)

۴۱- بقية الماضين آخوند ملا محمد الهيدجى الزنجانى ثم الرازى (حدود ۱۳۱۴ ش- ۱۲۷۰ ق): این بزرگوار ترجمت حال حقائق اشتمال خویش بدین شرح بیان فرموده است:

«من بنده حاجی ملا محمد پسر حاجی معصوم علی هیدجی در آغاز شباب»
 «در مدرسه واقعه در قریه مزبوره و چند گاهی در دارالسلطنه قزوین به»
 «آموختن علوم رسمیه مانند صرف و نحو و منطق و معانی و بیان اشتغال»
 «داشته، زان پس در دارالخلافة طهران از بهشتی روان آقا میرزا حسین»
 «سبزواری که از سرآمد شاگردان دانشور یگانه و آموزگار فرزانه حاج»
 «ملاهادی سبزواری علیهما رحمة الله الباری بود بهری از علوم کلامیه و»
 «رسوم ریاضیه استفاضه نموده، در محضر حکیم پارع متاله شامخ آقامیرزا»
 «ابوالحسن متخلص به جلوه قدس سره، اخذ معارف حقه و تحصیل معارف»
 «حکمیہ کرده... مدت بیست و پنج سال است در مدرسه منیریه واقع در جنب»
 «سیدناصرالدین به عنوان تدریس معقول به درس و بحث با طلاب مشغولیم»
 «والفتی با مردم و کلفتی با کس ندارم...»

«همانا من از این جهان فراخ قناعت نمودم به این تنگ کاخ»
 «به خود خانمانی نیاراستم تن آسانی خویش را خواستم»
 «بریدم ز پیوند و خویش و تبار نه بگزیده از بهر خود جفت و یار»
 «ز بیگانگان روی برکاشتم به دل آرزوی دگر داشتم»
 «از مؤلفات و منشئات آنچه که مرغوب طلاب واقع شده است تعلیقه بر»
 «منظومه حاجی سبزواری علیه رحمة الله الباری در منطق و حکمت و»
 «مجموعه که مشتمل است به نظم و نثر پارسی و ترکی و عربی در حکمت و»
 «اخلاق و امثال و حکایات و مطایبات غیرها. بسیار مدتی است که از معاشرت»
 «ملول و در زاویه خمول به حال خود مشغولم» (۷۴۵)

ذیل :

- ۱- از آثار دیگر آن بزرگوار است تعلیقات بر اسفار (۷۴۶)
- ۲- شیخ العلماء العاملین مرحوم مغفور آخوند ملاعلی الهمدانی را شنیدم قدس سره به عصر ۱۲ خرداد ۱۳۵۴ که آن بزرگوار صاحب روحانیتی بود عظیم. مدام روی به قبله جلوس می فرمودی و نافله شب ترك نگفتی و (کافی) و امثال آن بر زبر (مغنی) و امثال نهادی.

۳- برخی از تلامید آن بزرگوار اینانند:

۱- آقا میرزا احمد آشتیانی

۲- آقا شیخ محمدتقی آملی

۳- آقا میرزا ابوالحسن شعرانی

۴- آقا جمال نوری

۵- شریعت سنگلچی

۶- آقا میرزا محمد همدانی

۷- آخوند ملاعلی همدانی و این جمله از افادت این بزرگ است من

بنده را به همان روز

۸- آقا شیخ نورالدین شریعتمدار رفیع

۸- آقا شیخ جعفر لنکرانی

۱۰- آقا سید جعفر مرتضوی

۱۱- حاج ملا نظرعلی هیدجی (۷۴۷)

۴- دیوان حقائق ارکان آن بزرگوار که مسمی است به دانش نامه و مصداق

الاسماء تنزل من السماء، مطبوع است و این است بیتی چند از آن:

به سر باز دارم هوای وطن	بر آنم که بگریزم از ملک تن
ستوهیده از این قفس مرغ جان	ز تن عزم پرواز دارد روان
رسید آنکه زین تخمه پر زخون	بر آید همی جوجه جان برون
چو یابد رهائی از این دامگاه	ورا باغ مینو است آرامگاه
خوش آندم که برگردم از راه باز	کنم دیده بر چهره دوست باز
به دیدار یاران شوم شاد کام	بیاسایم از دیدن دیو و دام

۵- سرانجام این بزرگوار به حوالی ۱۳۱۴ خورشیدی از قفس تن برست

و به باغ مینو پیوست و پیکر پاک او به قم المحمیه زاده‌ها الله شرفاً نهادند. قدس

اللہ سرہ و فی حظیرة القدس سرہ.

وفات [جلوہ:] میرزای جلوہ قدس سرہ القدوسی بہ لیلۃ جمعہ ۶ ذی القعدة الحرام سنہ ۱۳۱۴ از دار غرور بہ سرای سرور ارتحال فرمود و پیکر پاک آن بزرگ بہ گورستان ابن بابویہ طاب ثراہ نہادند و نیرالدولہ بنائی بر سر تربت وی برافراشت. مادہ تاریخ او این بیت است از طرب بن ہمای شیرازی:

ششم ماہ شب جمعہ مہ ذی قعدہ

بر فلک جلوہ کنان شد سوی فردوس برین

و لیکن ہذا آخر ما اردنا بیانہ فی ہذا الباب و آخر دعونا ان الحمد لله رب العالمین. بہ پایان آمد جمع و تنسیق این رسالہ بہ نیمہ شب چہار شنبہ ششم صفر الخیر ہزار و چہار صد از ہجرت خواجہ عالم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بہ دست جامع آن سہا عفی اللہ عنہ بہ طہران صینت عن الحدیثان.

فصل سوم

تعلیقات

۱- فصل المقال في ما بين الحكمة والشريعة من الاتصال، مصر، الحميدية

۱۳۱۹، ص ۲

۲- ايضا: ص ۲

۳- ايضا: ص ۲

۴- ايضا: ص ۲

۵- ايضا: ص ۳

۶- ايضا: ص ۶

۷- ايضا: ص ۶-۷

۸- «آقا رضای عکاس باشی که حسب الامر به انداختن عکس جناب حاج ملاحادی مأمور بود خدمت مرجوعه را نموده به حضور مشرف شده از نظر انور مبارک گذرانده... معروض داشت که چون جناب حاجی تاکنون اسباب و آلات این فن را ندیده و انعکاس و انطباع هیکل اشیاء را در صفحه خارج مشاهده نمودند از مشاهده آن کمال تحیر را پیدا کرده متفکر شدند»: حکیم الملك: سفرنامه اول خراسان. طهران. آقامیر محمد باقر، ۱۲۸۶. ص ۱۳۲

۹- طبع دارمکتبه الحیات، بیروت. بلاتاریخ، ج ۲ ص ۱۸-۱۹

۱۰- شرح المقاصد: استانبول، محرم افندی، ۱۳۰۵ ج ۱ ص ۵

- ۱۱- الاعتقاد: طهران، شیرازی، ۱۳۲۰ ص ۱۱
- ۱۲- المفصل، پاریس، ۱۲۵۴، ۱۱۱ظ: Pines: ابوریده: مذهب الذره، مصر، النهضه، ۱۹۴۶ ص ۶۰ ح
- ۱۳- آقای صبحی الصالح به فهرست نهم از فهارس ممتعه نهج البلاغه به عنوان «فهرس العبارات الشبيهه بالفلسفیه والکلامیه» این کلمات را احصاء کرده است فله الشکر: بیروت، بلا مطبع، ۱۹۶۷
- ۱۴- طهران، ملاعباسعلی، ۱۲۶۶، دفتر سوم، ص ۳
- ۱۵- شرح الکافی، ظاهرآ طهران، بلا مطبع و تاریخ و صفحه
- ۱۶- السماء والعالم، طهران، آقا سید محمد باقر، ۱۲۸۹، بلا صفحه.
- باب حقیقه النفس والروح
- ۱۷- الوسیله، ظاهرآ اصفهان، بعد از ۱۳۲۶ ص ۵۷ س ۱۲-۷. این حدیث در این منابع نیز وارد است مرسل و علی الظاهر مروی عن الکشکول: الطریحی: مجمع البحرین، تبریز، مشهدی حاجی آقا، ۱۲۷۴ ص ۳۲۳ - صدر المتألهین: شرح اصول الکافی: باب الروح - فیض: کلمات مکنونه، بمبئی، محلاتی. ظاهرآ ۱۲۹۶، ص ۷۵-۷۶ - هکذا: قره العیون، ظاهرآ طهران، بلا مطبع. ظاهرآ ۱۲۹۹ ص ۱۹ - سبزواری: شرح دعای صباح، طهران. آقا محمد باقر، ۱۳۲۲ ص ۴۶-۴۷ - دهکردی: ص ۵۶. شروحن نیز بر آن نوشته اند که از آن جمله است شرح مزجی دهکردی: (ص ۱۲۹-۵۷) با شرح حاج محمد خان بن حاج محمد کریم خان به کتاب المبین (:رضوی: تذکره الاولیاء، کرمان، سعادت، ۱۳۸۷، ص ۱۵۴). به گونه ای مفصل تر نیز آمده است مشحون از مصطلحات به عنوان حدیث اعرابی بنگرید به فیض: الکلمات: ص ۷۵-۷۶ - قره العیون، طهران، اسلامیه، ۱۳۷۸ ص ۳۶۶
- ۱۸- ادب الوزیر، مصر، الخانجی، ۱۹۲۹ ص ۵۷

- ۱۹- الفهرس؛ مصر، الرحمانيه، ۱۳۴۸ ص ۳۸۸
- ۲۰- طبقات الاطباء، مصر، المعهد الفرنسي، ۱۹۵۵ ص ۶۱: ببايد اشعار
کرد که اين متن را در تاريخ فلسفه اسلامي اهميتي است خاص.
- ۲۱- عيون الانباء، مصر، الوهبية، ۱۸۸۲ ص ۱۶۳- تاريخ الحكماء، لايزيك،
۱۹۰۳ ص ۸۰
- ۲۲- ص ۲۰۳
- ۲۳- تنمة صوان الحكمة، دمشق، المجمع العلمي، ۱۹۴۶ ص ۱۶
- ۲۴- المقابسات، مصر، الرحمانيه، ۱۹۲۹: ص ۷۱-۷۲
- ۲۵- طبقات الامم، الكاثوليكيه، ۱۹۱۲، ص ۵۳
- ۲۶- ابن ابى اصيبعه، ج ۲ ص ۱۳۴-۱۳۵. قريب به ابن معنى در التنبيه و
الاشراف مسعودي نیز هست منقول در: بدوي: التراث اليوناني، مصر، الاعتماد،
۱۹۴۰ ص ۶۳-۶۴
- ۲۷- كشف الظنون، استانبول، المعارف، ۱۹۴۱ ص ۶۸۳
- ۲۸- بنگريد به رساله ابو عبيد منقول در عيون الانباء: ج ۲ ص ۴-۳
- ۲۹- به مقاصد نيز مي گويد:
- «واعرفك اولاً ان علومهم اربعة اقسام الرياضيات والمنطقيات والطبيعات»
«والالهيات اما الرياضيات فهي نظر في الحساب و الهندسه و ليس من»
«مقتضيات الهندسه و الحساب ما يخالف العقل ولاعي مما يمكن ان يقابل»
«بانكار و جحد و اذا كان كذلك فلا غرض لنا في الاشتغال بايراده . و اما»
«الالهيات فاكثر عقائدهم فيها على خلاف الحق! و الصواب نادر فيه و»
«المنطقيات فاكثرها على منهج الصواب و الخطاء نادر فيها و اما يخالفون»
«اهل الحق فيها بالاصطلاحات و الايرادات دون المعاني و المقاصد اذ غرضنا»
«تهذيب طرق الاستدلالات ذلك مما يشترك فيها النظار و اما الطبيعات»
«فالحق فيها مشوب بالباطل و الصواب فيها مشبه بالخطا فلا يمكن الحكمة»
«عليها بغالب و مغلوب»: مصر، السعاده، ۱۳۳۱ ص ۳
- ۳۰- تهافت الفلاسفه، مصر، الحلبي، ۱۳۲۱ ص ۵-۳

- ۳۱- تہافت التہافت، مصر، الحلبي، ۱۳۲۱ ص ۲
- ۳۲- دری: کتر الحکمه (پارسی کردہ نزهة الارواح) طهران، دانش، ۱۳۱۶ ج ۲ ص ۴۳
- ۳۳- شرح الاشارات، طهران، بلامطبع، ظاهراً ۱۳۰۵ ص ۱
- ۳۴- ج ۲ ص ۱۴۳
- ۳۵- حکمة الاشراق، طهران، ايران و فرانسه، ۱۹۵۲، ص ۱۱-۱۰
- ۳۶- ايضاً، ص ۱۲
- ۳۷- المظاهر الالهيه، مشهد، خراسان، ۱۳۸۰ ص نہ
- ۳۸- چنانکہ خود بہ شرح حديث اول كافي مي فرمايد:
- «حدثني شيخى واستادى ومن عليه فى العلوم النقلية استنادى عالم عصره»
«وشيخ دهره بهاء الحق والدين محمد الحارثى الهمدانى العاملى نور الله»
«قلبه بالانوار القدسيه... واخبرنى سيدى و سدى استادى واستنادى فى»
«المعالم الدينيه والعلوم الالهيه والمعارف الحقيقيه و الاصول اليقينيّه»
«السيد الاجل الانور... اعجوبة الدوران المسمى بمحمد الملقب بباقر»
«الداماد الحسينى قدس الله عقله...»
- ۳۹- توفى بالبصره وهو متوجه للحج فى العشر الخامس من هذه المأة
رحمه الله: سيد على خان: السلافه، مصر، الخانجى، ۱۳۲۴، ص ۴۹۹ س ۱۲
- ۴۰- المبدأ والمعاد ص ۲۸۷ منقول در: نعمه: فلاسفة الشيعة، بيروت،
الحيات، ۱۹۳۰ در ترجمه سبزوارى (ص ۵۹۹-۵۵۳)
- ۴۱- العرشيه، طهران، شيرازى، ظاهراً ۱۳۱۵ ص ۱
- ۴۲- ايضاً، ص ۱۶
- ۴۳- ايضاً، ص ۲۲
- ۴۴- المشاعر، طهران، شيرازى، ۱۳۱۵ ص ۳
- ۴۵- العرشيه، ص ۹۱-۹۰
- ۴۶- ايضاً، ص ۹۱

- ۴۷- به شب دوشنبه اول محرم الحرام ۱۳۹۵ در گذشت رحمة الله عليه.
- ۴۸- یادنامه صدرا، طهران، دانشگاه، ظاهراً ۱۳۴۰، مقالت آقای قزوینی ص ۴
- ۴۹- مازندرانی: حکمت بوعلی، طهران، چاپ کتاب، ۱۳۳۵ ج ۱ ص ۸
- ۵۰- نسخه ای از آن به کتابخانه مرکزی دانشگاه دیده شد (ش ۵۵/۶ علمی)
- ۵۱- مضبوط به نمرة ۱۱۶۹ ب در کتابخانه دانشکده معقول و منقول دانشگاه طهران
- ۵۲- جواب این کلام واهی در کتب سیدال حکماء المتألّهین آقای آقاسید جلال آشتیانی دامت برکاته الشریفه به تفصیل فصیل موجود است فراجع ان شئت. توضیح: این شماره متعلق است به صفحه ۲۴ سطر ۵ بعد از کامة (نمی برد) که متأسفانه از اصل ساقط است
- ۵۳- بحرانی: لؤلؤة البحرین. النجف. النعمان. بلا تاریخ ص ۱۳۲
- ۵۴- کشکول هیدجی: علی الظاهر زنجان، بلا مطبع و تاریخ ص ۹۷
- ۵۵- بالاخص در «البعث والنشور»: ظاهراً تبریز. بلا مطبع و تاریخ
- ۵۶- شرح مشاعر لنگرودی، مشهد. زوار. ۱۳۴۲، مقدمه. ص ۲۶-۲۵
- ۵۷- طهران. ۱۳۰۷ ج ۳ ص ۴۱۷
- ۵۸- ایضا. طهران، اسلامیة. ۱۳۶۷ ص ۶۲۴ - ایزد گشسب:
- شمس التواریخ، اصفهان، محمودیه. ۱۳۳۱ ص ۳۱
- ۵۹- خوانساری: ۱۳۰۷ ج ۳ ص ۴۱۷. او خود نیز شاگرد بیدآبی بوده است و به ۱۲۰۳ از این عالم در گذشته: طهران: الکرام البرره. النجف. العلمیه ۱۹۵۴ ع ۱۰۹ - جبل عاملی: اعیان الشیعه: بیروت. الانصاف. ۱۹۶۰ ج ۷ ع ۸۸۶
- ۶۰- آقای راز: حالات و مقامات قطب، تبریز، رضائی، بلا تاریخ. ص ۶

- ۶۱- امین الشرع خوئی: میزان الصواب فی شرح فصل الخطاب،
ظاہرا تبریز، بلامطبع، ۱۳۳۴ ص ۵۳۸
- ۶۲- ایضا: ص ۵۵۴
- ۶۳- روضات، ۱۳۶۷ ص ۶۲۴
- ۶۴- طهرانی: الذریعه، النجف، الغری، ۱۹۳۶ ج ۱ ع ۹۸۷
- ۶۵- اعجاز حسین: کشف الحجب، کلکته، بیتس مشن، ۱۳۳۰ ع ۴۰۵
- ۶۶- روضات، ۱۳۶۷ ص ۳۳
- ۶۷- ایضا: ص ۳۱
- ۶۸- زنوزی: ریاض الجنه، مرکزی، ۱۶۲۱ فیلم، الروضة الرابعه (بلا-
صفحہ). قزوینی به تتمه الامل صاحب ابطال زمان موهوم را غیر از «اسماعیل
بن محمد حسین...» دانسته است: جبل عاملی: اعیان الشیعه، بیروت، دارالشرق،
۱۳۸۱ ج ۱۲ ع ۲۱۷۶ و آن علی الظاهر عاری از وجه است.
- ۶۹- حاجی نوری: خاتمة المستدرک، طهران، خوانساری، ۱۳۲۱
ص ۳۹۶
- ۷۰- لؤلؤة البحرین، طاهر آ طهران، بلامطبع، ۱۲۶۹ ص ۳
- ۷۱- خاتمة المستدرک: ص ۳۸۷
- ۷۲- ایضا ص ۳۸۷
- ۷۳- روضات: ۱۳۶۷ ص ۶۲۵
- ۷۴- میرزا محمد علی: نجوم السماء، لکهنو، جعفری، ۱۳۰۳، ص ۲۹۵
منقول از تحفة العالم تستری
- ۷۵- نوری: ص ۳۶۹
- ۷۶- ایضا: ص ۳۸۷
- ۷۷- ایضا: ص ۳۸۶

۷۸- حاجی نوری: الفیض القدسی، امین الضرب ص ۲۳ منقول از تسمیم

الامل

۷۹- روضات: ۱۳۶۷ ص ۱۹۷

۸۰- ایضا: ص ۱۵۶

۸۱- ایضا: ص ۱۹۷

۸۲- ایضا: ص ۱۵۶

۸۳- ایضا: ص ۱۵۹

۸۴- نوری: ص ۳۸۶

۸۵- وقد قرأ علیه الحاشیة القدیمة وشرح الاشارات والشفاء كما ذكره

فی حدائق المقربین: خوانساری: ص ۱۹۵

۸۶- ایضا: ص ۶۴۲

۸۷- لؤلؤة البحرين، بمبئی، ملك الكتاب، بلاتاریخ، ص ۶ - نوری:

ص ۳۸۸

۸۸- اعجاز حسین: ع ۱۵۳

۸۹- بحرانی: ص ۸

۹۰- ایضا: ص ۷ - نوری: ص ۳۸۸

۹۱- بحرانی: ص ۷

۹۲- تنکابنی: قصص العلماء، ظاهراً طهران، میرزا حبیب الله، ۱۳۰۴

ص ۲۰۷

۹۳- نوری: ص ۳۸۸

۹۴- بحرانی: ص ۵۹ - تنکابنی: ص ۲۱۷

۹۵- چاپقلی: الروضة البهیة: ظاهراً طهران، بلامطبع و تاریخ (قبل از

۱۲۹۴) و صفحه، در احوال شیخ احمد احسائی

- ۹۶- نوری: ص ۳۸۸
- ۹۷- بحرانی: ص ۱۰
- ۹۸- ایضا: ص ۳۳
- ۹۹- ایضا: ص ۵۵ - چاپقلی: در احوال احسانی
- ۱۰۰- بحرانی: ص ۵۶ - نجوم السماء: ص ۸۴
- ۱۰۱- بحرانی: ص ۵۶
- ۱۰۲- بدانگونه که صاحب رسائل، به امل الامل که به جمادی الثانی۱۰۹۷ از آن فارغ آمده است به ترجمه وی گوید: «سکن شیراز الی الان»: ظاهرآ طهران، بلامطبع، ۱۳۰۲ ص ۴۶ س ۸
- ۱۰۳- منطق و فلسفه، طهران، ناطق، ۱۳۴۵ ص ۱۰-۹
- ۱۰۴- نصر آبادی: تذکره، طهران، ارمغان، ۱۳۱۷ ص ۵۴
- ۱۰۵- جبل عاملی: الاعیان، دمشق، الاتفاق، ۱۹۴۹ ج ۳۱ ص ۱۹۸
- ظاهرآ منقول از تتمیم الامل.
- ۱۰۶- افندی: ریاض العلماء، مرکزی دانشگاه، ۵۷۴۱ عکسی ج ۲/۲
- باب الرء ص ۲۰۱
- ۱۰۷- جبل عاملی: ص ۱۸۹
- ۱۰۸- افندی: المجلد الثانی من القسم الاول ص ۱۰۶
- ۱۰۹- ولی قلی بیگ: قصص خاقانی، مجلس، ۲۱۵۶، ص ۷۷۱
- ۱۱۰- افندی: ص ۱۰۶
- ۱۱۱- ولی قلی بیگ: ص ۷۷۱
- ۱۱۲- خوانساری: ص ۳۰۲
- ۱۱۲- افندی: در ترجمه مولی رجب علی
- ۱۱۴- حزین: تاریخ، اصفهان، تأیید، ۱۳۳۲ ص ۴۷

- ۱۱۵- زنوزی: الروضة الرابعه
- ۱۱۶- مرعشی: رساله احوال کمره‌ای در مقدمه تحفه، طهران، خاور. ۱۳۳۹
- ۱۱۷- زنوزی: الروضة الرابعه
- ۱۱۸- آیتی قائمی: بهارستان، طهران، شرکت چاپ، ۱۳۲۷ ص ۲۷۹- ۲۷۸
- ۱۱۹- مجذوب: مرآت الحق، طهران، ارمغان، ۱۳۱۵ ص ۶۷
- ۱۲۰- ایضا: ص ۶۷
- ۱۲۱- معلم: مکارم الاثار، اصفهان، محمدی، ۱۳۷۷ ص ۷۰
- ۱۲۲- زنوزی: الروضة الرابعه
- ۱۲۳- حجت علی: مقالات الحنفاء، طهران، مظاهری، ۱۳۶۹ ص ۱۴۰
- ۱۲۴- هدایت: ریاض العارفین، طهران، مهدیه، ۱۳۱۶ ص ۴۸۲
- ۱۲۵- کماقال الزنوزی: «... ماهر فی فنون الحکمه والتصوف له اطلاع عظیم و میل کثیر الی التصوف قرأنا علیه نبذاً من الاسفار الاربعه والدفتر الرابع من المثنوی»: الروضة الرابعه
- ۱۲۶- مجذوب: ص ۶۷
- ۱۲۷- ایضا: ص ۶۷
- ۱۲۸- مهدوی: تذکره القبور: اصفهان، ثقفی، ۱۳۴۸ ص ۵۰۱
- ۱۲۹- آدمیت: دانشمندان پارس، طهران، اسلامیه، ۱۳۳۷ ج ۱ ص ۱۹۶
- ۱۳۰- این تاریخ را دوتن ضبط کرده اند یکی السید ابراهیم الطباطبائی که علی الظاهر از تلامیذ آخوند بوده است به ظهر نسخه‌ای از اسفار (طهرانی: اعلام الشیعه، القسم الثانی، النجف، العلمیه، ۱۹۵۴ ع ۷) و دو دیگر آخوند ملاعباسعلی بن نجف علی التبریزی از ریاضیون معاصر وی (ایضا، الجزء-

الثانی ع (۱۲۶۷)

۱۳۱- سرکار آخوند خود به تعلیقه‌ای به میرزای قمی اشارت به تلمذ از این دو بزرگوار کرده است و از نخستین به «فخرالمحققین ملاذ طلاب الیقین قدوة الحکماء الالهین محی مراسم العرفاء المتشرعین الموحدین سیدی وسیدی و سیدالجمیع آقائی آقا محمدبن آقا محمدرفیع رفعه الله تعالی مع الائمة الطاهرین علیهم السلام» و از دومین به «عمدة الحکماء استادی میرزا ابوالقاسم» یاد فرموده: تنکابنی: قصص العلماء، طهران، اسلامیه، بلاتاریخ ص ۱۵۳ - ۱۵۴.

۱۳۲- خوانساری: ۱۳۰۷، ص ۴۱۷

۱۳۳- ایضا: ص ۴۱۷

۱۳۴- اصول الفصول: مجلس، ۲۱۰۳، ص ۶۴۹

۱۳۵- ایضا: ص ۶۵۱

۱۳۶- تنکابنی: قصص العلماء، سپه سالار، ۲۶۹۳، ص ۱۶۷

۱۳۷- هدایت: ریاض العارفین، طهران، ۱۳۰۵، ص ۳۲۸

۱۳۸- ایضا: ص ۳۲۸

اشاره: هدایت به ریاض اورا به عباراتی سترک می‌ستاید از این قبیل: «الحکیم الالهی ومخزن علوم لایتناهی... به مجاهده و تصفیة نفس شریف اشتغال داشت و به مرور دهور در فن حکمت الهی پایه اعلی دست داد در اشراق در گیتی طاق شده... دیرگاهی است که مانند آن جناب فاضل ودانا و حکیم بینا به ظهور نیامده است...» و سبب تناقض در گفتار وی دانسته نیست.

۱۳۹- زنوزی: الروضة الرابعة

۱۴۰- ایزدگشسب: ص ۳۱

- ۱۴۱- ص: ۶۶
- ۱۴۲- ایزدگشوب: ص ۳۱
- ۱۴۳- مطبوع بر حاشیت مشاعر، طهران، شیرازی، ۱۳۱۵
- ۱۴۴- تنکابنی: اسلامیه ص ۱۲۸
- ۱۴۵- صاحب جواهر: آثار الشیعه، ظاهرآ طهران، ۱۳۳۸ ج ۶ ص ۶۰
- ۱۴۶- تنکابنی: سپه سالار، ص ۱۶
- ۱۴۷- ایضا: ص ۱۶
- ۱۴۸- مطبوع بر حاشیت تفسیر سورة اعلاى صدر المتألهین: طهران، کربلائی محمد حسین، ۱۳۰۵
- ۱۴۹- نیز مرآت العارفین - مناسک العاشقین - زاد المسافرین - الکبریت الاحمر - بطلان تناهی الابعاد.
- ۱۵۰- جواب اسئلة بعضی از سلاک، کتابخانه امین الشریعه سبزوارى
ص ۱۷
- ۱۵۱- هردو: طهران، شیرازی، ۱۳۱۵
- ۱۵۲- گنابادی: نابغه، طهران، تابان، ۱۳۷۴ ص ۲۲
- ۱۵۳- صاحب جواهر: ص ۶۰
- ۱۵۴- تنکابنی: سپه سالار، ص ۵۹
- ۱۵۵- ایضا: ص ۵۹
- ۱۵۶- ایضا: ص ۵۹
- ۱۵۷- ایضا: ص ۵۹
- ۱۵۸- ریاض: الروضة الرابعه
- ۱۵۹- هدايت: اصول، ص ۶۴۹
- ۱۶۰- ایضا: ظاهرآ در ترجمت حسینعلی شاه طاب نراه

- ۱۶۱- سپهر: گلزار، تبریز، چاپ کتاب، ۱۳۴۲، ص ۹۳
- ۱۶۲- قمی: الفوائد، طهران، مرکزی، ۱۳۲۷، ص ۴۳۶
- ۱۶۳- مهدوی: ص ۲۴۹
- ۱۶۴- ایضا: ص ۶۸
- ۱۶۵- ایضا: ص ۱۳۵
- ۱۶۶- روضاتی: ص ۱۹۱-۱۹۴
- ۱۶۷- مهدوی: ص ۱۳۶
- ۱۶۸- ایضا: ص ۱۵۷
- ۱۶۹- ایضا: ص ۲۵۶-۲۵۷
- ۱۷۰- ایضا: ص ۵۴۹
- ۱۷۱- ایضا: ص ۲۶۸-۲۶۹
- ۱۷۲- ایضا: ص ۳۹۹
- ۱۷۳- گوینو: مترجم همایون: مآذاب و فلسفه در آسیای وسطی،
طهران، ظاهراً ۱۳۲۸، ص ۸۳
- ۱۷۴- ایضا: ص ۸۳
- ۱۷۵- ایضا: ص ۸۳
- ۱۷۶- ایضا: ص ۸۳-۸۴
- ۱۷۷- ایضا: ص ۸۴
- ۱۷۸- ایضا: ص ۸۴
- ۱۷۹- ایضا: ص ۸۴
- ۱۸۰- ایضا: ص ۸۴
- ۱۸۱- قصص العلماء، طهران، اسلامیة، بلاتاریخ ص ۷۱-۷۲
- ۱۸۲- گوینو: ص ۸۳

۱۸۳- میرزا ابوالحسن فروغی: مقدمهٔ تحریر العقلاء، طهران، ارمغان،

۱۳۱۲ ص ط

۱۸۴- ایضا: ص ح-و

۱۸۵- اعلام الشیعه، القسم الثانی، النجف، العلمیه، ۱۹۵۴ ص ۵-۶

۱۸۶- ایضا: ص ۴۱۰

۱۸۷- ایضا: ص ۱۵

۱۸۸- مولنا: تاریخ بروجرد، ظاهر آقم بلاتاریخ ج ۲ ص ۴۲۵-۴۰۹

۱۸۹- المقدمه، بیروت، الادبیہ، ۱۹۰۰ ص ۵۴۵

۱۹۰- مہدوی: ص ۳۲۷

۱۹۱- ایضا: ص ۳۲۷

۱۹۲- آشتیانی: شرح حال ملاصدر، مشهد، خراسان، گویا ۱۳۴۰

ص ۲۲۵

۱۹۳- مشهد، زوار، ۱۳۴۲

۱۹۴- مدرس: ریحانۃ الادب، تبریز، شفق، ۱۳۴۶-۹ ج ۵ ص ۱۲۴

۱۹۵- طهرانی: الذریعہ، طهران، بانک ملی، ۱۳۲۵ ج ۶ ع ۶۱۴

۱۹۶- آشتیانی: ص ۲۱۵

۱۹۷- مہدوی: ص ۳۲۷

۱۹۸- ص: ۲۱۵

۱۹۹- میرزای عبرت: مدینۃ الادب، نسخۂ اصل، مجلس ۴۱۸۲ ج ۱

ص ۷۳۲

۲۰۰- طهرانی: اعلام الشیعه، النجف، القضاء، ج ۲ ق ۲ ع ۱۰۲۷

۲۰۱- تحویل دار: جغرافیای اصفهان، طهران، دانشگاه، ۱۳۴۲ ص ۶۸

۲۰۲- ہدایت: مجمع الفصحاء، طهران، آقا میرزا محمد باقر، ۱۲۹۵

ج ۲ ص ۲۱۲

۲۰۳- میرزای عبرت: مجلس ۲۶۴۵۰ ج ۲ ص ۱۰۱

۲۰۳- سپهر: گلزار، ص ۹۲

۲۰۵- آشتیانی: مقدمه شرح مشاعر، ص ۲۵

۲۰۶- مقدمه الشواهد، مشهد، دانشگاه، ۱۳۴۶ ص ۱۰۸

۲۰۷- ایضا: ص ۱۲۱

۲۰۸- ایضا: ص ۱۱۷

۲۰۹- مدرس: ریحانة الادب، طهران، طبع کتاب، ۱۳۳۵ ج ۱ ص ۱۲

۲۱۰- صاحب الجواهر: دائرة المعارف، طهران، مجلس، ظاهر آ ۱۳۲۰

ج ۱ ص ۱۳

۲۱۱- مدرس: ص ۱۲

۲۱۲- مجذوب: ص ۶۷

۲۱۳- تاریخ: ص ۲۶

۲۱۴- جبل عاملی: اعیان الشیعه، دمشق، الاتفاق، ۱۹۴۶ ج ۲۲ ع ۴۲۴۹

۲۱۵- مهدوی: ص ۲۸۸

۲۱۶- افندی: ریاض العلماء مرکزی دانشگاه، ۵۷۴۱ عکسی ق ۲ ج ۲

ص ۲۶

۲۱۷- نصر آبادی: تذکره، طهران، ارمغان، ۱۳۱۷ ص ۱۵۷

۲۱۸- ولی قلی بیگ: ص ۷۷۴

۲۱۹- مهدوی: ص ۲۸۸

۲۲۰- معصوم علی: طرائق، طهران، ۱۳۱۹ ج ۳ ص ۲۳۷

۲۲۱- همائی: مقدمه برگزیده دیوان سه شاعر، طهران، فروغی، ۱۳۴۳

ص ۲۱

۲۲۲- شواهد: ص ۱۲۷

۲۲۳- استفاداز: تحویل دار، ص ۹ با عنایت به سال تألیف کتاب.

آقای همائی نیز بدین معنی اشارت فرموده است: ص ۲۱

۲۲۴- ج ۳ ص ۲۳۶-۲۳۵

۲۲۵- اعتماد السلطنه: مآثر، طهران، دارالطباعة، ۱۳۰۶ ص ۱۶۴

۲۲۶- این رساله شریفه فعلا در تصرف شیخ العلماء آقای میرزا محمد

ثقفی است دامت برکاته فرزند وی به طهران.

۲۲۷- طهران، شیرازی، ۱۳۱۵ ص ۲۱

۲۲۸- کتابخانه ملك التجار، نمره ۵۷۵۹

۲۲۹- رضاعلی گنابادی: ص ۲۴

۲۳۰- میرزای عبرت طاب ثراه به جلد اول می گوید: «شعر نیکومی گفت

و از آثار وی برخی در جلد دوم این تذکره ان شاء الله نوشته می شود» (: ص

۷۳۲) ولکن بدان مجلد ذکری از آن نمی آورد و البته بیاید دانست که این هر

دو جلد عاری از تمامت است. نیز به جایی دیده شد که اشعاری از آن بزرگوار

به نزد قانع اسفه ای است به قمشه و خواستار آن گردیدیم ولکن جوابی نرسید.

۲۳۱- بامداد: حافظ شناسی، طهران، گویا ۱۳۳۸ ص ۱۹۳

۲۳۲- همائی: ص ۱۸

۲۳۳- آشتیانی: شرح حال، ص ۲۱۵

۲۳۴- همائی: ص ۴۲. تواند بود که این غزل از آقا شیخ اسدالله قمشه ای

حکیم متخلص به دیوانه بوده باشد و این معنی تقویت می شود به وجود کلامه

دیوانه به بیت آخر موجود که به ظن اقوی مقطع است و محل تخلص.

۲۳۵- آقا میرزا ابوالفضل: ظهر رساله فرق بین اسماء.

۲۳۶- مطبعی: سالنامه فرهنگ شهرضا، قمشه، شرکت چاپ، ۱۳۳۶

ص ۲۹

۲۳۷- ایضا: ص ۲۹

۲۳۸- مطبوع به آخر لوائح جامی: ظاهرآ طهران، آقامیرزا علی اصغر

۱۳۱۳-۴

۲۳۹- این کلمه را من بنده نتوانسته بود که بخواند وفاضل بارع آقای

علی اکبر داناسرشت صیرفی که همی زیاد آنرا یافت فله الشکر.

۲۴۰- آخر لوائح

۲۴۱- ظهر مجموعه‌ای از آثار قمشه‌ای به خط آقا میرزا محمود قمی:

کتب خانة ملك التجار: نمره ۵۷۵۹. این دو بیت را مرحوم مرتضی فرهنگ

طاب ثراه ضبط کرده است.

۲۴۲- جابری: ج ۳ ص ۷۴

۲۴۳- دنبلی: نگارستان، تبریز، چاپ کتاب، ۱۳۴۲ ج ۱ ص ۲۲۵-۲۲۴

۲۴۴- آدمیت: دانشمندان پارس، طهران، خیام، ۱۳۳۹ ج ۳ ص ۲۷

۲۴۵- میرزای عبرت نیز گوید طاب ثراه که «هیچ دعوی فضل نمی کرد

هر که او را در محفلی می دید گمان دانش و مقامی که او را بود نمی کرد»:

ص ۷۳۳

۲۴۶- اعلام الشیعه، ج ۱ ق ۲، النجف، العلمیه، ۱۳۷۵ ص ۷۳۳

۲۴۷- شواهد: ص ۶۸

۲۴۸- مطبعی: ص ۲۸

۲۴۹- مطبوع به آخر تمهید، طهران، شیرازی، ۱۳۱۵، ص ۲۲۱-۲۱۸

۲۵۰- ایضا: ص ۲۱۷

۲۵۱- طهرانی: الذریعه، ج ۶ ع ۱۱۱۴

- ۲۵۲- استفاد از قول شیرازی در اوائل شرح مصباح فناری طهران ۱۳۲۳
- ۲۵۳- طهرانی: نقباء البشر، النجف، العلمیه، ۱۹۵۶ ق ۲ ع ۱۳۵۹
- ۲۵۴- بنگرید به ارمغان، دوره ۴۱، ش ۳، ص ۲۱۳-۲۰۸
- ۲۵۵- اعلام الشیعه، النجف، العلمیه ۱۹۵۴ ج ۱ ص ۳۷۳
- ۲۵۶- کنز الحکمه، ج ۲ ص ۱۵۶
- ۲۵۷- ایزد گشسب نیز گوید طاب ثراه که «فخر الحکماء آقا میرزا حسن کرمانشاهی در مدرسه سپه سالار قدیم درس می گفت»: ص ۹۹
- ۲۵۸- الاعلام: ص ۲۷۳
- ۲۵۹- کیوان نامه، طهران، ۱۳۱۱ ج ۲ ص ۶۹
- ۲۶۰- مدرس: تذکره الحکماء، نسخه اصل نزد مؤلف آن دامت برکاته
- ۲۶۱- آشتیانی: مقدمه تمهید، طهران، انجمن فلسفه، ۱۳۹۶، ص ۹
- ۲۶۲- ثلاث رسائل، طهران، مرتضوی، ۱۳۹۱ ص ۳-۶. این رقیمه نوریه علی الظاهر به پاریسی بوده است و بعداً آن را تازی گردانده اند.
- ۲۶۳- طهران، اسلامیه، ۱۳۶۶ ص ۲۵۷-۲۵۸
- ۲۶۴- طهران، طبع کتاب، ۱۳۲۹ ص ۵۰۷-۵۰۹
- ۲۶۵- فيه تأمل شدید کمالاتیخی علی البصیر
- ۲۶۶- محمدی کاشمیری: رساله در شرح آشتیانی، نسخه اصل. ص ۱۶۲-
- ۱۶۶
- ۲۶۷- حکیمی: شیخ آقا بزرگ طهرانی، طهران، مشعل، ظاهر آ ۱۳۵۴
- ص ۱۳۹-۱۴۰
- ۲۶۸- راهجیری: تذکره خوشنویسان، طهران، ابن سینا، ۱۳۴۶،
- ص ۹۷-۹۸

- ۲۶۹- شمس گیلانی: تاریخ علماء گیلان، طهران، دانش، ۱۳۲۸ ص ۶۹
- ۲۷۰- آشتیانی: مقدمه تمهید
- ۲۷۱- رازی: گنجینه، ج ۴ ص ۳۶۵-۳۶۶
- ۲۷۲- مهدوی: ص ۱۱۸
- ۲۷۳- رازی: آثار الحجه، قم، حکمت، ظاهر آ ۱۳۷۴ ج ۲ ص ۴۵
- ۲۷۴- مصطفوی: مقدمه در الفوائد، طهران، نشر کتاب، ۱۳۷۷، ج ۱
- ۲۷۵- خوانساری: ترجمه احوال مرحوم فاضل تونی، ضمیمه شماره ۳ سال ۹ مجله دانشکده ادبیات.
- ۲۷۶- واصف: زندگی لنگرودی، قم، علمیه، ۱۳۸۳
- ۲۷۷- آشتیانی: مقدمه شرح مقدمه قیصری، مشهد، دانشگاه، ۱۳۸۵
ص ۴۸-۴۹
- ۲۷۸- سحاب: تاریخ مدرسه سپهسالار، طهران، بلامطبع، ظاهر آ ۱۳۲۹
ص ۱۹
- ۲۷۹- بلاغی: مقالات الحنفاء، طهران، مظاهری، ۱۳۶۹ ص ۱۲۵
- ۲۸۰- طهرانی: النقباء، النجف، العلمیه، ۱۹۵۴ ج ۱ ع ۷۱۶
- ۲۸۱- الکام والحکم، طهران، حیدری، ظاهر آ، ۱۳۷۷ مقدمه.
- ۲۸۲- آشتیانی: شرح مقدمه، ص ۴۷
- ۲۸۳- مقدمه رسالتین معراج و رجعت، طهران؛ اسلام، ۱۳۹۷
- ۲۸۴- طهرانی: اعلام الشیعه؛ القسم الثانی من القسم الاول ص ۶۵۳
- ۲۸۵- مهدوی: ص ۴۹۶
- ۲۸۶- جواهری: علوم و عقائد، اصفهان، گیتی، ظاهر آ ۱۳۷۲ ص ۵
- ۲۸۷- ریاضی: دانشوران خراسان، مشهد، باستان، ۱۳۳۶ ص ۲۲۸-۲۳۰
- ۲۸۷/۱- مقدمه و آخر مطارح الفحول، مشهد، طوس؛ ۱۳۳۱

۲۸۸- نقباء البشر، النجف، العلمیه، ۱۹۵۶، القسم الثانی، ص ۵۸۵-

۵۸۴

۲۸۹- مقدمه شیعه در اسلام، طهران، مشعل، ۱۳۵۲

۲۹۰- مقدمه شرح مقدمه: ص ۴۶-۵۱

۲۹۱- قوامی: چهره درخشان، طهران، اسلامیه، بلاتاریخ

۲۹۲- طهرانی: نقباء البشر، النجف، الاداب، ۱۳۸۱، القسم الثالث،

ع ۱۵۷۲

۲۹۳- طهرانی: نقباء البشر، النجف، الاداب، ۱۳۸۸، القسم الرابع

ع ۱۸۹۴

۲۹۴- ایضا: ع ۲۱۰۲

۲۹۵- سیدریحان الله: آئینه دانشوران، طهران، نشر کتاب، ۱۳۷۸

ص ۹۴-۹۵

۲۹۶- مهدوی: ص ۳۹۲

۲۹۷- کنز الحکمه: ص ۱۵۵

۲۹۸- جواهری: ص ۱۴

۲۹۹- مهدوی: ص ۷

۳۰۰- شیخ حسن خان جابری نیز تنصیص کرده است به تلمذ آخوند از

آن بزرگوار. بنگرید به: تاریخ اصفهان، بلا مطبع و تاریخ، ج ۳ ص ۷۴

۳۰۱- ایضا: ص ۷۴

۳۰۲- رازی: گنجینه، طهران، اسلامیه، ۱۳۵۲، ج ۲ ص ۴۰۱-۴۰۲

۳۰۳- همائی: دو رساله، طهران، انجمن فلسفه، ۱۳۹۸ ص ۱۶

۳۰۴- سالنامه مدرسه سعدی اصفهان، ۱۳۲۰ ص ۱۶۱-۱۶۲

۳۰۵- سپنتا: مقدمه دیوان دهقان، اصفهان، گویا ۱۳۴۲ ص ۱۰

۳۰۶- مهدوی: س ۴۸۵-۴۸۶

۳۰۷- رفیعی: آتشکده اردستان، ظاهراً طهران، اتحاد، ۱۳۴۲ ج ۲

ص ۳۰۲-۳۰۳

۳۰۸- ایضا: ص ۸۸

۳۰۹- زفره‌ای: نامه ناقور، وحید، اسفند ۴۹، ص ۳۵۵

۳۱۰- شاکری: جغرافیای تاریخی قوچان، مشهد، خراسان، ۱۳۴۶

ص ۱۳۸-۱۴۵

۳۱۱- مطیعی: سالنامه فرهنگ شهرضا، ۱۳۳۶ ص ۴۹

۳۱۲- مهدوی: ص ۳۳۵- مطیعی: ص ۳۶

۳۱۳- جابری: ص ۱۰

۳۱۴- مهدوی: ص ۴۷۵

۳۱۵- رضاعلی: تاریخ و جغرافیای گناباد، طهران، چاپخانه دانشگاه،

ع

۱۳۴۸ ص ۲۴۱

۳۱۶- جزی: تذکره القبور، اصفهان ط ۲، ۱۳۶۹ ص ۲۳۶ (حاشیه مهدوی)

۳۱۷- مهدوی: تذکره شعرای اصفهان، اصفهان، تأیید، ۱۳۳۴ ص ۱۸۵

۳۱۸- مهدوی: تذکره، ص ۵۲۳

۳۱۹- جابری: ص ۵۹

۳۲۰- سید احمد محقق: سالنامه فرهنگ اصطهبانات، شیراز، مهر ایزد،

۱۳۲۹ ص ۱۵

۳۲۱- ایضا: ص ۲۱

۳۲۲- مهدوی: تذکره، ص ۱۲۴

۳۲۳- ایضا: ص ۱۱۴

۳۲۴- ایضا: ص ۱۰۳

- ۳۲۵- ایضا: ص ۷۳
 ۳۲۶- ایضا: ص ۱۵۵
 ۳۲۷- ایضا: ص ۱۵۵
 ۳۲۸- ایضا: ص ۱۷۰
 ۳۲۹- ایضا: ص ۱۸۳
 ۳۳۰- ایضا: ص ۱۸۱
 ۳۳۱- ایضا: ص ۱۸۶
 ۳۳۲- ایضا: ص ۲۰۱
 ۳۳۳- ایضا: ص ۲۱۱
 ۳۳۴- ایضا: ص ۲۱۷
 ۳۳۵- ایضا: ص ۲۳۰
 ۳۳۶- ایضا: ص ۳۴۸
 ۳۳۷- ایضا: ص ۳۹۰
 ۳۳۸- ایضا: ص ۳۹۳
 ۳۳۹- ایضا: ص ۴۱۲-۴۱۳
 ۳۴۰- ایضا: ص ۴۴۲
 ۳۴۱- ایضا: ص ۴۴۵
 ۳۴۲- ایضا: ص ۴۵۸
 ۳۴۳- ایضا: ص ۲۵۸
 ۳۴۴- ایضا: ص ۲۵۹
 ۳۴۵- ایضا: ص ۲۷۰
 ۳۴۶- ایضا: ص ۲۷۰-۲۷۱
 ۳۴۷- ایضا: ص ۲۷۶

- ۳۴۸- ایضا: ص ۲۸۱
- ۳۴۹- ایضا: ص ۲۸۳-۲۸۴
- ۳۵۰- ایضا: ص ۲۸۵-۲۸۶
- ۳۵۱- ایضا: ص ۳۳۱-۳۳۲
- ۳۵۲- ایضا: ص ۳۳۲
- ۳۵۳- ایضا: ص ۳۳۸
- ۳۵۴- ایضا: ص ۴۶۸
- ۳۵۵- ایضا: ص ۵۴۷-۵۴۸
- ۳۵۶- ایضا: ص ۵۳۴-۵۳۵
- ۳۵۷- ایضا: ص ۵۳۱-۵۳۲
- ۳۵۸- ایضا: ص ۵۱۶
- ۳۵۹- ایضا: ص ۴۹۷
- ۳۶۰- ایضا: ص ۴۸۸-۴۸۹
- ۳۶۱- رازی: آثار الحجه، ظاهراً قم، ۱۳۷۲ ج ۲ ص ۶۲
- ۳۶۲- مهدوی: ص ۳۳۱
- ۳۶۳- روضاتی: زندگی چهارسوقی، ص ۱۶۱
- ۳۶۴- بلاغی: ص ۲۲۰
- ۳۶۵- مهدوی ص ۲۴۸
- ۳۶۶- میرهادی: ص ۳۰۰
- ۳۶۷- دهقان: گزارش نامه، اراک، موسوی، ص ۲۸۳-۲۸۴
- ۳۶۸- همائی دورساله: ص ۱۷
- ۳۶۹- ایضا: مقدمه دیوان طرب، طهران، فروغی، ۱۳۴۲ ص ۷۱
- ۳۷۰- رضاعلی: مقدمه صالحیه، طهران، چاپخانه دانشگاه ۱۳۸۷ ص ز

- ۳۷۱- مہدوی: ص ۱۷۹
- ۳۷۲- طہرانی: نقباء البشر، ج ۱ ع ۵۵۳ (مکرر: ۳۳۴)
- ۳۷۳- رفیعی: ج ۲ ص ۳۰۱-۳۰۲
- ۳۷۴- جواہری: ص ۸
- ۳۷۵- مہدوی: ص ۴۳۵-۴۳۶
- ۳۷۶- جواہری: ص ۵
- ۳۷۷- بلاغی: انساب مردم نائین، طہران، سپہر، ۱۳۶۹ ص ۸۴ س ۲
- ۳۷۸- ایضا: ص ۴۶ س ۱
- ۳۷۹- رازی: گنجینہ ج ۲ ص ۴۰۱-۴۰۳ (مکرر: ۳۰۲)
- ۳۷۹/۱- میردامادی: مقدمہ لطائف غیبیہ، طہران، حیدری، ۱۳۹۶ ص ۳۳
- ۳۸۰- آدمیت: سخن سرا بیان، طہران، خیام، ۱۳۳۸ ج ۲ ص ۱۶۱-۱۶۲
- ۳۸۱- فارس نامہ، طہران، آقاسید مرتضیٰ، ۱۳۱۳ ج ۲ ص ۳۱۳
- ۳۸۲- طہرانی: ج ۱ ع ۶۹۹- آدمیت: ج ۲ ص ۱۶۱
- ۳۸۳- مدینۃ الادب: ص ۲۹۹ ح
- ۳۸۴- ص ۳۱۳
- ۳۸۵- مقدمہ دیوان طرب: ص ۷۰
- ۳۸۶- ج ۳ ص ۵۶
- ۳۸۷- ارمغان: تیر و مرداد ۱۳۱۸ ص ۲۳۹-۲۴۱
- ۳۸۸- ج ۳ ص ۵۶
- ۳۸۹- مقدمہ دیوان طرب: ص ۶۹ ح
- ۳۹۰- نوربخش: گلستان جاوید، طہران، فردوسی، ۱۳۳۶ ص ۹
- ۳۹۱- واعظ جوادی: جاویدان خرد، ش ۲ س ۱ ص ۶۴

- ۳۹۲- روضاتی: ص ۱۶۱
 ۳۹۳- جواهری: ص ۶
 ۳۹۴- همائی: ص ۷۰
 ۳۹۵- طهرانی: ج ۱ ص ۳۱۶
 ۳۹۶- میرهادی: ص ۲۰۰
 ۳۹۷- محقق: ص ۲۱
 ۳۹۸- جزی: تذکرة القبور، ص ۲۲۱ ح بلاغی
 ۳۹۹- مطبعی: ص ۳۶
 ۴۰۰- ایضا: ص ۴۹
 ۴۰۱- شاکری: ص ۱۴۵-۱۳۸
 ۴۰۲- رفیعی: ص ۳۰۷-۳۰۶
 ۴۰۳- افشار: سواد و بیاض، طهران، دهمخدا، ۱۳۴۴ ص ۲۹۳
 ۴۰۴- مهدوی: ص ۴۸۶-۴۸۵^۴
 ۴۰۵- ایضا: ص ۴۵۸
 ۴۰۶- ایضا: ص ۲۸۴-۲۸۳
 ۴۰۷- ایضا: ص ۲۸۶-۲۸۵
 ۴۰۸- ایضا: ص ۴۶۸
 ۴۰۹- ایضا: ص ۵۳۲-۵۳۱
 ۴۱۰- ایضا: ص ۲۷۶
 ۴۱۱- ایضا: ص ۱۰۳
 ۴۱۲- بلاغی: ص ۲۱۹
 ۴۱۳- مهدوی: ص ۷۴
 ۴۱۴- ایضا: ص ۷۳

- ۴۱۵- ایضا: ص ۴۴۶
 ۴۱۶- ایضا: ص ۱۸۵
 ۴۱۷- ایضا: ص ۱۸۶
 ۴۱۸- ایضا: ص ۲۰۱
 ۴۱۹- ایضا: ص ۳۹۳
 ۴۲۰- ایضا: ص ۴۴۵
 ۴۲۱- ایضا: ص ۲۸۱
 ۴۲۲- رضا علی: ص ز
 ۴۲۳- همائی: دورساله ص ۱۸-۱۹
 ۴۲۴- ایضا: ص ۲۰
 ۴۲۵- همائی نامه، طهران، دانشگاه، ۱۳۵۵، مقدمه، نیز ص ۳۷-۵
 ۴۲۶- روضاتی: ص ۵۸
 ۴۲۷- طهرانی: نقباء البشر، ج ۱ ع ۶۶۷
 ۴۲۸- ایضا: ع ۱۲۳
 ۴۲۹- زنجانی: تاریخ زنجان، طهران، نشر کتاب، ۱۳۵۲ ص ۴۰۹
 ۴۳۰- رفیعی: ج ۲ ص ۳۰۱
 ۴۳۱- گلزار، طهران، ۱۳۴۹، مقدمه
 ۴۳۲- جواهری: ص ۸
 ۴۳۳- ایضا: ص ۵
 ۴۳۴- رازی، گنجینه ج ۲ ص ۴۰۳-۴۰۱
 ۴۳۵- مولنا: تاریخ بروجرد، ظاهراً قم، بلاتاریخ، ج ۲ ص ۵۸۶-۵۸۵
 ۴۳۶- بلاغی: انساب، ص ۸۴ س ۲
 ۴۳۷- اشراق: بزرگان جهرم، طهران، خیام، ۱۳۵۱ ص ۱۰ ح

۴۳۸- طهرانی: القسم الثاني من الجزء الاول، النجف، العلمیه ۱۹۵۶

ص ۵۹۳

۴۳۹- روضاتی: ص ۱۸۸-۱۸۰

۴۴۰- صفوت: داستان دوستان، قم، ۱۳۲۸ ص ۱۲۱-۱۱۹

۴۴۱- نقباء: ج ۱ ع ۲۱

۴۴۲- میرزای فروغی: ص ید

۴۴۳- طهرانی: نقباء، القسم الثاني من القسم الاول ص ۶۹۰

۴۴۴- ناصر الشریعه: تاریخ قم، قم، حکمت، ۱۳۴۲ ص ۲۷۷-۲۷۸

۴۴۵- امینی: مقدمة الكلم والحکم، طهران، حیدری، ظاهر آ ۱۳۷۷

۴۴۶- ظهر رساله اسماء وصفات

۴۴۷- عنقاء: مقدمة انوار قلوب، طهران، طهوری، ۱۳۴۳

۴۴۸- بلاغی: ص ۱۲۵

۴۴۹- طهرانی: نقباء ج ۱ ع ۵۸۱

۴۵۰- ظهر نسخه‌ای از شرح اشارات خواجه، مخطوط، مجلس ۱۸۱۸

۴۵۱- ناصر الشریعه: ص ۲۶۲-۲۶۰

۴۵۲- خیابانی: تاریخ علماء معاصرین، طهران؛ اسلامی، ۱۳۶۶

ص ۲۲۰

۴۵۳- انصاری: ص ۸۸

۴۵۴- طهرانی: ع ۱۲۶

۴۵۵- طهرانی: نقباء، النجف، الاداب، ق ۴ ع ۱۸۵۳

۴۵۶- آشتیانی: شرح حال، ص ۲۱۵

۴۵۷- ایضا، ص ۲۱۵

۴۵۸- طهرانی: الذریعه، ج ۶، ص ۱۲۶

۴۵۹- طهرانی: اعلام الشیعه، النجف، الاداب، القسم الثالث من الجزء

الاول ص ۱۱۸۵

۴۶۰- مهدوی: ص ۵۱۱-۵۱۰

۴۶۱- مطيعی: ص ۳۱

۴۶۲- آشتیانی: مقدمة شواهد، ص ۱۳۷

۴۶۳- محقق: ص ۱۶

۴۶۴- مظفر: مقدمة تحفه، النجف، مطبعة النجف، ۱۳۷۸

۴۶۵- زنجانی: ص ۹۹-۹۸

۴۶۶- همائی: مقدمة برگزیده دیوان سه شاعر، طهران، فروغی، ۱۳۴۳

ص ۷

۴۶۷- آشتیانی: مقدمة انوار جلیه، مؤسسه تحقیقات، ۱۳۵۴

۴۶۸- چهاردهی: وحید، س ۵ م ۵۶ ص ۷۵۶

۴۶۹- مطيعی: ص ۳۰

۴۷۰- ایضا: ص ۳۰

۴۷۱- جمالی: تاریخ شهرضا، اصفهان، ثقفی، ۱۳۵۵، ص ۸۰

۴۷۲- الفت: مقدمة دیوان دیوانه، طهران، شهشهانی، ۱۳۳۵

۴۷۳- جمالی: ص ۷۳

۴۷۴- کتابخانه ملک: ۵۷۵۹

۴۷۵- کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: ۳۱۱ ج الهیات

۴۷۶- ایضا: ۶۵۲ د الهیات

۴۷۷- قزوین، نور، ۱۳۵۴

۴۷۸- مرة اول با «مقالة ابی نصر الفارابی فی الجمع بین رأی افلاطون

و ارسطو» طهران، ۱۳۱۵ و مرة دوم با رساله ولایت، قزوین، نور، ۱۳۵۴

- ۴۷۹- به ضمیمه تمهید، طهران ۱۶-۱۳۱۵
- ۴۸۰- به نزد آقای آقا میرزا محمد ثقی طهرانی دامت برکاته فرزندوی.
- ۴۸۱- ملك: ۵۷۵۹
- ۴۸۲- آقامیرزا محمود: ۵۷۵۹. این رساله بر حاشیت شرح الهدایه صدرای مطبوع است: طهران، شیرازی، ۱۳۱۳
- ۴۸۳- با رساله موضوع الخلافه: طهران ۱۳۱۵
- ۴۸۴- الذریعه: ج ۶ ص ۲۰. این حواشی را علی الظاهر آقا سید محمد مشکوة الشریعه بیرجندی نیز به نزد آقا میرزا محمود قدس سره دیده است: مقدمه المهجة البيضاء، طهران، اسلامیة، ظاهرأ ۱۳۸۰ ص ۲۰ ح.
- ۴۸۵- با متن تمهید: طهران، ۱۶-۱۳۱۵
- ۴۸۶- جزء کتب مرحوم فاضل تونی طاب ثراه: مرکزی، ۷۶۸ دالهیات
- ۴۸۷- ملك: ۵۷۵۹
- ۴۸۸- آشتیانی: شرح حال، ص ۲۴۰
- ۴۸۹- مرکزی: ۳۱۱ ج الهیات
- ۵۹۰- ملك: ۵۷۵۹- مرکزی ۳۱۱ ج الهیات و غیرها
- ۴۹۱- استفاد از مجموعه بروجردی: ملك ۵۷۵۹
- ۴۹۲- به ظهر رساله اسماء و صفات
- ۴۹۳- به ظهر شرح اشارات: مجلس ۱۸۱۸
- ۴۹۴- ص ۱۶۴
- ۴۹۵- ج ۳ ص ۲۳۷
- ۴۹۶- آقای دکتر غنی که علی الظاهر اول بار را او به طبع این رقمیه قیام کرده است شرحی نیز در آن بیاورده و هی هذه:
- «شرح حال ذیل که اصل آن به خط مرحوم حاج ملاهادی نزد نواده»

«پسری ایشان آقای ضیاء الحق حکیمی پسر مرحوم آقا عبدالقیوم پسر»
 «مرحوم حاج ملاهادی موجود است... بطوریکه آقای ضیاء الحق حکیمی»
 «از پدر خود آقا عبدالقیوم پسر حاجی روایت می کند از طهران شرح حال»
 «حاجی را از خود او می طلبند و او انجام این کار را به یکی از شاگردان»
 «خود محول می کند. آن شاگرد شرح حال مفصل از فضائل و کرامات»
 «و مقامات حاجی می نویسد ولی حاجی آن شرح را نپسندیده خود این»
 «شرح حال مختصر را می نویسد»

: یادگار: س ۱ ش ۳ ص ۴۷-۴۵

۴۹۷- اسراری سبزواری: شرح زندگانی اسرار، سبزوار، بیهق ۱۳۳۲،

ص ۵۱

۴۹۸- المآثر: ص ۱۴۷

۴۹۹- مطلع الشمس: طهران، ۱۳۰۱، ج ۳، ص ۲۰۱-۱۹۷

۵۰۰- رازگشا و بهین سخن: ظاهراً طهران، بلامطبع و تاریخ ص ۲۴

۵۰۱- ص ۲۴

۵۰۲- حضرت وحید الاولیاء قدس سره: اوصاف المقربین، شیراز،

احمدی، ۱۳۳۸ ص ۱۱

۵۰۳- حافی قدس سره از هرات بود و به ربیع الاول ۱۳۰۴ به طهران

جهان با جهانیان پرداخت و به مقبره صدوق طاب ثراه در خاک شد. خاکش

پاک باد. بنگرید به نایب الصدر: ج ۳ ص ۲۷۲-۲۷۳

۵۰۴- فرصت: آثار العجم، بمبئی، ۱۳۱۴ ص ۱۰۷

۵۰۵- ایضا: ص ۱۰۷

۵۰۶- تذکره الحکماء: نسخه اصل. [تبیین:] این تذکره مبارکه فی-

الحقیقه تالی تلو تاریخ الحکماء قفطی و عیون الانباء ابن ابی اصیبه و تتمه صوان

الحکمه بیهقی و امثال آن است. بل از رهگذر اشتغال و بل اختصاص بر تراجم

متأخرین از حکماء، افضل است بر آن.

۵۰۷- اسراری: ص ۶۸

۵۰۸- مدرس: ریحانه، طهران، ۱۳۷۱ ج ۴ ص ۳۱

۵۰۹- اصفهانی: احسن الودیعہ، بغداد، الایتام، گویا ۱۳۴۸ ج ۱

ص ۲۸۶

۵۱۰- ایضا: ص ۱۸۷

۵۱۱- زنجانی: تاریخ زنجان، ص ۴۰۶

۵۱۲- ایضا: ص ۴۵۶

۵۱۳- ایضا: ص ۴۸

۵۱۴- اسراری: ص ۶۴

۵۱۵- مهدوی: ص ۳۸۹

۵۱۶- همائی نامه: ص ۲، ح

۵۱۷- حجت علی: مقالات الحنفاء، طهران، مظاہری، ۱۳۶۹ ص ۲۶۱

۵۱۸- مروج الاسلام: کرامات رضویہ، مشهد، جعفری، ط ۵، ج ۱

ص ۲۰۴

۵۱۹- ساعدی: ذیل تاریخ علماء خراسان، مشهد، طوس، ۱۳۴۱ ص

۲۸۹-۲۹۰

۵۲۰- مدرسی چهاردهی: زندگانی، طهران، طہوری، ۱۳۳۴ ص ۶۶ (مکرر)

۵۲۱- درخشان: سخن سرایان، طهران، نیکو، ۱۳۴۲ ج ۲ ص ۲۲۷

۵۲۲- ایضا: ص ۲۳۹

۵۲۳- ایضا: ص ۲۴۳-۲۴۴

۵۲۴- رازی: آثار الحجہ، قم، حکمت، ظاہر آ ۱۳۷۴ ج ۲ ص ۱۲۲

۵۲۵- خیابانی: ص ۶۶

۵۲۶- مقدمہ رسالتین معراج و رجعت، طهران، اسلام، ط ۳

- ۵۲۷- مقدمه کتزالحکمه
- ۵۲۸- رازی: گنجینه، طهران، اسلامیه، ۱۳۵۳ ج ۴ ص ۳۶۵
- ۵۲۹- ایضا: ج ۳ ص ۵۶
- ۵۳۰- آشتیانی: مقدمه تمهید، ص ۹
- ۵۳۰/۱- رازی: ج ۸، قم، پیروز، ص ۱۶۴-۱۶۵
- ۵۳۰/۲- ایضا: ص ۲۵۵-۲۵۶
- ۵۳۰/۳- ایضا: ج ۲، ۱۳۵۳، ص ۲۸۲-۲۸۴
- ۵۳۰/۴- ایضا: ص ۳۵۳-۳۵۴
- ۵۳۱- خیابانی: ص ۲۲۰
- ۵۳۲- مدرس: شجره طیبه، طهران، حیدری، ۱۳۵۲ ص ۳۱۱-۳۱۰
- ۵۳۳- میوه زندگانی، گویا طهران، ۱۳۴۹ ص ۹۲ ح
- ۵۳۴- اسراری: ص ۵۳
- ۵۳۵- ایضا: ص ۶۸-۷۰
- ۵۳۶- خیابانی: ص ۱۶۸
- ۵۳۷- آشتیانی: شواهد، ص ۷۶
- ۵۳۸- اسراری: ص ۵۴
- ۵۳۹- ایضا: ص ۷۰
- ۵۴۰- ایضا: ص ۵۴-۵۸
- ۵۴۱- رفیع: تاریخ قومس، طهران، اطلاعات، ۱۳۴۴ ص ۴۰۵
- ۵۴۲- ایضا: ص ۵۲۶
- ۵۴۳- نوح: تذکره شعرای سمنان، گویا طهران، ۱۳۳۷ ص ۷۳
- ۵۴۴- عبدالرسولی: مقدمه دیوان ادیب، طهران، ۱۳۱۲ ص ۱۷-۲ به
- تلخیص و تصرف

- ۵۴۵۔ اسرارى: ص ۵۹
- ۵۴۶۔ ایضا: ص ۶۰
- ۵۴۷۔ ایضا: ۶۱-۶۲
- ۵۴۸۔ ایضا: ۶۳
- ۵۴۹۔ منتخب نفیس: بمبئی، ناصری، ۱۳۱۲، مقدمه
- ۵۵۰۔ اسرارى: ص ۶۴
- ۵۵۱۔ ایضا: ص ۶۴
- ۵۵۲۔ ایضا: ص ۶۵
- ۵۵۳۔ ایضا: ص ۶۴
- ۵۵۴۔ رشید یاسمی: تاریخ ادبیات، طهران، روشنائی، ۱۳۱۶ ص ۸۴
- ۵۵۵۔ دهگان: گزارش نامه، ص ۲۱۸
- ۵۵۶۔ مطیعی: ص ۳۰
- ۵۵۷۔ زنجانی: ص ۴۰۶-۴۰۷
- ۵۵۸۔ همایونی: تاریخ سلاسل نعمة اللهیه، طهران، کویان، ۱۳۵۵
- ص ۱۳۲-۱۳۷
- ۵۵۹۔ رضاعلی: ص ۳۶
- ۵۶۰۔ ایضا: ص ۳۶
- ۵۶۱۔ : ص ۱۰۷
- ۵۶۲۔ ملك زاده: زندگانی ملك المتكلمین، طهران، ۱۳۲۵ ص ۱۲
- ۵۶۳۔ عاملی: اعیان الشیعه، بیروت، ۱۹۶۱ ج ۵۰ ع ۱۱۱۴۹
- ۵۶۴۔ زین العابدین شیرازی: مقدمه دیوان سرخوش، جبل المتین، ۱۳۲۴
- ص ۳
- ۵۶۵۔ ایضا: ص ۳

۵۶۶۔ بیان: خلدبرین، علی الظاهر طهران، عالی، ۱۳۶۷ ص ۲۵۹-۲۵۶

۵۶۷۔ برون، منصورى: يك سال درمیان ایرانیان، طهران، معرفت،

بلا تاریخ، ص ۱۳۵

۵۶۸۔ اعتماد السلطنه: المآثر، ص ۱۶۰

۵۶۹۔ آخوند ملاحیب الله: لباب الالقاب، طهران، مصطفوی، ۱۳۷۸

ص ۹۹

۵۷۰۔ طهرانی: النقباء، النجف، العلمیه، ۱۹۵۴، ج ۱/۲۱۳

۵۷۱۔ میرزا عبدالرحمن المدرس: تاریخ علمای خراسان، مشهد،

طوس، ۱۳۴۱ ص ۱۲۴

۵۷۲۔ ساعدی: ص ۲۹۳-۲۹۴

۵۷۳۔ طهرانی: النقباء، النجف، الاداب، ۱۳۸۸ ق ۴ ع ۲۰۹۶

۵۷۴۔ گلریز: مینودر، طهران، دانشگاه، ۱۳۳۷ ص ۳۴۱

۵۷۵۔ خیابانی: ص ۲۹-۳۰

۵۷۶۔ سلیمانی: مصابیح، طهران، ج ۲ ص ۳۹۲

۵۷۷۔ مهدوی: ص ۲۷۷

۵۷۸۔ ایضا: ص ۵۱۱-۵۱۰

۵۷۹۔ اعتماد السلطنه: ص ۲۰۰

۵۸۰۔ شاکری: ص ۱۳۵

۵۸۱۔ خیابانی: ص ۶۵-۶۶

۵۸۲۔ میرزا عبدالرحمن مدرس: ص ۱۳۱

۵۸۳۔ فرصت الدوله: دبستان الفرصه، بمبئی، مظفری، ۱۳۳۳ ص ۵۱۲

۵۸۴۔ ایضا: ص ۵۱۲

۵۸۵- ایضا: ص ۵۱۳

۵۸۶- آشتیانی: مقدمه رسائل سبزواری، مشهد، ظاهراً ۱۳۸۹ ص ۶۵

۵۸۷- ایضا: ص ۶۸

۵۸۸- ایضا: ص ۷۴

۵۸۹- اشراق جهرمی: ص ۳۳۴-۳۳۵

۵۹۰- آشتیانی: مقدمه رسائل، ص ۷۹

۵۹۰/۱- ایضا: نشریه دانشکده، ش ۲۶-۲۷، ص ۶۶-۶۷

۵۹۱- ایضا: ص ۸۲

۵۹۲- آشتیانی: مقدمه شواهد، ص ۱۴۸

۵۹۳- گوینو: ص ۸۰

۵۹۴- طهرانی: اعلام الشیعه، القسم الثانی من الجزء الثانی، النجف،

القضاء، ۱۹۵۸ ص ۷۲۷

۵۹۵- طهرانی: الجزء الثانی، ۴۹۵۴، ع ۷۵

۵۹۶- ایضا: القسم الثانی، ع ۹۸۱

۵۹۷- رضا زاده: سوسمار الدوله، طهران، دنیا، بلاتاریخ، ص ۹۳

۵۹۸- مدرس: تاریخ، ص ۸۳-۸۴

۵۹۹- لائق: مقدمه تحفة المراد، طهران، علمی، ۱۳۳۷

۶۰۰- طهرانی: النقباء، القسم الثالث، ع ۱۴۸۳۴

۶۰۱- ایضا: ج ۱، ع ۱۹۵

۶۰۲- جواهری: ص ۲۶-۳۷

۶۰۳- مهدوی: ص ۳۸۹

۶۰۴- بهروزی: مقدمه دیوان رحمت، شیراز، احمدیه، ۱۳۷۵

۶۰۵- آدمیت: ج ۲ ص ۳۲۹

- ۶۰۶۔ درخشان: ص ۶۷-۶۹
- ۶۰۷۔ انصاری اہوازی: ص ۲۶۱-۲۶۲
- ۶۰۸۔ شاکری: احوال و آثار معجزہ، مشہد، خراسان، ۱۳۵۲ ص ۴۸۔
- ۶۰۹۔ النقباء، القسم الثالث، النجف، الاداب، ۱۹۶۲ ع ۲۰۳۲
- ۶۱۰۔ طهرانی: ج ۱ ع ۲۰۳
- ۶۱۱۔ النقباء، القسم الرابع، الاداب، ۱۳۸۸ ع ۱۸۵۹
- ۶۱۲۔ جلوۃ عرفان، بلامطبع و تاریخ، ص ۹۸
- ۶۱۳۔ طهرانی: القسم الرابع، ع ۱۹۶۷
- ۶۱۴۔ ایضا: ع ۲۱۰۴
- ۶۱۵۔ ایضا: ع ۲۲۰۲
- ۶۱۶۔ المصطفوی: مقدمۃ شرح الاسماء، طهران، بوذرجمہری، ۱۳۳۵
- ۶۱۷۔ مہدوی: ص ۲۸۱-۲۸۲
- ۶۱۸۔ ایضا: ص ۳۳۷
- ۶۱۹۔ الاشکوری، مصباح، : الامام الحکیم، بلامطبع و تاریخ، ص ۴۲
- ۶۲۰۔ ایضا: ص ۴۶-۴۷
- ۶۲۱۔ خیابانی: ص ۲۴۰
- ۶۲۲۔ انصاری اہوازی: ص ۲۶۲
- ۶۲۳۔ شاکری: ص ۴۷
- ۶۲۴۔ طهرانی: القسم الثالث من الجزء الاول. ع ۱۴۸۶
- ۶۲۵۔ ایضا: القسم الثاني من الجزء الاول، ع ۱۲۱۵
- ۶۲۶۔ رسالۃ رازگشای: گویا طهران، بلامطبع و تاریخ، ص ۵۵
- ۶۲۷۔ ہمایونی: ص ۱۴۱-۱۴۲

۶۲۸- اشراق جهرمی: ص ۱۴۶-۱۳۲

۶۲۹- ساعدی: ص ۳۰۶

۶۳۰- تکملة نجوم السماء، قم، بصیرتی، علی الظاهر ۱۳۹۷ ج ۲ ص ۲۴۳-

۲۱۹

۶۳۱- نسخه آن به خط مصنف قدس سره به کتب خانه آقای یوسف

محسن است دام بقاه پسرزاده آن بزرگوار به زنجان.

۶۳۲- عاملی: اعیان الشیعه، بیروت، ۱۹۵۸ ج ۴۲ ص ۲۵۹

۶۳۳- اعتماد السلطنه، مآثر، ص ۱۳۶ س ۲

۶۳۴- دارالسلام، قم، علمیه، بلاتاریخ، ج ۲، ص ۲۶۷

۶۳۵- ص ۲۵۹

۶۳۶- دارالسلام، ج ۲، گویا ص ۲۶۷-۲۶۶

۶۳۷- ایضا: ص ۲۶۹

۶۳۸- اعتماد السلطنه گوید:

«حاج ملاعلی مجتهد طهرانی مشهور به حاج میرزا خلیلی از آیات»

«الهیة واز براهین قاطعه طریقه جعفریه بود و در فقاهت و اجتهاد مقامی»

«بسیار بلند داشت... و در پایه زهد و تقوای او احدی طمع بستن نمی-»

«توانست... از صاحب این عنوان کرامات ظاهره و منامات باهره اشتهار»

«دارد»: مآثر، ص ۱۴۸ س ۱

۶۳۹- تکملة امل الامل، منقول در: محلاتی: مآثر الکبراء، النجف،

الزهراء، ۱۳۶۸ ج ۲ ص ۵۴-۵۲

۶۴۰- کیوان: رازگشا، ص ۵۵

۶۴۱- عاملی: ص ۲۵۹

۶۴۲- دارالسلام: ص ۳۱۶

۶۴۳- ایضا: ص ۳۱۶

- ۶۴۴۔ ایضاً: ص ۳۱۶
- ۶۴۵۔ روضاتی: ص ۱۹۳
- ۶۴۶۔ طهرانی: النقباء، ج ۱، ع ۳۰۷
- ۶۴۷۔ دارالسلام: ص ۲۶۹
- ۶۴۸۔ ایضاً: ص ۳۱۶
- ۶۴۹۔ ایضاً: ص ۳۱۷
- ۶۵۰۔ ایضاً: ص ۳۱۸
- ۶۵۱۔ عاملی: ص ۲۵۹
- ۶۵۲۔ امینی: شهداء الفضیله، النجف، الغری، ۱۳۵۵ ص ۳۵۸ ح
- ۶۵۳۔ حجة علی: مقالات الحنفاء، طهران، مظاہری، ۱۳۷۱ ص ۱۲
- ۶۵۴۔ شهاب ثاقب، طهران، صدر، بلا تاریخ، ص ۱۶-۱۷
- ۶۵۵۔ طرائق الحقائق، طهران، ۱۳۱۹ ج ۳ ص ۲۱۶-۲۱۷
- ۶۵۶۔ انصاری اهوازی: ص ۵۲-۵۵
- ۶۵۷۔ علی فتحی: مقدمه حق الحقیقه، اهواز، صافی، ۱۳۳۵ ص ز-ح
- ۶۵۸۔ مفتاح السعادات، بلا مطبع: ظاهراً ۱۲۹۵، ص ۴۵۳ ح
- ۶۵۹۔ ص ۵۲
- ۶۶۰۔ ایضاً: ص ۵۳
- ۶۶۱۔ ایضاً: ص ۵۵

فائده: بدان روزگار این طبقه کثیر می بوده اند بالاخص به عتبات عالیات.

قال الطهرانی فی ترجمه الشیخ محمد علی الخراسانی النجفی طاب ثراهما:

«صحب عددآ من علماء الاخلاق والسلوك ممن از دانست بهم هذه الدیار»
 «یومئذ وضئت بهم النوادی العلمیه وتجلت روحانیة الاسلام متمسکة»
 «فی اشخاصهم وعرف الله بهم حیث كانوا ادلاء علیه وطریقاً الیه. ناهیک،
 «بمثل السید مرتضی کشمیری والشیخ آقا رضا الهمدانی والشیخ محمد»

«رضاء الطالقانی و اضرابهم. و كذلك الطبقة التي تليهم كالسيد عبدالغفار»
«المازندرانی و السيد آقا حسين القمي و الشيخ علي القمي و غيرهم» :
النقباء، القسم الثالث، النجف، الاداب، ۱۹۶۲ ص ۱۳۷۶.

۶۶۲- رازگشا: ص ۵۷

۶۶۳- ايضا: ص ۵۸

۶۶۴- ايضا: ص ۶۰-۶۱

۶۶۵- ايضا: ص ۶۲

۶۶۶- ايضا: ص ۶۳

۶۶۷- ايضا: ص ۶۳-۶۴

۶۶۸- مطلع الشمس: ص ۲۰۰

۶۶۹- ج ۳ ص ۲۳۵-۲۳۶

۶۷۰- طهران، شيرازي، ۱۳۱۵ ص ۱۰۸

۶۷۱- گوبينو: ص ۸۹

۶۷۲- ايضا: ص ۸۹

توضيح: اين اسم به ترجمه، «سيد رضاء» است كه قطعاً تصحيف است.

۶۷۳- طهرانی: القسم الرابع، ع ۱۹۹۰

۶۷۴- در ترجمه آن بزرگ

۶۷۵- القسم الرابع، ع ۱۹۹۰

۶۷۶- ج ۳، ص ۲۳۴-۲۳۵

۶۷۷- طهرانی: القسم الثاني من الجزء الاول، العلميه، ۱۹۵۶ ص ۷۹۳-

۷۹۲

۶۷۸- طلعت عنقاء: تذكرة طلعت، ظاهراً طهران، تمدن، ۱۳۳۹ ص ۱۴۸

۶۷۹- مقدمة منتخب نفيس

- ۶۸۰۔ امینی: ص ۲۵۱
- ۶۸۱۔ طهرانی: القسم الثالث، ع ۱۴۶۵
- ۶۸۲۔ ایضا: القسم الرابع، ع ۱۸۵۳
- ۶۸۳۔ ایضا: القسم الثاني من الجزء الاول، ص ۶۹۰
- ۶۸۴۔ ایضا: ج ۱ ع ۱۹۹
- ۶۸۵۔ ایضا: ج ۱ ع ۵۸۱
- ۶۸۶۔ مصطفوی: مقدمة در الفوائد ص: ص - د
- ۶۸۷۔ نوح: تذکره، ص ۷۳
- ۶۸۸۔ زنجانی: ص ۲۸۵-۲۸۶
- ۶۸۹۔ ایضا: ص ۴۰۷
- ۶۹۰۔ آشتیانی: مقدمة انوار جلیه
- ۶۹۱۔ نایب الصدر: ج ۳ ص ۲۳۵
- ۶۹۲۔ نامه دانشوران ناصری منقول در: رفیعی: ج ۲ ص ۳۲۵-۳۲۷
- ۶۹۳۔ جابری: ج ۳ ص ۱۲
- ۶۹۴۔ ایضا: ج ۳ ص ۱۲
- ۶۹۵۔ مهدوی: ص ۶۸
- ۶۹۶۔ القسم الثاني من القسم الثاني، النجف، القضاء، ۱۹۵۸ ع ۱۲۸۵
- ۶۹۷۔ مهدوی: ص ۴۲۹
- ۶۹۸۔ ص ۸۸
- ۶۹۹۔ تاریخ انحلال مجلس، اصفهان، دانشگاه، ۱۳۵۱، ص ۲۰۱
- ۷۰۰۔ تاریخ علمای معاصرین: ص ۳۷۸
- ۷۰۱۔ رساله (علامه قزوینی) طهران، اداره کل نگارش، بلاتاریخ ص ۱۴
- ۷۰۲۔ صاحب جواهر: آثار الشیعه، ۱۳۳۸ ج ۶ ص ۵۶

۷۰۳- مدرسی چهاردهی: تاریخ فلاسفه اسلام، طهران، فروغی، ۱۳۵۳،
ص ۴۱۱

۷۰۴- ایضا: ص ۴۱۳

۷۰۵- رفیعی: ج ۲ ص ۳۳۴

۷۰۶- خیابانی: ص ۲۷۹-۳۸۱

۷۰۷- طهرانی: القسم الثاني من الجزء الاول، ص ۷۹۲-۷۹۳

۷۰۸- پور داوود: مقدمه دیوان صبوری، رشت، رنگین، ۱۳۳۴،

ص س

۷۰۹- هادی جلوه رشتی: ایضا مقدمه دیوان صبوری، ص: ص - یچ

۷۱۰- ساعدی: ص ۲۸۳

۷۱۱- القسم الثالث، ع ۱۵۰۳

۷۱۲- محیط طباطبائی، گوهر، س ۵ ش ۷ ص ۵۰۸-۵۰۱

۷۱۳- براون، منصور، یکسال در میان ایرانیان، طهران، معرفت،

گویا ۱۳۳۰، ص ۱۱۹

۷۱۴- خیابانی: ص ۲۲۰

۷۱۵- ساعدی: ص ۳۱۰

۷۱۶- طهرانی: القسم الرابع، ع ۱۸۹۴

۷۱۷- ایضا: القسم الثاني من الجزء الاول ص ۶۵۳

۷۱۸- مقدس زاده: رجال قم، طهران، مهرايران، ۱۳۳۵ ص ۱۰۶

۷۱۹- طهرانی: القسم الثاني، ع ۱۳۵۹

۷۲۰- ایضا: القسم الثاني، ع ۱۰۰۷

۷۲۱- ایضا: ج ۱، ع ۵۸۱

۷۲۲- مصطفوی: مقدمه درر، ص د

- ۷۲۳- زنجانی: ص ۲۸۵
 ۷۲۴- رفیعی: ج ۲ ص ۳۲۰
 ۷۲۵- رنجانی: ص ۳۸۹-۳۹۱
 ۷۲۶- اردبیلی: تاریخ اردبیل، النجف، الاداب، ۱۳۸۸ ج ۱ ص ۲۰۱
 ۷۲۷- سلیمانی: مصابیح، طهران، گویا ۱۳۲۸ ج ۲ ص ۱۸۹-۳۲۰
 ۷۲۸- خیابانی: ص ۲۲۹
 ۷۲۹- مآثر و آثار منقول در: خیابانی: ص ۳۴۸
 ۷۳۰- مدرس: ریحانة الادب، طهران، طبع کتاب، ۱۳۶۹ ج ۳ ص ۵۰۵
 ۷۳۱- صفوت: داستان دوستان، قم، ۱۳۲۸ ص ۴۲
 ۷۳۲- آینده: دی ۱۳۰۶، مختصر احوال میرزای جلوه
 ۷۳۳- حقیقت: تاریخ قومس، طهران، اطلاعات، ۱۳۴۴ ص ۴۲۵
 ۷۳۴- ایضا: ص ۵۲۶
 ۷۳۵- صفائی: رهبران مشروطه، طهران، جاویدان، ۱۳۴۴ ص ۲۱۸-

۲۰۷

- ۷۳۶- جواهری: ص ۲۷
 ۷۳۷- اسراری: ص ۸۳
 ۷۳۸- محیط طباطبائی: نقش سید، قم، ۱۳۵۰ ص ۴۰
 ۷۳۹- میرهادی: ص ۳۴۷
 ۷۴۰- القسم الثالث ص ۱۲۲۳-۱۲۲۴
 ۷۴۱- زنجانی: فهرست مشاهیر علماء الزنجان، قم؛ شمس، بلاتاریخ

ص ۹۹

- ۷۴۲- خیابانی: ص ۲۲۴-۲۲۸ - زنجانی: تاریخ، ص ۴۰۶
 ۷۴۳- زنجانی: تاریخ، ص ۱۶۷

۷۴۴- طهرانی: القسم الثالث، ع ۱۷۵۹

۷۴۴/۱- رازی: ج ۸ ص ۱۸۶

۷۴۵- آخر تعلیقه منظومه، طهران، حاجی عبدالرحیم، ۱۳۴۶

۷۴۶- زنجانی: تاریخ، ص ۸۸

۷۴۷- ایضا

۷۴۸- رفیعی: ج ۲ ص ۳۳۴

پایان

ء

فہرست اسماء الرجال

۱۷۹-۱۵۰-۷۲
 الاشتیانی (آقا میرزا ابوالقاسم) ۱۰۲
 آشتیانی (آقا میرزا احمد) ۶۶-۷۲-۱۱۸-
 ۱۷۱
 الاشتیانی (آقا میرزا جعفر) ۱۶۷-۱۵۸
 آشتیانی (آقا میرزا محمود) ۷۲
 آشتیانی (آقا میرزا فضل اللہ) ۷۰
 آشتیانی (آقا میرزا ہادی) ۶۱-۶۴-۷۳-
 ۱۶۷-۱۵۸-۱۱۶-۱۰۳-۱۰۱-۷۴
 آصف میرزا ۳۱
 آقا بزرگ ۷۱
 آقا حسن بن الملازین العابدین ۱۲۲
 آقا سید رضی ۳۷-۵۲
 آقا سید عبدالکریم ۶۴
 آقا سید علی ۱۵۱
 آقا سیدہ حمد (ولد آقا سید علی علیہ السلام) ۵۰
 آقا سیدہ حمد رضاء ۱۳۷
 آقا سیدہ حمد ہادی ۱۴۷
 آقا شیخ سید اللہ بن عباس... ۷۱
 آقا شیخ علی اکبر ۶۳
 آقا شیخ موسیٰ ۶۲
 آقا عبدالقیوم ۱۱۱-۱۱۲-۲۰۳
 آقا علی ۶۲

آبادہ ای (آخوند ملا محمد جعفر)
 آخوند ۶۹-۷۶-۹۰
 آخوند صاحب کفایہ ۹۲
 آخوند ملاحیب اللہ ۲۰۷
 آخوند ملاحسینقلی ۷۹-۱۳۴-۱۴۰-۱۴۱
 ۱۵۱-۱۴۸
 آخوند ملاصدرا ۳۸
 آخوند ملا عبدالرسول ۶۴
 الاخوند ملافتحعلی ۱۴۱-۱۴۲-۱۴۴
 آخوند ملاقربانعلی ۹۹
 آخوند ملاحرباب ۳۹-۴۰
 آخوند ملا محمد ۱۱۶-۱۲۰-۱۲۱
 آخوند ملا محمد حسین ۱۱۵-۱۲۳
 آخوند نوری ۱۶۱
 الاخوند الہمدانی ۱۴۵
 آخوند ہیدجی ۱۲۱
 آدمیت ۱۸۳-۱۹۰-۱۹۷-۲۰۸
 آدینہ ای (آخوند ملا جواد) ۸۰-۸۱-۹۰
 الادینہی الشیخ محمد جواد) ۷۰-۸۷
 آشتیانی ۴۵-۴۷-۵۸-۱۱۹-۱۸۷-۱۸۸-
 ۱۸۹-۱۹۱-۱۹۲-۲۰۰-۲۰۱-
 ۲۱۳-۲۰۸-۲۰۵-۲۰۲
 الاشتیانی (آقا سید جلال الدین) ۲۰-۲۶-۶۵

ابن جلجل (ابو داوود سلیمان بن حسان) ۱۱
 ابن خلدون ۴۱
 ابن رشد (حکیم ابوولید) ۳-۵-۱۷-۱۸
 ابن سکیت ۲۵
 ابن سینا ۱۵-۱۶-۱۶۱
 ابن الفرات ۱۲
 ابن فهد ۱۳۸
 ابن کمونه ۲۵
 ابن میثم ۲۵
 ابن الندیم ۱۱
 ابن الوندی ۴۸
 ابوالبرکات (بغدادی) ۲۵
 ابوالبرکات هبة الله بن ملکا ۱۸
 ابوبکر محمد بن عمر... ۱۱
 ابوریده ۱۷۶
 ابو عبید ۱۷۷
 ابوعلی سینا (الشیخ) ۱۴-۱۵
 ابوہاشم کوفی صوفی ۱۵۳
 ابیالمعارف (آقا شیخ محمد علی زاهد قمشہای)
 ۷۸-۸۸
 احتشام السلطنہ ۱۶۳
 احتشام الملك (عبدالعلی میرزا بن فرہاد میرزا)
 ۱۰۲
 احسائی (شیخ احمد) ۱۸۱-۱۸۲
 ادیب (آقا سید احمد پیشاوری ہندی) ۱۲۱
 ادیب نیشابوری ۷۱
 ارباب (حاج آقا رحیم) ۷۵-۹۱
 اردبیلی ۲۱۵
 اردبیلی (آقا میرزا علی اکبر آقای مجتہد) ۲۶
 الاردبیلی (آقا میرزا محمد بن المیرزا محمد
 ظاہر) ۸۲
 اردبیلی (حاجی میرزا یوسف آقای مجتہد)
 ۱۴۰

آقا محمد ۱۵۲
 آقا محمد اسماعیل ۱۱۱-۱۱۲
 آقا محمد بن آقا محمد رفیع ۱۸۴
 آقا محمد رضا ۵۸-۷۵-۸۴-۹۷-۹۹
 آقا میرزا (سید حسن بن الاقامسیح) ۹۱
 آقا میرزا ابوالحسن ۵۹
 آقا میرزا ابوالفضل ۱۰۷-۱۸۹
 آقا میرزا حسن آخوند ۳۸-۶۰-۶۴-۶۸-
 ۷۴-۷۰-۶۹
 آقا میرزا شہاب ۶۸
 آقا میرزا طاہر ۶۶
 آقا میرزا محمد باقر بن السید مہدی ۸۱
 آقا میرزا محمد بن المیرزا ابی القاسم ۸۲
 آقا میرزا محمود ۶۸-۶۹-۲۰۲
 آقا میرزا ہاشم ۶۴-۶۶-۶۷-۶۸-۷۰-۷۱-
 ۷۳-۷۴-۷۹-۱۰۶-۱۶۸
 آقا میرزا شہاب ۶۴-۶۶-۶۸-۷۳
 آقا نجفی (آقا سید حسن قوچانی) ۷۸-۸۷-
 ۸۸
 آل طیب شوشتری (سید محمد حسین) ۶۶
 الاملی (آخوند ملا محمد) ۳۱-۱۵۸-۱۶۷
 آملی (آقا شیخ محمد تقی) ۶۶-۶۷-۱۱۶-
 ۱۵۸-۱۷۱
 آملی (سید حیدر) ۳۰
 آیت (آقا سید محمد حسین سدھی) ۸۱-۸۹
 آیتی قائی ۱۸۳
 ابتہاج الحکماء (آقا میرزا ابراہیم حکمی)
 ۱۵۸
 ابراہیم (علیہ السلام) ۳-۴
 ابطحی (آقا سید محمد باقر) ۷۹
 ابن ابی اصیبعہ ۱۱-۱۷۷
 ابن ترکہ ۴۸

اصفہانی (آقامیرزا صفای شاعر) ۱۰۲
 اصفہانی (آقامیرزا مہدی) ۷۹-۸۹
 الاصفہانی (آقامیر سید محمد بن المیر سید علی)
 ۸۱
 اصفہانی (آقانجفی) ۱۴۶-۱۵۲
 الاصفہانی (الاقا ضیاء الدین الدرہ) ۲۳
 الاصفہانی (المیرزا ابراہیم بن الامیرزا غیاث
 الدین محمد) ۲۸
 الاصفہانی (المیرزا ابی القاسم المدرس) ۳۳
 اصفہانی (المولی المیرزا محمد علی مظفر)
 ۳۲
 الاصفہانی النخودکی (الحاج الشیخ حسن علی)
 ۷۱
 اصفہانی (جلال الدین سنا) ۱۱۷
 الاصفہانی (شیخ الشریعہ) ۱۶۱
 الاصفہانی (ضیاء الدین الدرہ) ۲۴
 اصفہانی (طرب بن ہما) ۸۷
 اصفہانی (ملا اسماعیل واحد العین) ۲۳
 اصفہانی (نور علی) ۱۴۸
 اعتماد السلطنہ ۱۰۷-۱۱۱-۱۵۵-۱۸۹-
 ۲۱۰-۲۰۷
 اعجاز حسین ۱۸۰-۱۸۱
 افتخار الحکماء طالقانی (میرزا اسماعیل) ۱۲۲
 افسر (محمد ہاشم میرزا) ۱۲۱
 افشار ۱۹۸
 افلاطون ۶-۱۷-۱۹-۲۵
 افندی ۱۸۲-۱۸۸
 اقلیدوس ۲۵
 الفت ۲۰۱
 النہی (آقا میرزا ابوالقاسم) ۷۱
 امام (حاج میرزا باقر) ۷۹-۸۹
 امام جمعہ (آقا میرزا حسین بن آقاسید
 عبدالجواد شیرازی) ۱۲۷

الاردستانی (المولی محمد صادق) ۲۷-۳۲
 اردکانی (آخوند ملا محمد رضاء) ۱۲۴-۱۳۹
 اردکانی (آقا میرزا علی اکبر) ۱۰۱
 الاردکانی (المولی احمد بن ابراہیم بن
 نعمۃ اللہ) ۳۳
 ارسطو (ارسطاطالیس) ۷-۱۴-۱۷-۲۵
 اسپہانی (حاج ملا جواد) ۱۵۳
 الاسترآبادی (محمد امین) ۲۹
 الاسترآبادی (میرزا محمد) ۲۹
 اسراری سبزواری ۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-
 ۲۱۵
 اسرائیل الاسقف ۱۴
 اسفہای (قانع) ۱۸۹
 اسماعیل بن محمد حسین ۱۸۰
 اشراق ۱۹۹
 الاشراق (المولی عبدالکریم) ۳۲
 اشراق جہرمی ۹۲-۲۰۸-۲۱۰
 اشکوری ۲۰۹
 اشکوری (آقامیرزا ہاشم بن حسن بن محمد
 علی اشکوری لاهیجی مازندرانی) ۵۹
 الاشکوری (المیرزا ہاشم) ۷۱
 الاضطہباناتی (آقامیرزا محمد باقر) ۱۰۲-
 ۱۵۷
 اصفہانی ۲۰۴
 اصفہانی (آخوند ملا اسماعیل) ۳۶-۱۱۰
 اصفہانی (آخوند ملا تقی) ۱۲۶
 اصفہانی (آخوند ملا محمد حسن) ۱۲۵
 الاصفہانی (آقاسید ابوالقاسم) ۱۳۶
 الاصفہانی (آقاسید صدر الدین الہاطلی)
 ۱۱۷-۱۱۸
 الاصفہانی (آقاسید محمد تقی) ۱۳۶
 اصفہانی (آقاشیخ محمد علی) ۶۲-۶۹-۱۰۲
 الاصفہانی (آقامیرزا جلال الدین ہمانی) ۵۸

ایزد گشسب گلپایگانی (آقاشیخ اسدالله) ۷۰
ایسی (آقاشیخ سیف الله) ۷۱

باد کوبه ای (آقا سید حسین) ۱۶۷-۷۸-۷۱
باد کوبه ای (آقاشیخ صدرا) ۳۰-۶۵-۹۴-

۱۱۷

الباد کوبی (شمس الدین علی نقی رضاء) ۹۴
البعجستانی (آقا سید علی) ۱۳۶

بامداد ۱۸۹

بحر العلوم ۱۲۶

بحرانی ۱۸۲-۱۸۱-۱۷۹-۳۱-۲۹-۲۸

البحرانی (سلیمان بن عبدالله بن علی بن حسن بن

احمد بن یوسف بن عمار) ۳۰-۲۹

البحرانی (الشیخ حسین بن الشیخ محمد جعفر)

۲۸

البحرانی (الشیخ عبدالله بن الشیخ علی بن

احمد) ۲۹

بدوی ۱۷۷

بدیع الزمان بشرویه ۱۲۳-۱۱۵-۱۱۴-۷۴

براون ۲۱۴-۲۰۷

برجیس (شیخ محمد حسین) ۱۲۲

برخواری (مولی یوسف جزی) ۳۸

بروجردی (آخوند ملا اسماعیل) ۲۳

بروجردی (آقامیرزا محمود) ۱۰۲-۵۲-

۱۰۷-۱۰۶-۱۰۵

بروجردی (حاجی سید شفیق چاپلقی) ۴۰

بروجردی (میرزا جهان بخش) ۱۶۶-۶۴

بکاء (آقا سید احمد) ۱۳۵

بلاغی ۲۰۰-۱۹۹-۱۹۸-۱۹۷-۱۹۶-۱۹۲

بنان الشریعه (حاج سید جواد مدنی کرمانی) ۶۶

بوذرجمهر ۱۹

بوعلی ۱۶

بونصر ۱۶

امام جمعہ زنجان (آقا سید محمود) ۱۰۳

امام فخر ۲۵-۲۴-۱۸

امامی (حاج آقا عطاء) ۷۹

امجد سبزواری (آقامیرزا محمد) ۱۲۴-۱۲۲

الامیر (آقا سید عبدالکریم امیری فیروز کوهی)

۶۹

امیر (علیه السلام) ۱۴۸

امیر افشار ۱۰۰

الامیر صادق آقا ۱۳۵

امیر کلائی مازندرانی (آقاشیخ مهدی) ۶۵-

۷۲-۶۸

امیر المومنین (علیه السلام) ۱۴۶-۱۰-۹

امیر محمد صالح بن عبدالواسع ۲۹

امین الحکماء ۱۰۳

امین الضرب ۱۸۱

امینی ۲۱۳-۲۱۱-۲۰۰

انباذ قلس ۱۹

انجدانی (آخوند ملا محمد تقی) ۱۴۷

اندرونیقوس ۱۴

اندلسی (قاضی صاعد) ۱۳

انصاری ۲۰۰-۷۵

انصاری اهوازی ۲۱۱-۲۰۹

انصاری (خواجہ عبدالله) ۲۵

انصاری (شیخ مرتضی) ۱۵۱

انصاری (محمد یوسف) ۱۳۹

انصاری (مفتی محمد عبدالحلیم) ۱۳۹

انگلیسی (سرجان ملکم) ۱۵۹

اوغسطین ۱۴

اھرن بن قیس ۱۱

ایجی (قاضی عضد الدین) ۱۹

ایران شهری (ابوالعباس) ۱۵

ایروانی (ملا محمد) ۲۷

ایزد گشسب ۱۹۱-۱۸۵-۱۸۴-۱۷۹

التقوى (حاج سيد نصرالله) ۱۶۷
التقوى الشيرازى (آقا سيدضياء الدين) ۱۱۷
تقى زاده (سيدحسن) ۱۶۲
تنكابنى ۳۵-۱۸۱-۱۸۴-۱۸۵
تنكابنى (آقا سيد محمود) ۱۶۶
تنكابنى (آقا شيخ صدر) ۳۹
تنكابنى (آقا ميرزا سليمان) ۳۹
التنكابنى (آقا ميرزا طاهر) ۷۴-۹۸-۱۵۸-
۱۶۵-۱۶۸
التنكابنى (الشيخ حسين بن ابراهيم) ۲۷-۳۱
توحيدى (ابوحيان) ۶-۱۲-۱۵
تونى (آقا ميرزا محمود) ۱۲۷
تويسرکانى (آقا ميرزا باقر) ۷۹
تويسرکانى (آقا ميرزا مسيح) ۷۸
ثابت بن قره ۱۴
ثقفى (آقا ميرزا محمد) ۱۸۹-۲۰۲
. . .
جابر انصارى (آقا حيدرعلى) ۸۱-۱۱۸
جابرى ۸۵-۸۶-۱۹۰-۲۱۳
جابرى (شيخ حسن خان) ۱۹۳-۱۹۴
جاحظ ۱۰
جاهاسب ۱۹
جاهى ۲۵
جبل عاهامى ۱۷۹-۱۸۰-۱۸۲-۱۸۸
جرجانى (هیر سيدشريف) ۱۹
جرقويهائى (آقا شيخ محمد رضا) ۸۱
جزى ۱۹۴-۱۹۸
جعفرى تبريزى (آقا شيخ محمد تقى) ۶۵-۸۴
۹۲
جعفرى لنگرودى (دکتر محمد جعفر) ۶۵
جلوه ۵۸-۵۹-۶۲-۶۴-۷۰-۱۶۶-۱۶۸-
۱۷۲

بهاء ۱۲۷
بهاء الملك ۱۲۲
البهارى (الشيخ محمد) ۱۳۴-۱۳۶-۱۴۱
البهارى الهمدانى (آقا شيخ محمد باقر) ۱۳۶
البهائى (شيخنا) ۲۰
البهبهانى (آقا احمد بن...) ۶۸
البهبهانى (آقا اكبر...) ۱۱۸
البهبهانى (آقا ميرسيد محمد بن السيد عبدالله)
۱۶۸
البهبهانى (السيد حسين) ۱۳۹
بهروزى ۲۰۸
بهمنيار ۲۴-۲۵
بيان ۲۰۷
بيدآبادى (۲۷-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۴۰-۴۷-
۱۵۰-۱۵۱-۱۵۳-۱۷۹)
بيهقى ۱۲
پورد اوود ۲۱۴
تبريزى (آخوند ملا رضاء) ۳۸
التبريزى (آخوند ملا عباسعلى) ۱۸۳
تبريزى (آقا ميرزا سليمان) ۳۹
التبريزى (المولى رجب على المتخلص
بواحد) ۲۷-۳۱
التبريزى النجفى (الاقا الشيخ رضاء بن محمد
باقر) ۱۳۷
تحويل دار ۱۸۷-۱۸۹
تربت حيدرى (آقا شيخ محمد كاظم) ۷۴
تربتى (ميرزا نصرالله) ۱۲۵
ترکه (صائن الدين محمد) ۶۳
التستري (السيد عباس) ۱۳۸-۱۳۹-۱۸۰
تفتازانى ۸
تفرشى (ميرزا على اكبر بن ميرزا عبدالغنى) ۱۲۵
تفرشى (ميرزا محمد على بن ميرزا عبدالغنى) ۱۲۵

حاج میرزا حسین ۱۵۳	جلوه (آقا میرزا ابوالحسن) ۳۰-۴۰-۵۰-
حاج میرزا خلیل ۱۵۳	۶۰-۱۵۹-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۹-
حاج میرزا صفا ۱۵۳	۱۷۰
حاج میر محمد علی ۱۵۳	جلوه (هادی) ۲۱۴
حاجی سبزواری ۴۰-۴۱-۶۸-۱۱۱-۱۱۲-	جمالی ۲۰۱
۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸	الجنندقی (آقا میرزا محمد باقر) ۱۵۸
۱۱۹-۱۲۰-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-۱۲۷	جواهری ۹۸-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۷-۱۹۹-
۱۵۴-۱۵۹-۱۶۸-۱۷۵-۲۰۳	۲۰۸-۲۱۵
حاجی خلیفہ ۱۴	جواهری اصفہانی (آقا میرزا ابراہیم) ۱۱۸
حاجی فاضل ۷۱-۱۲۰	جورجس ۱۱
حاجی نایب الصدر ۱۴۹-۱۵۵-۱۵۷	جولا (ملاقلی) ۱۴۹-۱۵۰
حاجی نوری ۱۴۲-۱۴۳-۱۴۵-۱۴۷-۱۴۸	الچولستانی (الشیخ علی محمد) ۶۶-۷۴
۱۸۰-۱۸۱	جہانگیر خان ۵۸-۶۷-۷۴-۸۴-۸۵-۸۶-
حافظ الصبحہ ۱۲۳	۸۷-۹۶
حافی (آخوند ملاحسن) ۱۱۴-۲۰۳	جہرمی (آقا سید احمد) ۲۳
حائری (آقا مہدی) ۶۵	جہرمی (آقا سید عبدالغفور) ۱۱۵-۱۲۴
الحائری (الاقا السید احمد) ۱۵-۶۳-۱۴۱	جیلانی ۱۶۲
حائری (هادی) ۱۰۳	الجیلانی (آقا میرزا ہاشم) ۶۳
الجبوبی (السید محمد سعید) ۱۳۶	الجیلانی (المولی محمد تنکابنی) ۳۱
حجۃ الاسلام (امام محمد بن محمد الطوسی الغزالی) ۱۶	
حجت علی ۱۸۳-۲۰۴-۲۱۱	چاپلقی ۱۸۱-۱۸۲
حزین ۱۸۲	چہاردہی ۲۰۱
حسام السلطنہ ۱۱۵	چینی (آقا میرزا حسن) ۱۶۱
حسام الملک قرہ قوزلو ۱۲۳	
حسینعلی شاہ ۳۴-۳۷-۱۸۵	حاجب الدولہ ۶۲
حقیقت ۲۱۵	حاج شیخ عماد الدین ۱۱۳
حکمی (آقا شیخ علی) ۱۱۹	حاج شیخ عیسی بن فتح اللہ ۸۵
الحکیم ۱۵۸	حاجی شیخ ہادی ۱۵۳
حکیم (آقا میرزا حسن) ۵۰	حاج عبدالجواد ۱۱۳
حکیم (آقا میر شہاب) ۳۰-۵۸	حاج محمد خان بن حاج محمد کریم خان ۱۷۶
حکیم (الاقا المیرزا محمد علی بن...) ۱۳۰	حاجی ملا ہادی ۱۱۳-۱۷۵-۲۰۲-۲۰۳
حکیم الالہی الجہرمی (السید محمد) ۱۲۷	حاج ملک المتکلمین اصفہانی ۱۲۵
الحکیم الطباطبائی (آقا سید محسن) ۱۴۷	حاج ملک علی ۹۹

خان ۶۹-۷۷-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۹۰
 خوبوشانی (میرزا عبدالکریم) ۱۲۳
 الخبوشانی (آقا شیخ عبدالکریم) ۱۱۷
 الخبوشانی (الشیخ حسن القهرمانی) ۱۶۸
 الخراسانی (آخوند ملا عبدالجواد التونی) ۱۶۱
 خراسانی (آخوند ملا عبدالجواد مدرس) ۳۷
 خراسانی (آخوند ملا محمد تقی) ۳۸
 خراسانی (آقابزرگ بن السید ذبیح الله) ۷۰
 خراسانی (آقا سید فخرالدین) ۸۹
 الخراسانی (آقا سید هادی بن السید علی
 الحسینی)
 الخراسانی (آقا سید یوسف بن السید محمد
 رضا) ۸۱
 خراسانی (آقا شیخ محمد حکیم) ۵۸
 الخراسانی (السید محمد تقی بن السید محمد
 رضا) ۱۳۶
 الخراسانی (الشیخ محمد حسین) ۷۱-۱۳۴-
 ۱۴۱
 الخراسانی (الشیخ محمد علی) ۲۱۱
 خراسانی (سید حق الیقین) ۱۱۷-۱۱۹-کر
 اسف
 خراسانی (فاضل) ۳۰
 خراسانی (ملا علی اکبر) ۱۲۳
 الخرقانی (آقا سید اسد الله) ۱۶۹
 خرم شاهی (آقا میرزا ابوالقاسم خوارزمی)
 ساوجی) ۶۹-۷۰-۱۱۸
 خفری (فاضل) ۱۹
 الخلیجالی (آقا سید صالح) ۳۲-۱۶۸
 الخلیجالی (آقا میرزا حسین علی بن المیرزا
 محمد رضی المحقق) ۱۶۸
 خواجہ (موسی) ۲۵-۱۵۵
 خوانساری ۳۳-۳۴-۱۷۹-۱۸۱-۱۸۲-
 ۱۸۴-۱۹۲

حکیم الملك ۱۷۵
 الحکیم النجفی الطباطبائی (السید مهدی)
 ۱۳۶
 حکیم الهی اول (آقا میرزا جعفر) ۱۲۴
 حکیم الهی ۱۰۸
 حکیم الهی (آقا میرزا شمس الدین) ۶۸
 حکیم الهی لواسانی طهرانی (میرزا شمس-
 الدین) ۱۲۴
 حکیم (حاج میرزا حسن) ۱۲۳
 حکیم (حاجی ملا اسماعیل) ۳۸
 حکیم دارابی الشریف (میرزا عباس)
 حکیم دارابی جوهری (آقا میرزا آقا) ۱۲۷
 حکیم زرگر ۷۱
 حکیم (شیخ محمد) ۸۵
 الحکیم محمد حسین ۳۱
 حکیم محمد سعید ۳۱
 حکیم (ملا محمد صادق) ۱۲۳
 حکیم (میرزا حسن) ۱۶۰
 حکیم (میر قوام الدین) ۴۸
 حکیمی ۱۹۱
 حنین بن اسحاق ۱۲-۱۴
 خاتون آبادی (امیر محمد حسین) ۲۸
 خاجوئی ۳۱-۴۰
 خاجوئی (آخوند ملا اسماعیل بن محمد
 جعفر بن ملا اسماعیل) ۳۸
 خاجوئی (ملا اسماعیل بن محمد حسین بن
 محمد رضا بن علاء الدین محمد
 المازندرانی) ۲۷-۲۸
 خادم باشی ۱۲۰-۱۲۷
 خاقان ۵۰
 خالد (حکیم آل مروان - خالد بن یزید بن
 معاویہ) ۱۱

- الخوانساری (آخوند ملا محمد علی) ۸۹
الخوانساری (آقا جمال) ۲۸
الخوانساری (آقا حسین) ۳۲-۲۹
خوانساری (آقا سید فخر الدین) ۸۰
الخوانساری (آقا میرزا سید حسن...) ۸۳
خوشنویس (آقا میرزا احمد) ۶۶
خوئی (آقا سید جمال الدین بن السید ابی القاسم)
۱۱۷
خوئی (امین الشرع) ۱۸۰
خیابانی ۱۶۲-۲۰۰-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۷-
۲۰۹-۲۱۴-۲۱۵
- دارابی ۳۱
دارابی (آخوند ملا احمد) ۱۱۷
دارابی (شاه محمد) ۲۷
دارابی (حکیم عباس) ۱۱۷
داعی الاسلام (آقا سید محمد علی) ۷۸
داعی الاسلام لاریجانی (آقا سید محمد علی بن
فضل الله) ۸۷
داماد (محقق) ۲۰
الداماد (محمد الملقب بباقر) ۱۷۸
دامغانی (نعمت الله) ۳۰-۷۱-۹۴
دامغانی (آقا میرسید آقا) ۶۷
دانسرشت صیرفی (علی اکبر) ۱۹۰
درب امامی (آقا میرزا فتح الله) ۸۰-۸۹
درب کوشکی (آخوند اسماعیل) ۳۷
درخشان ۲۰۴-۲۰۹
درویش (عبدالمجید) ۳۵
درویش (میرزا ابوالقاسم) ۳۴
دری ۶۰-۶۱-۱۷۸
دری (آخوند ملا فرج الله) ۸۰-۸۹
الدری (آقا ضیاء الدین) ۷۰-۷۴-۱۱۸-۱۶۷
الذرفولی (آقا سید علی السید) ۱۵۱
- الذرفولی (السید صدر الدین) ۱۵۰
دشتکی (صدر) ۱۹-۲۸-۲۹
دکتر شافتر ۸۷
دکتر غنی ۲۰۲
دکنی (شاه علی رضا) ۱۵۴
دنبلی ۱۹۰
دوانی ۲۵
دوانی (جلال الدین) ۱۹
دوانی (محقق) ۲۴
الدولة آبادی (آقا سید آقا) ۱۳۶
دولت آبادی (آقا میرزا مهدی بن هادی) ۸۲-
۸۹
دولت آبادی اصفهانی (حاج میرزا یحیی) ۱۶۹
دهاقانی (آقا محمد جعفر) ۸۷
دهقان ۱۹۶-۲۰۶
دهکردی ۱۰-۱۷۶
دهکردی (آقا سید ابوالقاسم) ۳۷-۱۲۵-
۱۴۶
دهکردی اصفهانی (آقا سید عباس صفی) ۷۷-
۸۸
دیلمی (یحیای بطریق) ۱۷
دیوانه (آقا شیخ اسد الله) ۸۲-۱۰۴-۱۸۹
ذوالفنون عراقی (آقا میرزا حبیب الله بن محمد
جعفر) ۶۹-۷۲-۹۴
راز ۱۷۹
راز شیرازی ۱۱۳
راز (میرزا ابوالقاسم آقا) ۳۵
رازی ۱۹۲-۱۹۳-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۹-۲۰۴
۲۰۵-۲۱۶
رازی (امام فخر) ۱۸-۲۴
رازی (قطب الدین) ۱۶-۱۸

- ریاضی ۱۹۲
ریاضی (آقا سید ابوالقاسم) ۷۲
ریاضی (آقا شیخ محمدحسین) ۶۴
ریاضی (آقا میرزا ابراهیم) ۶۹
الریاضی الحکمی الزنجانی (آقا میرزا ابراهیم) ۱۶۲
الریاضی الرشتی (آقا میرزا عبدالله) ۱۰۲
الریزی (آقا شیخ ابوالفضل) ۹۱
رئیس الاطباء (میرزا ابوالحسن خان) ۶۴
رئیس الاطباء (میرزا ابوالقاسم نائینی) ۶۴
- زاهد (حاج شیخ علی) ۱۳۵
زفره ای ۱۹۴
زنجانی ۱۹۹-۲۰۱-۲۰۴-۲۰۶-۲۱۳-
۲۱۵-۲۱۶
زنجانی (آقا میرزا ابراهیم حکمی) ۷۴
زنجانی (آقا میرزا ابراهیم ریاضی) ۱۲۱
الزنجانی (آقا سیدحسین ابن القناد) ۱۶۹
الزنجانی (آقا سید محمد بن السید محسن)
۱۵۸-۱۶۷
الزنجانی (آقا شیخ فیاض الدین السرخسی)
۱۶۷
الزنجانی (آقا میرزا ابراهیم بن ابی الفتح
الریاضی) ۹۹
الزنجانی (آقا میرزا ابوعبدالله) ۱۰۰
الزنجانی (آقا میرزا باقر) ۱۶۹
الزنجانی (آقا میرزا عبدالعزیز بن محمد علی)
۱۵۸-۱۶۹
الزنجانی (المیرزا عبداللہ بن محمد جعفر)
۱۰۰
الزنوزی ۶۱-۱۸۰-۱۸۳-۱۸۴
زنوزی (آخوند ملاعبدالله) ۴۹-۵۰
الزنوزی (الاقاعلی) ۶۰
- رازی (محمد بن زکریا) ۱۵
الرازی (ابوالفتوح) ۶۲
الرازی (الحاج ملاعلی) ۱۴۲
الرازی (امام المتکلمین محمد بن عمر بن
الحسین الخطیب) ۱۷-۱۸
راهگیری ۱۹۱
ربانی (آقا محمد رضاء) ۶۴-۶۵
الربانی (الشیخ محمد رضاء) ۷۵
رحمت علی (حاج شیخ عبدالله الحائری) ۱۰۳
رحمت علی حقانی (آقا سید احمد دهرکردی)
۷۹
رشتی (آقا سید رضی) ۳۸
الرشتی (آقا شیخ عبدالحسین بن الشیخ
عیسی...) ۳۰-۵۸-۶۵-۷۳
رشتی (حاج اعتماد) ۶۶
الرشتی (الحاج میرزا حبیب الله) ۱۳۹
الرشتی (الشیخ غلام حسین) ۱۳۵
الرشتی (المیرزا ابوالفضل) ۱۵۸
الرشید ۱۰
رشید یاسمی ۲۰۶
رضا زاده ۲۰۸
رضاعلی نعمت اللہی ۱۱۳-۱۹۴-۲۰۶
رضوی ۱۷۶
الرضوی (السید المیرزا ابوالحسن) ۱۱۹-
۱۲۸-۱۳۸-۱۳۹
رفیع ۲۰۵
رفیعی ۱۹۴-۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹-۲۱۳-۲۱۴
۲۱۵-۲۱۶
الرفیعی القزوینی (آقا سید ابوالحسن) ۱۱۸
رفیعی قزوینی (آقا سید ابوالحسن) ۶۹
رمضان علی ۱۳۳
روشن (آقا میرزا عبدالکریم الطهرانی) ۹۹
روضاتی ۱۸۶-۱۹۶-۱۹۸-۱۹۹-۲۰۰-۲۱۰

سعادت علی ۱۱۳	زنوزی (میرزا سید محمد حسن فانی) ۳۶
سعدا (ملا) ۲۴	
سقراط ۶	ساعدی ۲۱۴-۲۱۰-۲۰۷-۲۰۴
سلطان آبادی (آقا سید محمد) ۱۴۲	السامانی (منصور بن نوح) ۱۴
السلطان آبادی (المولی الحاج مهدی) ۱۴۶	سبزواری ۱۷۸-۱۷۶-۱۲۹-۱۲۸-۳۶-۲۳
سلطان آبادی (حاج ملافتحعلی) ۱۵۳-۳۸	سبزواری (آقا میرزا حسین) ۱۶۶-۱۲۱-۴۰
سلطان آبادی (حاج میرزا محمد علی حکیم الهی) ۹۱	سبزواری (الحاج ملاحسین) ۱۰۹
سلطان الفلاسفه (میرزا محمد حسین خان) ۱۶۶-۶۴	سبزواری (امین الشریعه) ۱۸۵
سلطان علی ۱۲۴	سبزواری (حاج ملا اسماعیل بن حاج علی اصغر) ۱۲۵
سلیمانی ۲۱۵-۲۰۷	سبزواری (حاج ملاهادی) ۱۷۰-۱۲۴-۱۰۹
السمنانی (آقا سید علی صدر العرفاء) ۱۵۸	السبزواری (حاج میرزا عبدال حکیم) ۱۶۸
السمنانی (آقا شیخ محمد بن علی اصغر الفانی) ۱۶۸	سبزواری (حاجی) ۳۵-۶
السمنانی (آقا میرزا محمد حسین بن مهدی) ۱۶۸	سبزواری (فاضل مغیثه ای) ۱۳۷
السمنانی (حاج ملا علی) ۱۶۸-۱۲۱	سبزواری (ملا علی) ۱۱۳
سمنانی (علاء الدوله) ۲۵	سبزواری (ملا محمد کاظم بن الاخوند ملا- محمد رضاء) ۱۲۶
سنا ۹۷	سبزواری (میرزا اسد الله) ۱۲۵
السنا (جلال الدین) ۸۵	سبزواری (هادی) ۳۰
السنگلچی (آقا محمد) ۱۱۹	السبزواری (آقا سید عبدالاعلی) ۱۱۷
السواد کوهی الاشتی (المولی محمد زمان) ۱۶۶-۱۵۷	السبزواری (آقا شیخ عبدالصمد) ۱۶۸-۱۲۹
سها ۱۳۲-۷۰-۶۷	السبزواری (السید عبدالرحیم) ۱۲۸
سهروردی ۲۵-۲۴	السبزواری (الشیخ علی اصغر) ۱۲۵
سهروردی (شهاب الدین یحیی بن حبش بن امیرک) ۱۸	السبزواری (المولی محمد رضاء) ۱۲۸
سهروردی (صاحب عوارف) ۲۵	سپنتا ۱۹۳
سهیلی خوانساری (آقا میرزا احمد خان) ۱۶۴	سپهر ۱۸۸-۱۸۶
سیبویه (شیخ عبدال حسین) ۶۴	سپهسالار (محمد خان قاجار) ۱۵۶
سیدالاطباء (شرف الدین سید علی الحسینی المرعشی التبریزی) ۱۲۶	سجستانی (ابوسلیمان منطقی) ۶
	سحاب ۱۹۲
	سدهی (آقا میرزا محمد علی) ۸۰
	سرتیب (آقا میرزا عبدالرزاق خان) ۶۳
	سروقد رضوی (آقا میرزا محمد) ۷۰

- السید امیر قوام الدین ۳۱
 سید بحر العلوم ۱۵۲
 سید جمال الدین ۱۶۷
 السید حسن ۷۲
 السید حسین الترك ۱۳۹
 السید حسین بن السید رضا ... ۷۱
 سید ریحان اللہ ۱۹۳
 سید صدر ۱۴۴
 سید صدر الدین ۱۵۱
 سید علی خان ۱۷۸
 سید علی محمد ۱۶۶
 سید قطب ۱۵۱-۱۵۲
 سید قطب الدین محمد ۱۵۱-۱۵۲
 سید محمد محسن ۲۹
 السید مرتضیٰ ۱۳۹
 السید مهدی شاہ ۱۳۸-۱۳۹
 سیدنا بحر العلوم ۱۴۸
 سیرافی (ابو سعید) ۱۲
 سیف الشعراء دہقان سامانی ۷۷
 شازدہ جناب ۱۲۰-۱۲۱
 شاکری ۱۹۴-۱۹۸-۲۰۷-۲۰۹
 شانہ ساز (الشیخ احمد شیرازی) ۱۲۹
 شاہ آبادی ۱۱۹
 شاہ آبادی اصفہانی (آقا میرزا محمد علی)
 ۶۷-۷۴-۱۶۸
 الشاہرودی (آقا سید عباس) ۱۶۶
 الشاہ عبدالعظیمی (آقا سید محمد تقی) ۱۳۶
 شاہ علی رضا ۱۵۴
 شاہ نعمت اللہ ۱۵۴
 شرارہ (آقا شیخ موسیٰ) ۱۳۶
 شرف الملک (آقا میرزا احسن) ۶۸
 شریعت سنگلچی ۱۷۱
 شریعت گیلانی (آقا میرزا محمد باقر) ۱۰۳
 شریعتمدار (آقا میرزا ابراہیم) ۱۲۶
 شریعتمدار رفیع (آقا شیخ نور الدین) ۱۷۱
 الشریف الرضی (السید) ۷۳
 شعرانی (آقا میرزا ابو الحسن) ۶۵-۷۳-
 ۱۰۶-۱۱۴-۱۷۱
 شفتی (حجة الاسلام) ۴۷
 شمس آبادی (آقا سید ابراہیم) ۷۸
 شمس الادباء ۱۲۴
 شمس العلماء ۱۶۷
 شمس گیلانی ۱۸۲
 شمس (مولنا) ۷۱
 شوشتری (آقا سید علی) ۱۳۳-۱۴۸-۱۴۹-
 ۱۵۱-۱۵۲
 شوشتری (وفائی) ۱۴۹
 شہرزوری (شمس الدین) ۱۷-۲۴-۲۵-۷۴
 شہرستانی ۱۵۷
 الشہرستانی (آقا سید عبدة الدین) ۱۱۹
 شہید (سید مہدی) ۷۰
 شہیدی (حاج میرزا حبیب اللہ) ۹۷
 شیخ ۶۰
 شیخ الاسلام (آخوند ملا غلام حسین) ۷۰-
 ۱۲۰-۱۲۷
 شیخ الاسلام زنجان (آقا شیخ فضل اللہ بن
 الشیخ نصر اللہ) ۶۹
 شیخ الاسلام (میرزا غلام حسین) ۱۲۲
 شیخ الاسلام (میرزا فضل اللہ) ۱۰۰-۱۱۷
 شیخ الاسلامی (د. نرجواد) ۱۰۰
 شیخ الاشراف (شیخ شہاب الدین محمد بن
 موسیٰ العراقی) ۱۲۳
 الشیخ الانصاری ۱۳۳-۱۴۲
 الشیخ البہائی ۱۰-۱۳۸

صاحب الرياض ۳۱	شیخ الرئيس ۱۴-۱۵-۱۶-۲۴-۲۵-۶۳-
صاحب الزماني (آقا سيدحسن) ۱۶۸	۱۶۱-۷۴
صاحب الكفايه ۱۱۷	شیخ الرئيس (ابوالحسن ميرزای حيرت) ۶۸-
صاحب المطالع ۳۴	۱۵۷-۱۲۳-۱۰۱
صاحب روضات ۲۷-۴۹	الشيخ الصدوق (محمد بن علي بن بابويه)
صاحب رياض (آقا سيدعلي طباطبائي) ۳۴-۵۰	۱۵۷-۸
صاحب طرائق ۵۰-۱۰۷-۱۰۸	شیخ المحققين اصطهباناتی (آقا شيخ احمد)
صاحب قصص العلماء ۳۹	۷۹
صاحب مستدرک ۳۷	الشيخ تفضل حسين ۱۳۹
صاحب وسائل (شيخ حرعالملي) ۱۶۰-۱۸۲	شیخ حسن ملاسلطان محمد ۹۵
صادق طهرانی (آقا شيخ محمد) ۱۱۹	شیخ عربي ۴۸
صادق (دکتر محمد) ۶۵	شیخ مرتضى ۱۵۱
الصفای گلپایگانی (آخوند ملا محمد جواد)	شیخ مفید ۱۶۹
۹۱	شیخنا الحر ۱۳۸
صالح علی (آقا شيخ محمد حسن بیچاره بيدختی)	شيدای اصفهانی (آقا ميرزا عباس) ۷۶
۹۰-۸۳	شيرازی ۱۷۸-۱۸۵-۱۹۰-۱۹۱
صباغ کاشانی (حاج ملا محمد صادق) ۱۲۵	شيرازی (آقا شيخ غلام علی) ۱۰۳-۱۵۸
صبحی الصالح ۱۷۶	شيرازی (آخوند ملاصدرا) ۲۳-۲۷-۳۰-
الصدر (آقا سيد صدرالدين) ۱۶۹	۶۳
صدرا ۲۷-۴۸-۱۵۷-۱۷۹	شيرازی (آقا ميرزا علی آقا) ۸۳-۹۱
صدرالاشراف محلاتی (آقا سيد محسن) ۷۳	شيرازی (ابوولي) ۲۷
صدرالافاضل دانش (آقا ميرزا لطفعلی) ۶۹-	شيرازی (زين العابدين) ۲۰۶
۱۰۱	شيرازی (سيد قطب الدين محمد نيريزی) ۲۶-
الصدر (السيد اسماعيل) ۱۴۷	۲۷
صدرالحفاظ قمی (ميرزا سيد حسين) ۱۰۲	شيرازی (مير صدر) ۲۴
صدرالدين (احمد بن نظام الدين بن محمد	الشيرازی (الشيخ محمد حسين بن مراد علی)
معصوم بن احمد بن نظام الدين ابراهيم بن	۳۰
سلام الله بن محمد بن مسعود بن محمد بن	الشيرازی (الميرزا السيد محمد حسن) ۱۳۹
صدرالحقیقه بن غياث منصور) ۲۹	۱۴۲
صدرالعرفاء صفا (آقا سيد علی) ۱۲۱	صاحب الاشارات ۳۴
صدرالعلماء سبزواری (ميرزا علی النقی) ۱۲۳	صاحب جواهر ۱۴۲-۱۸۵-۲۱۳
صدرالمتألّهين (مولنا محمد بن ابراهيم قوامی	صاحب حدائق ۲۹
شيرازی) ۱۰-۱۹-۲۰-۲۲-۲۳-۲۶-	
۱۷۶-۱۵۶-۱۲۹-۵۲-۳۱-۳۰-۲۷	

طباطبائی ۱۱۹
 الطباطبائی (آقا میرسید محمد بن السید صادق)
 ۱۶۸
 طباطبائی (ابوالحسن بن سید محمد) ۱۵۹
 الطباطبائی البرقوثی (آقا سید زین العابدین)
 ۸۰
 الطباطبائی البروجردی (حاج سید حسین)
 ۸۷-۸۲
 الطباطبائی التبریزی (آقا سید جواد) ۱۱۷
 الطباطبائی التبریزی (آقا سید محمد حسین)
 القاضی ۷۲
 الطباطبائی (السید ابراهیم) ۱۸۳-۴۰
 الطباطبائی القمی (آقا سید حسین بن السید محمود)
 ۷۰
 الطباطبائی (بحر العلوم) ۱۵۵-۱۵۲
 طباطبائی حائری (آقا سید جواد) ۱۲۶
 الطباطبائی (سید علی اکبر...) ۱۰۶
 طباطبائی (محمد جواد بن محمد تقی) ۳۰
 طباطبائی (محمد علی بن محمد مؤمن حسنی)
 حسینی ۲۳
 الطبرسی (محمد طاهر) ۱۶۵
 طرب بن همای شیرازی (آقا میرزا ابوالقاسم
 محمد نصیر) ۹۰-۸۳
 طریحی نجفی (شیخ محمد حسین) ۱۷۶-۱۲۶
 طوسی (محقق) ۲۵
 طوسی (خواجہ نصیر الدین) ۱۸
 طهرانی ۵۸-۶۰-۶۱-۷۱-۱۰۰-۱۵۷-
 ۱۶۱-۱۶۶-۱۶۹-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۳
 ۱۸۷-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹
 ۲۰۰-۲۰۱-۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹-۲۱۱
 ۲۱۳-۲۱۴-۲۱۶
 طهرانی (آخوند ملا عبدالرسول غرانچی) ۲۳
 طهرانی (آقا سید احمد) ۱۳۴

الصدوق ۶۹
 صفائی ۲۱۵
 صفوت ۲۱۵-۲۰۰
 صهباء ۵۲
 صهباء (آقا محمد رضا قمشہای) ۴۵
 صهبای قمی (آقا محمد تقی) ۵۷
 صهبای یزدی (آقا سید ابراهیم) ۵۷
 صیرفی (دانا سرشت) ۶۱
 ضیاء الحق حکیمی ۲۰۳
 ضیاء الحکماء نائینی (آقا میرزا سید محمد علی
 بن حاجی میرزا رفیعا) ۱۶۶
 الطارمی (السید صالح) ۹۱
 طالقانی (آقا سید محمد تقی) ۹۳
 طالقانی (آقا شیخ مرتضی) ۷۸-۶۵
 طالقانی (آقا شیخ مسیح) ۶۴
 طالقانی (آقا شیخ یحیی) ۸۸-۷۷-۶۷
 طالقانی (اسلام الدین) ۱۰۷
 طالقانی (مرتضی) ۳۰
 طالقانی (میر سید) ۴۸-۴۷
 الطالقانی (السید اسماعیل) ۱۰۶
 الطالقانی (السید حسن بن السید عبدالحسین
 الحسینی النجفی) ۴۸
 الطالقانی (الشیخ محمد حسن) ۸۸-۷۷
 الطالقانی (الشیخ محمد رضا) ۲۱۲
 الطالقانی الغروی (الشیخ مرتضی بن آقا جان)
 ۹۲-۸۳
 الطالقانی النجفی (آقا سید محمود) ۱۳۶
 الطالقانی (جلال الدین ابوالفضل العنقاء)
 ۱۵۷-۱۰۱
 طاووس العرفاء سعادت علی (آقا محمد کاظم
 اصفہانی) ۱۲۴

- طهرانی (آقا شیخ ابراهیم) ۱۲۳
طهرانی (آقا شیخ هادی) ۱۶۷
طهرانی (آقا میرزا ابو الفضل بن میرزا
ابی القاسم) ۵۱-۵۹-۱۰۱-۱۰۶
الطهرانی (آقا میرزا محمد بن المولی
ابی الفضل) ۱۰۶-۱۱۸
الطهرانی (الحاج المولی علی بن المولی خلیل)
۱۴۳
طهرانی (حاج ملا علی مجتهد) ۲۱۰
الطهرانی (حاج میرزا حسین) ۱۴۳
طهرانی (شیخ آقا بزرگ) ۱۹۱
الطهرانی (میرزا خلیل الطیب) ۱۴۳
ظل السلطان ۱۶۳
ظہیر الاسلام (آقا سید حسین) ۱۵۱
عامری (شیخ ابو الحسن) ۲۵
عاملی ۲۰۶-۲۱۰-۲۱۱
العاملی (بہاء الحق والدين محمد الحارثی
الہمدانی) ۱۷۸
عبدالائمہ ۹۶
عبدالرسولی (آقا میرزا علی خان) ۱۶۴-۲۰۵
عبدالعلی میرزا ۱۰۷
عبداللہ بن صالح ۲۹
عبدالمجید میرزا ۱۶۹
العراقی (آخوند ملا فتح علی) ۱۴۱
العراقی (آقا ضیاء الدین) ۸۲-۸۸
العراقی الفرید (آقا سید حسن الہزاوی)
۷۷-۸۸
العصار (آقا سید محمد کاظم اللواسانی
الطهرانی) ۶۲-۷۴-۱۱۴-۱۱۵-
۱۱۷-۱۳۴-۱۵۰
عفیف الدین ۱۵۴
عکاس باشی (آقا رضاء) ۶-۱۷۵
علاء الدولہ ۱۶۳-۱۶۴
علاء الممالک ۶
علامہ (آقا شیخ علی) ۲۳
العلامہ (آقا شیخ محمد صالح البارفروشی
السمنانی) ۱۱۹
علامہ (حلی) ۲۵
علومی ۱۷۹
العلومی (آقا سید محمد حسین) ۷۵
علوی شہیدی (آقا میرزا باقر) ۷۹
علی بن ابی طالب (علیہ السلام) ۱۰
علیم الدولہ ۶۳
عماد الدولہ (بدیع الملک میرزا) ۱۵۶
عماد الشریعہ سدھی (آقا میرزا ابو الحسن) ۷۸
عماد الفقراء حالی اردبیلی (آقا میرزا محسن)
۶۶
عمر بن عبدالعزیز ۱۱
عنقضاء (طلعت) ۲۰۰-۲۱۲
عیسی (علیہ السلام) ۱۶۵
عین القضاة ۲۵
غزالی ۱۶-۱۷-۱۸-۲۵
غیاث الدین منصور ۱۹-۲۴-۲۵-۲۹
فارابی (معلم ثانی- ابو نصر محمد بن طرخان)
۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۲۵-۸۴
الفاضل الخراسانی (المولی حاج محمد علی)
۱۲۷
فاضل تونی (آقا شیخ محمد حسین بن الملا
عبدالعظیم) ۶۷-۱۹۲-۲۰۲
فاضل تبتی (آقا شیخ علی) ۱۲۷
فاطمی قمی (آقا میر سید محمد) ۷۴
فافی سمنانی (آقا شیخ محمد) ۱۲۱

القاموسی (آقا سید باقر) ۱۳۶
 قدسی (آقا میرزا عبدالحسین) ۷۷
 قدسی محلاتی (آقا میرزا محمد علی) ۱۱۸
 قزوینی ۳۱-۱۷۹-۱۸۰
 » (آخوند ملا صفر علی) ۳۹
 » (آخوند ملا عبدالله) ۳۶
 » (آقا سید عبدالحسن) ۷۲
 » (آقا سید قوام) ۳۸
 » (آقا شیخ مهدی) ۱۳۹
 » (آقا میرزا ابوالحسن الرفیعی) ۱۰۰
 » (السید ابوالحسن) ۲۲
 » (حاج شیخ باقر) ۸۵-۸۹
 » (حاج شیخ عیسی بن فتح الله الشارودی الله
 هاردی) ۷۷-۸۸
 » (ملا آقا) ۱۵۵
 » (میرزا حسین) ۱۲۶
 » (میرزا محسن) ۱۲۶
 قشقائی (آقا محمد حسن) ۱۶۷
 قشقائی (جهانگیر خان) ۳۰-۸۴-۹۵
 قطب ۱۷۹
 قفطی ۱۱
 قفقازی (شمس الدین علی نقی) ۳۰
 قمشہای ۴۹-۵۱-۵۸-۵۹-۶۰-۱۰۵-۱۹۰
 » (آخوند ملا محمد باقر) ۳۸
 » (آقا شیخ اسد الله حکیم) ۹۰-۹۱
 » (آقا شیخ محمد ہادی فرزانه) ۷۲
 » (آقا شیخ مرتضی) ۸۲
 » (آقا شیخ نصر الله) ۱۰۴
 » (آقا میرزا محمد رضا) ۳۰-۴۰-۴۶
 ۴۷-۱۰۱-۱۶۸
 » (آقا میرزا محمد مهدی) ۱۰۲-۱۲۶
 » (آقا میرزا مهدی الہی) ۱۰۴
 » (آقا میرزا نصر الله حکیم) ۱۰۳-۱۲۳

فتحعلی خان بہادر ۱۳۹
 فتحی (علی) ۲۱۱
 فرزانه (آقا شیخ محمد ہادی بن الملا محمد
 مهدی القمشہی) ۱۰۴
 فرشاوشر ۱۹
 فرصت ۲۰۳
 فرصت الدولہ ۲۰۷
 فروزانفر (بدیع الزمان بشرویہ محمد حسن)
 ۶۶
 فروغی (میرزا ابوالحسن) ۱۸۷
 فرهنگ (مرتضی) ۱۹۰
 الفرید (آقا سید حسن الہزاوی العراقی) ۱۴۲
 فریدنی (آخوند ملا صالح) ۱۲۵
 فریدنی (آقا میرزا محمد علی حکیم الہی) ۸۸
 فسائی ۸۴-۸۵
 فشہای (آخوند ملا باقر) ۳۸
 فقیہ فریدنی (آقا شیخ علی) ۸۱-۸۹
 فلاطوری اصفہانی (دکتر جواد) ۶۶
 فناری ۱۹۱
 فیثاغورث ۱۹
 فیروز آبادی (آقا سید محمد) ۲۳
 فیض (مولنا محسن) ۲۷-۳۲-۱۷۶
 فیلسوف (آقا شہاب) ۹۹-۱۶۲
 القاضی الطباطبائی (آقا سید محمد حسین) ۱۱۹
 القاضی الطباطبائی تبریزی (آقا سید علی آقا)
 ۶۷-۷۱-۷۲-۹۴-۱۳۴-۱۴۰-۱۴۱
 القاضی الطباطبائی تبریزی (حاج میرزا
 محسن) ۱۲۶
 القاضی المیبدی ۱۳۸
 قاضی سبزواری (شیخ عبدالاعلی) ۱۲۵
 قاضی طباطبائی تبریزی (حاج میرزا باقر آقا)
 ۱۳۶

کاشانی (الشیخ حسین بن الشیخ محمد) ۱۱۹
 » (الشیخ محمود بن الملا اسماعیل) ۱۲۵
 » (حاج شیخ محمد زمان) ۲۸
 کاشف ۱۵۱-۱۵۲
 الکاشف (السید صدرالدین) ۱۵۱
 کاشف الغطاء (آقا شیخ محمد حسین) ۱۰۳
 الکاظمینی (الشیخ محمد حسن) ۱۳۹
 کافی (درویش) ۴۶
 کانت ۵
 کبوتر آهنگی (میرزا محمد جعفر مجذوب
 علی) ۳۲
 کتاب فروش (حاج شیخ رضا) ۱۵۶
 کجوری (آقا شیخ عبدالله) ۶۸
 الکربلائی (السید احمد) ۱۳۴
 کرزکانی ۳۱
 الکرزکانی (الشیخ صالح بن عبدالکریم) ۳۰
 کرمانشاهی (آقا میرزا حسن) ۶۰-۶۳-۶۷-
 ۱۹۱-۷۴
 کرمانی (حاج شیخ محمد علی) ۸۱-۸۹
 » (حاجی آقا صادق) ۱۲۸
 » (آقا میرزا محمد حسین) ۱۲۷
 » (میرزا آقا خان) ۱۲۸
 » (میرزا محمد رفیع منشی) ۸۷
 کشفی اصطهباناتی (میرزا سید محمد حقائق)
 ۷۹-۸۸
 کشمیری (آقا سید مرتضی) ۳۷-۳۵-۶۹-
 ۲۱۱
 الکلپاسی (آقا شیخ محمد ابراهیم...) ۸۱
 کلپاسی (آقا میرزا رضا...) ۸۲
 کلپاسی (حاجی) ۹۵-۴۰
 کمپانی (آقا شیخ محمد حسین النخجوانی
 ثم الاصفهانی) ۱۰۳
 کمپانی (حاج محمد حسن) ۶۱

» (الشیخ محمد حسین بن ابی طالب)
 ۱۳۵
 القمشهی (آقا محمد رضا بن شیخ ابی القاسم) ۴۵
 القمشهی (الحکیم محمد رضا) ۶۲
 قمی ۱۴۸-۱۸۶
 القمی (آقا سید حسین بن السید محمود
 الطباطبائی) ۱۶۷
 قمی (آقا شیخ علی) ۱۶۷-۷۳
 قمی (آقا میرزا ابوالقاسم) ۵۰
 القمی (آقا میرزا حسین صدر الحفظ) ۱۶۷
 القمی (آقا میرزا محمود المدرس الکھکی القمی
 المتخلص برضوان) ۶۱-۷۳-۷۴-
 ۱۹۰-۱۱۹-۱۰۷
 القمی (الاقا شیخ علی) ۲۱۲-۱۳۵
 قمی (قاضی سعید) ۳۲-۲۷
 قمی (قاضی محمد بن محمد) ۳۲
 قوام الدوله (میرزا علی خان) ۱۲۲
 قوام الدین احمد ۲۷
 قوامی ۱۹۳
 قوچانی (حاج ملا عبدالوهاب منجم) ۱۲۶
 قوشچی ۱۵۵-۲۵
 قونوی ۱۰۸-۹۰-۵۹-۲۵
 قویزی ۱۴
 القهرمانی القوچانی (الاقا الشیخ حسن) ۶۷
 کاتبی (نجم الدین) ۸
 کازرونی (آقا سید علی) ۱۳۰-۱۲۹
 الکازرونی (الشیخ عباس) ۱۳۷
 کاشانی ۳۱
 کاشانی (آخوند ملا محمد) ۷۴-۷۵-۹۵-
 ۱۰۴
 کاشانی (فیض) ۳۰
 » (آقا میرزا حسن) ۷۹

گیلانی (شیخ زاہد) ۳۶	کمرہ ای ۱۸۳
گیلانی (شیخ عنایت اللہ) ۴۸	الکمرئی (شیخ الاسلام قوام الدین محمد جعفر)
لاری (آقا سید عباس) ۱۳۳-۱۳۶	۳۲
الاريجانی (السید حسین) ۶۱	کمیل بن زیاد ۵۱-۳۶-۱۰-۹
لاری (حاج ملا محمد ابراہیم) ۹۵	الکندی (ابویوسف یعقوب بن اسحاق) ۱۳
لاہجی (آقا شیخ محمد) ۱۳۹	کوه پایہ ای (آقا سید صدر) ۱۲۹
لاہوری (فتح علی خان) ۱۳۹-۱۴۰	الکوه کمری (الاقا السید محمد الحجہ) ۱۲۹
لاہوری (نوازش علی خان) ۱۳۹-۱۴۰	کهنکی (حاج میرزا محمد حسین) ۸۱-۸۹
اللاہیجی (آقا سید رضی) ۱۵۶	کیوان ۶۱-۱۲۰-۱۵۴-۲۱۰
اللاہیجی (المولی عبدالرزاق) ۳۲	کیوان قزوینی ۱۱۳
لاہیجی (حاج محمد جعفر بن محمد صادق) ۴۵-	کیوان قزوینی (حاج ملا عباس علی بن الملا اسماعیل) ۱۳۷
۱۵۶	کیوان قزوینی (منصور علی) ۱۵۲
لاہیجی (حزین) ۴۸	گالزو و سکی ۱۶۳
لاہیجی (فیاض) ۳۱	گرامی قمی (آقا میرزا محمد علی) ۱۱۸
لاہیجی (محقق) ۲۷	گروسی (فاضل خان) ۱۵۹
لائق ۲۰۸	کلپایگانی (آقا میرزا ابوالفضل) ۱۶۸
لجساوی (ابن ابی الجمهور) ۱۹	کلریز ۲۰۷
لطفی (مولنا) ۱۴	کنابادی ۱۸۵
اللکھنوی کشمیری (المیرزا محمد مہدی)	کنابادی خراسانی (آقا شیخ محمد حکیم)
۱۳۷	۷۸-۹۰
لنکرانی (آقا شیخ جعفر) ۱۷۱	کنابادی (رضاعلی) ۱۸۹
اللنکرانی (آقا میرزا علی) ۱۶۸	گوبینو ۱۵۶-۱۶۱-۱۸۶-۲۰۸-۱۱۲
لنگرودی ۱۷۹-۱۹۲	گون آبادی (حاج ملا سلطان محمد بن ملاحیدر)
» (آقا سید مرتضیٰ) ۶۸	۱۲۴
» (حاج ملا محمد جعفر) ۳۶-۴۷	گیلانی (آخوند ملا محراب) ۳۳
لبنانی (ملاحسن) ۴۷-۴۸	الگیلانی المدرس (آقا مرتضیٰ بن الشیخ شعبان) ۱۴۷
اللواسانی (آقا سید محمد بن السید محمود)	گیلانی (حاج میرزا نصیر) ۴۶
۱۱۷	
اللواسانی (آقا شیخ محمد علی بن الشیخ عیسیٰ)	

محلاتی (آقا شیخ محمد اسماعیل) ۳۰-۱۶۷-
 ۲۱۰
 محمد معصوم ۲۹
 محمدی کاشمیری ۱۹۱
 محوی ۱۲۶
 محی الدین ۲۵-۵۸-۱۶۸
 محیط طباطبائی ۲۱۴-۲۱۵
 مدرس ۷۱-۱۸۷-۱۸۸-۱۹۱-۲۰۴-۲۰۵-
 ۲۱۵-۲۰۸
 مدرس (آقا علی) ۴۰-۵۰-۶۸-۱۰۱-۱۵۵-
 ۱۵۷-۱۵۹
 » (آقا مرتضی بن الشیخ شعبان الدیوشلی)
 ۵۸-۹۴-۱۰۳
 » (آقا میرزا ابوالقاسم) ۲۷
 » (آقا میرسید حسن) ۳۸
 المدرس الرفسنجانی (آقا شیخ حسین) ۹۱
 » الطباطبائی (آقا میرزا محمد حسن)
 ۷۷-۸۳-۹۱
 » الگیلانی (آقا مرتضی) ۳۰-۶۸-
 ۱۰۶-۱۱۵
 مدرس بیدآبادی (آقا میرزا یحیی) ۸۲
 » تبریزی (حاج میرزا عبدالرحیم) ۶۶
 » سلطان آبادی (آخوند ملاعباس) ۷۷
 » (ملا عبدالله) ۵۰-۱۵۵
 المدرس (میرزا عبدالرحمن) ۲۰۷
 مدرس چهاردهی ۲۰۴-۲۱۴
 مدیر الاطباء (میرزا باقرخان حکیم صبوری)
 ۱۶۶
 مدیری عراقی ۹۱
 مرتضوی (آقا سیدجعفر) ۱۷۱

بن الشیخ شکرالله (۵۹-۶۱-۶۸-
 ۱۲۴
 لوکری (ابوالعباس) ۲۵
 ماحوزی (شیخ حسین) ۲۸-۲۹-۳۱
 مازندرانی ۱۷۹
 مازندرانی (آقا سیدرضی) ۳۶-۴۶-۴۷
 » (آقا شیخ محمد صالح) ۲۳
 » (آقا میرزا مهدی) ۱۰۶
 » (السید عبدالغفار) ۲۱۲
 » (سید موسی) ۶۵
 » (ملا علی نوری) ۳۷
 ماسرجویہ ۱۱
 ماسرجیس ۱۱
 الماسی (میرزانقی بن محمد کاظم بن عزیزالله
 بن محمد تقی المجلسی) ۲۷
 مأمون ۱۲-۱۳-۱۴
 ماوردی ۱۰
 مترجم همایون ۱۸۶
 متی بن یونان ۱۴
 متی بن یونس قناعی ۱۲
 مجد الاسلام ۱۶۲
 مجذوب ۳۳-۱۸۳-۱۸۸
 المجلسی ۱۰
 محسن (یوسف) ۲۱۰
 المحقق الطوسی ۱۳۸
 المحقق النوری ۱۰۷
 محقق (سید احمد) ۱۹۴
 محقق کاشمیری (شیخ علی) ۶۶
 محقق نوقانی ۷۱

معصوم علی ۱۸۸
 معطر علی ۸۷
 معلم ۱۸۳
 معین الغرباء (حاج میرزا ابوالقاسم) ۱۳۷
 مفید اصفهانی (آقا شیخ محمود) ۷۰-۸۳-
 ۹۱
 مقدس اصفهانی (حاج آقا محمد) ۷۵-۷۷-
 ۸۹
 مقدس زاده ۲۱۴
 مکی (ابوطالب) ۲۵
 ملا اسماعیل ۴۶
 ملا جلال (دوانی) ۲۵
 ملا صدرا ۲۷-۹۰-۱۳۹-۱۵۵-۱۸۷
 ملا عبدالرزاق ۲۵
 ملا عبدالله ۵۱
 ملا قطب ۲۵
 ملک الشعراء (میرزا محمد حسین عنقاء بن هساء
 شیرازی) ۱۰۳
 ملک زاده ۲۰۶
 الملکی تبریزی (آقا میرزا جواد آقا بن میرزا
 شفیع) ۶۵-۶۷-۶۹-۱۳۳-۱۳۴-
 ۱۴۵
 مناهجی (حاج شیخ باقر) ۷۷
 منصور علی ۱۱-۱۲-۱۵۳-۲۱۴
 منطقی (ابوسلیمان) ۱۵
 منور علی شاه ۱۵۷
 موسوی احمد آبادی (آقا سید محمد تقی) ۸۰-
 ۸۳- مکرراست
 الموسوی الاشتیانی (الاقا السید جلال الدین)
 ۱۵۷-۱۶۶

مرعشی ۱۸۳
 المرعشی النجفی (آقا سید محمود الحسینی)
 ۱۶۷
 مرعشی تبریزی (آقا سید علی سید الاطباء)
 ۱۱۸
 مروان ۱۱
 مروج الاسلام ۲۰۴
 المروزی (ابراهیم) ۱۴
 مستجاب الدعوه (آقا میرزا محمد حسن...) ۸۰
 مسعود (السلطان) ۱۴-۱۵
 مسعودی ۱۷۷
 مسکویه (ابن) ۲۵
 المشفقی (الاقا المیرزا علی) ۷۶-۱۲۶
 مشکان طبسی (آقا سید حسن) ۷۰-۷۸-۸۲-
 ۹۱-۹۴-۹۷
 مشکوة الشریعه (آقا سید محمد) ۲۰۲
 مشکینی (آقا میرزا ابوالحسن) ۱۱۶
 المشهدی (الشیخ المیرزا نصرالله) ۱۲۵
 مصباح ۲۰۹
 مصطفوی ۱۹۲-۲۰۹-۲۱۳-۲۱۴
 مصطفی العلماء (آخوند ملا مصطفی قمشہای)
 ۳۳
 مطهری (آقا شیخ مرتضی) ۶۵
 مطیعی ۱۹۰-۱۹۴-۱۹۸-۲۰۱-۲۰۶
 مظفر ۱۵۹-۲۰۱
 مظفر (آقا شیخ محمد رضا) ۶۵
 مظفر (میرزا محمد علی) ۴۰-۴۷
 معتصم ۱۲-۱۳
 معتمد الدوله ۱۶۶
 معجزه طهرانی (حیدر آقا) ۱۳۵

میرداماد ۲۴-۲۵	الموسوی الاصفهانی (آقاسید محمد کاظم)
میردامادی (آقا میرزا عبدالحسین بن محمد	۷۶-۸۳ - مکرراست
جعفر) ۸۰-۱۹۷	الموسوی الاصفهانی (حاج سید صادق بن
میرزا ابراهیم ۲۶-۱۵۹	المیرزا محمد) ۹۲
» ابو القاسم ۱۸۴	» الخمینی (آقا سید روح الله) ۶۷
» اسماعیل ۱۵۹	» الزنجانی (آقاسید ابراهیم) ۱۱۷
» جعفر خان ۱۲۴	» » (آقاسید مهدی بن السید
» حسن ۳۶-۱۵۵-۱۶۱	عبدالله) ۱۲۴-۱۵۸
» سید محمد حسن بن محمد تقی مستجاب -	» القزوینی (السید اسد الله بن السید
الدعوه ۳۸	محمد باقر) ۱۴۶
» صدرالدین ۱۲۴	مولانا ۴۹-۱۸۷-۱۹۹
» عبدالرحمن ۱۲۲	» (ما میرزا حسن چینی) ۳۷
» عبدالمجید سید ۱۲۷	» ملالطف الله ۱۴۸
» غلامحسین ۹۶	مولوی ۴۹
المیرزا کوچک (آقا میرزا جعفر الاشتیانی)	المولی حسینقلی ۴۹-۱۳۴-۱۳۵
» ۱۱۰	» رجب علی ۳۲
میرزا محمد علی خان مجتهد ۱۴۲-۱۸۰	مولانا محمد ۱۲۸
» محمد قاننی ۱۲۷	مولی میرزا محمد علی مظفر ۳۳
» مسیح خان ۸۷	مهد علیا ۱۵۵
میرزاها (سید مهدی) ۹۴-۹۵	مهدوی ۱۸۳-۱۸۶-۱۸۷-۱۸۸-۱۹۲-
میرزای آشتیانی ۶۴	۱۹۳-۱۹۴-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-۲۰۱
» ارسطو ۷۵	۲۰۴-۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹-۲۱۳
» جلوه ۲۳-۶۷-۹۹-۱۰۶-۱۲۹-	مهدوی قمشہای (آقا میرزا محمد رضا) ۷۸-
۱۶۲-۱۶۴-۱۷۲	۸۸-۱۱۹
» سکوت ۳۴	مہر آبادی (آخوند ملا محمد حسین) ۷۸
» شیرازی ۱۴۴-۱۴۸-۱۵۳	مهندس بغایری (سرتیپ عبدالرزاق خان)
» عبرت ۸۴-۱۸۷-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۰-	۹۴
» فرصت ۱۲۴	المیامی (الشیخ احمد) ۱۲۵
» فروغی ۲۰۰	میبدی ۲۵
» قمی ۱۸۴	میدان کهنہای (میرزا غلام حسین) ۹۵

النجفی (آقا سید عبدالحسین بن السید عبد اللہ)

۱۳۷

نجفی (آقا محمد علی) ۱۱۰

نجم آبادی (آخوند ملا ابراہیم) ۳۹-۴۰

» (آقا حسن) ۱۵۳

» (آقا حسین) ۱۰۱

النجم آبادی (آقا شیخ باقر) ۱۳۶

نجم الدولہ (الحاج) ۶۳

» (میرزا عبدالغفار) ۶۴

نجم الدین کبری ۱۳۲

نحوی (ملا عبد اللہ) ۵۰

النخجوانی (السید علی) ۱۳۵

نخستین سلطان آبادی (آقا شیخ علی) ۷۷

» عراقی (آقا شیخ علی) ۸۸

النراقی (آخوند ملا مهدی بن ابی ذر) ۲۸

نصر آبادی ۱۸۸-۱۸۲

نظام الدین ۲۹

تفتازانی (سعد الدین) ۱۹

نقشہ فروش (حاج محمد ابراہیم) ۳۸-۱۵۶

نمازی (آقا میرزا محسن) ۱۳۰

نوح ۲۱۳-۲۰۵

نور الدین ۱۵۴

نور بخش (آقا سید کمال الدین) ۱۲۵-۱۹۷

النوری (آخوند ملا علی بن الدولی جمشید

النوری المازندرانی ثم الامفہانی)

۳۰-۲۷-۲۶

نوری (آقا جمال) ۱۷۱

النوری (آقا شیخ عبد النبی) ۷۴-۱۱۴-۱۴۷

نوری (آقا شیخ علی) ۶۸-۷۳-۷۴-۱۰۲-

۱۵۸

میرزای کرمانشاہی ۲۳

» کوچک (آقا میرزا جعفر) ۶۴

» معتمد ۱۲۴

میر صدر ۲۵

میر غلام علی خان ۱۵۹

میر فندرسکی ۲۹-۲۸-۱۹

المیر محمد صادقی (آقا میر سید حسن....) ۸۰

میر ہادی ۲۱۵-۱۹۸-۱۹۶

ناصر الدین شاہ ۱۶۳-۱۶۲

ناصر الشریعہ ۲۰۰

ناصر بن خسرو (حکیم) ۱۵

ناصر حکمت (میرزا ابوالقاسم) ۸۹-۷۹

ناظم الاطباء (میرزا علی اکبر خان) ۶۴

نایب الصدر ۲۱۳-۲۰۳

النائینی (آقا شیخ حبیب اللہ) ۸۲

» (آقا میرزا حسین) ۱۴۸-۹۲

نائینی (آقا میرزا علی محمد بن علی اکبر) ۸۸

» (حاج مشیر الملک) ۹۲-۸۳

النائینی (حاج میرزا حسین بن المیرزا باقر) ۸۳

نائینی (میرزا رفیع الدین) ۱۶۰

» (میرزا محمد جعفر طرب) ۳۸

النبوی القمی (السید ابوالفضل بن السید

علی) ۱۱۹

النجف آبادی (آقا سید مهدی بن السید مرتضی)

۸۴

النجف آبادی (آقا سید ناصر الدین بن قاسم)

۸۲

نجف آبادی (آقا شیخ علی محمد) ۱۰۳

النجف آبادی (حاج شیخ محمد حسن) ۸۹

ولی قلی بیگ ۱۸۲-۱۸۸	نوری (آقا شیخ فضل الله) ۱۴۴-۱۴۶-۶۴
هارون ۱۲	» (آقا محمد) ۸۲
هدایت ۳۴-۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۷	النوری (آقا میرزا حسن بن المولی الاخوند
هرمس (والد الحکماء) ۱۹	الملا علی) ۳۷-۶۰-۷۵-۱۶۱-۱۶۶
هرندی (حاج ملا عبد الله) ۷۹	» (الحاج میرزا حسین) ۱۴۴-۱۴۶-
هروی (آخوند ملا محمد تقی) ۱۳۹	۱۵۳
هزار جریبی (آخوند ملا عبد الهادی) ۲۳	» (الشیخ عبد النبی) ۶۷
» (آقا محمد باقر) ۲۸	» (المولی علی بن جمشید) ۴۰
» (آقا میرزا عبد الوهاب) ۱۶۹	نوری (حاجی) ۲۸-۳۷
الهزار جریبی (الشیخ علی اصغر بن المولی	» (حاجی میرزا حسین) ۳۸
علی اکبر) ۷۳	» (میرزا حسن بن آخوند ملا علی) ۳۰-
الهزاوی السلطان آبادی (آقا سید محمد) ۷۷	۴۵
» العراقی (آقا سید حسن) ۸۸-۱۴۷	النهاوندی (آقا شیخ علی اکبر) ۱۰۲-۱۳۵-
» (السید حسن الفرید) ۶۹	۱۶۷
هما (محمد رضاء قلی خان شیرازی ثم	» (الشیخ حیدر) ۱۰۱-۱۵۸
الاصفہانی) ۹۰-۱۲۶	نیر الادباء (میرزا حبیب الله) ۷۹
همام بن عباده ۱۴۶	نیریزی (آقا میر شهاب الدین نیریزی شیرازی)
همامی (آقا ملا محمد بن آخوند ملا حسن)	۳۱-۶۰-۶۳-۱۶۷
۷۸-۸۹	النیریزی الشیرازی (السید قطب الدین محمد)
همایونی ۲۰۶	۳۳-۱۵۰
الهثمائی الاصفہانی (آقا میرزا جلال الدین)	واحد العین (آقا سید احمد) ۱۵۳
۷۶-۸۶-۹۰-۹۷-۱۰۳	» (آخوند ملا اسماعیل) ۳۷-۵۲
الهمدانی ۱۳۵	واصف ۱۹۲
» (آخوند ملا حسین قلی الدرگزینی)	واعظ جوادی ۱۹۷
۶۴-۱۳۲-۱۳۵-۱۵۱-۱۵۳	واعظ زاده حکیم الہی (حسین) ۹۱
همدانی (آخوند ملا علی) ۶۶-۶۹-۱۳۲-	وثوق الحکماء سبزواری ۱۲۴
۱۴۸-۱۷۰-۱۷۱	وحید ۸۵
الهمدانی (آقا شیخ صفر علی) ۸۰	وحید الاولیاء ۱۳۰-۱۳۱-۲۰۳
» (آقا شیخ مرتضی بن عبد الله) ۱۱۸	ورزنہ (میرزا حسن) ۱۶۲

۱۷۱ هیدجی (حاج ملا نظر علی)
 ۱۵۴ یافعی (شیخ عبداللہ)
 ۹۴ الیزدی (آقا شیخ علی بن محمد حسن)
 ۸۰ یزدی (آقا شیخ محمد علی)
 » (آقا محمد) ۱۲۴
 » (آقا میرزا علی اکبر) ۶۷
 الیزدی (حاج شیخ اسد اللہ) ۷۱
 یزدی (علی بن محمد حسن) ۳۰
 یوحنا بن جیلان ۱۴

الہمدانی (آقا میرزا عبدالرزاق) ۸۰
 ہمدانی (آقا میرزا محمد) ۱۷۱
 الہمدانی (السید حسین بن السید تقی) ۱۳۵
 » (السید علی) ۱۳۴
 » (الشیخ آقارضاء) ۲۱۱
 ہیدجی (آخوند ملا محمد) ۱۱۶-۱۲۰-
 ۱۷۹
 الہیدجی (الحکیم) ۲۶
 » الزنجانی (آخوند ملا محمد) ۱۷۰
 ہیدجی (حاج ملا محمد پسر حاجی معصوم
 علی) ۱۷۰

فهرست اسماء الكتب

استوارنامه ۱۳۷
 اسرار الحكم ۱۱۶
 اسرار الصلوة ۱۳۷-۱۳۳-۷۱-۶۹-۶۷
 اسرار العباده ۱۱۶
 اسطراب ۹۵-۹۴
 اسفار ۱۹-۲۳-۳۳-۳۸-۵۸-۶۲-۶۵-۶۶-
 ۶۷-۶۸-۶۹-۷۱-۷۳-۹۰-۹۲-
 ۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۱۷-۱۲۰-۱۲۶-
 ۱۲۹-۱۳۰-۱۵۷-۱۶۱-۱۸۳
 الاسفار ۴۰-۳۶
 اسفار اربعه ۱۶۶-۲۳
 الاسفار الاربعه ۱۸۳-۶۳
 اشارات ۹۴-۳۱-۲۳
 اشارات (الاصول) ۴۰
 اشارات الاصول ۸۱-۸۲
 الاشارات ۱۷
 اصطلاحات الصوفيه ۲۵
 اصلاح المنطق ۲۵
 اصول ۱۸۵
 الاصول الاصفيه ۳۱
 اصول الفصول ۱۸۴

آئينه دانشوران ۱۹۳
 آتشکده اردستان ۱۹۴
 آثار الحج ۱۹۲-۱۹۶-۲۰۴
 آثار الشيعه ۲۱۳-۱۸۵
 آثار العجم ۲۰۳
 آفات المعرفة ۱۳۷
 آيات الولايه ۳۵
 ابواب الهدى ۷۹-۸۹
 اثبات الواجب ۱۹-۲۴-۸۲
 اثولوجيا ۲۵
 احسن الوديعه ۲۰۴
 احصاء العلوم ۲۵
 احوال و آثار معجزه ۲۰۹
 احياء العلوم ۲۵
 اخبار الحكماء ۹۴
 اختلافيه ۱۳۷
 ادب الوزير ۱۷۶
 اربعين ۲۵
 ارتباط انسان با جهان ۶۵
 اساس التقديس ۲۵

ایقاض النفس ۱۲۵	اصول رتالیسم ۷۲
الایمان والرجعة ۶۷	اصول کافی ۲۵
بحر العلوم ۳۲	الاعتقاد ۱۷۶
بدايع ۱۵۸	الاعیان ۱۸۲
بدايع الحكم ۱۰۱-۱۵۶	اعلام الشیعه ۱۸۳-۱۸۷-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲
برگزیده دیوان مه شاعر ۱۸۸-۲۰۱	۲۰۸-۲۰۱
بزرگان جهرم ۱۹۹	اعیان الشیعه ۱۷۹-۱۸۸-۲۰۶-۲۱۰
بشارة المؤمنین ۱۲۴	اغراض ما بعد الطبیعه ۱۵
بصائر نصیریہ ۲۵	افق المبین ۲۴
بطلان تناهی الابعاد ۱۸۵	الافق المبین ۲۵
البعث والنشور ۱۷۹	اکر ۹۵
بقاء النفس ۲۵	الهیات ۶۸
بهارستان ۱۸۳	الهیات وطبیعیات شفاء ۲۴
البهجة والسعادة ۲۴-۲۵	امالی ۱۴۰
بهین سخن ۱۳۷-۲۰۳	الامام الحکیم ۲۰۹
بیان الحق ۲۵-۷۹	الامتاع والموانسه ۶
بیان السعادة ۱۲۴	الامد علی الابد ۲۵
	امثله ۹۲
	امل الامل ۱۸۲
پاسخ افسری ۷۱	انجمن خاقان ۱۵۹
	انساب مردم نائین ۱۹۷-۱۹۹
تاویلات ۲۵	الانسان والفطرة ۶۷
تاریخ اردبیل ۲۱۵	انوار جلیه ۵۱-۲۰۱-۲۱۳
تاریخ ادبیات ۲۰۶	انوار قلوب ۲۰۰
تاریخ اصفهان ۸۱-۱۹۳	انموذج ۴۹
تاریخ الحکماء ۲۵-۱۷۷-۲۰۳	انموذج العلوم ۲۵
تاریخ انحلال مجلس ۲۱۳	انیس اللیل ۸۲
تاریخ بروجرد ۱۸۷-۱۹۹	اوصاف المقربین ۲۰۳
تاریخ حزین ۱۸۲	ایقاضات ۲۵
تاریخ زنجان ۱۹۹-۲۰۴	

- تذکره شعراى اصفهان ۱۹۳
 تذکره شعراى سمنان ۲۰۵
 تذکره طلعت ۲۱۲
 تذکره العلماء ۲۰۳
 تذکره القبور ۱۸۳-۱۹۴-۱۹۸
 تذکره المتقين ۱۳۴
 التراث اليونانى ۱۷۷
 ترجمه احوال مرحوم فاضل تونى ۱۹۲
 ترجمه اسفار ۶۴
 ترجمه اشارات ۶۴-۹۱-۹۸-۱۲۲
 ترجمه تاريخ الحكماء ۷۴
 ترجمه جبر خوارزمى ۹۴
 ترجمه سماع طبيعى شفاء ۶۸
 ترجمه شرح لغز القانون ۱۰۰
 ترجمه مبادئ الفلسفه ۹۴
 ترجمه هيئت فلما ريون ۷۳
 تعاليق خراسانى ۱۱۷
 تعليقات اسفار ۱۵۸
 تعليقات براسرار الحكم ۷۳
 تعليقات بر اسفار ۱۷۰
 تعليقات براوائل شوارق ۱۶۹
 تعليقات براوائل المتالات ۱۶۹
 تعليقات بر مقدمه قيصرى ۱۶۵
 تعليقات بر مشاعر
 تعليقات شفاء ۳۲
 تعليقات شواهد ۱۰۷
 تعليقات على الشفاء ۱۵۶
 تعليقه آشتيانى ۱۱۶
 تعليقه آملى ۱۱۶
- تاريخ سلاسل نعمه اللهيه ۲۰۶
 تاريخ سياحت ايران ۱۵۹
 تاريخ شهر ضاء ۲۰۱
 تاريخ فلاسفه اسلام ۲۱۴
 تاريخ فلسفه ۱۵۷
 تاريخ قم ۲۰۰
 تاريخ قومس ۲۰۵-۲۱۵
 تاريخ علمای خراسان ۲۰۷
 تاريخ علمای گيلان ۱۹۲
 تاريخ علم كلام ۱۶۹
 تاريخ علمای معاصرین ۶۴-۲۰۰-۲۱۳
 تاريخ مدرسه سپهسالار ۱۹۲
 تاريخ وجغرافياى گناباد ۱۹۴
 تميم امل الامل ۲۸-۱۸۲
 تممة الامل ۱۸۰-۱۸۱
 تمه امل الامل ۳۱
 تمه صوان الحكمة ۱۷۷-۲۰۳
 تجريد ۲۵-۳۳
 تحصيل ۲۴
 تحفه ۲۰۱
 تحفة الحكيم ۱۰۳
 تحفه درالهي وطبيعى ۳۲
 تحفة المراد ۱۲۸-۲۰۸
 تحرير اقليدوس ۶۸-۹۰-۹۵-۱۲۴
 تحرير العقلاء ۱۸۷
 تدبيرات الالهيه ۲۵
 تذکره ۱۸۸-۱۸۲-۲۱۳
 تذکره الاولياء ۱۷۶
 تذکره الحكماء ۹۴-۱۹۱
 تذکره خوشنويسان ۱۹۱

تہذیب الاخلاق ۲۵	تعلیقہ بر فصوص ۶۷
ثمرۃ الحیوۃ ۱۳۷	تعلیقہ بر منظومہ ۱۷۰
جامع عباسی ۱۳۸	تعلیقہ شیخ الاسلام ۱۱۷
جامع مرتضوی ۱۳۸	تعلیقہ علی شرح المنظومہ ۶۷
جبر و اختیار ۶۵	تعلیقہ مشکینی ۱۱۶
جغرافیای اصفہان ۱۸۷	تعلیقہ منظومہ ۲۱۶
جغرافیای تاریخی قوچان ۱۹۴	تعلیقہ ہیدجی ۱۱۶-۱۲۰
جلوۂ عرفان ۲۰۹	تعلیقہ ومستدرک تشریح الافلاک ۷۳
جواب اسئلہ بعضی از سلاک ۱۸۵	التعلیم الثانی ۱۳-۱۴-۱۵
چہرہ درخشان ۱۹۳	التنبیہ والاشراف ۱۷۷
الحاشیۃ القدیمہ ۱۸۱	التہافت ۱۷
حاشیۃ آشتیانی ۱۱۸	تفسیر آیۃ النور ۶۳
حاشیۃ آقا جمال بر حاشیۃ خفری ۳۳	تفسیر امام فخر ۲۵
حاشیۃ اثبات الواجب ۱۹	تفسیر المعوذتین ۲۵
حاشیۃ اصفہانی ۱۱۷	تفسیر پارسی ۱۳۷
حاشیۃ اکر ۱۰۰	تفسیر تازی ۱۳۷
حاشیۃ انصاری ۱۱۸	تفسیر سورۃ اعلیٰ ۱۸۵
حاشیۃ الاسفار ۷۲	تفسیر سورۃ توحید ۳۳
حاشیۃ الشوارق ۷۲	تفسیر صدر المتألہین ۱۲۹
حاشیہ بر حاشیۃ خفری ۳۱	تفسیر فاتحۃ الكتاب ۶۴
حاشیہ بر رسالہ ابن فہد ۱۳۸	تفسیر قانونی ۲۵
حاشیہ بر منطق شرح منظومہ ۱۶۹	تکملہ امل الامل ۲۱۰
حاشیۃ جواہری ۱۱۸	تکملہ نجوم السماء ۲۱۰
حاشیۃ حاجی فاضل ۱۲۰	تلویحات ۲۴
حاشیۃ خرم شاہی ۱۱۸	تمہید ۴۸-۵۱-۵۹-۶۶-۶۷-۱۰۱-۱۹۰-
حاشیۃ خفری ۴۵	۱۹۱-۱۹۲-۲۰۲-۲۰۵
	تمہید القواعد ۲۵-۶۳
	تنبیہ النائین ۱۲۴
	توضیح در باب برہان وجوبی ۶۵
	تہافت التہافت ۱۷۸
	تہافت الفلاسفہ ۲۵-۱۷۷

حمد ربانی ۶۵
 حواشی اسرار الایات ۳۵
 حواشی اسفار ۳۵-۶۰-۶۵-۶۶-۷۲-۹۱-
 ۹۴-۱۰۷-۱۳۱-۱۵۶
 حواشی اشارات ۴۹
 حواشی بر اصول کافی ۱۶۰
 حواشی بر امل الامل ۱۳۸
 حواشی بر تقویم المحسنین ۱۳۸
 حواشی بر حدوث العالم ۱۶۹
 حواشی بر خلاصۃ الحساب ۱۳۸
 حواشی بر شرح الہدایہ ۱۳۸-۱۶۵
 حواشی بر شرح بیرجندی ۱۳۸
 حواشی بر شرح تلخیص ۱۳۸
 حواشی بر شفاء ۱۶۵
 حواشی بر شوارق ۱۵۶
 حواشی بر مبدأ و معاد صدر المتألہین ۱۶۵
 حواشی بر مشاعر ۱۶۵
 حواشی بر ملخص شرح چغمینی ۱۶۵
 حواشی تاریخ بیہقی ۱۲۲
 حواشی تفسیر صدر المتألہین ۱۰۳
 حواشی تمہید ۱۰۷
 حواشی تمہید القواعد ۶۹
 حواشی شرح اشارات ۶۰-۹۱
 حواشی شرح تجرید ۲۵
 حواشی شرح کافی صدر ۳۵
 حواشی شرح منظومہ ۹۱
 حواشی شفاء ۶۰-۶۴-۶۶
 حواشی شوارق ۳۵-۶۹
 حواشی علی الاسفار ۱۱۶
 حواشی علی الاسیوطی ۱۱۶
 حواشی علی الشوارق ۱۱۶

حاشیہ سنگلجی ۱۱۹
 حاشیہ شرح الہدایۃ صدر الدین ۳۶
 حاشیہ شرح مطالع ۱۴
 حاشیہ صادق ۱۱۹
 حاشیہ طهرانی ۱۱۸
 حاشیہ علی الاسفار ۱۶۹
 حاشیہ علی اصول اقلیدوس ۱۰۰
 حاشیہ علی الشفاء ۱۶۹
 حاشیہ علی الشوارق ۱۶۹
 حاشیہ فصوص ۶۷
 حاشیہ قزوینی ۱۱۸
 حاشیہ قمی ۱۱۹
 حاشیہ محلاتی ۱۱۸
 حاشیہ مرعشی ۱۱۸
 حاشیہ مفتاح الغیب ۶۷
 حاشیہ مہدوی ۱۱۹
 حاشیہ نبوی ۱۱۹
 حافظ شناسی ۱۸۹
 حالات و مقامات قطب ۱۷۹
 حج نامہ ۱۳۷
 حدائق المقربین ۱۸۱
 حقائق الاصول ۱۴۷
 حق الحقیقہ ۲۱۱
 حکمۃ الاسرار ۹۴
 حکمۃ الاشراق ۲۴-۱۷۸
 حکمۃ العین ۲۵
 حکمت بو علی ۱۷۹
 حکمت عام و خاص ۱۰۴
 حکمت قدیم ۶۸
 حکمت مشرقیہ ۲۵

دیوان ادیب ۲۰۵	حواشی علی الشواهد الربوبیه ۱۱۶
دیوان دهقان ۱۹۳	حواشی علی المبدأ والمعاد ۱۱۶
دیوان دیوانه ۲۰۱	حواشی علی مفاتیح الغیب ۱۱۶
دیوان رحمت ۲۰۸	حواشی فصوص ۱۰۷
دیوان سرخوس ۲۰۶	حواشی فصوص فارابی ۶۴
دیوان صبوری ۲۱۴	حواشی فصوص محی الدین ۶۴
دیوان طرب ۱۹۶-۱۹۷	حواشی کشف المراد ۶۹
الذریعة ۱۸۰-۱۸۷-۱۹۰-۲۰۰-۲۰۲	حواشی مبدأ و معاد ۹۱
ذیل تاریخ علمای خراسان ۲۰۴	حواشی مشاعر ۳۵
راخ الاقراخ ۱۱۶	حواشی مصادرات تحریر اقلیدوس ۹۴
رازگشا ۲۰۳-۲۰۹-۲۱۲	حواشی مصباح الانس ۶۴-۶۹
راه سعادت ۳۷	حواشی مفتاح ۱۰۷
رجال قم ۲۱۴	حواشی منظومه ۶۴-۶۹
رد علی الفادری النصرانی (حجة الاسلام)	خاتمة المستدرک ۱۸۰
۳۴-۳۵	خزانه طرب ۳۸
رسائل اخوان الصفاء ۲۵	خلاصة الحساب ۹۵
رسائل سبزواری ۲۰۸	خلدبرین ۲۰۷
رسائل غیاث الدین (منصور) ۲۵	دائرة المعارف ۱۸۸
رسائل میرصدر ۲۵	دارالسلام ۲۱۰-۲۱۱
رسائل و حواشی علا الدوله ۲۵	داستان دوستان ۲۰۰-۲۱۵
رسالة ابطال الزمان الموهوم ۲۸	دانشمندان پارس ۱۸۳-۱۹۰
رسالة ابو عبید ۱۷۷	دانش نامه ۱۷۱
رسالة اثبات الواجب ۱۶۹	دانشوران خراسان ۱۹۲
رسالة احوال کمره ای ۱۸۳	دبستان الفرصه ۲۰۷
رسالة الاسفار الاربعة ۵۲	الدرة الفاخره ۲۵
رسالة اسماء وصفات ۲۰۰-۲۰۲	درر الفوائد ۱۹۲-۲۱۳-۲۱۴
رسالة امرین الامرین ۶۶	دوازده امام ۱۶۸
رسالة تفاحیه ارسطو ۷۸	دو رساله ۱۹۳-۱۹۶-۱۹۹

- رساله در حدوث عالم ۶۸
 رساله در حرکت جوهریه ۷۲-۱۶۵
 رساله در حکمت و کلام ۷۹
 رساله در حمل ۱۵۶
 رساله در ربط حادث به قدیم ۱۶۵
 رساله در رجعت ۶۹
 رساله در زمان ۶۹
 رساله در سلوک ۱۰۴
 رساله در شرح حال آشتیانی ۱۹۱
 رساله در صفات ۷۲
 رساله در عقل و جهل ۶۷
 رساله در عقوبت حب دنیا ۱۳۷
 رساله در علم ۷۴
 رساله در علم امام (ع) ۱۳۷
 رساله در علم حق به مسلك عرفاء ۷۲
 رساله در قاعدة الواحد ۱۶۹
 رساله در قضاء ۶۸
 رساله در قوه و فعل ۷۲
 رساله در کلی ۱۶۶
 رساله در ماهیت وجود ۱۶۸
 رساله در محکم و متشابه ۱۳۷
 رساله در معاد ۶۴
 رساله در معراج ۶۹
 رساله در معرفه النفس ۱۱۸
 رساله در منازل السالکین ۶۷
 رساله در نبوات ۶۷
 رساله در نبوت ۷۲
 رساله در وجود رابطی ۱۵۶
 رساله در وحدت وجود ۵۹-۶۴
 رساله در وحدت وجود و قاعدة الواحد ۶۴
- رساله جبر و اختیار ۲۵
 رساله جمع بین الرأین ۲۵
 رساله حجج عشر ۲۵
 رساله حدوث عالم ۲۵
 رساله حدود ۲۵
 رساله در اتحاد عاقل و معقول و تقریر برهان
 تضایف ۷۲
 رساله در اتحاد نفس با عقل فعال ۷۲
 رساله در اثبات اصالة الماهية ۱۶۹
 رساله در اثبات حدوث دهری ۲۸
 رساله در اثبات ذات ۷۲
 رساله در اثبات عالم مثال و برزخ و تجرد
 برزخی ۷۲
 رساله در افعال ۷۲
 رساله در امتناع ترجیح بلا مرجع ۳۸
 رساله در اول ما خلق الله ۷۷
 رساله در اینکه منطق از علوم حکمیه است ۱۵۶
 رساله در بدهاء ۶۴-۷۱-۷۸
 رساله در بیان مسالك در وحدت وجود ۶۶
 رساله در بیان قضایای بدیهیه اولیه ۱۲۲
 رساله در پاسخ از شبهات جبریه ۱۳۷
 رساله در تحقیق معنای جوهر و عرض در لسان
 اهل الله ۱۰۷
 رساله در تحقیق وحدت وجود ۳۲
 رساله در ترجمه آقا شیخ محمد بهاری ۶۹
 رساله در ترکیب و احکام آن ۲۶۵
 رساله در تصوف ۴۹
 رساله در تفسیر اسماء الله الحسنى ۳۰
 رساله در تفسیر فاتحة الكتاب ۹۲
 رساله در جبر و تفویض ۶۴-۱۰۳-۱۱۸

رسالة نسبة اعظم الجبال الى قطر الارض ۱۰۰
 رساله نقد حاضر ۱۲۲
 رساله ولايت ۱۰۵-۲۰۱
 رسالتين معراج ورجعت ۱۹۲-۲۰۴
 روضات ۱۸۰-۱۸۱
 الروضة البهيه ۴۰-۱۸۱
 روضة الجنان ۲۵
 رهبران مشروطه ۲۱۵
 رياض ۱۸۵
 رياض الجنة ۱۸۰
 رياض العارفين ۱۸۳-۱۸۴
 رياض العلماء ۱۸۲-۱۸۸
 ريحانه ۲۰۴
 ريحانة الادب ۶۴-۱۸۷-۱۸۸-۲۱۵
 زاد المسافرين ۱۸۵
 زبدة الحقائق ۲۵
 زندگى چهار سوتى ۱۹۶
 زندگى لنگرودى ۱۹۲
 زندگى ملك المتكلمين ۲۰۶
 سالنامه فرهنگ اصطهبانات ۱۹۴
 سالنامه فرهنگ شهرضا ۱۹۰-۱۹۴
 سالنامه مدرسه سعدى اصفهان ۱۹۳
 مسيل الرشاد ۱۵۶
 سخن سرايان ۱۹۷-۲۰۴
 معادت نامه ۱۲۴
 سفرنامه اول خراسان ۱۷۵
 السلافه ۱۷۸

رساله در وسائط ۷۲
 رساله در ولايت ۶۲-۷۱-۷۲
 رساله رازگشا ۱۳۷-۱۵۲
 رساله الزوراء ۲۵
 رساله عشق ۱۱۹-۲۵
 رساله عقل ۲۵
 رساله علامه قزوینى ۲۱۳
 رساله علم ۲۵
 رساله عليه ۵۱
 رساله فارسىه فى تحقيق القول بالاشترك
 اللفظى فى وجود (كذا) وصفاته تعالى ۳۱
 رساله فرق بين اسماء الذات والصفات ۵۱
 رساله فى اثبات الواجب ۳۱
 رساله فى الاعمال الهندسيه ۱۳۸
 رساله فى الجزء الذى لا يتجزى ۲۹
 رساله فى تطبيق ماورد فى الشرع من امر المعاد
 على صفات النفس وملكااتها وعلومها ۳۱
 رساله فى حساب عقود الانامل ۱۰۰
 رساله فى حقيقة الوجود ۵۹
 رساله فى حل نظم منطق السبزواري ۱۱۹
 رساله فى الفرق بين اسماء الذات والصفات ۱۰۶
 رساله فى معرفة بعد البلاد ۱۳۸
 رساله فى الموضوع العلم ۱۰۷
 رساله فى وحدة الوجود بل الموجود ۱۰۶
 رساله قضا وقدر ۲۵
 رساله كشف الضمائر ۱۳۸
 رساله مختصره در اثبات حدوث عالم ۳۱-۳۲
 رساله مختصره در باب عقل ۱۶۶
 رساله موضوع الخلافه ۲۰۲
 رساله موضوع الخلافه الكبرى ۱۰۶

شرح تحرير ۱۳۸	السماء والعالم ۱۷۶
شرح تذکره ۹۵	سواد وبياض ۱۹۸
شرح تلويحات ۲۵	سوسمارالدوله ۲۰۸
شرح جبر خلاصه ۹۴	سياحت نامہ غرب ۷۸
شرح چغمینی ۹۵-۷۷-۶۶	سی فصل ۹۵
شرح حال ملاصدر ا ۱۸۷	
شرح حدیث امیر المؤمنین (ع) ۳۵	الشارد والوارد ۲۵
شرح حدیث حقیقت ۳۶	شجرة الالهيه ۲۴-۲۵
شرح حدیث زندیق ۱۰۶	شجره طيبه ۲۰۵
شرح حدیث عمران صابی ۶۵	شرح آخوند ملا محمد ۱۱۶
شرح حکمة الاشراق ۷۱-۲۴	شرح ابن میثم ۲۵
شرح حکمة العين ۲۵	شرح اسباب ۸۹
شرح حق اليقين ۱۱۷-۱۱۹- مکرراست	شرح الاسماء ۲۰۹
شرح خبوشانی ۱۱۷	شرح الاسماء الحسنی ۱۳۵
شرح خوئی ۱۱۷	شرح اشارات ۲۵-۶۶-۶۸-۷۱-۱۵۵-
شرح دری ۱۱۸	۲۰۲-۲۰۰
شرح دفتر اول مثنوی ۷۳	شرح الاشارات ۱۰۱-۱۰۲-۱۷۸-۱۸۱
شرح دعاء الصباح ۱۱۵-۱۲۷-۱۷۶	شرح اصول الكافی ۱۷۶
شرح دعان عرفه ۶۵-۷۳	شرح التجريد للفاضل القوشچی ۳۶
شرح رباعیات خیام ۱۳۷	شرح الجوشن الكبير ۱۱۵
شرح زنجانی ۱۱۷	شرح الكافی ۱۷۶
شرح زندگی اسرار ۲۰۳	شرح المقاصد ۱۷۵
شرح شیرازی ۱۱۷	شرح المنظومه ۱۱۵
شرح شمسیه ۹۰	شرح الهدایه ۲۵-۶۸-۲۰۲
شرح صفحه الاسطرلاب ۱۳۸	شرح الهدایه صدر المتألہین ۱۲۴
شرح علامه ۲۵	شرح بعض ابیات المثنوی ۱۱۵
شرح عینیہ ۹۴	شرح بقاء النفس ۱۰۰
شرح فصوص ۲۵-۴۷-۵۹-۶۲-۶۶-	شرح تجريد ۲۵-۳۲-۴۵-۴۷-۶۶-
۱۶۶-۱۰۴-۷۲-۶۸	۱۵۵-۱۲۹-۷۳-۶۸
شرح قیصری ۱۰۶-۵۹	شرح تجريد علامه ۱۲۴

۱۶۹	شرح کاشانی ۱۱۹
شوارق الالهام ۱۵۵	شرح کبیر ۵۰
شواهد ۳۹-۱۰۱-۱۸۹-۱۹۰-۲۰۱-	شرح کلیات قانون ۲۵-۲۶
۲۰۸-۲۰۵	شرح کمالی ۱۱۸
الشواهد ۱۸۸	شرح گرامی ۱۱۸
شواهد الربوبیه ۱۰۱	شرح گلشن راز ۳۲
الشواهد الربوبیه ۶۳	شرح لمعه ۸۵-۱۵۵
شهاب ثاقب ۲۱۱	شرح لواسانی ۱۱۷
شهداء الفضیله ۲۱۱-۲۱۳	شرح لغز الزبده ۱۰۰
شیخ آقا بزرگ طهرانی ۱۹۱	شرح مثنوی ۴۹-۶۵-۹۱
شیعه در اسلام ۱۹۳	شرح مشاعر ۱۷۹-۱۸۸
صالحیه ۱۹۶	شرح مقاصد ۲۴
صراط المستقیم ۲۵	شرح مقدمه قیصری ۷۲-۱۹۲-۱۹۳
صناعة آلات المرصد ۹۴	شرح منظومه ۶۲-۶۶-۷۱-۷۷-۸۵-۹۰-
الصوفا رم العقلیه ۷۹	۹۱-۹۶-۱۰۳-۱۲۰-۱۲۹-۱۳۰
طباشیر الحکمه ۳۵	شرح مواقف ۲۵
طبقات الاطباء ۱۷۷	شرح نصوص ۷۲
طبقات الامم ۱۷۷	شرح نفیسی ۸۹
طبقات العلوم ۲۵	شرح نهج البلاغه ۶۵-۸۶
طبیعت وما وراء طبیعت ۶۵	شرح هیاکل النور ۲۴-۴۸
طرائق ۱۵۵-۱۸۸	شرح الهدایة ۹۰-۱۴۹
طرائق الحقائق ۲۱۱	شرح همدانی ۱۱۷
طیماووس ۲۵	شروق الحکمه ۱۱۷-۱۲۹
عرشیه ۳۶	شفاء ۱۳-۱۵-۲۳-۳۱-۶۱-۶۶-۷۲-۹۰-
العرشیه ۱۷۸	۱۱۹-۱۱۶-۱۶۸
عرفان نامه ۱۳۷	الشفاء ۷۱-۱۸۱
عرفان الولی ۶۹	الشفاء فی الحکمة النظریه ۲۹
	شمس التواریخ ۱۷۹
	الشمسیه ۹۴
	شوارق ۳۸-۶۷-۶۸-۷۷-۱۲۳-۱۶۶-

قاذن ٢٥	عروة الوثقى ١٣٨
قانون ٢٥-٨٩-٩٠	علوم و عقائد ١٩٢
القانون ١٦١	عوارف المعارف ٢٥
قبسات ٢٥-١٩	عيون الانباء ١٧٧-٩٤-٢٠٣
قبلة آفاق ٩٤	عيون الحكم ٧١-٢٥
القرآن والعتره ٦٧	
قرة العيون ١٧٦	غرر ١٢٠
قصص العلماء ١٨١-١٨٤-١٨٦	غنية السعيد ٦٩
قصص خاقاني ١٨٢	
قصيده عينيه ٦٥	فارس نامه ١٩٧
قوائم الانوار ٣٥	فارسي هيئت ٩٥
قوانين الاصول ٥٠-١٥٥	فتوحات مكي ٢٥
قوت القلوب ٢٥	فرهنگ فلسفي ٧٣
	فصل الخطاب ٢٧
	فصل المقال ١٧٥
كافي ١٧٠-١٧٨	فصوص ٢٥-٥٩-٦٧-٧١-١٠١-١٣٠
الكبريت الاحمر ١٨٥	الفصوص ٦٣
كتاب الايضاح ١٢٤	فصوص الحكم ٢٥-٤٨
كتاب التوضيح ١٢٤	فلاسفة الشيعة ١٧٨
كتاب الرحيق ١١٦	الفوائد ١٨٦
كتاب العروه ٢٥	فوائد العرفان ٧١
الكتاب المبين ١٧٦	فوائد العقايد ٢٥
كتاب المقياس ١١٦	فوز الاصغر ٢٥
كتاب النبراس ١١٦	الفهرس ١٧٧
كتاب في اجوبة المسائل ١١٦	فهرست مشايخ علماء الزنجان ٢١٥
كتاب في الرد على الشيخيه ١١٦	فيصل التفرقه ٢٥
كتاب مختصر في المبداء والمعاد ١١٦	فيض الباري ١١٩
كرامات رضويه ٢٠٤	الفيض القدسي ١٨١
الكرام البرره ١٧٩	الفيلسوف الكبير الفارسي ١٠٠
كشف الحجب ١٨٠	
كشف الظنون ١٧٧	

مباحث ۲۴	کشکول ۱۰
مباحث مشرقیه ۲۴	الکشکول ۱۷۶
مباحثات ۲۴-۲۵	کشکول العرفاء ۷۹
مبدأ و معاد ۲۵-۱۵۵	کشکول هیدجی ۱۷۹
المبدأ والمعاد ۶۳-۱۷۸	کلمات مکنونه ۱۷۶
مثنوی ۳۳-۴۷-۵۲-۱۱۹-۱۲۲-۱۶۵-	الکلم والحکم ۱۹۲-۲۰۰
۱۸۳	کناش ۱۱
مجلی ۱۹	کنز الحکمہ ۱۷۸-۱۹۱-۱۹۳-۲۰۵
مجمع البحرین ۱۷۶	کیوان نامہ ۱۳۷-۱۹۱
مجمع العادات ۱۲۴	گزارش نامہ ۱۹۶-۲۰۶
مجمع الفصحاء ۱۸۷	گلزار ۱۸۶-۱۸۸-۱۹۹
مجموعه ۱۹۰	گلستان جاوید ۱۹۷
مجموعه اجوبه ۳۵	گلشن راز ۱۲۴
مجموعه انصاف ۱۳۱	گنجینه ۱۹۲-۱۹۳-۱۹۷-۱۹۹-۲۰۵
مجموعه بروجردی ۲۰۲	
مجموعه در حکمت و اخلاق ۱۷۰	
محاکمات ۲۵	لآلی ۱۱۷-۱۲۰-۱۲۳
محصل ۲۵	لباب الالقاب ۲۰۷
مدخل الزیج ۹۴	لطائف العرفان ۱۳۱-۱۳۲
مدینه الادب ۱۸۷-۱۹۷	لطائف غیبیه ۱۹۷
مذاهب و فلسفه در آسیای وسطی ۱۸۶	لقاء الله ۱۳۳
مذهب الذره ۱۷۶	لمعات الهیه ۳۶-۵۱
مرآت الحق ۱۸۳	لوائح ۱۹۰
مرآت العارفين ۱۸۵	لولوة البحرین ۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱
مراقبات السنه ۱۳۳	
مرام الحکمة ۱۳۱	مآثر ۱۸۹
المستدرک ۱۴۶	المآثر ۲۰۳-۲۰۷
مشاعر ۱۹-۳۳-۳۶-۴۵-۵۹-۱۵۶-۱۸۵	مآثر الکبراء ۲۱۰
المشاعر ۱۷۸	مآثر و آثار ۲۱۵
مصایح ۲۰۷-۲۱۵	مابعد الطبیعه ۱۵

مناظر ومرايا ۲۵	مصباح ۵۹-۶۶-۶۷-۱۹۱
مناهج الطريقه ۸۹	مصباح الانس ۶۶
منتخب نفيس ۲۰۶-۲۱۲	مصحف شريف ۸-۱۱
منطق شفاء ۲۴	مطرح الفحول ۷۱-۱۹۲
منطق و فلسفه ۱۸۲	مطرحات ۲۴
منظومه ۶۹-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۷	مطالب العاليه ۲۵
مواقف ۱۹-۲۵	مطالع ۲۹-۹۴
المهجة البيضاء ۲۰۲	مطلع الشمس ۲۰۳-۲۱۲
ميزان الصواب ۱۸۰	المظاهر الالهية ۱۷۸
مينودر ۲۰۷	معالم الاحكام ۱۵۵
ميوه زندگانی ۱۳۷-۲۰۵	معتبر ۲۵
نابغه ۱۸۵	معراجيه ۱۳۷
نامه دانشوران ۲۱۳	معرفت ربوبی ۷۱
نجات ۲۵	مغنی ۱۷۰
نجوم السماء ۱۸۰-۱۸۲	مفاتيح الغيب ۲۵
نزهة الارواح ۱۷-۱۸	مفتاح السعادات ۲۱۱
نزهة الافراح ۱۷۸	مفتاح الغيب ۵۹-۶۳-۶۷-۹۰
نصوص ۵۹	مفتاح الفلاح ۱۳۴
نفحات ۲۵	المفصل ۱۷۶
النفس ۹۴	مقاصد ۱۹-۱۷۷
النقباء ۱۹۲-۲۰۰-۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹-	مقاصد العليه ۲۵
۲۱۱	مقالات الحنفاء ۱۸۳-۱۹۲-۲۰۴-۲۱۰
نقباء البشر ۱۹۱-۱۹۳-۱۹۷-۱۹۹	مقالة ابي نصر الفارابي ۲۰۱
نقد المحصل ۲۵	مقامات العارفين ۸۲
نقش ميد ۲۱۵	المقدمه ۱۸۷
نقض المشاعر ۲۳	مكارم الآثار ۱۸۳
نگارستان ۱۹۰	مكيال اليقين ۸۲
نهج البلاغه ۹-۲۵-۸۶-۱۳۹-۱۷۶	ملخص ۲۵
	مناسك العاشقين ۱۸۵
	منازل السائرين ۲۶

هدایه میبدی ۲۵	وجدان ۶۵
هستی از نظر فلسفه و عرفان ۷۲	وسائل ۱۶۰
همائی نامه ۱۹۹-۲۰۴	الوسیله ۱۴۶-۱۷۶
هیاکل النور ۲۴	ولایت نامه ۱۲۳
یادنامه صدرا ۱۷۹	هدایه الحکمه ۹۴
یک سال در میان ایرانیان ۲۰۷-۲۱۴	هدایه السالکین ۸۲

Iranian Academy of Philosophy

Publication No. 65

A
Bio-bibliography
of
**Post-Sadr-ul-Muti'allihīn
Mystics & Philosophers**

by

Manuchehr Sadughī Sohā



Iranian Academy of Philosophy

Tehran 1980